



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



پوهنځی
د ادبیاتو
پوهنځی

۴

په ۲۰۲۰ کال کې د لومړي ځل لپاره
د پوهنځي د کورنيو رسنيو د لاس لاندې

روابطه د خټرو وپېسر

نوموړی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روابط دختر و پسر

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	روابط دختر و پسر
۱۱	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۶	اهداء
۱۸	همکاران در این جلد:
۲۰	«فهرست مطالب»
۳۰	درآمد:
۳۲	فصل اول: کلیات
۳۲	اشاره
۳۴	نظر قرآن در مورد عدالت حقوقی و حقیقی بین دختر و پسر چیست؟
۳۴	اشاره
۳۴	الف) تفاوت در ارزش، مقام و منزلت معنوی
۳۶	ب) تفاوت های طبیعی میان زن و مرد
۳۶	اشاره
۴۱	ستایش ها و نکوهش ها
۴۳	اگر دین اسلام میان دختر و پسر تفاوتی قائل نیست، چرا دیه دختر نصف دیه پسر است؟
۴۳	اشاره
۴۳	الف) تفاوت در ارزش، مقام و منزلت معنوی
۴۷	ب) تفاوت های بین زن و مرد
۴۸	مقصود از «فمینیسم» چیست و پیامدهای منفی آن در روابط زن و مرد کدام است؟
۴۹	جنبش فمینیستی و پیامدهای اجتماعی
۵۰	توصیه های جنبش فمینیستی و کنوانسیون و پیامدهای آن از نگاه صاحب نظران اجتماعی
۵۱	مقایسه جمعیت زیر ۱۵ سال و بیش از ۶۵ سال جهان سوم و جهان صنعتی
۷	

- ۷۴ فصل دوم: عشق
- ۷۴ اشاره
- ۷۶ عشق چیست و چرا باید عاشق شویم؟
- ۷۶ اشاره
- ۸۵ آثار عشق
- ۹۰ نظر قرآن درباره غریزه جنسی و لذت طلبی چیست؟
- ۹۰ اشاره
- ۹۰ ۱. لذت طلبی
- ۹۳ ۲. غریزه جنسی
- ۹۷ تحلیل روان شناختی - قرآنی رابطه میان دختر و پسر چیست؟
- ۱۱۰ علت برقراری روابط دوستانه ناسالم دختر و پسر
- ۱۱۲ پیامدهای دوستی ناسالم دختر و پسر
- ۱۱۵ برای برطرف کردن شهوت و زیادکردن تقوا چه راهکارهایی وجود دارد؟
- ۱۱۵ اشاره
- ۱۱۵ اول: شهوت و راه های کنترل آن
- ۱۱۸ دوم: تقوا و راه های افزایش آن
- ۱۲۱ اسلام برای کنترل عشق به جنس موافق و مخالف چه راهکاری پیشنهاد کرده است؟
- ۱۲۳ انواع عشق
- ۱۲۹ فصل سوم: معاشرت
- ۱۲۹ اشاره
- ۱۳۱ آیین معاشرت و ارتباط جوان مسلمان با جنس موافق و مخالف چیست؟
- ۱۳۴ راه های ارتباط:
- ۱۴۰ آیات مربوط به روابط دختر و پسر را بیان کرده و توضیح دهید.
- ۱۴۰ اشاره
- ۱۴۰ الف - آیات مربوط به گفتگوی موسی با دختران شعیب

- ب - آیات مربوط به تعیین افراد محرم و نامحرم و نگاه به آن ها ----- ۱۵۹
- ج: آیات مربوط به حجاب (تأمین سلامت اجتماعی و بهداشت روانی زنان) ----- ۱۶۷
- د: آیات مربوط به ازدواج و خواستگاری ----- ۱۷۱
- آیا رابطه با جنس مخالف از اقوام نزدیک جایز است؟ ----- ۱۷۲
- ارتباط دختر و پسر برای استفاده علمی چگونه است؟ ----- ۱۷۶
- اشاره ----- ۱۷۶
- اول: ارتباط کلامی ----- ۱۷۶
- دوم: ارتباط نگاهی ----- ۱۷۸
- سوم: ارتباط فیزیکی ----- ۱۷۸
- آیا داشتن دوست دختر (برای امریه معروف و نهی از منکر) مشکل دارد؟ ----- ۱۸۰
- امتیاز و آسیب های چت و ارتباطات اینترنتی چیست؟ ----- ۱۸۲
- در چه مواردی حضور زنان در ورزشگاه ها و چت کردن اینترنتی و همکاری شدن یک زن و یک مرد جایز است؟ ----- ۱۸۶
- چت کردن با شخصی که از جنسیت او ناآگاهیم، چه حکمی دارد؟ ----- ۱۸۸
- حضور بانوان در میدان های ورزشی مردان (مانند فوتبال و کشتی) وقتی که با شورت و زیرپوش بازی می کنند، چه حکمی دارد؟ ----- ۱۸۹
- آیا خلوت کردن دو نفر نامحرم در یک مکان جایز است؟ ----- ۱۹۰
- آیا ارتباط صمیمی بین دختر و پسر در هنگام همکاری یا میهمانی اشکال دارد؟ ----- ۱۹۱
- همجنس بازی و پیامدهای آن را از منظر قرآن، حدیث، فقه و بهداشت توضیح دهید. ----- ۱۹۲
- راهکارهای سالم سازی ارتباط دختر و پسر چیست؟ ----- ۲۰۲
- نظر قرآن و روایات در مورد تفریح های سالم، شادی و نشاط چیست؟ ----- ۲۰۸
- نیاز به شادی و تفریح ----- ۲۰۹
- نمودهای تفریح های سالم در دستوره های اسلام ----- ۲۱۵
- فصل چهارم: ازدواج ----- ۲۲۳
- اشاره ----- ۲۲۳
- نظر قرآن درباره خواستگاری و مقدمات آن چیست؟ ----- ۲۲۵
- اصول اولیه در نگاه و گفتگو قبل از ازدواج چیست؟ ----- ۲۲۸
- نگاه به جنس مخالف از منظر قرآن چگونه است؟ ----- ۲۳۱

- گفتگوی دختر و پسر قبل از ازدواج چه حکمی دارد؟ ۲۳۷
- دست دادن دختر و پسر چه حکمی دارد؟ ۲۳۹
- حضور دختران در اجتماع تا چه اندازه جایز است؟ ۲۴۱
- مواردی که در نگاه دختر و پسر استثنا شده کدام است؟ ۲۴۲
- بررسی آیه خواستگاری ۲۴۹
- الگوی قرآن در روابط دختر و پسر ۲۵۵
- موسی علیه السلام و دختران شعیب ۲۵۵
- چرا در جامعه ما مرد به خواستگاری زن می رود؟ ۲۵۸
- حکمت ها و اسرار خواستگاری مرد از زن ۲۵۹
- معیار انتخاب همسر شایسته از نظر قرآن چیست؟ ۲۶۱
- در هنگام مخالفت پدر و مادر با ازدواج، چه باید کرد؟ ۲۶۷
- فتوهای مراجع بزرگوار تقلید در مورد اذن پدر ۲۶۸
- آیا «قسمت بودن» در ازدواج از نظر اسلام صحیح است؛ یعنی مشخص است که در آینده با چه فردی ازدواج می کند؟ ۲۷۱
- اگر تعیین شده که در آینده با چه کسی ازدواج می کنیم، آیا این مصداق جبر نیست؟ ۲۷۳
- اهمیت ازدواج از دیدگاه قرآن و احادیث در چیست؟ ۲۷۷
- آثار و قواعد ازدواج چیست؟ ۲۸۲
- اشاره ۲۸۲
- الف) اثر اجتماعی (حفظ نسل) ۲۸۲
- ب) آثار فردی ۲۸۲
- ازدواج چند قسم است؟ ۲۸۷
- دلایل جواز ازدواج موقت ۲۸۸
- مسئولیت جامعه در مورد ازدواج جوانان چیست؟ ۲۹۱
- ازدواج های ممنوع کدام است؟ ۲۹۳
- رخصت در ازدواج چرا؟ ۲۹۸
- اقسام زنان و مسأله رخصت ۲۹۸
- کابین (مهر) چرا و چگونه؟ ۳۰۱

- تعیین مهر ۳۰۲
- مهر معین ۳۰۳
- چند همسری چرا و به چه شرطی؟ ۳۰۷
- قرآن چه توصیه هایی به زوجین دارد؟ ۳۰۹
- خواستگاری و عروسی چه آدابی دارد؟ ۳۱۱
- نظر قرآن در باره ازدواج موقت چیست؟ ۳۲۲
- ازدواج موقت در قرآن مجید ۳۲۶
- ازدواج موقت در روایات شیعه ۳۲۸
- فتوای جدید برخی از علمای اهل سنت درباره ازدواج موقت ۳۳۰
- ازدواج موقت در حقوق ۳۳۳
- احکام و مسائل متفرقه ۳۳۸
- از نظر قرآن و فقه چه تفاوتی بین زنا و عقد موقت وجود دارد؟ ۳۴۰
- گناه بزرگ ۳۴۰
- راهکار قرآنی برای سلامت جامعه ۳۴۱
- ویژگی های ازدواج موقت از منظر فقه ۳۴۳
- فصل پنجم: مسائل گوناگون روابط دختر و پسر ۳۴۶
- اشاره ۳۴۶
- اگر شخص به خاطر این که فرد مورد نظر از نظر ایمان کامل نیست و یا... با او ازدواج نکند، نظر اسلام در این مورد چیست؟ ۳۴۸
- ویژگی های همسر مناسب ۳۴۸
- شرایط چهارگانه کمال در همسر ۳۵۰
- آیا می توان با ارتباط تلفنی دختر یا پسری را ارشاد کرد؟ ۳۵۲
- اگر دختری برای انسان مزاحمت ایجاد کند، می تواند برای دور کردن آن از خویش با او صحبت کند؟ ۳۵۲
- آیا آرایش زنانه برای مردان اشکال دارد؟ توضیح این که برخی از جوانان مبادرت به برداشتن زیر ابرو، بند انداختن و... می نمایند، لطفاً حکم و فلسفه آن را مرقوم بفرمایید. ۳۵۲
- حکم نامه نگاری بین دختر و پسر نامحرم چیست و آیا ارتباط تلفنی جایز است؟ ۳۵۳
- شیوه اجرای عقد ازدواج و شرایط آن چگونه است؟ ۳۵۳
- احکام ازدواج در رساله مراجع چیست؟ ۳۵۳

۳۵۵	احکام عقد
۳۵۶	دستور خواندن عقد دائم
۳۵۷	دستور خواندن عقد غیردائم
۳۵۸	شرایط عقد
۳۶۱	فهرست منابع
۳۸۰	درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: روابط دختر و پسر [کتاب]/جمعی از پژوهشگران قرآنی [مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی].؛ زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۳۸۴ ص.

فروست: پرسش های قرآنی جوانان؛ ج. ۴.

شابک: ۵۷۰۰۰ ریال: ج. ۹۷۸-۴-۹۶۴-۲۵۳۴-۸۰-۷؛ ۶۲۵۰۰۰ ریال: دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۳۴-۸۸-۳

یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۶۲ - ۳۸۴، همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: قرآن -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع: جوانان -- جنبه های اخلاقی

موضوع: جوانان -- راه و رسم زندگی

موضوع: اخلاق جنسی جوانان

موضوع: نوجوانان و جوانان -- وضع اجتماعی

موضوع: جوانان مسلمان

شناسه افزوده: رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ -

شناسه افزوده: مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی (عج)

شناسه افزوده: پرسش های قرآنی جوانان؛ [ج. ۴]. ۴.

رده بندی کنگره: ۶۵/۲/BP۶۵/پ ۴ ج. ۴ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۶۵۸۰۲

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

عنوان و نام پدیدآور: روابط دختر و پسر / جمعی از پژوهشگران قرآنی [مؤسسه فرهنگی پژوهش های قرآنی المهدی]؛ زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۹۱ ش.

مشخصات ظاهری: ۳۵۲ ص.

فروست: پرسش های قرآنی جوانان؛ [ج. ۴].

شابک: دوره: ۳-۸۸-۲۵۳۴-۹۶۴-۹۷۸؛ ج ۴:۷-۸۰-۲۵۳۴-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۵۷۰۰۰ ریال.

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: قرآن - پرسش ها و پاسخ ها موضوع: روابط دختر و پسر.

شناسه افزوده: رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ - شناسه افزوده: مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ج. ۴۴ پ / ۶۵/۲ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۶۵۸۰۲

ص: ۴

به محضر مقدس امام حسین علیه السلام

و به جوانان پرسش گر و حق جو!

سپاسگزاری

از همه پرسشگران و نیز ستاد مسائل مستحدثه و گروه قرآن رادیو معارف که زمینه ساز این اثر شدند و نیز از پژوهشگران مؤسسه فرهنگی پژوهش های قرآنی المهدی که یاور ما در این جلد بودند، تشکر می کنیم.

ص: ۵

همکاران در این جلد:

۱. دکتر حسین علوی مهر؛
۲. دکتر محمد فاخر میدی؛
۳. سرکار خانم انصاری؛
۴. سید محمدعلی اعتصامی؛
۵. سید مهدی اعتصامی؛
۶. سید احمد بطحائی؛
۷. محمد پروینی؛
۸. سید حبیب حسینی؛
۹. حسین رحیمی؛
۱۰. نصرالله سلیمانی؛
۱۱. حسن صادقی؛
۱۲. نعمت الله صباغی؛
۱۳. سید عبدالرحمن موسوی انور؛
۱۴. روح الله محمدی؛
۱۵. محسن ملاکاظمی؛
۱۶. سید حسین نبوی؛
۱۷. علیرضا نوبری؛
۱۸. میثم ناظمی.

درآمد ۱۵

فصل اول: کلیات

قرآن در مورد عدالت حقوقی و حقیقی بین دختر و پسر چه می‌فرماید؟ ۱۹

الف - تفاوت در ارزش، مقام و منزلت معنوی ۱۹

ب - تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد ۲۱

ستایش‌ها و نکوهش‌ها ۲۶

اگر دین اسلام میان دختر و پسر تفاوتی قائل نیست، چرا دیه دختر نصف دیه پسر است؟ ۲۸

الف - تفاوت در ارزش، مقام و منزلت معنوی زن و مرد: ۲۸

ب - تفاوت‌های بین زن و مرد ۳۲

مقصود از «فمینیسم» چیست و پیامدهای منفی آن در روابط زن و مرد کدام است؟ ۳۳

جنبش فمینیستی و پیامدهای اجتماعی ۳۴

توصیه‌های جنبش فمینیستی و کنوانسیون و پیامدهای آن از نگاه صاحب نظران اجتماعی ۳۵

مقایسه جمعیت زیر ۱۵ سال و بیش از ۶۵ سال جهان سوم و جهان صنعتی ۳۶

روابط آزاد و برابر زن و مرد ۵۵

فصل دوم: عشق

عشق چیست و چرا باید عاشق شویم؟ ۶۱

آثار عشق ۷۰

ص: ۹

نظر قرآن دربارهٔ غریزهٔ جنسی و لذت طلبی چیست؟ ۷۴

۱. لذت طلبی ۷۴

۲. غریزه جنسی ۷۷

تحلیل روان شناختی - قرآنی رابطه میان دختر و پسر چیست؟ ۱۰۳

علت برقراری روابط دوستانه ناسالم دختر و پسر ۹۴

پیامدهای دوستی ناسالم دختر و پسر ۹۶

برای برطرف کردن شهوت و زیاد کردن تقوا چه راهکارهایی وجود دارد؟ ۹۹

اول: شهوت و راه های کنترل آن ۹۹

دوم: تقوا و راه های افزایش آن ۱۰۲

اسلام برای کنترل عشق به جنس موافق و مخالف چه راهکاری پیشنهاد کرده است؟ ۱۰۵

انواع عشق ۱۰۷

فصل سوم: معاشرت

آیین معاشرت و ارتباط جوان مسلمان با جنس موافق و مخالف چیست؟ ۱۱۵

راه های ارتباط: ۱۱۸

آیات مربوط به روابط دختر و پسر را بیان کرده و توضیح دهید. ۱۲۴

الف - آیات مربوط به گفتگوی موسی با دختران شعیب ۱۲۴

ب - آیات مربوط به تعیین افراد محرم و نامحرم و نگاه به آن ها: ۱۴۳

ج - آیات مربوط به حجاب (تأمین سلامت اجتماعی و بهداشت روانی زنان) ۱۵۱

د - آیات مربوط به ازدواج و خواستگاری ۱۵۵

آیا رابطه با جنس مخالف از اقوام نزدیک جایز است؟ ۱۵۶

ارتباط دختر و پسر برای استفاده علمی چگونه است؟ ۱۶۰

ص: ۱۰

اول: ارتباط کلامی ۱۶۰

دوم: ارتباط نگاهی ۱۶۲

سوم: ارتباط فیزیکی ۱۶۲

آیا داشتن دوست دختر (برای امر به معروف و نهی از منکر) مشکل دارد؟ ۱۶۴

امتیاز و آسیب های چت و ارتباطات اینترنتی چیست؟ ۱۶۶

در چه مواردی حضور زنان در ورزشگاه ها و چت کردن اینترنتی و همکار شدن یک زن و یک مرد جایز است؟ ۱۷۰

چت کردن اینترنتی ۱۷۳

زن و مرد در محیط کار ۱۷۴

همجنس بازی و پیامدهای آن را از منظر قرآن، حدیث، فقه و بهداشت توضیح دهید. ۱۷۶

راهکارهای سالم سازی ارتباط دختر و پسر چیست؟ ۱۸۶

نظر قرآن و روایات در مورد تفریح های سالم و شادی و نشاط چیست؟ ۱۹۲

نیاز به شادی و تفریح ۱۹۳

نمودهای تفریح های سالم در دستوره های اسلام ۱۹۹

فصل چهارم: ازدواج

نظر قرآن درباره خواستگاری و مقدمات آن چیست؟ ۲۰۹

اصول اولیه در نگاه و گفتگو قبل از ازدواج چیست؟ ۲۱۲

نگاه به جنس مخالف از منظر قرآن چگونه است؟ ۲۱۵

گفتگوی دختر و پسر قبل از ازدواج چه حکمی دارد؟ ۲۲۱

دست دادن دختر و پسر چه حکمی دارد؟ ۲۲۳

حضور دختران در اجتماع تا چه اندازه جایز است؟ ۲۲۵

مواردی که در نگاه دختر و پسر استثنا شده کدام است؟ ۲۲۶

بررسی آیه خواستگاری ۲۳۳

الگوی قرآن در روابط دختر و پسر ۲۳۹

موسی علیه السلام و دختران شعیب ۲۳۹

چرا در جامعه ما مرد به خواستگاری زن می رود؟ ۲۴۲

حکمت ها و اسرار خواستگاری مرد از زن: ۲۴۳

معیار انتخاب همسر شایسته از نظر قرآن چیست؟ ۲۴۵

در هنگام مخالفت پدر و مادر با ازدواج، چه باید کرد؟ ۲۵۱

آیا در ازدواج با دختر باکره اجازه پدر او واجب است؟ ۲۵۲

آیا «قسمت بودن» در ازدواج از نظر اسلام صحیح است؛ یعنی مشخص است که در آینده با چه فردی ازدواج می کند؟ ۲۵۵

اگر تعیین شده که در آینده با چه کسی ازدواج می کنیم، آیا این مصداق جبر نیست؟ ۲۵۷

اهمیت ازدواج از دیدگاه قرآن و احادیث در چیست؟ ۲۶۱

آثار و قواعد ازدواج چیست؟ ۲۶۶

الف - اثر اجتماعی (حفظ نسل) ۲۶۶

ب - آثار فردی ۲۶۶

ازدواج چند قسم است؟ ۲۷۱

دلایل جواز ازدواج موقت ۲۷۲

مسئولیت جامعه در مورد ازدواج جوانان چیست؟ ۲۷۵

ازدواج های ممنوع کدام است؟ ۲۷۷

رخصت در ازدواج چرا؟ ۲۸۲

اقسام زنان و مسئله رخصت ۲۸۲

کابین (مهر) چرا و چگونه؟ ۲۸۵

تعیین مهر ۲۸۶

مهر معین ۲۸۷

چند همسری چرا و به چه شرطی؟ ۲۹۱

قرآن چه توصیه هایی به زوجین دارد؟ ۲۹۳

خواستگاری و عروسی چه آدابی دارد؟ ۲۹۵

نظر قرآن در باره ازدواج موقت چیست؟ ۳۰۶

ازدواج موقت در قرآن مجید ۳۰۹

ازدواج موقت در روایات شیعه ۳۱۱

فتوای جدید برخی از علمای اهل سنت درباره ازدواج موقت ۳۱۳

ازدواج موقت در حقوق ۳۱۶

- احکام و مسائل متفرقه ۳۲۱

از نظر قرآن و فقه چه تفاوتی بین زنا و عقد موقت وجود دارد؟ ۳۲۳

گناه بزرگ: ۳۲۳

راهکار قرآنی برای سلامت جامعه ۳۲۴

ویژگی های ازدواج موقت از منظر فقه ۳۲۶

فصل پنجم: مسائل گوناگون روابط دختر و پسر

اگر شخص به خاطر این که فرد مورد نظر از نظر ایمان کامل نیست و یا... با او ازدواج نکند، نظر اسلام در این مورد چیست؟

ویژگی های همسر مناسب ۳۳۱

شرایط چهارگانه کمال در همسر ۳۳۳

ص: ۱۳

آیا می توان با ارتباط تلفنی دختر یا پسر را ارشاد کرد؟ ۳۳۵

اگر دختری برای انسان مزاحمت ایجاد کند، می تواند برای دور کردن آن از خویش با او صحبت کند؟ ۳۳۵

آیا آرایش زنانه برای مردان اشکال دارد؟ توضیح این که برخی از جوانان مبادرت به برداشتن زیر ابرو، بند انداختن و... می نمایند، لطفاً حکم و فلسفه آن را مرقوم بفرمایید. ۳۳۵

حکم نامه نگاری بین دختر و پسر نامحرم چیست و آیا ارتباط تلفنی جایز است؟ ۳۳۶

شیوه اجرای عقد ازدواج و شرایط آن چگونه است؟ ۳۳۶

احکام ازدواج در رساله مراجع چیست؟ ۳۳۶

احکام عقد ۳۳۷

دستور خواندن عقد دائم ۳۳۸

دستور خواندن عقد غیردائم ۳۳۹

شرایط عقد ۳۴۰

فهرست منابع ۳۴۳

ص: ۱۴

قرآن کریم نوری همواره تابان است که بر اندیشه ی بشر تایید و راه انسان ها را روشن ساخت، این کتاب منبع عظیم معرفتی و سفره ای الهی است (۱) که می تواند نسل های بشر را از زلال معرفت خویش سیراب سازد؛ و مقام دانش و دانشمندان را ارج می نهد و عالمان و جاهلان را مساوی نمی داند، (۲) بلکه با اشارات متعدد به مباحث علوم تربیتی، کیهان شناسی، زیست شناسی، رویان شناسی و روح و روان انسان بلکه با اشاره به مسائل فرا روانشناسی، حس کنجکاوی و پرسشگری انسان را تحریک می کند و زمینه رشد علوم را فراهم می سازد (۳).

پرسش کلید دانش است (۴) و ذهن پرسشگر ارجمند است، و وظیفه دانشمندان دریافت پاسخ از منابع قرآن، حدیث، عقل و علوم تجربی و ارائه آن به تشنگان حقیقت است.

از این رو جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه گردهم آمده و با تأسیس «واحد پاسخ به پرسش های تخصصی قرآن و علم»، و ارسال پرسش نامه به دانشگاه های مختلف، به گردآوری پرسش ها و ارائه پاسخ پرداخته اند و حاصل تلاش این عزیزان در این مجموعه گردآوری شده است.

بنده که از آغاز با این عزیزان همراهی داشته ام، شاهد تلاش علمی همراه با تعهد آنها بوده ام، که در حد توان کوشیده اند پاسخ های مناسب و متین ارائه نمایند. البته برخی پرسش ها نیز از طریق شنوندگان محترم رادیو

ص: ۱۵

۱- (۱). عن النبی صلی الله علیه و آله: القرآن مأدبه الله فتعلموا مأدبه ما استطعتم. (بحار، ج ۹۲، ص ۱۹)

۲- (۲). (هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ). (زمر / ۹)

۳- (۳). نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، از نگارنده.

۴- (۴). عن علی علیه السلام: العلم خزائن و مفاتيحها السؤال (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۳۰)

قرآن دریافت شده و در برنامه پرسش و پاسخ قرآنی آنجا پاسخ داده ایم که به این مجموعه اضافه شده است.

امیدوارم خدای متعال این خدمت علمی و قرآنی را از همه ی ما بپذیرد و در پرتو قرآن و اهل بیت علیهم السلام پاداش نیک عطا فرماید!

از آنجا که واحد تخصصی پاسخ به پرسش های قرآن و علم، مشمول حمایت ویژه «ستاد پاسخگویی به مسائل مستحدثه دینی دفتر تبلیغات» بوده، بر خود لازم می دانیم از مسئولین محترم ستاد تشکر کنیم.

در ضمن از خوانندگان محترم درخواست داریم که ما را از راهنمایی و پیشنهادات و انتقادات خویش محروم نفرمایند و از جوانان عزیز می خواهیم که اگر پرسش هایی در زمینه قرآن و علم دارند، به آدرس ما ارسال فرمایند [\(۱\)](#).

با سپاس

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

قم - ۸۵/۶/۷

ص: ۱۶

۱- (۱). آدرس: قم، خیابان سمیه، خیابان شهید رجایی، کوچه ۴، پلاک ۷۷. تلفن، پیام گیر، نمابر: ۰۲۵۱-۷۷۳۴۰۹۴-۰۲۵۱. ص. پ:

WWW.quransc.com Email: info@quransc.com quran@quransc.com قم ۳۷۱۸۵-۴۱۶

فصل اول: کلیات

اشاره

ص: ۱۷

نظر قرآن در مورد عدالت حقوقی و حقیقی بین دختر و پسر چیست؟

اشاره

* پاسخ

دختران و پسران جزئی از زنان و مردان اجتماع انسانی هستند و قرآن، از نظر حقیقی بین زن و مرد تفاوتی قائل نیست و اگر از نظر حقوقی نیز تفاوتی در بین باشد، براساس دلیلی است که از مطالب زیر روشن می شود.

تفاوت بین زن و مرد دو گونه است:

الف) تفاوت در ارزش، مقام و منزلت معنوی

همان گونه که از آیات قرآن به دست می آید، دین اسلام نه تنها در این زمینه بین زنان و مردان تفاوتی قائل نیست، بلکه زن و مرد را در ارزش ها، مقام و منزلت معنوی و انسانی مساوی می داند (۱) که به ذکر نمونه هایی از آیات قرآن می پردازیم.

۱. تساوی ارزش و مقام زن و مرد از نظر خلقت؛

قرآن کریم در آیاتی متعدد (۲)، زن و مرد را از یک طینت دانسته و اعلام می کند که زن و مرد از «نفس واحده» خلق شده اند و مکمل یکدیگرند (۳).

۲. تساوی ارزش و مقام زن و مرد، در داشتن صفات برجسته و ارزش های والای انسانی و مقام معنوی؛ (۴)

ص: ۱۹

۱- (۱). ر. ک: قرآن در آئینه اندیشه ها، جمعی از نویسندگان سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۳۷۸؛ سیری در مسائل خانواده، حبیب الله طاهری، ص ۲۸-۳۲.

۲- (۲). نساء / ۱؛ اعراف / ۱۸۹.

۳- (۳). ر. ک: تفسیر نور و تفسیر المیزان ذیل آیه ۱ سوره نساء.

۴- (۴). ر. ک: تفسیر نمونه، ذیل آیه ۳۵ سوره احزاب.

۳. تساوی زن و مرد از نظر ثواب (۱) و عقاب (۲) اعمال

قرآن در کیفرها و ثواب اعمال، به زن و مرد به طور یکسان خطاب کرده، قبح گناه و اعمال حرام و کیفر آن‌ها، و نیز ثواب اعمال را در مورد زن و مرد مساوی بیان می‌کند.

۴. تساوی زن و مرد در تکلیف و مسئولیت پذیری

قرآن کریم با مطرح کردن زندگی آدم و حوا و رانده شدن آن‌ها از بهشت، هیچ یک را مسئول اصلی معرفی نمی‌کند و در بیشتر مواقع، هر دو را مسئول می‌داند (۳) و حتی گاهی به صراحت می‌گوید: «شیطان آدم را وسوسه کرد». قرآن با این بیان بر روی اعتقاداتی مانند این که «زن را عنصر گناه و شیطان کوچک مطرح می‌کنند» خط بطلان می‌کشد (۴).

۵. تساوی زن و مرد از نظر تعلیم و تعلم

از آیات قرآن کریم به دست می‌آید که همه مسلمانان اعم از زن و مرد باید به کسب علم و دانش اهتمام ورزند (۵). در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «فراگیری دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است» (۶).

۶. برابری زن و مرد در پیشگاه خدا

خداوند در قرآن می‌فرماید: «در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا، خود نگهدارترین [پارساترین] شماست!» (۷) در واقع قرآن ملاک برتری نزد خداوند را تقوا می‌داند (چه زن و چه مرد).

ص: ۲۰

۱- (۱). نساء / ۱۲۴؛ نحل / ۹۷؛ غافر / ۴۰.

۲- (۲). مائده / ۳۸؛ توبه / ۶۸.

۳- (۳). طه / ۱۱۷؛ اعراف / ۲۰-۲۲.

۴- (۴). ر. ک: هادی دوست محمدی، شخصیت زن از دیدگاه قرآن، ص ۴۲.

۵- (۵) جمعی از نویسندگان سازمان تبلیغات اسلامی، ر. ک: قرآن در آئینه اندیشه‌ها، ص ۳۸۰.

۶- (۶). محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۴۶۳.

۷- (۷). حجرات / ۱۳.

با وجود مطالبی که در مورد تساوی زن و مرد گذشت، تفاوت های موجود میان زن و مرد را نمی توان انکار کرد؛ تفاوت هایی که زن و مرد را از یکدیگر متمایز می سازند و همین تفاوت هاست که باعث تفاوت در حقوق و وظایف زنان و مردان می شود. در این جا به برخی تفاوت های طبیعی زن و مرد اشاره می کنیم.

۱. تفاوت های زیستی (جسمی)؛

الف) تفاوت های اساسی تعیین کننده جنسیت؛

ب) تفاوت های ثانوی در اندام؛

برای مثال، به طور متوسط مردان درشت اندام تر، بلند قدتر، خشن تر و دارای صدای متفاوت با زنان می باشند. رشد عضلانی مرد و نیروی بدنی او از زن بیشتر است؛ مقاومت زن در مقابل بسیاری از بیماری ها، از مقاومت مرد بیشتر است و... (۱)

از آن جا که بین نفس [روح و روان] و جسم، تناسب و ارتباط متقابل برقرار است. تفاوت جسمانی بدون تفاوت روانی [و روحی] ممکن نیست و این برای بقا و کمال جامعه و نسل بشری ضروری است (۲).

۲. تفاوت های روانی

احساسات [و عواطف] زن، از مرد جوشان تر است؛ زن از مرد زودتر به هیجان می آید و سریع تر تحت تاثیر احساسات و عواطف خویش قرار می گیرد. زن طبعاً به زینت، زیور، جمال و آرایش علاقه دارد. احساسات زن بی ثبات تر از مرد است، زن از مرد محتاطتر و مذهبی تر است [و مردها

ص: ۲۱

۱- (۱). مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۰۵-۲۰۶.

۲- (۲). محمد فنایی اشکوری، منزلت زن در اندیشه اسلامی، ص ۱۵.

معمولاً جسورتر و شجاع تر می باشند [احساسات زن، مادرانه است و علاقه زن به خانواده بیشتر است و... (۱)]

۳. تفاوت های اجتماعی حاصل از جامعه انسانی و رفتارها و مناسبات میان آدمیان.

با توجه به تفاوت هایی که در توانایی ها و نقش اجتماعی زن و مرد وجود دارد عقل سلیم اقتضا می کند که برای انجام نقش ها، بین زن و مرد تفاوت قایل شویم؛ به این ترتیب که:

۱. نقش ها و کارهایی که زن و مرد هر دو امکان اجرا دارند؛

۲. نقش هایی که با ساخت جسمی و روحی زن متناسب است؛

۳. نقش هایی که با ساخت روحی و جسمی مرد متناسب است. (۲)

۴. تفاوت در برخی احکام دینی نشأت گرفته از وحی

همان گونه که گذشت، تفاوت های طبیعی و فطری (جسمی و روحی) وظایف و تکالیف خاصی را برعهده انسان ها (زن و مرد) می گذارد و به علت همین تفاوت هاست که برای مردان و زنان، احکام و تکالیف دینی خاصی معین شده است. (۳)

بعد از بیان تفاوت های بین زن، مرد و اقسام آن، لازم است نکاتی را مورد توجه قرار دهیم:

۱. با دقت در آیه ۱۱ سوره نساء در می یابیم که قرآن کریم برای اهتمام به حق زن هنگام تعیین سهم ارث، ارث زن را اصل و مبنا قرار داده و آن را مسلم دانسته و معیار ارث معرفی می نماید، آن گاه می فرماید: (لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ)؛ یعنی موقع بیان سهم برادر، نمی فرماید که خواهر نصف سهم

ص: ۲۲

۱- (۱). مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۰۶-۲۰۷.

۲- (۲). محمد فنایی اشکوری، منزلت زن در اندیشه اسلامی، ص ۱۸.

۳- (۳). همان، ص ۲۰.

برادر می برد تا معیار اصلی، سهم برادر باشد، بلکه معیار و اصل مفروض و مسلم را ارث خواهر که دختر میّت است، قرار می دهد و سهم برادر را دو برابر سهم خواهر بیان می کند، تا اصل ارث زن قطعی و مفروغ عنه باشد (۱). این احتمال نیز وجود دارد که محور بودن دختر در آیه یاد شده برای جبران بی توجهی به دختر باشد (۲).

۳. در مورد برخی احکام فلسفه هایی ذکر شده است که بعضی از آن ها را عقل سلیم درک می کند و برخی از آن ها در منابع دینی به نام فلسفه احکام و اسرار عبادات آمده است که البته به صورت کامل نمی باشد و این مورد حکمت حکم است نه علت آن و بعضی دیگر از احکام نه فلسفه آن ها در کتاب های دینی آمده است و نه عقل ما آن ها را درک می کند و ناگزیر از روی تعبد آن ها را بپذیریم و به آن ها عمل کنیم؛ زیرا براساس علم و حکمت الهی بوده است.

نکته جالب این که از آنجا که خداوند تمام قوانین حقوقی را براساس حقوق فطری و ویژگی های انسان تنظیم و تدوین فرموده است، در پایان آیه ارث (نساء / ۱۱) دو اسم از اسمای حسناى الهی را یادآور می شود... و آن «علم» و «حکمت» خداوند است (... إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا)؛ یعنی شما از علم و حکمت کافی برخوردار نیستید تا راز تفاوت را که در هسته مرکزی عدل نهفته است، در آن جستجو کنید، لیکن خداوند آگاه و حکیم است؛ همه علل تساوی و عوامل تفاوت را جمع بندی نموده و بر مدار حکمت، به صورت دستورهای معتدل حقوقی صادر می فرماید تا مسائل در سنت و مانند آن، از «تفریط» جاهلیت کهن و از «افراط» جاهلیت جدید و مُدرن مصون بماند (۳).

ص: ۲۳

۱- (۱). عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۳۴۷.

۲- (۲). ر. ک: تفسیر نور، ذیل آیه ۱۱ سوره نساء.

۳- (۳). ر. ک: همو زن در آئینه جلال و جمال، ص ۳۴۷.

۵. عدالت آن نیست که در تقسیم چیزی، به همه افراد به طور مساوی بدهند؛ برای مثال، در یکی از اتاق های بیمارستان که یک متخصص مسئول معالجه بیماران آن اتاق است، برای هر کدام با توجه به وضعیت آن ها دستور غذایی خاص می دهد؛ در دستور غذایی یکی چلومرغ است و دیگری سوپ و به بیماری نیز اجازه غذا خوردن نمی دهد که ممکن است برای برخی جای تعجب باشد و بگویند چرا به همه یک نوع غذا نمی دهد؟

عدالت آن است که هر چیزی را به موقع، و در جای خودش قرار دهیم و خداوند که حکیم و علیم است و خود خالق انسان ها می باشد، می داند که مصالح و مفاسد بندگان خود در چیست و از این رو، احکام را بر اساس مصالح و مفاسد وضع می کند، هر چند در ظاهر برای برخی افراد ناخوشایند باشد؛ بنابراین، آنچه ناپسند است، تبعیض می باشد نه تفاوت.

تذکر مهم

احکام اسلامی به صورت اجزای یک سیستم و شبکه به همدیگر مرتبط هستند و گاهی با توجه به همدیگر، حکم جدید وضع می شود؛ از این رو، در موقع قضاوت و داوری و اشکال گرفتن به یک حکم، باید به احکام دیگر بی توجه نبود و از همه جوانب به آن نگاه کرد؛ برای مثال، داوری درباره تقسیم ارث زنان که از قوانین اقتصادی اسلام است، باید با توجه به قوانین اقتصادی دیگر اسلام باشد.

اسلام مسئولیت اقتصادی خانواده را به مرد واگذار و بر او واجب کرده است، در حالی که در این باره به عهده زن هیچ مسئولیتی گذاشته نشده است، و از سوی دیگر، به هنگام ازدواج مهریه زن بر عهده مرد است که پرداخت آن عندالمطالبه بر مرد واجب می باشد؛ از این رو لازم است احکام و قوانین اقتصادی را به صورت یک شبکه و سیستم به هم پیوسته نگریست نه از هم گسیخته و جدا جدا.

ص: ۲۴

۶. در قانون ارث همیشه این گونه نیست که سهم پسر دو برابر دختر باشد و در مواردی از این قانون تبعیت نمی شود که عبارت اند از (۱):

الف) مواردی که سهم زن بیشتر از مرد است

۱. موردی که میت غیر از پدر و دختر، وارث دیگری نداشته باشد که در این جا پدر ۶/۱ می برد و دخترش بیش از او.
۲. موردی که میت دارای نوه باشد و فرزندان او در زمان حیات وی مرده باشند، که در این جا نوه پسر، سهم پسر را می برد (هرچند دختر باشد) و نوه دختری، سهم دختر را می برد (هرچند پسر باشد).

ب) مواردی که زن به مانند مرد ارث می برد

۱. در صورتی که میت فرزند داشته باشد، هر یک از پدر و مادر ۶/۱ از سهم ارث را می برند، و سهم پدر از مال فرزند (در این مورد) بیشتر از مادر نیست.
۲. کلاله مادری - یعنی برادر و خواهر مادری میت - به اندازه مساوی ارث می برند (۲).

در وضع احکام و قوانین، قانون به صورت کلی وضع می شود و ناظر به موارد جزئی و استثنایی نیست و بر محور افراد دور نمی زند؛ برای مثال، اسلام مسئولیت اقتصادی خانواده را بر عهده مرد قرار داده و بر او واجب کرده است؛ از این رو در وضع قوانین، اسلام مرد را محور و رکن اقتصادی و نان آور خانواده می داند، حال اگر دختری مجرد و ازدواج نکرده باشد، موردی استثنایی است، ولی قانون، کلی و برای همه زنان است.

اما در مورد این که گفته شده است: «در برخی روایات تبعیض حقوقی به ویژه بین زن و شوهر به چشم می خورد.» توجه به چند نکته لازم است.

ص: ۲۵

۱- (۱). همو، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۳۴۶ و ۳۴۵.

۲- (۲). نساء، ۱۲ و ۱۱.

اولاً باید تمام روایات را بررسی کرده و مورد مطالعه قرار دهیم تا بتوانیم به صورت جامع و دقیق قضاوت کنیم؛

ثانیاً هر روایتی که مشکل به نظر می‌رسد، باید به صورت خاص ذکر شود؛

ثالثاً بین تفاوت و تبعیض فرق بگذاریم؛ زیرا در بسیاری از روایات تفاوت‌ها بیان شده نه تبعیض؛

رابعاً: اگر در بعضی روایات برخی زنان نکوهش شده‌اند، دلیلی خاص دارد.

ستایش‌ها و نکوهش‌ها

گاهی حادثه و یا موضوعی در اثر یک سلسله عوامل تاریخی، زمانی، مکانی، افراد، و شرایط و علل و اسباب آن، ستایش یا نکوهش می‌شود. معنای این ستایش و نکوهش این نیست که اصل طبیعت آن شیء قابل ستایش و یا مستحق نکوهش است، بلکه احتمال دارد زمینه خاصی سبب این ستایش و نکوهش شده باشد؛ مثلاً اگر قبیله‌ای ستایش شود، احتمال دارد به خاطر آن باشد که مردان خوبی در آن عصر از این قبیله برخاسته‌اند و شاید در موقعی دیگر افرادی از آن قبیله مستحق نکوهش باشند و مورد نکوهش واقع شوند(۱)؛ همان‌گونه که از بصره و کوفه نیز در زمینه‌هایی نکوهش شده، در صورتی که بصره رجال علمی فراوانی تربیت کرده و کوفه نیز مردان مبارز و کم‌نظیری را به اسلام تقدیم کرده است، و کسانی که به خون خواهی سالار شهیدان علیه السلام برخاستند، از کوفه برخاسته بودند.

در نتیجه نمی‌توان گفت چون مثلاً کوفه یا بصره نکوهش شده است، آن دو شهر برای همیشه و ذاتاً بد و سزاوار نکوهش‌اند.

آری قضایای تاریخی در یک مقطع حساس زمینه ستایش و یا نکوهش را فراهم می‌کند و با گذشت آن مقطع، زمینه مدح و ذم منتفی می‌گردد(۲).

ص: ۲۶

۱- ((۱)). همان، ص ۳۶۸.

۲- ((۲)). همان، ص ۳۶۹.

بخشی از نکوهش های نهج البلاغه در مورد زن نیز ظاهراً به جریان جنگ جمل باز می گردد(۱) و یک قانون کلی و همگانی دربارهٔ عموم زنان نیست، بلکه با توجه به این که این خطبه بعد از جنگ جمل (که عایشه به راه انداخت) از امام علی علیه السلام صادر شده است، دربارهٔ دستهٔ خاصی از زنان می باشد که در این گونه مسیرها گام برمی دارند؛ چنانچه ابن ابی الحدید - از علمای سنی مذهب - در شرح نهج البلاغه در مورد این خطبه می نویسد: «هذا الفصل كله رمز الى عایشه (۲)؛ تمام این خطبه اشاره به عایشه است.» وگرنه چه کسی می تواند فداکاری های زنان بزرگ و با شخصیتی همچون حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت فاطمه زهرا و زینب کبری - علیها السلام - و... را در راه اسلام، انکار کند؛ و از طرفی هم حضرت علی علیه السلام نیز برای آنان احترام فوق العاده ای قائل بود(۳).

معرفی کتاب:

۱. تفسیر المیزان، سید محمدحسین طباطبایی، ذیل آیات مربوطه؛

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛

۳. تفسیر نور، محسن قرائتی؛

۴. قرآن در آئینه اندیشه ها، جمعی از نویسندگان؛

۵. سیری در مسائل خانواده، حبیب الله طاهری؛

۶. شخصیت زن از دیدگاه قرآن، هادی دوست محمدی؛

۷. نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری؛

۸. منزلت زن در اندیشه اسلامی، محمد فنایی اشکوری؛

۹. زن در آئینهٔ جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی.

ص: ۲۷

۱- (۱). همان.

۲- (۲). شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید (المعتزلی)، ج ۳، ص ۳۱۹.

۳- (۳). ترجمه نهج البلاغه، مکارم شیرازی، ص ۳۹۰.

اگر دین اسلام میان دختر و پسر تفاوتی قائل نیست، چرا دیه دختر نصف دیه پسر است؟

اشاره

* پاسخ

دختران و پسران جزئی از جامعه انسانی زنان و مردان هستند و تفاوت بین زن و مرد دو گونه است:

الف) تفاوت در ارزش، مقام و منزلت معنوی

همان گونه که از آیات قرآن به دست می آید، دین اسلام نه تنها در این زمینه بین زنان و مردان تفاوتی قائل نیست، بلکه زن و مرد را در ارزش ها، مقام و منزلت معنوی و انسانی، مساوی می داند که به ذکر نمونه هایی از آیات قرآن می پردازیم.

۱. تساوی ارزش و مقام زن و مرد از لحاظ خلقت؛

قرآن کریم در آیاتی متعدد، زن و مرد را از یک طینت دانسته و اعلام می کند که زن و مرد از «نفس واحده» خلق شده اند و مکمل یکدیگرند؛ از جمله: «(یا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً)؛ (۱) ای مردم! [خودتان را] از [عذاب] پروردگارتان حفظ کنید، (همان) کسی که شما را از یک شخص آفرید؛ و از او همسرش را آفرید، و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت.»

۲. تساوی ارزش و مقام زن و مرد در داشتن صفات برجسته و ارزش های والای انسانی و مقام معنوی؛

در سوره احزاب می خوانیم: «در حقیقت، مردان مسلمان و زنان

ص: ۲۸

مسلمان، و مردان با ایمان و زنان با ایمان، و مردان فرمانبردار [فروتن] و زنان فرمانبردار [فروتن]، و مردان راست گو و زنان راست گو، و مردان شکبیا و زنان شکبیا، و مردان فروتن و زنان فروتن، و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده، و مردان روزه دار و زنان روزه دار، و مردانی که دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می کنند و زنانی که (دامان خویش را) حفظ می کنند، و مردانی که خدا را فراوان یاد می کنند و زنانی که (خدا را فراوان) یاد می کنند، خدا برای آنان آمرزش و پاداش بزرگی آماده کرده است.»(۱)

در تفسیر آیه چنین آمده است: «گاه بعضی چنین تصور می کنند که اسلام کفه سنگین شخصیت را برای مردان قرار داده و زنان در برنامه اسلام چندان جایی ندارند؛ شاید منشأ اشتباه آن ها پاره ای از «تفاوت های حقوقی» باشد که هر کدام دلیل و فلسفه خاصی دارد، ولی بدون شک با قطع نظر از این گونه تفاوت ها که با موقعیت اجتماعی و شرایط طبیعی آن ها ارتباط دارد، هیچ گونه فرقی از جنبه های انسانی و مقامات معنوی میان زن و مرد در برنامه های اسلام وجود ندارد. آیه فوق دلیل روشنی بر این واقعیت است؛ زیرا به هنگام بیان ویژگی های مؤمنان و اساسی ترین مسائل اعتقادی و اخلاقی و عملی، زن و مرد را در کنار یکدیگر همچون دو کفه یک ترازو قرار می دهد و برای هر دو ارزشی یکسان، بدون کم ترین تفاوت قائل می شود...»(۲)

۳. تساوی زن و مرد از لحاظ ثواب و عقاب اعمال

قرآن در احکام، کیفرها و ثواب اعمال، به زن و مرد یکسان خطاب کرده، قبح گناه، اعمال حرام و ممنوع، و کیفر آن ها، و نیز ثواب اعمال را در مورد زن و مرد مساوی بیان می کند؛ از جمله:

ص: ۲۹

۱- (۱). (إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصِدِّقِينَ وَالْمُتَصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا)، احزاب / ۳۵.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۱۷، ذیل آیه ۳۵ سوره احزاب.

- «و مرد دزد و زن دزد، به کیفر آنچه به دست آورده اند [و] به خاطر مجازات [پیش گیرانه ی] الهی، دست هایشان را قطع کنید؛ و خدا شکست ناپذیری فرزانه است.» (۱)

- «خدا به مردان منافق و زنان منافق و کافران، آتش جهنم را وعده داده است، در حالی که در آن ماندگارند؛ آن (آتش) برای آنان کافی و خدا آنان را از رحمت خود دور ساخته؛ و برایشان عذابی پایدار است.» (۲)

- «و هر کس از مرد یا زن، (چیزی) از (اعمال) شایسته انجام دهد در حالی که او مؤمن باشد، پس آنان داخل بهشت می شوند؛ و کم ترین ستمی به آنها نخواهد شد.» (۳)

- «هر کس از مرد یا زن، [کار] شایسته ای انجام دهد، در حالی که او مؤمن است، پس قطعاً او را به زندگانی پاکیزه ای زنده می داریم؛ و حتماً مزدشان را بر طبق بهترین چیزی که همواره انجام می دادند، به آنان پاداش خواهیم داد.» (۴)

- «هر کس از مرد یا زن، (کار) شایسته ای انجام دهد، در حالی که او مؤمن است، پس آنان داخل بهشت می شوند در حالی که در آنجا بی شمار «روزی» داده می شوند.» (۵)

۴. تساوی زن و مرد در تحمل تکلیف و مسئولیت

قرآن کریم با مطرح کردن زندگی آدم و حوا و رانده شدن آن ها از

ص: ۳۰

۱- (۱) ((و السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ))، مائده / ۳۸.

۲- (۲) ((وَ عَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَ الْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَ لَعْنَهُمُ اللَّهُ وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ))، توبه / ۶۸.

۳- (۳) ((وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظَلَّمُونَ نَقِيرًا))، نساء / ۱۲۴.

۴- (۴) ((مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ))، نحل / ۹۷.

۵- (۵) ((مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ))، غافر / ۴۰.

بهشت هیچ کدام را مسئول اصلی معرفی نمی کند و در بیشتر مواقع هر دو را مسئول می داند و حتی گاهی به صراحت می گوید: شیطان آدم را وسوسه کرد و قرآن با این بیان بر روی اعتقاداتی مانند این که «عنصر گناه و شیطان کوچک دانستن زن» خط بطلان می کشد.

«فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِرِزْوَجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى» (۱)؛ و گفتیم: «ای آدم! در حقیقت این (ابلیس) دشمن تو و همسر توست؛ پس شما را از باغ بیرون نکند؛ که به زحمت خواهی افتاد».

«فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ...» (۲)؛ و آنان را با فریب (از مقامشان) فرو آورد».

«فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ...» (۳)؛ و شیطان آن دو را وسوسه کرد».

۵. تساوی زن و مرد از لحاظ تعلیم و تعلم

از آیات قرآن کریم به دست می آید که همه مسلمانان اعم از زن و مرد باید به کسب علم و دانش اهتمام ورزند؛ برای نمونه، قرآن بارها یاد آور می شود که قرآن را بخوانید، تلاوت کنید و پیرامون آیات آن بیندیشید. تفکر و تدبر در آیات خداوند و در طبیعت و عبرت از آن ها نیز بارها در قرآن توصیه شده است و قرآن در این زمینه میان زن و مرد تفاوتی قائل نیست و هرگز کسب علم و دانش را به یک جنس خاص محدود نمی کند. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است:

«طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه؛ (۱) فراگیری دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.»

۶. مساوات زن و مرد در پیشگاه خدا

خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (۵)؛ ملاک برتری نزد خداوند تقوا می باشد (چه زن چه مرد).

ص: ۳۱

این‌ها نمونه‌هایی از تساوی ارزشی و مقام و منزلت معنوی زن و مرد بود که در این‌جا به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

(ب) تفاوت‌های بین زن و مرد

با وجود مطالبی که در مورد تساوی زن و مرد گذشت، نمی‌توان تفاوت‌های موجود میان زن و مرد را منکر شد، تفاوت‌هایی که زن و مرد را از یکدیگر متمایز می‌سازد و همین تفاوت‌هاست که باعث تفاوت در حقوق و وظایف زن و مرد می‌شود.

یادآوری: در مورد تفاوت‌های زن و مرد در مباحث قبلی مطالب مبسوطی بیان شد.

مقصود از «فمینیسم» چیست و پیامدهای منفی آن در روابط زن و مرد کدام است؟

* پاسخ

فمینیسم (جنبش دفاع از حقوق زنان) با تمام افت و خیز و تشّت درونی اش، به تدریج به یک حرکت حقوقی وسیع اندیشید. پیدایش سازمان ملل متحد به عنوان بالاترین نهاد مدنی، تعاملات ملت ها را به سمت روابط دیپلماتیک تر سوق داد، و کمیسیون حقوق بشر شورای اقتصادی و اجتماعی این سازمان اعلامیه ای را تهیه کرد که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ م، ۱۹ آذر ۱۳۲۷ مجمع عمومی به تصویب رساند. شش سال بعد، مجمع عمومی بر این اساس دو قرار یا دو میثاق سامان داد که یکی شامل «حقوق سیاسی و مدنی» و دیگری شامل «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» شد. این دو میثاق به منزله دو ساز کار مهم برای اعلامیه ای جهانی حقوق بشر بودند که در نهایت در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی از تصویب مجمع عمومی گذشت (۱).

آنچه این پیشینه مختصر را به بحث ما مرتبط می سازد، این است که تمام این نوشته ها با وجود تأکیدشان بر «حقوق طبیعی و فطری» آحاد انسان ها، به صراحت وحدیت زنان را مخاطب قرار نداده و مدافعان حقوق زن را ابداً راضی نکرده اند. بر این اساس، آن ها تلاش خود را به این سمت معطوف ساختند که سازمان ملل متحد را به عقد معاهده ای وادار نمایند که موضوع اصلی آن، زنان و هدف اساسی آن، بررسی حقوق زنان و مردان باشد. این تلاش ها در ۷ نوامبر ۱۹۶۷ به تهیه پیش نویسی درباره مسائل زنان با عنوان «اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان» انجامید. پیش نویس یاد شده پس از تصویب

ص: ۳۳

۱- (۱). نظام بین الملل حقوق بشر، حسین مهرپور، ص ۴۳-۴۶ (با تلخیص).

نهایی به صورت «کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» در آمد و در ردیف معاهدات حقوقی بین المللی با تضمینات لازم قرار گرفت. زمان تصویب معاهده فوق ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ م، آذرماه ۱۳۵۸ و زمان لازم الاجرا شدن آن (به دلیل الحاق حد نصاب لازم از کشورها به آن) ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ م، ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ بود.

از آن پس، با رویکرد مستمر این سازمان به مسئله زنان روبه رو هستیم، به گونه ای که این سازمان طی ۲۷ سال گذشته پنج کنفرانس جهانی مخصوص زنان برگزار کرده که در هر کدام از آن ها چگونگی پیشرفت یا رکود کشورها در مسائل زنان گزارش و بررسی شده است. در تمام این اجلاس ها شاخص اصلی، کنوانسیون محو تبعیض از زنان بوده است.

کنفرانس های مزبور عبارت اند از: کنفرانس مکزیکوسیتی (۱۹۷۵)، کپنهاک (۱۹۸۰)، ناپروبی (۱۹۸۵)، پکن (۱۹۹۴) و نیویورک (۲۰۰۰) (۱).

جنبش فمینیستی و پیامدهای اجتماعی

«کنوانسیون» که در واقع نتیجه تلاش جنبش های فمینیستی است، همنا با جنبش های فمینیستی زنان غرب به منظور استیفای حقوق زنان و در جهت احیا و تثبیت جایگاه واقعی آنان، سیاست ها و برنامه هایی را با تأکید به اعضای خود توصیه نموده است. مواردی نیز مانند فرصت های شغلی برابر، آموزش های مختلط به جای قالب های سنتی آموزش، الغای محدودیت های سنتی حضور اجتماعی زنان و روابط آزاد مرد و زن از جمله برنامه های جنبش های فمینیستی و کنوانسیون برای یکسان سازی جایگاه زنان و مردان در جهان است که از دیرباز بسیاری از جوامع غربی تحت تأثیر امواج اجتماعی و فرهنگی فمینیستی به این توصیه ها عمل کرده اند. اکنون پس از چندین دهه فرصت آزمون و خطا، وقت ارزیابی برنامه های فمینیستی و توصیه های آنان فرا رسیده است. این در حالی است که جمعی از

ص: ۳۴

۱- (۱) نقد کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، خانم علاسوند، ص ۲۱-۲۳ (با اندکی تلخیص).

جامعه‌شناسان غربی و منتقدان اجتماعی مقولاتی را که با تأکید از سوی کنوانسیون و جنبش فمینیستی توصیه شده است، برای علل اصلی برخی معضلات اجتماعی بر شمرده‌اند. هدف ما در این جا نشان دادن همین نقاط تلاقی است؛ یعنی مواردی که از سوی کنوانسیون و جنبش فمینیستی به جوامع انسانی، به ویژه جامعه زنان، توصیه شده‌اند، ولی نظریه‌های آسیب‌شناسی آن را علت بروز اختلالات و ناهنجاری‌های اجتماعی معرفی می‌کنند. اگر چه بررسی و تبیین همهٔ نقاط تلاقی کار دشوار و پیچیده‌ای است که فرصت مناسب تری را می‌طلبد، مواردی که در این جا مورد بررسی و استناد قرار گرفته، در جدول (شماره ۱) به نمایش گذاشته است:

جدول شماره ۱:

توصیه‌های جنبش فمینیستی و کنوانسیون و پیامدهای آن از نگاه صاحب نظران اجتماعی

ص: ۳۵

در اینجا به بررسی معضلات اجتماعی جوامع صنعتی غرب و ارتباط آن‌ها با مقولات مورد عنایت کنوانسیون و جنبش فمینیستی می‌پردازیم:

۱. رشد منفی یا سیر نزولی جمعیت

یکی از مسائل و معضلات بزرگ اجتماعی، تئوری‌های توسعه یافته رشد منفی (یا ساخت پیر) جمعیت است. در جمعیت‌شناسی، «رشد منفی جمعیت» به سیر نزولی و انقراض تدریجی یک نسل تعریف شده است؛ به تعبیر روشن‌تر، با رشد منفی جمعیت در یک جامعه ناقوس‌های مرگ و انقراض آن جامعه به صدا درآمده است. این پدیده نامیمون هنگامی رخ می‌دهد که نسل حاضر به تولید نسل بعدی (جانشین) تمایلی نشان ندهند و یا حداکثر به یک (یا حتی دو) فرزند بسنده کنند، بدیهی است که در این گونه جوامع، درصد بزرگسالان و سال‌خوردگان نسبت به درصد کودکان و نوجوانان مساوی یا بیشتر است.

مطالعات جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که ساخت جمعیت در کشورهای پیشرفته صنعتی اروپایی و آمریکایی، پیر و در کشورهای جهان سوم جوان است. مقایسه جمعیت زیر ۱۵ سال و بیش از ۲۵ سال در چند کشور جهان سوم و جهان صنعتی غرب در سال ۱۹۹۷ مطلب فوق را تأیید می‌کند:

جدول شماره ۲:

مقایسه جمعیت زیر ۱۵ سال و بیش از ۶۵ سال جهان سوم و جهان صنعتی

ص: ۳۶

ویلیام. ژگود کاهش درصد موالید در کشورهای مغرب زمین بین سال های ۱۸۶۶-۱۹۶۱ را یادآور می شود. این کاهش به خصوص در چهارده کشور، به موازات توسعه صنعتی مشاهده شده است: در فرانسه ۲۵ تولد برای ۱۰۰۰ نفر در سال های ۱۸۸۱-۱۱۸۵ در مقابل هجده تولد سال ۱۹۵۹ و ۱۶۷ تولد در سال های ۱۹۶۷-۱۹۶۹ بوده است.

در ایالت متحده آمریکا چهل تولد برای هزار نفر در سال ۱۸۸۰، ۲۳/۵ تولد در سال ۱۹۶۱ و ۱۷/۵ تولد در سال ۱۹۶۸ ثبت شده است. در کشورهای کاپیتالیست (ایالت متحده آمریکا، فرانسه، کانادا، بلژیک و...) و سوسیالیست (شوروی، رومانی، اتریش) درصد تولدها کاهش بیشتری داشته است (۱). در آمریکا طی سال های اخیر به طرز قابل توجهی از تعداد خانواده هایی که دارای سه فرزند یا بیشتر بودند کاسته شده و در مقابل به تعداد خانواده هایی که دارای فرزند نیستند، افزوده شده است (۲). رشد منفی جمعیت و پیامدهای زیانبار اجتماعی و سیاسی آن، همان خطر و بحرانی است که فیلسوف و روانشناس شهیر فرانسوی - پیرژانه - از سال ها قبل آن را به مغرب زمین، به ویژه فرانسه کشور متبوعش، گوش زد کرده بود.

«کشور فرانسه را اکنون خطری بزرگ و سهمناک تهدید می کند. این خطر را نیاکان ما درست احساس نمی کرده اند، ولی در هر صورت حتمی و نزدیک است. بسیاری از گویندگان و نویسندگان بحران موالید و خطر نقصان جمعیت را یادآوری کرده اند. از چند سال پیش، میزان موالید (یعنی نسبت عدۀ نوزادان هر سال به تعداد جمعیت) پیوسته رو به کاهش می رود و این کاهش در هر سرشماری بعدی محسوس تر است. تعداد نوزادان که در سال ۱۸۶۹ در حدود یک میلیون بوده، به تدریج کاهش یافته است و در

ص: ۳۷

۱- (۱) جامعه شناسی خانواده و ازدواج، اندره میشل، ترجمۀ فرنگیس اردلان، ص ۱۵۷.

۲- (۲) سیمای زن در جهان - آمریکا، ص ۳۲.

سال ۱۹۲۲ به ۷۶۰۰۰۰ رسیده است.... نقصان جمعیت، کشور را به سقوط سیاسی و نظامی و همچنین به ورشکستگی اقتصادی، عقلی و اخلاقی تهدید می کند.... نقصان جمعیت به تدریج از سلامت بدنی و فکری نژاد ما می کاهد. اگر نقصان نوزادان ادامه پیدا کند، ناچار کشور فرانسه شاهد و ناظر انحطاط و تنزل فاحش خود خواهد بود^(۱). این خطر و پیامد منفی آن چنان آینده و بقای کشورهای صنعتی غرب را تهدید می کند که دولت مردان و سیاست مداران آن سامان را به اتخاذ سیاست و تدابیر تشویقی برای افزایش بارداری ناگزیر ساخته است. به گفته یکی از کارشناسان جمعیت شناسی «اصلی ترین سیاست کشورهای توسعه یافته در سال های اخیر سیاست جمعیتی تشویق ولادت بوده است.»^(۲)

چهارچوب تئوریک یک رشد منفی جمعیت و مفاد گزاره های فمینیستی در کنوانسیون

علت اصلی و اساسی این سیر نزولی جمعیت در کشورهای فمینیستی، پیامد اجتماعی چه متغیر مستقلی است؟

در پاسخ به سؤال فوق و در بررسی و تحلیل رشد منفی جمعیت، صاحب نظران و منتقدان اجتماعی بر نقاط مشترکی دست گذاشته اند، ولی علل و عواملی که از سوی آنان برای این پدیده ناخواسته معرفی شده، همان اموری است که فمینیست ها در مفاد کنوانسیون بدان توصیه، سفارش و تاکید می کنند:

الف) اشتغال بانوان

اشتغال بانوان و ایجاد فرصت های شغلی برابر با مردان که فمینیست ها در ماده ۸۱ کنوانسیون بدان توصیه و تاکید کرده اند، از سوی جمعیت شناسان و محققان اجتماعی از جمله عوامل اصلی کاهش میزان رشد جمعیت در کشورهای غربی و صنعتی معرفی شده است.

ص: ۳۸

۱- (۱) درآمدی بر اندیشه ها و نظریه های جمعیت شناسی، احمد کتابی، ص ۲۳۴ و ۲۳۵.

۲- (۲) جمعیت و تنظیم خانواده، صمد کلانتری، ص ۱۲۷.

ارتباط میان این دو متغیر (اشتغال زنان و سقوط رشد جمعیت) در نزد جامعه شناسان و جمعیت شناسان به قدری بدیهی است که برای کنترل و تعدیل رشد جمعیت در کشورهای جهان سوم، اشتغال بانوان را توصیه می کنند: (۱) خانم «اندره میشل» در کتاب جامعه شناسی خانواده و ازدواج در بررسی عوامل کاهش میزان جمعیت در کشورهای صنعتی می نویسد:

«در کشورهای صنعتی، مطالعات نشان می دهد که نقش زن در خانواده دگرگون شده؛ زن ازدواج کرده که در خارج از منزل کار می کند، وظایف سنگین مربوط به خانه را نیز انجام می دهد، پس این سوال پیش می آید که آیا وظایف دو جانبه ما در جامعه امروز تا حدودی در کاهش متولدین موثر نیست؟ آمار فرانسه و آمریکا - من باب مثال - نشان می دهد که تعداد کودکان زنان شاغل معمولاً نسبت به زنانی که شاغل نیستند، کم تر است. در پاریس، یک مطالعه نمونه گیری احتمالی روی ۴۵۰ خانواده پاریسی نشان

ص: ۳۹

۱- (۱) جمعیت و تنظیم خانواده، حلم سرشت، پرپوش و دل پیشه، اسماعیل، ص ۶۶.

داده که میانگین تعداد فرزندان زنان ازدواج کرده شاغل ۱/۴۸ است و میانگین آن برای زنانی که کار نمی کنند ۲/۵۰ است. در ایالات متحده آمریکا تعداد فرزندان با تعداد سال هایی که زن ازدواج کرده شاغل است، نسبت معکوس دارد.»^(۱)

به هر حال کشورهای فمینیستی مغرب زمین، امروزه به سر دو راهی دشواری قرار گرفته اند؛ آیا بر شعار تساوی و برابری پافشارند و اشتغال بانوان را پا به پای مردان ترویج کنند، یا از شعار جهانی خود (ضرورت اشتغال برابر زنان با مردان) دست بردارند و به برگشت بانوان به خانه برای تولید نسل و بهبود نرخ رشد جمعیت رضایت دهند؟

ب) روابط جنسی آزاد

از نظر کارشناسان علوم اجتماعی یکی دیگر از عوامل رشد منفی جمعیت در غرب، گسترش فزاینده روابط عاطفی و جنسی آزاد است. مواد ۱ و ۳ کنوانسیون، جوامع انسانی را از اعمال هرگونه محدودیت زنان به سبب تمایزها و تفاوت های جنسیتی بر حذر می دارد و این گونه محدودیت ها را تبعیض ناروا بر زنان و ممنوع می شمارد. دقیقاً بر همین اساس کنوانسیون در بند «ج» از ماده ۱۰ خواستار اختلاط و ارتباط آزاد دختران و پسران در مدارس می شود و در بند «الف» از ماده ۵ نیز الغای رسوم و روش های سنتی، تعصب آمیز و کلیشه ای را در روابط زن و مرد توجیه می کند.

در الگویی که گزاره های فمینیستی و کنوانسیون از روابط اجتماعی زن و مرد ارائه می دهند، زنان مانند مردان آزادند با هر فردی که دوست دارند، روابط عاطفی و دوستانه برقرار کنند و در این راه، تفاوت های جنسی و

ص: ۴۰

۱- ((۱)) جامعه شناسی خانواده و ازدواج، اندره میشل، ترجمه فرنگیس اردلان، ص ۱۹۶.

طبیعی آنان با مردان مجوز معقول و مشروعی برای ممنوعیت رابطه دوستی آنان با مردان نیست. پیامد طبیعی و منطقی چنین توصیه ای که در کشورهای اروپایی و صنعتی غرب به دقت عمل می شود، طبق آمار و واقعیت موجود در این گونه کشورها، افزایش چشمگیر میزان روابط جنسی نامشروع به ویژه در قشر دانش آموزان دبیرستانی و حتی راهنمایی، است.

بنابر برخی برآوردها شمار افرادی که در آمریکا قبل از نخستین ازدواج خود تجربه زندگی مشترک خارج از ازدواج با دیگری را داشته اند، از ۱۱ درصد در سال ۱۹۷۰ به حدود ۵۰ درصد در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است. به ادعای یک پزشک آمریکایی که در یکی از زایشگاه های این کشور فعالیت داشته و در مورد مشکلات محل کار خود مقاله ای نوشته است، بیشتر موالید مربوط به زنان پایین تر از ۲۰ سال و تقریباً ۹ درصد از زایمان های زنان سیاه پوست همسن آنان مربوط به موالید نامشروع بوده است (۱).

نکته ای که در این مطلب به بحث ما (رشد منفی جمعیت در غرب) مربوط می شود، این است که شیوع روابط آزاد زنان و مردان موجب ارضای غرایز و نیازهای جنسی آنان می گردد و تمایل نداشتن به تشکیل خانواده که دارای بار مسئولیت است، یا تأخیر در سن ازدواج را به دنبال دارد.

ص: ۴۱

آمارهای اجتماعی در کشورهای اروپایی و صنعتی نشان می دهد، میان رشد و افزایش روابط جنسی نامشروع و تأخیر در ازدواج، همبستگی و رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی به همان میزان که فراوانی رابطه نامشروع افزایش می یابد، سن ازدواج نیز بالا می رود و پدیده خانواده گریزی بروز می کند.

خانم اندره میشل در گزارش یونسکو (۱۹۹۱-۱۹۹۲) اعلام می کند که شمار فزاینده ای از مردان و زنان در پی زندگی مشترکی هستند بیرون از مدار ازدواج قراردادی در سراسر اروپا. افزایش شمار وصلت های غیررسمی، کاهش در میزان ازدواج را ترسیم می کند. تنها در فرانسه که در این زمینه از کشورهای اسکاندیناوی بسیار عقب تر است، ده درصد ازدواج ها (حدود یک میلیون زوج) در دایره وصلت های آزاد با هم زندگی می کنند. این نسبت میان زوج های جوانی که در پاریس و حول و حوش آن زندگی می کنند و سن مرد در میان آن ها از ۲۵ سال کم تر است تا ۵۰ درصد بالاتر می رود.

گزارش کارشناسان اجتماعی مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری درباره وضعیت سیاسی و اجتماعی آمریکا نیز نشان می دهد که رواج ارزش های جدید جوامع صنعتی و غربی همچون همجنس بازی، زندگی مشترک خارج از چهارچوب ازدواج، روابط جنسی غیر مشروع... در آمریکا، ازدواج سنتی و خانواده را با تهدیدات زیادی مواجه کرده اند. در طی دو سه دهه گذشته در کشورهای غربی زندگی مشترک خارج از ازدواج رشد زیادی کرده است. در نروژ، دانمارک و سوئد از هر ۱۰ زوج ۳ تا ۴ زوج زندگی مشترک خارج از ازدواج دارند. این نرخ در سوئیس، فرانسه، انگلستان و هلند بین ۱ تا ۲ و در ایتالیا، اسپانیا، ایرلند و سایر کشورهای کاتولیک کم تر است. امروزه آمار زندگی مشترک خارج از

ازدواج در آمریکا رشد نگران کننده ای یافته است؛ بنابر برخی تخمین ها، تعداد افرادی که قبل از نخستین ازدواج خود تجربه زندگی مشترک خارج از ازدواج را با دیگری داشته اند، از ۱۱٪ در سال ۱۹۷۰ به ۵۰٪ در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است... (۱).

۲. روابط نامشروع جنسی

دومین پیامد اجتماعی اجرای مفاد گزاره های فمینیستی و کنوانسیون در مغرب زمین رشد فزاینده «روابط جنسی خارج از چهارچوب خانواده» است. فمینیست ها با التزام به ضرورت نادیده انگاری تفاوت های جنسی و طبیعی میان زنان و مردان، از آزادی روابط زن و مرد و حتی اختلاط آزاد جنسی آنان در مدارس، حمایت و به آن توصیه کرده اند. جوامع غربی این توصیه را مانند توصیه پیشین (فرصت های برابر شغلی برای زنان و مردان) تحت تاثیر جنبش های فمینیستی پذیرفتند و دقیقاً اجرا کردند و جامعه عمل پوشاندند، به گونه ای که مدارس و ورزشگاه های مختلط از نمادهای برجسته آن است؛ اما این تمام داستان نیست. ناگفته پیداست که روابط آزاد جنسی، بستری مناسب برای رشد و گسترش تمایلات جنسی است. نظریات روان کاوی در مورد رفتار جنسی مؤید این واقعیت است؛ برای مثال، می توان به نظریه «هورنای» در باره تمایلات جنسی اشاره کرد. هورنای معتقد است علت این که گاه نیاز به محبت به صورت تمایلات جنسی در می آید، عوامل مختلفی از جمله اوضاع و احوال فرهنگی و تربیتی است. در اجتماع هایی که روابط جنسی آزاد است، بسیاری از احتیاجات روانی شکل تمایلات جنسی پیدا می کنند و به صورت عطش جنسی در می آیند (۲).

ص: ۴۳

۱- (۱) سیمای زن در جهان - آمریکا، ص ۳۴-۳۵.

۲- (۲). رفتارهای جنسی انسان، علی اسلامی نسب، ص ۸۷.

مطالعات و تحقیقات اجتماعی که جامعه شناسان و روان شناسان اجتماعی در آمریکا و کشورهای اروپایی انجام داده اند، نیز مؤید نظریه فوق است.

«هانت» نتایج تحقیقات خود را در باره رفتارهای جنسی در مردان و زنان در مقایسه با تحقیقات «کین» در سی سال گذشته در کتابی به نام رفتار جنسی نگاشت که در اوایل دهه ۱۹۷۰، مؤسسه (pl boy) آن را منتشر کرد. نتیجه مقایسه تحقیقات هانت و کین در ۲۴ ایالت از ایالات متحده انجام شده، بیانگر آن است که در دهه های اخیر، آمیزش جنسی قبل از ازدواج بر اثر آزادی های جنسی افزایش یافته است؛ اما آمریکاییان سعی داشته اند که نتایج تحقیقات هانت را اشتباه جلوه دهند تا خود را از مشکلات مربوط به آن برهانند(۱).

گزارش نشریه آمریکایی ریدرز دایجست در سپتامبر ۱۹۹۶ نیز نظریه «هورنای» و نتایج تحقیقات «هانت» را تایید کرد. طبق این گزارش، هر ساله ۳۵۰ هزار دختر نوجوان آمریکایی در سنین بین ۱۵ تا ۱۹ (دوره دبیرستان) به سبب ارتباطهای نامشروع آبستن شده و فرزندان غیر قانونی خود را به دنیا می آورند که این آمار در دهه های اخیر، سال به سال در حال افزایش است. این دختران با رؤیایی چون ازدواج با دوستان پسرشان، اتمام تحصیلات، شروع یک زندگی ایده آل و دست یابی به یک شغل مناسب، به این ارتباط غیرقانونی روی می آورند، ولی بسیار زود پرده های سراب گونه این اوهام به کنار رفته و واقعیت زندگی روی خود را نشان می دهد و متأسفانه این بیداری درست در زمانی به دست می آید که این دختران نوجوان دیگر شأنی برای برخورداری از یک زندگی سالم و ایده آل ندارند.

این نشریه در ادامه گزارش خود، با اشاره به چگونگی آشنایی و برقراری ارتباط این دختران نوجوان با هم کلاسی های پسرشان، طی گفتگویی با برخی از این دختران به نقل از یکی از آنها می نویسد:

ص:۴۴

«ای کاش زمان به عقب بر می گشت! ای کاش من به عنوان عضوی از خانواده در میان والدینم جای داشتم! ای کاش هنگامی که زمینه های ایجاد یک ارتباط نامشروع برایم فراهم شده بود، کمی هم به زندگی آینده ام می اندیشیدم و این گونه به پایان خط نمی رسیدم!»^(۱)

آمارهای نگران کننده فراوان در این زمینه ارائه شده است که برای رعایت اختصار از بیان آن صرف نظر می کنیم؛ اما از آنچه گذشت، می توان نتیجه گرفت که: اولاً: روابط نامشروع و خانواده های پیش از ازدواج، در آغاز پدیده ای رایج اما ناخواسته و زیانبار نزد افکار عمومی غرب بوده است و ثانیاً: رواج این پدیده از نظر جامعه شناسان و روان شناسان اجتماعی غربی، ارتباط و همبستگی مستقیمی اجرا و تحقق گزاره های فمینیستی، به ویژه آزادی روابط زن و مرد، دارد؛ اما قضیه به همین جا ختم نمی شود.

برای آگاهی دقیق از پیامدهای اجتماعی اجرای مفاد گزاره های فمینیستی، به ویژه آزادی روابط و اختلاط زن و مرد، در غرب باید جاده روابط نامشروع را تا پایان بپیماییم؛ به بیان دیگر، نانی که دیدگاه های فمینیستی بر سر سفره غربی ها گذاشته اند، در ظاهر به گسترش روابط نامشروع ختم می شود، ولی واقعیت پنهان آن سقط جنین، موالید نامشروع، خشونت و تجاوز به زنان، خانواده های تک والدینی (مادر و فرزند)، بیماری های عفونی، و اخوردگی جنسی و گرایش به همجنس بازی، روسپی گری و فروپاشی بنیاد خانواده است که از آن به بحران اخلاق و خانواده در غرب یاد می کنند^(۲).

در این جا از نمایی نزدیک، با گوشه ای از ارقام و آمار موجود درباره پیامدهای روابط غیر رسمی در غرب آشنا می شویم.

ص: ۴۵

۱- (۱) فمینیسم جهانی و چالش های پیش رو، عبدالرسول هاجری، ص ۵۷.

۲- (۲) همان، ص ۵۸.

بی شک موالید نامشروع بدیهی ترین پیامد روابط غیررسمی در غرب است. به گفته «اندره میشل» در ایالت متحده آمریکا درصد متولدین کودکان نامشروع سفید پوست و غیر سفید پوست در یک دوره سی ساله بالا رفته است. از سال ۱۹۴۰ تا سال ۱۹۶۹ از صد کودک به دنیا آمده غیر سفید پوست، هفده کودک نامشروع بوده و در سال ۱۹۶۹ این درصد به ۳۱ رسیده است و برای سفیدپوستان در دوره یاد شده افزایش از ۲ درصد به ۵/۳ درصد می باشد.

امروزه یکی از بزرگ ترین معضلات جامعه آمریکا حاملگی دختران نوجوان و زایمان های نامشروع آنان است. طی سال های

۱۹۸۲ تا ۱۹۸۸

ص: ۴۶

نسبت دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله آمریکایی که سابقه آمیزش جنسی داشتند، از ۴۷ درصد به ۵۲ درصد افزایش یافت و با توجه به این که اکثر آنان از وسایل پیشگیری از بارداری نیز استفاده نمی کردند، آمار موالید نامشروع نیز افزایش چشمگیری یافت (۱).

نوزادان نامشروع، عقده های روانی و فشارهای زندگی

حال که جریان بحث، به میزان فزاینده موالید ناخواسته در غرب رسید، بد نیست به واقعیتی تلخ در این باره اشاره کنیم. موالید نامشروع در کشورهای غربی، سرنوشت شومی پیش رو دارند. آن ها محکوم اند که در کنار مادر (خانواده های تک والدینی)، اقوام و بستگان مادر یا در پرورشگاه ها زندگی سخت و پرمشقتی را سپری کنند و از آن بدتر، عنوان تحقیرآمیز و شکننده «بچه سرراهی و نامشروع» را تا پایان عمر بر دوش کشند. موالید نامشروع به سهم خود عامل بسیاری از بحران ها، ناامنی ها و انحراف ها در جوامع غربی بوده و هستند که امروزه قتل های خیابانی و خودکشی های جوانان و... معلول همین علت است.

۲/۲. سقط جنین

روابط غیررسمی و آبستنی های ناخواسته راهی است که در پایان به موالید نامشروع یا سقط جنین می انجامد؛ به بیان دیگر سقط جنین در کنار تولد موالید نامشروع، آخرین ایستگاهی است که روابط آزاد بدان منتهی می شود؛ از این رو، در کنار شمار روزافزون موالید نامشروع آمار سقط جنین در کشورهای غربی به ویژه دانش آموزان همواره رو به افزایش بوده است:

بنابر آمارهای منتشر شده در سال ۱۹۹۳ هر ساله حدود یک میلیون زن نوجوان آمریکایی حامله می شوند که ۴۰ درصد آنان داوطلبانه و ۱۳ درصد

ص: ۴۷

آن به علت بیماری، اقدام به سقط جنین می کنند و ۴۷ درصد باقی، فرزند نامشروع خویش را به دنیا می آورند. نرخ سقط جنین های قانونی که در سال ۱۹۹۱ در آمریکا صورت گرفته ۱/۳۸۸/۹۳۷ مورد بوده است؛ به سخن دیگر، در این سال در مقابل هر هزار نوزادی که متولد شده، ۳۳۹ مورد سقط جنین صورت گرفته که رقم بسیار بالایی است (۱).

این پدیده ناهنجار که معلول روابط آزاد جنسی به ویژه اختلاط دختران و پسران دانش آموز است، خطری است که جان شمار زیادی از زنان را تهدید می کند؛ از این رو، همان کسانی که دیروز از روابط آزاد و اختلاط دختران و پسران دانش آموز (که زمینه را برای روابط نامشروع و آبستنی های ناخواسته فراهم کرده اند) حمایت می کردند، امروزه فریادشان به وانفسا برخاسته است. در ماده ۹۶ از اعلامیه پایانی چهارمین کنفرانس جهانی زنان (پکن ۱۹۹۵) آمده است:

سقط جنین های ناایمن جان شمار زیادی از زنان را تهدید می کند و بیانگر مسأله ای خطیر در بهداشت عمومی است؛ زیرا عمدتاً فقیرترین و جوان ترین افراد در معرض بیشترین خطرها قرار می گیرند.

سپس در بند دال از ماده ۱۰۶ با عنوان «اقداماتی که باید اتخاذ شود» برای جلوگیری از این پدیده شوم آمده است:

بررسی و بازنگری قوانینی که در بردارنده اقدامات جزایی علیه زنان است که به سقط جنین غیرقانونی دست زده اند، در پرتو مفاد بند ۸/۲۵ برنامه عمل کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه می باشد که بیان می دارد: تحت هیچ شرایطی نباید سقط جنین به عنوان روش تنظیم خانواده مطرح گردد و از دولت ها و سازمان های ذی ربط بین الدولی و غیر دولتی مصرّاً

ص: ۴۸

۱- (۱). فمینیسم جهانی و چالش های پیش رو، عبدالرسول هاجری، ص ۶۲-۶۳.

درخواست می شود تعهد خویش را به بهداشت زنان تحکیم بخشند و با پیامدهای سقط جنینِ ناایمن به منزله یکی از نگرانی های عمده بهداشت عمومی برخورد نمایند.

۲/۳. گسترش روسپی گری و شیوع بیماری های مقاربتی

گسترش روسپی گری و بیماری های عفونی و مقاربتی را باید از ضلع های دیگر مثلث شوم روابط آزاد جنسی برشمرد؛ به بیان دیگر، روابط آزاد جنسی نقطه عزیمت و سکوی پرش به سوی روسپی گری و بیماری های مقاربتی است. این پدیده به ویژه در بین دختران جوانی که به طور ناخواسته، آبستن و صاحب فرزند (یا فرزندان) نامشروع شده اند، شایع است؛ زیرا بدین وسیله فرصت های اشتغال و تحصیل را از دست می دهند و برای تامین هزینه های زندگی و رهایی از فقر به خودفروشی رو می آورند. ارتباط و همبستگی واقعی میان سه پدیده یاد شده به گونه ای است که حتی مراکز رسمی بین المللی که مروج روابط آزاد دختران و پسران بوده اند، نتوانسته اند آن را انکار کنند، بلکه به اشاره آن را تأیید کرده اند. اعلامیه جهانی پکن (۱۹۹۵) در ماده ۱۲۲ ضمن تأیید روابط و همبستگی میان روابط آزاد و آمیزش نامشروع، پیامدهای روابط آزاد دختران و پسران (آبستنی های ناخواسته و بیماری های مقاربتی) به ویژه در مدارس و آموزشگاه ها را هشدار می دهد و برای کنترل این عواقب زیانبار، طرح ها و برنامه های آموزش جنسی را توصیه می کند؛ از سوی دیگر، همین اعلامیه خطرهای مادر شدن زود هنگام دختران جوان و پیامدهای آن (ترک تحصیل و از دست دادن فرصت های اشتغال) را که به فقر شدید آنان ختم می شود، گوشزد می کند:

دختران نوجوان، هم از نظر زیست شناختی و هم از نظر ویژگی های روانی - اجتماعی در برابر سوء استفاده و خشونت جنسی و روسپی گری و

نیز پیامدهای روابط جنسی بی محافظه و پیش از بلوغ آسیب پذیرند. روندی که هم اینک به راستای تجربه زود هنگام جنسی پیش می رود، همراه با فقدان اطلاعات و خدمات، احتمال خطر آبستنی های ناخواسته و بسیار زود هنگام، آلودگی به ایدز و دیگر بیماری هایی که انتقالشان از طریق دستگاه جنسی است و نیز سقط جنین های نا ایمن را افزایش می دهد. فرزند آوری زود هنگام همچنان یکی از موانع بهبود منزلت آموزشی، اقتصادی و اجتماعی زنان در همه نقاط جهان است....

۲/۴. افول ازدواج و تشکیل خانواده

برای بررسی پیامدهای روابط جنسی آزاد در غرب، اینک بر اساس آخرین گزارش، به سقوط آمار ازدواج و تشکیل خانواده در غرب می پردازیم.

خانواده یکی از کهن ترین، گسترده ترین و کارآمدترین نهادهای اجتماعی است. قدمت این نهاد به آغاز زندگی بشر باز می گردد. گستره

ص: ۵۰

خانواده به یک منطقه یا قبیله اختصاص ندارد، بلکه چتر جغرافیایی آن همه جوامع، ملل، قبایل و نژادها را در بر می گیرد. اگر چه دنیای مدرن و فرهنگ مدرنیته، بسیاری از عناصر و مولفه های سنتی زندگی اجتماعی را ناکارآمد و از صحنه خارج کرد، کارکردهای متنوع، متعدد و انکارناپذیر این درخت کهن به گونه ای است که سازمان های بین المللی در سال های اخیر برای حفظ، احیا و گسترش آن در مقابل امواج سهمگین و خانمان برانداز فرهنگ مدرنیته سالی را به نام «سال خانواده» تعیین کردند.

ضعف و رخوت این نهاد کهن و مبارک را هیچ جامعه ای بر نمی تابد. این در حالی است که فرهنگ مدرن در کشورهای صنعتی غرب سر ناسازگاری با ازدواج و تشکیل خانواده گذاشته و آمار ازدواج و تشکیل خانواده در این گونه جوامع در دهه های اخیر سیر نزولی شدیدی داشته است. گزارش اداره کل غرب اروپا - وزارت خارجه - از آخرین شاخصه های جمعیتی اروپا خبر داده است. طبق این گزارش در سراسر اروپا ازدواج قانونی در خطر انحطاط قرار دارد. نرخ ازدواج که در سال ۱۹۸۰ به میزان ۶/۳ در هر ۱۰۰۰ نفر بوده، اینک به ۰.۰۵٪ کاهش یافته است.

گزارش یاد شده که به آمار و گزارش های «یورو استارت» (ارائه آمار کمیسیون اروپا) مستند است، در جایی دیگر اعلام می کند که میزان ازدواج در اروپای مرکزی و شرقی در فاصله سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۷ به طور فاجعه آمیزی به نصف و حتی کم تر سقوط کرده است.

امروزه با توجه به کاهش شدید ازدواج در آمریکا، ساختار خانواده در این کشورها با مشکلات متعددی رو به رو شده است. در مورد کاهش میزان ازدواج در این کشور همین بس که ۱۲ درصد از زنان ۳۵ تا ۳۹ ساله در سال ۱۹۹۱ هرگز ازدواج نکرده بودند. این میزان در سال ۱۹۹۸ تنها ۶/۲ درصد بود و در طی ۱۰ سال تقریباً دو برابر شده است (۱).

ص: ۵۱

اکثر قریب به اتفاق کارشناسان و نظریه پردازان علوم اجتماعی، علت اساسی این پدیده را گسترش روابط آزاد و نامشروع جنسی پیش از ازدواج دانسته اند. ناگفته پیداست که گزینه جنسی و نیاز به محبت و عاطفه، از جمله علل و انگیزه های اصلی گرایش انسان به ازدواج و تشکیل خانواده است؛ از این رو، جوامع انسانی در طول تاریخ برای پاسخ گویی به نیازهای جنسی و عاطفی بیشتر - نوعاً - به ازدواج و تشکیل خانواده روی آورده اند.

حال اگر نیازهای مذکور از راهی آسان تر، کم هزینه تر، متنوع تر، با کم ترین مسئولیت فردی و اجتماعی تامین و تدارک شود، بدیهی است که ازدواج و تشکیل خانواده حداقل در بدو امر مطلوبیت خود را از دست می دهد. روابط آزاد جنسی زن و مرد در غرب پدیده جدیدی است که به سبب تنوع، تعدد و کم ترین مسئولیت قانونی طرفین، با استقبال عمومی روبه رو شده و توانسته است رقیب دیرینه خود (خانه و خانواده) را از صحنه خارج کند. یکی از جامعه شناسان معاصر ضمن تایید نظریه فوق می گوید:

«خانواده که در غرب یکی یکی این ابعاد را که در گذشته داشت و امروز دارد از دست می دهد، اصلی آن را فقط ارضای نیاز جنسی تشکیل می دهد. حالا- اگر این نیاز با توجه به بی بند و باری و انحطاط فرهنگی حاکم بر غرب، به راحتی قابل دسترسی باشد و فرد هر وقت و هر گونه که خود خواست این نیاز را ارضا کند، دیگر چه ضرورتی دارد ازدواج کند؟ یعنی واقعاً فلسفه تشکیل خانواده به دلیل وجود مؤسسات بیرونی که نیازها را به راحتی برطرف می کند، دارد از بین می رود...»^(۱)

ص: ۵۲

گزارش مقایسه ای اداره کل غرب اروپای وزارت خارجه نشان می دهد به همان نسبت که آمار روابط آزاد و نامشروع جنسی در کشورهای غربی رو به افزایش است، آمار ازدواج و تشکیل خانواده سیر نزولی دارد. در این گزارش که مربوط به سال ۱۹۹۸ میلادی است، آمده است:

بر اساس گزارشی که از سوی یورو استارت - اداره آمار کمیسیون اروپا - منتشر شده، تقریباً یک چهارم نوزادان در اتحادیه اروپا خارج از چهارچوب های زناشویی متولد می شوند. این تناسب در سال ۱۹۸۰ کم تر از ۱۰ درصد بوده است.... به گزارش «یورو استارت»، زندگی در شرایط غیر زناشویی به طور فزاینده ای در حال رشد است. این ارزیابی به خصوص در کشورهای اسکاندیناوی (که مصداق برابری زن و مرد در آن سامان، بیش از دیگر کشورهاست) مصداق بیشتری دارد. در ایسلند از هر سه کودک متولد شده، دو نوزاد و در دانمارک رستونی، نروژ و سوئد نیمی از نوزادان خارج از پیمان های زناشویی متولد می شوند.... این در حالی است که، همانطور که بیان شد، در سراسر اروپا ازدواج قانونی در خطر انحطاط قرار دارد؛ نرخ ازدواج که در سال ۱۹۸۰ به میزان ۶/۳ در هر ۱۰۰۰ نفر بوده، اکنون به ۰.۰۵٪ کاهش یافته است.

فرانسیس، کاری و کریستین کوری در مقاله «ساختارهای جدید خانواده» که مجله پیام یونسکو به چاپ رسیده است، این وضعیت (رواج و گسترش روابط آزاد جنسی و از هم پاشیدگی خانواده) را در غرب به صراحت از پیامدها و امتیازهای نهضت برابری زنان اعلام کرده اند و می نویسند: «نهضت زنان در ارتقای مقام زن تا حد برابری او با مرد در به دست آوردن حق سقط جنین و استفاده از وسایل جلوگیری از آبستنی و آزادی عمل و آوردن خواسته های زن بیرون از کانون خانواده و دایره»

زناشویی پیشرفت کرده و موقعیت او را تحکیم کرده است. با این شیوه آزاد زندگی، زنان دیگر مکلف نیستند به شیوه محدود و انعطاف پذیر گذشته، میان زوج بودن، مادر بودن و شغل داشتن یکی را برگزینند.» (۱)

۲/۵. همجنس گرایی

شیوه روابط آزاد و تعدد آن از علل عمده پدیده واخوردگی جنسی و گرایش به همجنس بازی در کشورهای صنعتی به شمار می آید. در حقیقت همجنس بازی و پیامدهای آن مانند ایدز برای اولین بار در کشورهای صنعتی به ویژه در آمریکا مشاهده شد؛ کشوری که روابط زن و مرد و ارضای نیازهای جنسی در متنوع ترین، متعددترین و افراطی ترین شکل آن، آزاد و متداول است؛ تنها ۶۵ درصد از آمریکاییان با همجنس بازی مخالف بوده و طبق آخرین آمار بیش از ۸۰ درصد از مبتلایان به ایدز در قاره آمریکا و اروپا زندگی می کنند. (۲) برخی از فمینیست های معاصر، این گونه روابط جنسی را جایگزینی برای «خانواده سنتی» در عصر برابری زن و مرد دانسته و از آن به عنوان «خانواده شاد» یاد کرده اند. (۳)

۳. خشونت جنسی علیه بانوان

در جوامعی که با ندیدانگاری تفاوت های زیستی و طبیعی، روابط آزاد و برابر زنان و مردان تشویق و ترویج و بر آن پافشاری می شود، روابط ناسالم و خشونت جنسی دو روی یک سکه اند؛ به بیان دیگر، در روابط آزاد زن و مرد اگر تمایل آنان به یکدیگر دو سویه و متقابل باشد، به پیوندهای مشروع و نامشروع ختم می شود، اما اگر تمایل یک طرفه باشد و زن علاقه و

ص: ۵۴

۱- (۱). جامعه شناسی، آنتونی گیدنز، ص ۴۴۳.

۲- (۲). سیمای زن در آمریکا، ص ۲۲۱.

۳- (۳). خانواده در گذشته و حال، اندره میشل، ص ۳۶.

تمایلی به ایجاد رابطه نداشته باشد، در بسیاری موارد پدیده ای با نام تجاوز و خشونت جنسی و در مواقعی آزار جنسی رخ می نماید. این پدیده در کشورهای صنعتی غرب در دهه های اخیر همواره رو به افزایش بوده است. در این جا نیز جامعه شناسان و روان شناسان اجتماعی علت اساسی این پدیده را رابطه آزاد زن و مرد و به ویژه تحریکات زنانه معرفی کرده اند.

روابط آزاد و برابر زن و مرد

دانیل سیلورمن (۱۹۷۸) از مشاوران بحران تجاوز درباره زنانی که مورد خشونت و تجاوز جنسی قرار گرفته اند، می گوید: «چنین زنانی پس از مدت کمی دچار پشیمانی شده و خود را سرزنش می کنند و پیوسته این جملات را بر زبان جاری می کنند: ای کاش آن لباس را نپوشیده بودم تا جلب توجه کنم! ای کاش به او لبخند نزده بودم!...»^(۱)

واقعیت های موجود نیز فرضیه فوق را تایید می کند. بررسی ها و تحقیقات اجتماعی در کشورهای صنعتی غرب نشان می دهد در این گونه جوامع که روابط زن با مرد آزاد است و زنان از پوشش مشابه مردان برخوردارند و هیچ محدودیتی ندارند، آمار خشونت جنسی و تجاوز به عنف رو به افزایش است. «میشل اوبرمن» در مقاله ای در نشریه حقوق زنان بر کلی به این نتیجه می رسد:

«اگر سقط جنین به صورت قانونی متوقف شود، زنان اصلاً نمی توانند

ص: ۵۵

۱- (۱). فمینیسم جهانی و چالشی های پیش رو، ص ۸۳.

زنده بمانند. علتش این است که فرهنگ آمریکا فرهنگ تجاوز است؛ فرهنگی که در آن زندگی زنان به خاطر ترس از خشونت جنسی همه جا حاضر، محدود شده است... همه زنان با خطر تهاجم جنسی مردان زندگی می کنند و با خطر حاملگی ناخواسته» (۱).

طبق آمارهای سال ۱۹۹۲ در هر شش دقیقه یک بار یک تجاوز جنسی در آمریکا صورت می گیرد. در برخی شهرهای آمریکا همچون «سنت لوئیز» آمار تجاوز گزارش شده به زنان نسبت به هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر از جمعیت در سال ۱۹۹۲، ۱۷۳۳ مورد بوده است که آمار بسیار بالایی است. در شهرهایی همچون والاس، هرستون و نیویورک نیز آمار جنسی نسبت به دیگر ایالات بسیار بالا بوده است. (۲).

از پیامدهای ناگوار خشونت و تجاوز جنسی برای فرد و جامعه همین بس که زنان قربانی تجاوز، از فشار روانی، عصبانیت و احساس گناه شدیدی رنج می برند. «بورکس» و «لیندا هلموستروم» که در این زمینه به مطالعه و تحقیق پرداخته و اثر تجاوز را با عنوان «سندرم ضربه تجاوز» مطرح کرده اند، واکنش قربانی را در اثر تجاوز به دو مرحله تقسیم می کنند:

۱. مرحله حاد ۲. مرحله تجدید سازمان

در مرحله حاد، حالتی از گسیختگی و بی نظمی روانی در شیوه زندگی زن مورد تجاوز بروز می کند و احساساتی از قبیل ترس، شوک، نگرانی و احساس گناه شدید دیده می شود. حادترین واکنش قربانی در برابر تجاوز، سردرگمی است. زنان پس از تجاوز، خود را کالای صدمه دیده ای می دانند که از جامعه اخراج شده اند و جایی برای رفتن ندارند. در مطالعه وسیعی که در آمریکا صورت گرفت و در سال ۱۹۹۰ گزارش شد، «ینفیلد» و

ص: ۵۶

۱- (۱). زنان، جنون و پزشکی، ص ۱۶۴.

۲- (۲). جنگ علیه زنان، ص ۳۲۶.

همکارانش بین تهاجم جنسی و افسردگی رابطه معنادار ۱۲/۹۳ درصد یافتند. اما در مرحله تجدید سازمان، زن می کوشد آنچه را بر او گذشته است، فراموش کند و برای تحقق این هدف، خود را به کارهای عادی مشغول می نماید. مهم تر آن که نگرش جامعه و به ویژه مردان به این گونه زنان تغییر می کند و با آنان به عنوان کالای آسیب دیده برخورد می کنند. عکس العمل پدران با دختران خود که مورد تجاوز قرار گرفته اند، این است که آن ها را باید از خانه اخراج کرد یا این که برای مدتی در منزل زندانی شوند. «سیلورمن»، در این باره می نویسد: اغلب این زنان مورد تنفر و سرزنش همسران واقع شده اند و از نظر شوهرانشان زنانی سهل انگار و بی اراده اند. (۱)

پیامد دیگر آن بر جامعه زنان به گفته جامعه شناسان و آسیب شناسان غرب، ایجاد فضایی از ترس، نگرانی و اضطراب بر جامعه زنان کشورهای صنعتی است؛ به همین سبب، کشورهای صنعتی غرب به ویژه آمریکا از شعارهای اولیه خود در باره حضور فیزیکی آزاد و برابر زنان در اماکن عمومی دست برداشتند و برای مصونیت و حفاظت از زنان، تدابیر و محدودیت های اجتماعی را وضع و توصیه کردند. آنچه در زیر می آید، فهرستی از «بایدها و نبایدها» برای زنانی است که سعی دارند خطر تجاوز جنسی را کاهش دهند. این فهرست را یکی از سازمان های زنان در ایالات متحده آمریکا منتشر کرده است:

۱. خانه خود را تا آن جا که ممکن است ایمن کنید؛ قفل ها، پنجره ها، و درها باید در وضع مناسبی باشند؛ اگر به آپارتمان یا خانه جدیدی نقل مکان کردید، قفل ها را عوض کنید. واحد پیشگیری جنایت پلیس محلی می تواند در مورد ضرورت ضد دزد کردن محل سکونت، و در نتیجه ضد تجاوز کردن آن، شما را راهنمایی کند.

ص: ۵۷

۲. اگر تنها زندگی می کنید:

الف - چراغ ها را روشن بگذارید تا تصور شود که بیش از یک نفر در خانه زندگی می کند.

ب - هنگامی که به زنگ در جواب می دهید، وانمود کنید که مردی در خانه است (با صدای بلند بگویید: «من نمی بینم چه کسی زنگ می زند.»)

ج - نام کوچک خود را روی زنگ در یا دفتر تلفن ننویسید، در عوض از حرف اول آن استفاده کنید.

۳. به طور کلی، از غریبه ها دوری کنید و هرگز در را به روی یک غریبه باز نکنید. همیشه از مأموران تحویل اجناس یا کارگران خدمات کارت شناسایی بخواهید (کارت شناسایی آن ها می تواند از زیر در به داخل انداخته شود) اگر بچه ها در خانه زندگی می کنند، مواظب باشید که آن ها در را به روی غریبه باز نکنند.

۴. اگر در یک خانه آپارتمانی زندگی می کنید، تنها وارد یک زیرزمین متروک، گاراژ، یا اتاق رختشویی نشوید یا تنها در آن جا نمانید.

نگاهی دیگر:

اگر به روابط زن و مرد از دیدگاه قرآن و اسلام بنگریم:

۱. شخصیت و حقوق زن قابل احترام است. (ر. ک: سوره نساء، بقره)؛ ۲. روابط دختر و پسر قانون مند است و روابط نامشروع زن و مرد جایز نیست (۱). (ر. ک: سوره نور و قصص)؛ ۳. حریم خانواده محترم است؛ ۴. اسلام به ازدواج و تولید نسل تشویق می کند؛ ۵. شغل متناسب با روحیه و وقت خانم ها با توافق شوهر جایز است.

در نتیجه، در جوامع اسلامی مشکلات فوق (رشد منفی جمعیت و مشکلات جنسی و...) یا اصلاً وجود ندارد یا کم تر پدید می آید، و معمولاً در مواردی که زن آزاری و مشکلاتی از این قبیل وجود دارد، در اثر عدم رعایت قوانین و اخلاق اسلامی است.

ص: ۵۸

۱- (۱) در مورد روابط دختر و پسر به مقالات و پرسش و پاسخ های دیگر این مجموعه مراجعه شود.

فصل دوم: عشق

اشاره

ص: ۵۹

عشق چیست و چرا باید عاشق شویم؟

اشاره

* پاسخ

مقدمه

عشق اصلی ترین میل و گرایش انسانی است که انسان را سریع تر از هر چیزی به خوشبختی کامل می رساند. عشق عامل بهسازی و تصفیۀ روح و روان بوده و هموست که به زندگی زیبایی می دهد. عشق بالاترین مقام را در زندگی دارد و در پرتو آن، زندگی لذت بخش می باشد. اگر انسان به این مقام برسد، دیگر بدون عشق زندگی نتوان کرد.

عشق را زماهی باید آموخت که چون از آب گیرندش بمیرد

الف) تعریف عشق

معنای لغوی عشق: در کتاب های لغت چند معنا برای واژه «عشق» ارائه شده که در این جا به معنای مشترک بین آن ها اشاره می کنیم:

عشق عبارت است از علاقه شدید یا محبت از حد گذشته (۱).

معنای اصطلاحی: علاقه به شخصی یا شیئی وقتی که به اوج شدت برسد، به گونه ای که وجود انسان را تسخیر کند و حاکم مطلق وجود او گردد، عشق نامیده می شود (۲).

ص: ۶۱

۱- (۱). العشق: فرط الحب. ر. ک: مجمع البحرين، ج ۵، ص ۲۱۴؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۲۵۱؛ مجمع البحرين، ج ۵، ص ۲۱۴؛ انس التائبین، ص ۲۱۱۴ و ۲۱۲، الاربعین، امام محمد غزالی، ص ۲۴۰؛ اوصاف الاشراف، ص ۲۳۷ و ۱۲۸؛ فرهنگ فارسی عمید.

۲- (۲). جاذبه و دافعه امام علی علیه السلام، شهید مطهری، ص ۵۱.

در زبان عربی، واژه «عشق» در اصل از ماده «عشقه» است و عشقه نام گیاهی است که در فارسی به آن «پیچک» می‌گویند که به هر چیزی برسد، دور آن می‌پیچد؛ مثلاً وقتی به گیاهی دیگر می‌رسد، دور آن چنان می‌پیچد که تقریباً آن را محدود و محصور می‌کند و در اختیار می‌گیرد. یک چنین حالتی اثرش این است که بر خلاف محبت عادی، انسان را از حال عادی خارج می‌کند، خواب و خوراک را از او می‌گیرد و توجه را منحصر به همان معشوق می‌کند؛ یعنی او را از همه چیز می‌برد و تنها به یک چیز متوجه می‌کند. این تعریف عشق بیانگر حال معشوق است (۱).

ب) منشا عشق

مقصود از منشا عشق این است که در یک رابطه عاشقانه چه چیزی باعث می‌شود که یک شخص عاشق دیگری شود. آیا علت اصلی این رابطه غیرعادی، نقص و کمبود در یکی و کمال و خوبی در دیگری است که سبب کشش او به سوی خود می‌شود؟ یا خیر، علت این رابطه «شبهت» است؛ یعنی شکل هم بودن؟

در پاسخ به این پرسش دیدگاه‌های گوناگونی مطرح است که به گذری اجمالی بر آن‌ها بسنده می‌کنیم.

۱. منشا ارگانیکی؛ یعنی عشق از تراوش غدد جنسی حاصل می‌شود که در این صورت با استفاده از علم پزشکی قابل کم و زیاد می‌باشد (۲).

۲. هدف جنسی منع شده منشا عشق است (۳). (دیدگاه فروید)؛ یعنی علت عشق آن است که ما از طرفی مصرانه خواستار رابطه جنسی هستیم و از

ص: ۶۲

۱- (۱). برگرفته از کتاب‌های لسان العرب، ج ۱، ص ۲۵۱؛ انس التائین، ص ۲۱۱-۲۱۲؛ کتاب فطرت، ص ۹۸ و ۹۰.

۲- (۲). روانشناسی عشق ورزیدن، ص ۲۸.

۳- (۳). انگیزش و شخصیت، ص ۲۶۱.

سوی دیگر نیز از دست یافتن به این هدف منع شده ایم که در نتیجه اصطکاک این دو برخورد، محبت و مهربانی حاصل می شود؛ از این رو، اگر رابطه جنسی کاملاً آزاد می بود، هیچ گاه کسی عاشق نمی شد.

۳. عشق یک منشا فطری دارد.

۴. تمایل انسان به کمال منشا عشق است (۱).

بررسی

در این جا این مطلب قابل ذکر است که منشا عشق به چند دلیل نمی تواند ارگانیکی یا هدف جنسی منع شده باشد.

(الف) عشق منحصر در عشق شهوانی و جنسی نیست؛ زیرا موارد زیادی پیدا می شود که خلاف این باشد؛ مانند عشق انسان به خداوند یا به خود و یا به گل....

(ب) اگر منشا عشق تراوش غدد جنسی باشد، باید افراد پیر هرگز عاشق نشوند، در حالی که خیلی از افراد سن زیادی دارند و در عین حال عاشق هستند.

(ج) اصلاً عشق جنسی و شهوانی عشق نیست، بلکه یک رابطه غریزی است که در همه موجودات وجود دارد.

براساس عقیده صحیح، عشق یک منشا فطری دارد که در اثر شناخت انسان نسبت به خوبی های موجود در یک شخص یا یک شیء و از سوی دیگر، نقصان آن ها در وجود خود، حاصل می شود و هرچه این شناخت کامل تر شود، این علاقه بیشتر می شود تا جایی که انسان را وارد معرکه عشق می کند و انسان حاضر می شود برای به دست آوردن آن خوبی ها همه هستی خود را فدا کند.

(د) واژه عشق در قرآن مجید حتی برای یکبار هم به کار نرفته است؛ اما با این حال کلمات و واژه هایی که با این مفهوم مترادف و رساننده معنای آن می باشد، به شکل های گوناگون آمده است؛ مانند حُبّ، وُدّ، مودّت و....

ص: ۶۳

پیش از بیان اقسام عشق و بیان دیدگاه قرآن کریم در باره آن، ذکر چند نکته لازم است:

[قاعدۀ یکم] انسان اگر کسی را دوست داشته باشد، خویشاوندان و دوستان او را نیز دوست می دارد و حتی شهر، لباس، باغ، نوشته و سایر چیزهایی که با او ارتباط دارند، در نظرش محبوب است.

[قاعدۀ دوم] امور و امیال فطری از جهت شدت و ضعف دارای مراتبی هستند که هر مرتبه ای از آن ها دارای اسم و آثار خاصی می باشد و این مراتب در افراد بشر مختلف است؛ از جمله این امور «محبت» است که مراتب آن طبق تفسیر آلوسی به شرح ذیل می باشد.

۱. هوی: نخستین مرتبه محبت «تمایل داشتن»؛

۲. علاقه: محبتی است که همیشه همراه و درون قلب است.

۳. کلف: محبت شدید را گویند.

۴. عشق: حب شدید یا افراط در محبت را گویند.

۵. شغف: مرحله ای که عشق به تمام زوایای قلب نفوذ کند.

۶. تدله: مرحله ای که عشق عقل انسان را می رباید.

۷. هیوم: مرحله ای که عشق انسان را بی قرار و بی اختیار می کند و او را به هر سوی می کشاند(۱).

تقسیم دیگر عشق

با توجه به منشأ عشق، عشق به اقسام زیر تقسیم می شود:

۱. حقیقی؛ ۲. مجازی؛ ۳. سرابی، جنسی و کاذب(۲).

ص: ۶۴

۱- (۱). تفسیر روح المعانی، ج ۱۲، ص ۲۲۷؛ عبهر العانقین، ص ۴۲-۴۰.

۲- (۲). الاشارات و التنبیها، ابوعلی سینا، با شرح خواجه نصیرالدین طوسی، ج ۳، ص ۳۸۳؛ الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، صدرالدین محمد شیرازی (ملاصدرا)، ج ۷، ص ۱۸۰-۱۸۵.

۱. عشق حقیقی

به عشقی گفته می شود که معشوقش حقیقی باشد؛ یعنی زیبایی های او نامحدود باشد و دارای هیچ گونه نقصی نباشد، و به دیگر سخن، عشق یعنی پرواز انسان به سوی بی نهایت، یعنی اتصال قطره به دریا «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ ۱؛ و [لی] کسانی که ایمان آورده اند خدا را بیشتر دوست دارند.»

۲. عشق مجازی

عشق و علاقه ای واسطه ای به موجودات در راه خدا است که هدف از آن رسیدن به عشق حقیقی می باشد؛ یعنی وسیله ای است برای رسیدن به معشوق حقیقی، و در واقع به خاطر معشوق حقیقی ابراز علاقه می کند؛ مانند عشقی که حضرت یعقوب را از درون می سوزاند: «قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتُونَ تَذَكُّرًا يَؤُسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ۲؛ (فرزندان) گفتند:

«به خدا سوگند، پیوسته یوسف را یاد می کنی تا بیمار مشرف به مرگ شوی یا هلاک گردی!»

۳. عشق سرابی، جنسی و کاذب

عشق به غیر از معشوق حقیقی است، به گونه ای که هدف از آن خاموش شدن غریزه جنسی و کام گرفتن از معشوق می باشد نه رسیدن به معشوق حقیقی، و منشأ آن شهوت است؛ مانند «قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا...» ۳ و زنان در شهر گفتند: «زن عزیز (مصر) از غلام جوانش تمنای کامجویی از وجودش کرده، و محبت (یوسف) در دلش جای گرفت! قطعاً ما او را در گمراهی آشکاری می بینیم.»

قرآن سخن از عشق و محبت را با روشی خاص و با شیوایی و زیبایی تمام بیان می کند، و آنچه لازم است از اقسام عشق و علاقه را در ضمن آیات یادآور می شود و جالب این که در بین یکصد و چهارده سوره قرآن که در بیشتر آن ها از عشق، محبت و مترادف های آن ها سخن رفته، یک سوره به تمامی به شرح حال یکی از اولیای خدا اختصاص یافته و در آن عشق و علاقه بیان شده است.

روح کلی و پیام های سوره یوسف:

۱. عشق به خداوند مطمئن ترین مانع در برابر عشق های جنسی می باشد و با سختی هایی که دارد، معجزه آسا انسان را نجات می دهد(۱).

۲. عشق های کاذب معمولاً- مقدمه ای برای عشق های حقیقی نیست، بلکه به ظلم و فساد می انجامد. عشق زلیخا به یوسف علیه السلام که بیانگر نقطه اوج عشق شهوانی و جنسی می باشد(۲)، به بیان قرآن آثاری چون خیانت، ظلم، فحشاء، رسوایی و مکر و حيله داشت(۳).

نتیجه

با توجه به بیان اقسام عشق و نظر قرآن کریم در این باره، به این نتیجه می رسیم که عشق، هدیه ای الهی است که در فطرت همه انسان ها به امانت گذاشته شده است؛ اما چگونگی بروز و استفاده انسان ها از آن متفاوت است؛ برخی با استفاده صحیح از آن به سعادت، خوشبختی و بالندگی و کمال می رسند، ولی برخی دیگر با استفاده نادرست از آن به بیابان خشکیده شقاوت و

ص: ۶۶

۱- (۱). ر. ک: کیمیای محبت، لاله ای از ملکوت.

۲- (۲). «وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ و زنان در شهر گفتند: «زن عزیز (مصر) از غلام جوانش تمنای کامجویی از وجودش کرده، و محبت (یوسف) در دلش جای گرفت!»

۳- (۳). برگرفته از تفسیر المیزان و نمونه.

بدبختی گام می نهند و هر لحظه بیش از پیش از قافلهٔ انسانیت فاصله می گیرند؛ همانند آتش که بدون آن نمی توان زندگی کرد، ولی اگر به علت استفاده نادرست مقداری از آن در خرمی بیفتد، یک جا همه آن را نابود می کند.

این شیوهٔ استفاده ما باز می گردد به این که آیا ما در تشخیص و انتخاب معشوق، راه درست را پیموده ایم یا راه نادرست را. نکته قابل توجه که به ویژه برای جوانان دارای اهمیت می باشد، این است که آیا عشق های خیابانی می تواند انسان را خوشبخت کند یا خیر؟

پاسخ این پرسش با توجه به تقسیم بندی عشق و آثار مترتب بر هر قسم آن آشکار می شود.

قرآن کریم عشق را بارزترین صفات مؤمنین می داند(۱) و اصیل ترین عشق را، عشق حقیقی به معشوق حقیقی بیان می کند و خدای تبارک و تعالی را به عنوان معشوق حقیقی معرفی می نماید؛ زیرا خداوند است که همه خوبی ها و زیبایی ها را در خود جمع دارد و در عشق نیز انسان دنبال خوبی ها و زیبایی ها می باشد که در معشوق وجود دارد و خود از آن ها بهره ای ندارد، و با عشق به معشوق می خواهد کمبودهای درونی خود را جبران کند و نهایت استفاده را از زیبایی های معشوق ببرد.

در این جا این پرسش مطرح می شود که اگر بیش از یک معبود و یک معشوق در عالم وجود ندارد و عشق نیز فقط منحصر در عشق حقیقی است، پس عشق به دیگران به ویژه اولیای خدا چه صورتی دارد. پاسخ این است که خداوند عشق به اولیای خود به ویژه پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام را در طول محبت خود بیان می کند و آن دو را یکی می داند(۲).

ص: ۶۷

۱- ((۱)). بقره/ ۱۶۵، ر. ک: تفسیر المیزان ذیل آیه.

۲- ((۲)) توبه/ ۲۴.

عشق دروغین به جریان آب رودخانه ای که از مسیر اصلی خود منحرف شده، می ماند که اگر در مسیر اصلی خود قرار نگیرد، خرابی های فراوانی به بار می آورد.

نمونه بارز این عشق، عشق های خیابانی، رابطه های غیرمشروع و دوستی های پنهانی است که در بین برخی دختران و پسران جوان رواج دارد و معمولاً نتیجه این دوستی ها نیز ناخوشایند است؛ زیرا این نوع علاقه ها هدایت و عنایت الهی نمی باشد و به جای این که وسیله ای برای اطاعت اوامر الهی و رسیدن انسان به همه خوبی ها می باشد، سبب می شود که انسان لحظه به لحظه از زیبایی ها و خوبی ها فاصله بگیرد و معصیت الهی را مرتکب (۱) شود، تا جایی که خیلی از آن ها به قتل و جنایت و جدایی های غم انگیز و همچنین فروپاشی کانون گرم خانواده ها می انجامد.

توجه به این نکته ضروری است که ما در این جا نمی خواهیم امیال غریزی انسان را نفی کنیم و آن را نادیده بگیریم، اسلام هرگز با غرایز انسان خصوصاً غریزه جنسی مخالف نیست، بلکه چیزی را که اسلام با آن مخالف است، افراط و تفریط در این غرایز می باشد؛ از این رو، وقتی این امیال غریزی تحت مدیریت اسلام و هدایت الهی قرار بگیرند، اعتدال در آن ها شکل می گیرد و در آن صورت جامعه بشری به سعادت و سلامت همه جانبه می رسد. اینک مناسب است به سخن یکی از دانشمندان غربی به نام «اریک فروم» اشاره ای داشته باشیم. وی می گوید:

«عشق جنسی فریبکارترین نوع عشق است. عشق جنسی در وهله اول، با احساس شدید گرفتار شدن اشتباه می شود، در حالی که این احساس

ص: ۶۸

دل‌بستگی ناگهانی طبیعتاً عمرش کوتاه است و بعد از این که بیگانه‌ای از نزدیک شناخته می‌شود، دیگر حجابی باقی نمی‌ماند و دیگر هیچ نوع نزدیکی ناگهانی در کار نیست، تا برای رسیدن به آن کوشش شود.

در این نوع عشق به مرور زمان این نزدیک شدن‌ها کاهش می‌یابد و عاشق احساس می‌کند که آن کسی که فکر می‌کرد به او نزدیک است، نه تنها نزدیک نیست، بلکه فرسنگ‌ها با هم فاصله دارند؛ در نتیجه شخص هوس می‌کند به سراغ بیگانه‌ای تازه برود و عشقی جدید را آغاز و تجربه کند و باز این بیگانه بعد از مدتی تبدیل یک آشنای تکراری می‌شود و عاشق همیشه با خود می‌گوید این فرد که این بار از او خوشم آمده با قبلی‌ها فرق می‌کند؛ این یک چیز دیگر است.

بسیاری از اوقات ما متوجه نیستیم و حال آن که این انگیزه‌های ناهشیار فعال‌اند، مخصوصاً در ابتدای جوانی که هنوز تجربه این گونه محبت‌ها بسیار اندک است. حال اگر مثلاً دو نفر که قصد ازدواج دارند، تمام ارتباط خود را براساس این نوع عشق پایه‌ریزی کنند، بی‌گمان دچار پیامدهای آن نیز خواهند شد که نمونه‌های آن در عشق‌های خیابانی و طلاق‌های وحشتناک بعد قابل رؤیت است. (۱)

نکته پایانی این است که، عشق سرابی، عشق نیست بلکه فوران امیال غریزی و شهوانی است که به صورت مقطعی بروز و ظهور دارد؛ زیرا در حقیقت ریشه و سنگ بنای عشق، علم و شناخت است، و به طور طبیعی هر اندازه که علم و شناخت عاشق نسبت به معشوق بیشتر شود به همان اندازه نیز عشق و علاقه‌اش بیشتر می‌شود؛ زیرا ابعاد وجودی معشوق یکی پس از دیگری برای عاشق آشکار می‌شود. بدیهی است هر چقدر زیبایی‌های

ص: ۶۹

معشوق بیشتر باشد، عشق و علاقه عاشق به آن بیشتر می شود و باعث استمرار این رابطه می باشد و این مؤلفه فقط در عشق حقیقی وجود دارد، ولی عشق سرابی جنسی به چند دلیل این گونه نیست:

الف) هدف آن ارضای شهوت است که عمری کوتاه دارد و نمی تواند برای استمرار ایجاد انگیزه کند.

ب) ریشه و سنگ بنای عشق سرابی جنسی، جهل و نادانی است که از دریچه جادویی به نام چشم صورت می گیرد؛ از این رو، هر اندازه که شناخت عاشق به معشوق بیشتر شود، فاصله و شکاف بیشتری ایجاد می شود؛ زیرا زیبایی های این معشوق محدود است و عشق نیز یک حالت روحی است که دنبال نامحدود می باشد. از سوی دیگر، زیبایی ها منحصر در این فرد نیست، بلکه شاید اشخاص دیگر بهره ای بیشتر داشته باشند.

آثار عشق

هر یک از اقسام عشق دارای آثار و پیامدهای خاص خود می باشد.

آثار عشق حقیقی

۱. رسیدن به درجات عالی انسانیت یا همان کمال نهایی (۱)؛ ۲. لذت بردن از عبادت؛ ۳. رهایی از گناه (۲)؛ ۴. سلامت و آرامش روحی و روانی (۳)؛ ۵. اطلاع بعضی از اسرار غیبی (۴)؛ ۶. رسیدن به مقام استجابات دعا (۵)؛ ۷. حلاوت سختی های زندگی (۶)؛ ۸. بندگی و عبودیت (۷).

ص: ۷۰

۱- (۱). کلمات مکتوبه فیض کاشانی، ص ۸۰. من طلبنی وجدنی و من...

۲- (۲). قصه حضرت یوسف در سوره یوسف.

۳- (۳). رعد / ۲۸.

۴- (۴). یوسف / ۶۱.

۵- (۵). یوسف / ۳۴.

۶- (۶). یوسف / ۳۳.

۷- (۷). کافی، ج ۳، ص ۸۳ ح ۳؛ بحار الانوار، ج ۷۰، ۳۵۳، ۱۰.

در قرآن و سنت به تمامی آثار عشق به خداوند و اولیاء خدا اشاره شده است، ولی به جهت اختصار از ذکر آن ها صرف نظر می کنیم.

آثار عشق سرابی جنسی

عشق سرابی مانند راهزنی ماهر دارای آثاری نامطلوب فردی و اجتماعی است که به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱. دوری از حق و حقیقت؛

۲. مانع رسیدن انسان به کمال واقعی؛

۳. کشیدن انسان به سوی انحراف و گناه و سقوط او از انسانیت؛

۴. به انحطاط کشیدن فرد و جامعه؛

۵. زود گذر بودن آن؛

۶. سلب آرامش روحی و روانی از فرد و جامعه؛

۷. فروپاشی کانون گرم خانواده؛

۸. ایجاد روحیه، طغیان و سرکشی در انسان؛

۹. دوری انسان از اطاعت و بندگی؛

۱۰. تیرگی قلب؛

۱۱. ایجاد تضاد و تراحم اخلاقی در فرد و جامعه؛

۱۲. توأم بودن آن شکست و ناکامی های فراوان؛

۱۳. ایجاد دغل بازی و عوام فریبی در جامعه؛

۱۴. ایجاد قتل و غارت و تجاوز در جامعه(۱).

پیشنهاد

پس از بیان اقسام عشق و آثار آن، اینک این پرسش مطرح می شود که چرا باید عاشق نشویم و چرا باید عاشق شویم؟ شاید

این پرسش در ذهن افراد

۱- (۱). آثار عشق شهوانی در سوره یوسف آمده و به آن ها اشاره شده است.

زیادی به ویژه قشر جوان وجود داشته باشد، و یا در مواردی موجب آزار آنان شود. پاسخ این پرسش در قالب یک پیشنهاد ارائه می شود: عاشق شوید اما در کمند عشق های ناپخته، جوان و کاذب گرفتار نگردید، بلکه آن ها را نردبانی برای زندگی سعادت‌مندان و شناخت محبوب واقعی قرار دهید:

عشق هایی کز پی رنگی بود عشق نبود، عاقبت ننگی بود (۱)

لذت عشق، جوهر آدمی است و حیات بدون عشق ناممکن است؛ بلبل اگر نغمه سرایی دارد به عشق معشوق است و انگیزه وصال و درک لذت دارد. آنان که همتی بلند دارند و به حقیقت مردان روزگارند، هرگز خویشتن خویش را در قفس تن اسیر نمی کنند و جوهر وجودی خویش را در چنگال طبیعت و لذا ید پست مادی و شهوانی گرفتار نمی سازند.

خشم و شهوت و صف حیوانی بود مهر و رقت و صف انسانی بود (۲)

بیاید لذت ببریم، اما از حقیقت و عشق حقیقی، از طهارت و پاکی؛ بیاید صفا کنیم در فضای پاک تقوا، در محیطی آرام و سالم، در اقیانوس پرهیزکاری، در جای طهارت، در باران معنویت و در آبخار حقیقت. چه بسیار جوانانی که عشقشان پیر، پخته و پایدار است، و چه بسیار پیرانی که عشق های جوان، ناپخته و ناپایدار در سر دارند. آنان که دار و ندار خویش را در گرو تار مویی و خط و خالی می گذارند و با یک نگاه ظاهری همه هستی خویش را می بازند، عشقشان جوان و لذت شان بسیار گذرا و ناپایدار است، و هرگز به عشق حقیقی نخواهند رسید؛ چرا که محل عشق قلب انسان است و هر قلبی ظرفیت یک عشق را دارد. این گونه نیست که یک شخص دو قلب داشته باشد که هم عشق به معشوق حقیقی داشته باشد و هم عشق به معشوق سرابی (۳).

ص: ۷۲

۱- (۱). مثنوی معنوی.

۲- (۲). دیوان حافظ.

۳- (۳). «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ؛ خدا برای هیچ مردی دو دل در درونش قرار نداده است.» احزاب / ۴.

اما آنان که عاشق معبود و معشوق حقیقی هستند، معشوق آن‌ها همیشه و همه جا همراه آنان است، حتی در قبر و قیامت، و هرگز از لذت عشق جدا نمی‌شوند، حتی در فرای زمان و مکان.

پس عشق مذموم نیست، بلکه اگر منشأ عشق صحیح باشد، رویکرد عشق نیز صحیح خواهد بود و اگر رویکرد صحیح شد، آثار عشق صحیح می‌شود. آنچه در این جا مذموم است و مورد نکوهش قرار گرفته، عشق و لذت جوانی نیست، بلکه جوانی عشق و ناپختگی لذت است.

نه امروز بلکه در همیشه ایام سخن از عشق و عاشقی بوده، هست و خواهد بود؛ اما آنچه به ندرت یافت می‌شده و می‌شود، عشق حقیقی به خداوند و اولیای او است و این جاست که فلسفه عشق برای ما روشن می‌شود: رسیدن انسان به کمال حقیقی و انسانیت و این تنها در عشق حقیقی است؛ اما عشق حیوانی سرابی است که جنبه حیوانیت انسان رشد می‌کند و نمی‌تواند عهده دار این رسالت خطیر باشد. مگر این که انسان عشق به مخلوقات الهی را در راستای عشق الهی طلب کند و به دستور پروردگار به پدر، مادر، همسر و فرزند عشق بورزد و آن‌ها را مقدمه صعود به محبوب نهایی قرار دهد.

نظر قرآن درباره غریزه جنسی و لذت طلبی چیست؟

اشاره

* پاسخ

انسان گل سرسبد مخلوقات خداوند است که همه نعمت‌ها برای او آفریده شده است: (هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا) ۱؛ «او کسی است که همه آنچه در زمین است را برای شما آفرید» او است خدایی که آنچه در زمین است برای شما (انسان‌ها) آفرید.»

اما استفاده از این نعمت‌ها که خداوند متعال در اختیار انسان قرار داده، می‌تواند به دو گونه باشد:

الف) بهره‌بری مثبت از نعمت‌ها؛

ب) بهره‌بری منفی از نعمت‌ها.

برای مثال، «انگور» یک نعمت الهی است که فواید مثبت زیادی برای بشر دارد؛ مانند انواع ویتامین‌ها، ساختن کشمش، سرکه، سرکه شیره و... و از همین انگور نیز می‌توان شراب ساخت که بهره‌بری منفی از این میوه است.

این دو بهره‌بری (مثبت و منفی) هر کدام علتی دارد و آن ستیز و کشمکش بین عقل و نفس است؛ عقل انسان و پیامبران الهی به بهره‌وری مثبت از اشیا دستور می‌دهند، ولی هوای نفس و شیطان انسان را به سوی استفاده‌های منفی و نادرست از اشیا تشویق می‌کند.

۱. لذت طلبی

یکی از گرایش‌های فطری انسان گرایش به لذت طلبی، خوش‌گذرانی و راحت طلبی است که به طور طبیعی توأم با رنج‌گریزی و فرار از درد و

ناراحتی خواهد بود. قرآن کریم نه تنها وجود گرایش به لذت را در انسان انکار و یا آن را محکوم نمی کند، بلکه یک سلسله از تعالیم خود را بر اساس این میل طبیعی انسان مبتنی می سازد و در روش تربیتی خود از وجود آن بهره می برد. در قرآن تعبیرهایی مانند «سعادت»، «فلاح»، «فوز» و مانند آن ها آمده بدین معنا که انسان فطرتاً طالب سعادت و خوشبختی و کامیابی است و باید به دستورهای دینی عمل کند تا به گمشده و ایده و هدف حقیقی خود برسد. در برخی آیات نیز از تعبیر ویژه «لذت» استفاده شده است، مانند آن جا که درباره بهشت صالحان می فرماید: (وَ فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلذُّ الْأَعْيُنُ) ۱؛ «هر چه را خودشان بدان میل کنند و چشم ها لذت ببرند، در آن (بهشت موجود) است» و آیات دیگر نیز مانند آیه ۱۵ سوره محمد و ۱۷ سوره سجده و... که تعبیرهایی در همین راستا دارند.

در نتیجه، اصل این که انسان طالب لذت باشد، از نظر قرآن مورد تأیید و بی اشکال است؛ زیرا این یک میل فطری است؛ البته بدیهی است که قرآن هیچ گاه آن را رها و افسار گسیخته نگذاشته بلکه آن را در جهت صحیح خود هدایت می کند.

لذت طلبی نکوهیده

پس از آن که روشن شد قرآن وجود این میل را نامطلوب نمی داند، جای طرح این پرسش است که با وجود این دید مثبت قرآنی، چرا گاهی لذت طلبی مذمت و نکوهش شده است و آیا وجود این گونه نکوهش ها و مذمت ها با این دیدگاه قرآنی قابل جمع است؟

در پاسخ به این پرسش می گوییم: مذمت ها و نکوهش هایی که در این زمینه و در رابطه با این میل انجام شده، به اصل لذت طلبی مربوط نمی شود

تا با این دیدگاه قرآنی در تعارض باشد، بلکه منشأ این نکوهش ها عواملی جنبی است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

الف) فراموش کردن لذت های ارزنده تر؛ زیرا ممکن است انسان خود را در لذایذ آنی و لحظه ای زودگذر غرق کرده و در آن متمرکز شود و تمام همت خود را به هوس های کم ارزش تر متوجه نماید و از لذت های معنوی و برتر غافل شود و از کمال باز ماند. انسان از میان لذت ها به جهت غفلت به دنبال آن مقدار لذتی است که برایش ممکن و میسر است، ولی طبیعی است که عقل، منطق و اختیار دارد و می تواند از میان همه انواع لذت ها با کمیت ها، کیفیت ها و شدت های مختلف بهترین، شدیدترین و عمیق ترین لذت ها را در محدوده گزینش خود قرار دهد، ولی او گاهی در این انتخاب دچار اشتباه و لغزش می شود و بدون توجه به لذت های عمیق و والاتر (لذت های معنوی) خود را با لذت های زودگذر مادی مأنوس می کند.

ب) فرار از تلاش و کوشش؛ گاهی انسان به خاطر تن ندادن به سختی و کار و کوشش به طرف لذت های بی اهمیت می رود و در هوس های پست و کم ارزش تا حد افراط غرق می شود. خداوند زندگی و رنج را توأمان آفریده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»؛ که بیقین انسان را در رنج و مشقت آفریدیم. و از این سختی در زندگی گریزی نیست، حال اگر کسی به خاطر فرار از کار و تلاش و زحمت، خود را به تنبلی و تن پروری و لذت گرایی افراطی عادت دهد، لذتی گذرا به دست می آورد، ولی از لذت های والا و برتر چشم پوشی می کند و با این کار خود به یقین مورد مذمت و نکوهش قرار می گیرد.

ج) کوتاهی در شکوفا کردن استعداد؛ درک لذت های والای انسانی و اکتفا کردن به لذت های طبیعی خود جوش نیز عامل جنبی دیگری است که منشأ نکوهش لذات می شود. بدان معنا که انسان با عادت کردن به معنویات می تواند استعداد درک لذت ها را شکوفایی ببخشد، ولی به لذت های طبیعی گذرا اکتفا می کند و این لذت طبیعی چون در مقابل لذات معنوی کم ارزش است، سرزنش می شود.

لذت حقیقی چیست؟

انسان بر اثر ممارست با زندگی مادی لذت های مادی این دنیا را لذت حقیقی می پندارد، ولی قرآن کریم (ضمن این که استفاده از زینت های دنیا را تأیید می کند) لذت حقیقی را رسیدن به نعمت های اخروی مانند لقاء الله، محشور شدن با اولیای الهی، بهشت عدن و... بیان می کند. اگر کسی از میان این دو لذت، لذت های آنی و لحظه ای و کم ارزش دنیایی را انتخاب کند، به لذت های ابدی و ارزشمند نخواهد رسید و باید دانست که درک لذت حقیقی تنها با ریاضت و عرفان حقیقی که همان عمل صالح و انجام دادن واجبات و ترک گناه باشد، حاصل می شود. در واقع لذت های آنی که لذت نیستند، باید ترک کرد تا به لذت بالاتری رسید؛ به قول شاعر:

اگر لذتِ ترک لذت بدانی دگر لذت نفس، لذت نخوانی

۲. غریزه جنسی

یکی دیگر از مجاری و موارد لذت انسان علاقه به همسر و ارضای غریزه جنسی است. اسلام درباره غریزه جنسی و چگونه استفاده کردن از آن و نیز محدودیت های فطری غریزه جنسی مطالب جالب و کمال آفرینی دارد؛ از جمله این که زن و مرد در آفرینش، مکمل یکدیگرند و مقتضای فطرت انسان این است که هر یک از این دو یعنی زن و مرد نسبت به جنس مخالف خود گرایش جنسی دارد، ولی این گرایش از دیدگاه قرآنی دارای ویژگی های زیر است:

ص: ۷۷

۱. گرایش به جنس مخالف بدان جهت است که هر یک از زن و مرد مایه آرامش و آسایش یکدیگرند. خداوند متعال می فرماید: (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا) ۱؛ «از نشانه های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان ها آرامش یابید.»

۲. گرایش برای تولید و تکثیر نسل در متن آفرینش است که حفظ و بقای نوع انسانی برای تولید نسل است. خداوند می فرماید: (الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً) ۲؛ «(همان) کسی که شما را از یک شخص آفرید؛ و از او همسرش را آفرید، و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت.»

بدیهی است که تولید نسل و فرزندان زیاد با ازدواج صورت پذیرفته است.

۳. راه صحیح تکثیر نسل تنها تشکیل خانواده است و خانواده آثار بسیار پرارزش و والایی دارد.

استفاده از گزینه جنسی در چهارچوب ذکر شده (در قالب ازدواج قانونی) مطلوب و هماهنگ با فطرت انسان و گزینه طبیعی او است؛ اما اگر رفتار جنسی انسان از این مرز تجاوز کرد، ارزش منفی پیدا می کند و قرآن کریم نیز از چنین عملی به تجاوز تعبیر کرده است: (وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ) ۳؛ «و همان کسانی که دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می کنند؛ مگر در مورد همسرانشان یا آنچه (از کنیزان) مالک شده اند؛ که در حقیقت آنان (در این موارد) سرزنش نمی شوند؛ کسانی که فراتر از این جویند، پس تنها آنان تجاوزگرند.»

اگر بنا باشد هر انسانی با هر فردی از جنس مخالفش که بخواهد، رابطه جنسی داشته باشد، به یقین بنیاد خانواده متزلزل و فحشا و منکرات در جامعه رواج و امنیت از بین خواهد رفت.

بنابراین، برای حفظ مصالح مترتب بر خانواده و دفع مفسد مترتب بر بی بند و باری جنسی، لازم است همه افراد جامعه به این محدودیت معقول و منطقی که قرآن نیز بیانگر آن است، گردن نهند.

۴. آزادی غریزه و بی بند و باری جنسی موجب اختلاط نسل هاست و با اختلاط نسل ها و نطفه ها هدف از آفرینش انسان از بین خواهد رفت؛ زیرا هدف آن است که انسان با عبادت، خلیفه خدا روی زمین شود و برای رسیدن به این هدف به پاکی ذاتی نیاز است، ولی اختلاط نسل بنیاد معنویت و پاک بودن ذاتی که لازمه خلیفه الهی است، را از بین می برد.

۵. گرایش به جنس موافق خلاف فطرت و نظام آفرینش است و در واقع یک نوع انحراف در گرایش جنسی به شمار می رود. قرآن کریم همجنس گرایی را به قوم لوط نسبت داده و آن را یک ضدارزش معرفی نموده است (۱).

نتیجه

از بحث های گذشته روشن شد که لذت جویی در فطرت انسان ریشه دارد و قرآن نیز کامیابی از زینت های دنیا را حق فطری انسان می داند؛ اما لذت حقیقی تنها در این دنیا نیست، بلکه لذت حقیقی را باید لذت های معنوی دانست.

و نیز روشن شد که استفاده از غریزه جنسی، فطری انسان است و قرآن نیز آن را تأیید می کند؛ زیرا خداوند برای انسان همسری از خودش آفریده که مایه آرامش او است، و او می تواند تشکیل خانواده دهد و غریزه جنسی

ص: ۷۹

خود را از این راه تعدیل نماید، ولی رها کردن این گزینه مشکلاتی برای بشر به بار خواهد آورد؛ از جمله تزلزل بنیاد خانواده، ایجاد اختلاط نطفه ها و دور شدن از هدف خلقت؛ بنابراین، همان گونه که دین امری فطری است، قوانین آن نیز در همه جا فطرت انسانی را ملاحظه و محافظت کرده است.

قوانین خداوند مانند نسخه پزشک است که مصلحت بیمار را به خوبی می داند، در حالی که بیمار ممکن است میل به خوردنی های زیادی داشته باشد، ولی پزشک مصلحت نمی داند برای او تجویز کند؛ انسان نیز این چنین است که اگر طبق نسخه خداوند عمل کند، از نظر روحی، معنوی و حتی جسمی سالم می ماند؛ اما این انسان میل و اشتها به چیزهای فراوانی دارد که به صلاح او نیست و برخی از آن ها کشنده است و حق تعالی مصلحت انسان را بهتر می داند که موارد مضر را برای بشر تجویز نکرده است.

تحلیل روان شناختی - قرآنی رابطه میان دختر و پسر چیست؟

* پاسخ

درآمد

عقل و عاطفه دو نیروی ضروری برای زندگی بشری هستند که به انسان عطا شده اند. خالق هستی به اقتضای شرایط و شرح وظایف زن و مرد، آن دو را حکیمانه میان آن ها تقسیم کرده است که هر یک با تفاوت های طبیعی موقعیت های ویژه ای را برای زندگی انسانی فراهم آورند.

در مورد وجود این تفاوت ها، میان روان شناسان دیدگاه های متفاوتی ارایه شده است. برخی می گویند: از نظر روانی بین زن و مرد تفاوت های قابل ملاحظه ای دیده می شود، به طور کلی مرد برون گر است، او فعال و مایل است بر دنیای اطراف چیره شود؛ در نتیجه فکر و ملموسات در او بیش از شور و احساس رشد می کند، در حالی که زن بیشتر درون گرا و غیر فعال است و احساس بر او چیره است (۱).

در مورد نوع رابطه میان زن و مرد از نظر یونگ - روان کاو مشهور - مسأله «جبران» مطرح است. توضیح این که: میان رابطه زن و مرد حالتی مکمل گونه وجود دارد تا تضاد گونه. او بیان می کند که مردان و زنان اگر در درون خود حالت های تضاد، مثلاً مرد حالت زنانگی و زن حالت مردانگی، داشته باشد، نه تنها باعث جذب و عشق نمی شود بلکه باعث همرنگ شدن می گردد؛ از این رو، آنچه در خارج با آن رو به رو هستیم،

ص: ۸۱

رابطه ای تکمیلی است که توسط دوست داشتن میان دو جنس مخالف حاصل می شود و تمام کمبودهای وجودی را نیز برطرف می کند(۱).

به هر حال وجود مرد و زن در کنار یکدیگر در صورتی که همراه با ارتباطی سالم به دور از اضطراب باشد، خود عاملی در برقراری اعتدال روحی - روانی است که باعث می شود افراد از زندگی خود لذت ببرند.

آلپورت می گوید: «داشتن هدف های دراز مدت، اکنون وجود آدمی را تشکیل می دهد و شخصیت سالم را از شخصیت بیمار متمایز می سازد. «رابطه» مهم ترین نقش را در زندگی آدمی ایفا می کند. شاید هیچ یک از ابعاد تجارب زندگی انسان به اندازه رابطه دو نفر سرشار از عاطفه و هیجان نباشد؛ همچنین است توانایی در برقراری روابط محبت آمیز. از نشانه های شخصیت سالم است.»(۲)

مفهوم شناسی

تعریف: پژوهش در رابطه با ارتباط میان فردی، از دیرباز مورد توجه دانشمندان و صاحب نظران تربیتی بوده است. برای روشن شدن موضوع به بررسی این واژه ارتباط می پردازیم.

۱. ارسطو درباره این مفهوم چنین می گوید: ارتباط (ریطوریکا) جستجو برای دست یافتن به کلیه وسایل و امکانات موجود برای ترغیب و اقناع دیگران است. ایشان مفهوم ارتباط را معادل فعالیت و عملیات های انفعالی دانسته است و بعید نیست آنچه در نظر این دانشمند بوده، ارتباط در صحنه های سیاسی و اقتصادی باشد.

ص: ۸۲

۱- (۱). همان.

۲- (۲). مجله معرفت، مقاله «سلامت روان در پرتو التزام عملی به آموزه های دینی»، محمد مهدی صفورایی پاریزی و سلیمان قاسمی، ش ۹۷ سال چهاردهم.

۲. از نگاه روانشناسان اجتماعی و دانشمندان علوم ارتباطات انسانی، ارتباط میان فردی، فرایندی است که طی آن اطلاعات، معانی و احساسات از طریق پیام های کلامی و غیر کلامی با دیگران در میان گذارده می شود؛ یعنی همان فرایند ارسال و دریافت پیام است. طبق این تعریف، ارتباط یک مفهوم دو سویه است و بر تاثیر و تأثر ارتباط برقرار کنندگان بر یکدیگر در یک سیستم دو سویه تاکید می کند.

۳. در تعریفی دیگر چنین آمده است: ارتباط میان فردی، یک تعامل گزینشی نظام مند، منحصر به فرد و رو به پیشرفت است که سازنده شناخت طرفین از یکدیگر می باشد و محصول این شناخت، خلق معانی مشترک بین اعضا و طرفین ارتباط است (۱).

در تعریف سوم، انتخاب گری جزء مقومات تعریف است. این تعریف بر این تأکید دارد که نتیجه یک ارتباط، رسیدن به شناخت طرفینی از یکدیگر و یک پیشرفت اجتماعی می باشد. در ضمن در این گونه ارتباطات، معانی جدید و قابل قبول طرفین خلق می شود.

۴. مقصود از دوستی دختر و پسر، رابطه ای نسبتاً صمیمانه و گرم و عمدتاً پنهانی است که از طریق دیدارهای مخفیانه، رد و بدل کردن نامه و یا برقرار ساختن ارتباط تلفنی بین دختر و پسر ایجاد می شود (۲).

جمع بندی

آنچه در این مقال مورد نظر است، مطلق برخوردهای میان دختر و پسر و برقرار کردن رابطه اعم از گفتاری و غیره می باشد که همراه با اهداف متفاوتی صورت می پذیرد.

ص: ۸۳

۱- (۱). مجله کتاب زنان، «اسلام و روابط دختر و پسر»، علی زینتی، ش ۲۴، سال ۱۳۸۳.

۲- (۲). تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، دکتر علی اصغر احمدی، ص ۶۹.

از آنجا که بشر موجودی بالطبع اجتماعی است و لازمه جدایی ناپذیر زندگی انسان، ورود به عرصه اجتماع و برقرار کردن تعاملات میان افراد است، در نظام ترسیم شده در قرآن کریم نیز بدان پرداخته شده و رابطه آنها به عنوان دو نیمه مکمل هم در نظام آفرینش جایگاهی را به خود اختصاص داده است. ولی در اینجا پرسشی مطرح می شود که آیا جامعه مورد نظر قرآن بسته و منحصر به حضور مرد در عرصه اجتماع است و یا جامعه ای باز و رها شده بوده و با هرگونه ایجاد رابطه میان افراد موافق است و یا این که جامعه مورد نظر آن جامعه ای همراه با ارتباطاتی نظام مند و کارشناسی شده و هدفمند می باشد که بر اساس همین هدفمندی، احکام اجتماعی و فردی آن انشا شده است؟

در مواردی از آیات قرآن، چگونگی ارتباط میان افراد جامعه، زن و مرد، به گونه ای حکیمانه بیان شده است که با بررسی آنها می توان درباره نگاه قرآن به موضوع، به جمع بندی مناسبی دست یافت. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که از نگاه قرآن کریم رابطه سالم میان زن و مرد باعث ایجاد آرامش و سکون نفس می گردد؛ آرامشی که تمام دانشمندان مختلف تربیتی سال ها برای رسیدن به قاعده ای که به آن بینجامد، فعالیت می کنند، ولی بر اثر تکبعد نگری نسبت به انسان تاکنون راه حلی نهایی ارایه ننموده اند. در آیه ای از قرآن کریم چنین آمده است: (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا) ۱.

در این آیه شریفه، رسیدن به آرامش نتیجه یک تعامل سالم میان مرد و زن به نام ازدواج دانسته شده است. از سوی دیگر، از نگاه قرآن، با توجه به آیه یاد شده، یکی از مهم ترین اهداف خلقت بشر به دو گونه زن و مرد،

آرامش بخشیدن و ماندگاری نسل انسانی است؛ از این رو، قوانین مطرح در این نظام الهی نباید با این هدف اولیه خلقت مغایر باشد، بلکه باید تکمیل کننده و در راستای این هدف تعریف و انشا شود.

طرح آیات ارتباط

۱. (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ). (۱)

خداوند در این آیه به تمام مؤمنان دستور می دهد که در هنگام ارتباط با زنان از نگاه مستقیم بر حذر باشند. می فرماید: (ای پیامبر)، به مردان مؤمن بگو: «چشم هایشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند، و دامانشان را (در امور جنسی) حفظ کنند.»

در این آیه، حفظ فرج به معنای جلوگیری از نظر افکندن به آن است (۲). ذکر حفظ فرج پس از فرو بستن چشم ذکر معلول بعد از علت است؛ زیرا هر کس به چشم چرانی عادت داشته باشد، بدون شک آثار سوء آن از جمله از دست دادن عفت دامن گیر او خواهد شد، و چون به غض بصر (پوشاندن چشم) عادت کنند، بدون شک اثر آن که حفظ فرج باشد، به دنبال آن خواهد آمد (۳). در ادامه آیه، حکمت این حکم بیان شده که این کار برای آن ها پاکیزه تر است و این پاکیزگی هم برای فرد است و هم اجتماع. در ادامه بحث برای این که کسی گمان نکند خداوند راضی می شود محیط سالم اجتماع به انحطاط کشیده شود و یا روح و روان افراد دستخوش افکار ناسالم گردد، با یک جمله تهدید آمیز می فرماید: «خداوند

ص: ۸۵

۱- (۱) نور / ۳۰.

۲- (۲) ر. ک: المیزان، ذیل آیه ۳۰ سوره نور.

۳- (۳) التحقیق فی کلمات القرآن، حسن مصطفوی، ج ۷، ص ۲۳۶.

به آنچه می سازید، آگاه تر است». تعبیر به ساختن به جای «یعملون» می تواند اشاره به بازتاب این عمل در اجتماع باشد؛ یعنی آنچه شما انجام می دهید، باعث بروز و ظهور یک انحراف اجتماعی است و خداوند نسبت به آن آگاهی کامل دارد.

۲. (وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...۱)؛ در ادامه دستور به مردان، برای چگونه ارتباط برقرار کردن، روی سخن را به نیمه دیگر افراد اجتماع کرده و وظایف مفصل تری را برای آن ها بر می شمارد:

الف) (قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ)

این قسمت، زنان مؤمن را به بازداشتن چشم خود از نگاه به مردان نامحرم امر می کند؛ زیرا نظر افکندن به محیطهای شهوت آلود باعث ایجاد اختلال در سیستم عصبی شده و ذهن بیننده را برای مدتی به خود مشغول می کند و همان گونه که در آیه قبل بیان شد، بازتاب و آثار این عمل، زیر پا گذاشتن عفت و سلامت انسانی است.

همان گونه که گذشت، نگاه از جمله عواملی است که می تواند غریزه جنسی را به حرکت در آورد. «فروید» منشأ تمام بیماری های عصبی را غریزه جنسی می داند و تظاهرات مرضی در این گونه بیماران را فعالیت های جنسی بیمار گونه آن ها بیان می کند (۱). از دیدگاه این روانکاو، عوامل برانگیختگی میل جنسی مشتمل بر عوامل بیرونی و درونی است. فکر زیاد، دقت زیاد و بیش از اندازه بر یک موضوع جنسی از جمله عوامل درونی تحریک میل جنسی به شمار می آید؛ این همان چیزی است که در این آیه

ص: ۸۶

۱- (۲). رفتارهای جنسی انسان، دکتر علی اسلامی نسب، ص ۶۴ و ۶۵.

شریفه در دو کلمه پر مغز بیان شده است که عمل به آن بیمه شدن جامعه انسانی در برابر انحراف را به دنبال دارد.

از جمله عوامل بیرونی در تحریک جنسی افراد، جذبه های موجود در جنس مخالف است؛ به عبارت دیگر، آنچه باعث جلب نظر می شود، زیبایی جنس مخالف و بروز دادن و در معرض قرار دادن این زیبایی است. این لذت در نگاه، که به علت زیبایی فرد مقابل ایجاد می شود، به مرور زمان حالت صعودی پیدا می کند و اگر این حالت به ناامیدی بینجامد، چیزی جز درد و اندوه درونی را به دنبال نخواهد داشت(۱).

با توجه به این بیان معنا و هدف آیه از بیان «غض بصر» و «حفظ فرج» به نهایت وضوح می رسد و معلوم می شود که این حکم نیز در راستای همان هدف کلی خلقت که رساندن جامعه به آرامش روانی است، وضع شده است.

ب) (وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا) .

زنان مؤمن باید درباره آشکار شدن زینت ها نهایت دقت را به کار بندند. آنچه در این مسأله مهم است و برخی مفسران نیز بر آن تأکید دارند، این است که اظهار محل زینت؛ مراد از نهی خداوند است نه خود زینت، زیرا اظهار زینت حرام نیست، بلکه آنچه حرام است، به نمایش گذاردن محل آنهاست(۲).

علت بیان این حکم بعید نیست که ناظر به یکی از غرایز مهم نهفته در زنان به نام «تبرج» و «خودآرایی» باشد. همه زنان به طور طبیعی به خودآرایی و دل ربایی تمایل دارند. به این مسأله در آیه دیگر چنین اشاره شده است:

ج) (وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى) ۳ .

ص: ۸۷

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . ر. ك: المیزان، ذیل آیه.

شهید مطهری در این باره می گوید: «اما علت این که در اسلام پوشش اختصاص به زنان یافته است، این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب ها و دل ها مرد شکار است و زن شکارچی؛ هم چنان که از نظر تصاحب جسم و تن زن شکار است و مرد شکارچی.

میل زن به خود آرایی از این نوع حس شکارچی گری او ناشی می شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس های بدن نما و آرایش های تحریک کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و به دام خود اسیر کند.»^(۱)

وجود غریزه تبرج و آثار آن از دید دانشمندان روان شناس نیز پنهان نمانده است. «لمبروزو» - روان شناس معروف ایتالیایی - در این باره می گوید: «در زن علاقه به دلبر بودن و دل باختن، مورد پسند بودن و مایه خرسند شدن بسیار شدید است.» در جای دیگر می گوید: «یکی از تمایلات عمیق و آرزوهای اساسی زن آن است که در چشم دیگران اثری مطلوب بخشیده و به وسیله حسن قیافه، زیبایی اندام، موزون بودن حرکات، خوش آهنگی صدا، طرز تکلم و بالاخره شیوه خرام خود، مطبوع قرار گرفته، احساسات آن ها را تحریک و روحشان را مجذوب سازد.»^(۲)

پس وجود غریزه خودآرایی در زنان امری مسلم می باشد. حال خداوند حکیم از آن جا که به این مسأله علم و آگاهی داشته و پیامد آن را در اجتماع انسانی می دانسته است، بایک حکم «منع اظهار زینت» جامعه رو به سعادت بشری را از خطر انحراف جنسی و در نتیجه بروز اختلالات روانی

ص: ۸۸

۱- (۱). مجموعه آثار، مرتضی مطهری، ج ۱۹، ص ۴۳۶.

۲- (۲). مجله معرفت، «حیاء و خودآرایی و نقش آن ها در سلامت روانی زن»، عباس رجبی، ش ۸۷.

نجات داده است؛ البته در این مورد راه افراط را در پیش نگرفته و جایی را که احتمال ریه و خطر انحراف نبوده، استثنی کرده است.

د) (وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ)

در ادامه آیه خداوند موضوع پوشش را مطرح کرده و می‌فرماید: باید اطراف مقنعه خود را بر سینه‌ها انداخته و فضاهای خالی را پر کند. از نظر اسلام تمام بدن زن جزء عورت او به‌شمار می‌رود؛ یعنی تمام اندام زن باعث تحریک جنس مخالف می‌شود. فیزیولوژیست‌ها و روانشناسان در مقام مقایسه زن و مرد به این مطلب تصریح کرده و گفته‌اند: میان زن و مرد در تمام سلول‌های آن‌ها تفاوت وجود دارد. در توضیح آیه باید گفت:

«زن مظهر جمال و مرد مظهر شیفتگی است و طبعاً بیش از مرد در معرض چشم‌چرانی قرار می‌گیرد. جهت حفظ سلامت روانی جامعه بر حفظ پوشش و عدم تحریک‌گرایی در روابط اجتماعی تأکید شده است. این که در آخر آیه می‌فرماید: «لعلکم تفلحون» نشانگر این مهم است که عدم تحریک‌گرایی در روابط اجتماعی به رستگاری و سعادت افراد جامعه می‌انجامد.» (۱)

ه) (وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ).

زنان مؤمن نباید به گونه‌ای پا بر زمین بکوبند که زینت‌های آن‌ها به صدا درآید و باعث جلب نظر افراد اجتماع گردد. این نیز در راستای غریزه تیرج و خودآرایی صادر گردیده و باعث نوعی پیش‌گیری از اختلالات روانی در اجتماع است.

۳. (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا)؛ (۲) در این آیه، خداوند شرط

ص: ۸۹

۱- (۱). بررسی تاریخ منزلت زن از دیدگاه اسلام، دکتر ثریا مکنون و مریم صانع پور، ص ۲۰۴.

۲- (۲) احزاب / ۳۲.

دیگر را در رابطه میان فردی بیان می کند. در مورد ارتباط زن و مرد آنچه مهم به نظر می رسد، این است که با توجه به ویژگی های خاص زنان در لطافت و ظرافت های جسمی و روحی و... نباید در روابط اجتماعی و سازمانی، جذابیت زن واسطه ارتباط قرار گیرد، چه جذابیت چهره و چه جذابیت کلامی. برای رعایت این امر، قرآن کریم در این آیه چگونگی ارتباط کلامی زنان با مردان را مطرح کرده است؛ البته ممکن است کسی گمان کند که این آیات خاص زنان پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله است، ولی این برداشت به چند دلیل مردود و آنچه مورد نظر آیه است، عمومیت حکم می باشد؛ زیرا

اولاً: در آیه علت حکم بیان شده و توسعه و محدوده حکم، دار و مدار دلیل حکم است و دلیل مذکور در آیه دلیل عام و گسترده می باشد. می فرماید: (فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ) که تعمیم آن نشان می دهد احکام مذکور به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص ندارد.

ثانیاً: این که خداوند زنان پیامبر صلی الله علیه و آله را مخاطب قرار داده نشان از غلظت و شدت حکم نسبت به زنان دیگر است؛ زیرا زنان پیامبر صلی الله علیه و آله از لحاظ حقوقی حکم مادر مؤمنان را دارند؛ از این رو، اساساً بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج با آن ها حرام است.

افزون بر آن، هیبت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر همسرانش سایه افکن است و لذا کسی جرأت نمی کند خیال هوسرانی در ارتباط با آن ها در سر پیوراند؛ از این رو، ضعیف ترین موردی که احتمال سوء استفاده در مورد آن مطرح می شود، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است و خداوند با مورد خطاب قرار دادن آن ها حکم را به طریق اولویت به همه جامعه سرایت داده است (۱).

ص: ۹۰

در این آیه، خداوند از خضوع و طنازی زنان در گفتار با غیر محارم که ممکن است در قالب شوخی و لطیفه گویی مصداق پیدا کند، نهی کرده است؛ زیرا این گونه ارتباط باعث حرکت شهوانی گردیده و افکار اجتماع را به خود مشغول می کند و همان گونه که گفته شد، برخی روان شناسان این گونه رفتارها را باعث ایجاد فکر زیاد و دقت بیش از اندازه دانسته و معتقدند که موجب فعالیت های جنسی و در نتیجه اضطراب و تشویش روانی می گردد، و جامعه ای این چنین، بیمار، راکد و به دور از هر گونه فعالیت رو به رشدی است که با هر عامل بیرونی آسیب می پذیرد.

با توجه به این آیات که قوانین و مقررات مربوط به پوشش زن و شیوه رفتار او در اجتماع را مطرح کرده و نیز با توجه به احکامی که مالکیت زن را به رسمیت شناخته و بسیاری از حوادث تاریخی مستند، از زمان حکومت نبوی و علوی و دیگر ائمه که در تاریخ بیان گردیده، اصل ارتباط میان زن و مرد از نگاه قرآن امری مسلم و ثابت شده است (۱) و نگاه دین نگاهی اعتدالی، و قرار دادن شرایط ارتباط به هدف جلوگیری از هرج و مرج های روحی - روانی اجتماع می باشد.

بررسی مؤلفه های ارتباط

هر ارتباطی مؤلفه هایی دارد که برخی از آن ها عبارت اند از:

۱. برقرار کنندگان ارتباط؛

۲. پیام: همان محتوای ارتباط است که منظور ارتباط کنندگان را روشن می کند.

۳. رسانه: منظور شیوه خاص برقراری ارتباط است.

۴. کانال: آنچه ارتباط برقرار کنندگان را به هم پیوند می دهد و رسانه را در خود جای می دهد.

ص: ۹۱

۱- (۱). بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام و...، همو، ص ۸۱.

۵. انگیزه ارتباط: در این بحث می‌تواند عشق ورزی و ابراز علاقه باشد.

وجود این مؤلفه‌ها نشان دهنده ارتباطی هدفمند است.

آنچه از آیات شریف استفاده شد، شرایط برقرار کنندگان ارتباط است، ولی از فحوای این آیات فهمیده می‌شود که پیام ارتباط نیز نباید به گونه‌ای باشد که باعث تحریک شهوات جنسی گردد؛ زیرا در غیر این صورت هدف از وجود شرایط تأمین نمی‌گردد.

از برخی آیات استفاده می‌شود که تعدادی از شرایط یاد شده مانند پوشش زن، ناظر به ارتباط حضوری زن و مرد است و شرایطی مانند نوع سخن گفتن می‌تواند ناظر به ارتباط اعمی (حضوری و تلفنی) باشد؛ البته بیان علت حکم می‌تواند ناظر به محتوای ارتباطات نامه‌ای نیز باشد؛ زیرا به کار بردن جملات شهوت‌انگیز نیز مشمول نهی یاد شده می‌شود.

به هر حال آنچه از نگاه قرآن مهم است، سالم‌سازی جامعه است، لذا باید از هرگونه ارتباطی که منجر به از بین رفتن آرامش روحی افراد اجتماع می‌گردد خودداری شود.

نگاه افراطی به ارتباط

در مورد ارتباط میان دختر و پسر در محیط اجتماع و عرف مردم ضرب‌المثلی وجود دارد که دختر را به پنبه و پسر را به آتش مانند می‌کنند که بدون شک در صورت نزدیک شدن آن دو به یکدیگر، پنبه شعله‌ور می‌شود. این ضرب‌المثل به عنوان یک گزاره رفتاری و یک الگوی اجتماعی در میان افراد جامعه وجود دارد. خانواده‌ها با این گزاره رفتاری به تربیت و خطدهی فرزندان اهتمام می‌ورزند، در حالی که این سخن به معنای نادیده گرفتن اراده و اختیار انسان و پایین آوردن شخصیت والای انسانی افراد در حد جمادات است که امری غیر صحیح و به دور از دلیل

می باشد. آنچه مهم می نماید این است که باید رفتارها و ارتباطات دارای مرز و همراه با رعایت اصول برخاسته از شرع باشد که در این فرض، ارتباط هیچ منعی ندارد. در تربیت فرزند مهم این است که معرفت بخشی مناسب و به جا انجام پذیرد؛ یعنی والدین باید تلاش کنند نوجوان و جوان خود را در خود نگهداری، بصیرت لازم ببخشند(۱)؛ یعنی لازم است والدین علت نهی و یا امر خود را در مورد رفتارهای مختلف بیان کنند تا فرزند در یک سردرگمی تربیتی قرار نگیرد؛ امری که در موارد مختلف مورد اهتمام قرآن کریم بوده و به عنوان اصلی متقن مورد اشاره قرار گرفته است. قرآن در هر زمینه ای نخست معرفت بخشی می کند و در مرحله بعد، حکم خاص آن را بیان می نماید(۲).

در نتیجه لازم است برای ساختن جامعه ای سالم و متعادل در وهله اول به افراد شناخت و بینش رفتاری صحیح داده شود تا رفتارها کورکورانه و آسیب پذیر نباشد.

پیامد دور شدن از واقعیت

دور شدن از واقعیت موجود میان تفاوت های فردی در بین زن و مرد و پیروی از اصول غیر متقن و تک بعد نگری افراد در میان جوامع غربی پیامدهای جبران ناپذیری را برای زنان جامعه به همراه داشته است. توضیح این که:

جنبش اجتماعی دهه ۱۹۶۰ م به تغییرات بنیادی در کیان خانواده انجامید. جنبش آزادی زنان آن ها را به کار بیرون از خانه ترغیب نمود. جنبش ضد فرهنگی، رهیافت های جدیدی در روابط جنسی مطرح کرد که در نتیجه آن، زوج های بسیاری بدون ازدواج با هم زندگی می کردند. در این زمان، خانواده های نامتعارفی از قبیل خانواده های تک والدینی و زندگی

ص: ۹۳

۱- (۱). تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر، همو، ص ۶۹.

۲- (۲). روزنامه کیهان، «تصویر قرآن از جوامع نابهنجار»، علیرضا نوبری. ش ۱۸۳۹۵، تاریخ ۱۰ آذر ۸۴.

همجنس گراها به پدیده شایع تبدیل گردید. برخی پیامدهای این خانواده ها در غرب عبارت اند از:

۱. افزایش چشمگیر شمار کودکان نامشروع؛

۲. افزایش چشمگیر مسائل روان پریشی بین کودکان و والدین مجرد؛

۳. افزایش خط خشونت و آزار کودکان؛

۴. افزایش مشکلات مربوط به سلامت کودکان و والدین مجرد؛

۵. افزایش آسیب های آموزشی و تحصیلی؛

۶. افزایش احتمال استفاده از مواد مخدر همراه با هزینه های اجتماعی آن؛

۷. افزایش میزان جرایم اجتماعی (۱).

باید تذکر داد که این گونه پیامدها، بار اقتصادی و اجتماعی سنگینی بر دولت های تحمیل کرده است.

علت برقراری روابط دوستانه ناسالم دختر و پسر

برقراری این گونه ارتباطات فرایند عوامل گوناگونی است که برخی از آنها عبارت اند از:

۱. ضعف بینش مذهبی

نوجوان یا جوانی که از لحاظ بینشی قائل به مرز بین محرم و نامحرم نیست، آمادگی بیشتری برای گرفتار آمدن در چنین دامی را دارد. این مشکل در صورتی رفع می شود که والدین به بینش دهی صحیح به فرزند رو کنند و اوامر و نواهی خود را با دلایلی همراه سازند.

۲. عدم رعایت حجاب

ضعف بینش مذهبی در دختران باعث بی توجهی به مسأله پوشش و

ص: ۹۴

۱- (۱). مجله کتاب زن، «افول خانواده در آمریکا و انگلیس»، ترجمه و تدوین سید محمد کمال سروریان. ش ۲۶، زمستان

حجاب سالم می گردد. از آن جا که گزینه تبرج امری طبیعی در دختران است و از سوی دیگر، دختر جوان توجهی به مهار و کنترل این گزینه از نگاه شرع ندارد، بی حجابی در جامعه امری رو به رشد می گردد که پیامد اولیه آن چیزی جز ارتباطهای غیر اخلاقی چیزی نیست.

۳. آرایش های غیر مناسب دختران

دختر خود موجودی جذاب و ذاتاً باعث تحریک نگاه هاست. اگر این شخص به آرایش ظاهری مبادرت ورزد و در اجتماع ظاهر گردد، این جذابیت دو چندان شده و باعث جلب توجه جنس مخالف می شود، و نهی شارع مقدس از نمایان کردن آرایش زنان در اجتماع، حکمی برای کنترل ارتباطات نامشروع می باشد که باید به آن بیشتر توجه شود.

۴. وجود الگوهای منحرف

سن نوجوانی و زمان گذر از آن، حساس ترین دوران زندگی هر فرد به شمار می آید. در این دوران، هر نوجوان به دنبال معیار و الگویی برای رفتار خود است، و چنانچه در این الگوگیری مشورت داده نشود، ممکن است الگویی را برگزیند که او را به سوی انحراف سوق دهد. قرآن کریم نیز به این مهم توجه نموده و در چند مورد به معرفی الگوهای رفتاری مناسب اقدام کرده است. آیاتی که حضرت ابراهیم علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زنان فرعون و حضرت مریم علیها السلام را معرفی می کند، از این قبیل است.

عوامل دیگری نیز در این روند ارتباطی مؤثر است؛ عواملی از قبیل سهل انگاری برخی مادران و بی خبری پدران، اشتغالات فراوان والدین، وجود مشکلات عاطفی در خانواده و دلایل جنسی و زیاد شدن سن ازدواج (۱).

ص: ۹۵

۱- (۱). ماهنامه اصلاح و تربیت، «بررسی تحلیلی از روابط دختر و پسر»، دکتر محسن ایمانی، ش ۲۹.

ارتباطهایی که از راه غیرصحیح و به دور از اصول مطرح در این گونه ارتباطات ایجاد می شود ممکن است در پی دارنده پیامدهایی باشد که جبران آن برای افراد ممکن نباشد. در یک نگاه اجمالی برخی از این پیامدها را می توان چنین برشمرد:

۱. نگرانی برملا شدن این ارتباط

این گونه روابط از آن جا که به دور از چشم والدین برقرار شده است، در هر دو طرف یک حالت ترس و اضطراب به خاطر آشکار شدن آن به وجود می آید که می تواند در روند سالم زندگی فردی شخص تأثیری منفی بر جای گذارد.

۲. نگرانی والدین

این نگرانی پس از آشکار شدن ارتباط فرزند با دیگران برای آن ها حاصل می شود و باعث روان پریشی افراد خانواده می گردد و زندگی سالم آن ها را دچار نگرانی و اضطراب می کند.

۳. افت آموزشی و ترک تحصیل

با توجه به آزمایش های میدانی که صورت گرفته، این گونه ارتباطات باعث بروز عشق و عاشقی و افتادن به ورطه خیال می شود که نتیجه آن در اغلب موارد افت شدید تحصیل و در مواردی نیز ترک تحصیل است.

۴. ابتلا به افسردگی

برقراری عاطفی این گونه روابط در سن نوجوانی از آن جا که اغلب به ازدواج نمی انجامد، فرد را دچار افسردگی می کند. اسلام با انشای حکم ازدواج موقت به عنوان حکمی ثانوی و همراه با شرایط خاص، این معضل را معالجه کرده که لازم است در این زمینه تحقیقی مستقل ارائه شود.

این گونه ازدواج ها جنبه عقلانی ندارد و صرفاً عملی عاطفی محسوب می گردد و به گفته بسیاری از روان شناسان عشق اولیه معمولاً پایدار نمی ماند؛ از این رو، در بیشتر موارد به طلاق و جدایی می انجامد؛ به گفته مولوی:

عشق هایی کز پی رنگی بود عشق نبود عاقبت ننگی بود

ذکر نمونه قرآنی از یک ارتباط سالم

در پایان به جاست که به یک نمونه قرآنی در مورد ارتباط سالم بین دختر و پسر اشاره شود. در این داستان جوانی است به نام موسی علیه السلام که به شهر مدین وارد شده است. او پس از ورود بر سر چاه شهر می رود و گروهی از مردم را می بیند که برای آب دادن به چهارپایان خود جمع شده اند. در این هنگام دو دختر را می بیند که کناری ایستاده و از گوسفندان خود مراقبت می کنند و به چاه نزدیک نمی شوند. در این حال جوان به سوی آن ها گام برمی دارد و علت کناره گیری آن ها را جویا می شود. می گویند: ما به گوسفندان خود تا زمانی که همه مردان چوپان کنار نروند، آب نمی دهیم و بیان می کنند که علت حضور ما در این جا این است که پدرمان فردی کهنسال است.

جوان به یاری آنها می شتابد و پس از سیراب کردن گوسفندان آنها برای استراحت به زیر درختی می رود و در برابر خداوند ابراز نیازمندی می کند. در این هنگام ناگهان یکی از آن دو دختر به طرف جوان می آید. قرآن نوع حضور این دختر را چنین بیان می کند: (فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا). (۲).

ص: ۹۷

۱- (۱). همان.

۲- (۲) قصص / ۲۵.

این دختر در هنگام گام برداشتن، حیا را فراموش نمی کند(۱). بیان دعوت را از زبان پدر می گوید تا شائبه میل فردی در مخاطب ایجاد نگردد. در این داستان نکات زیر قابل تامل است:

۱. حضور دختران در اجتماع به علت ضرورت خانوادگی؛

۲. برقراری ارتباط سالم با افراد؛

۳. عدم اختلاط دختران با مردان؛

۴. توجه به حیای فردی در نوع راه رفتن؛

۵. سخن گفتن با جوان بدون ایجاد ریه و شهوت؛

۶. نتیجه ارتباط ازدواج سالم و به پیشنهاد پدر دختران به جوان.

آنچه گذشت، بیان داستانی قرآنی از یک رابطه انسانی است که اصل ارتباط میان پسر و دختر را در صورت حفظ شرایط ارتباط تایید می کند. ذکر این نکته لازم است که این حفظ حریم شخصی در ارتباط با جنس مخالف، از نگاه خداوند دور نماند. و در نهایت، این پاکی جوان باعث بعثت او به نبوت الهی گردید که خود می تواند درسی سازنده برای جوانان مؤمن باشد.

ص: ۹۸

برای برطرف کردن شهوت و زیاد کردن تقوا چه راهکارهایی وجود دارد؟

اشاره

* پاسخ

پاسخ را در دو بخش «شهوت» و «تقوا» ارائه می کنیم:

اول: شهوت و راه های کنترل آن

واژه «شهوت» در موارد مختلفی مانند شهوت مال، شهوت پست و مقام، شهوت کار، شهوت جنسی و... کاربرد دارد، ولی از آن جا که پرسش به «غریزه جنسی» اشاره دارد؛ در پاسخ باید گفت خداوند تمایل و غریزه جنسی را مانند غرایز و تمایلات دیگر در وجود انسان به امانت گذاشته و ما در قبال آن سه راه داریم:

۱. سرکوب کردن یا از بین بردن غریزه جنسی؛

۲. رها کردن افسار شهوت و غریزه جنسی؛

۳. تحت برنامه دین در آوردن شهوت.

راه اول، یعنی سرکوب کردن، باعث نقص جسمانی می شود و به دنبال آن بسیاری از استعدادهای درونی انسان را نابود می کند و اجازه شکوفایی و رشد نمی دهد و دین اسلام با این راه مخالف است.

راه دوم، یعنی رهاکردن افسار شهوت نیز هم موجب هلاکت انسان و بروز بیماری های روحی و جسمی می شود که امروزه در بسیاری از کشورهای غربی شاهد آن می باشیم و اسلام با این راه نیز مخالف است.

راه سوم این که نه این غریزه و نعمت الهی را سرکوب کنیم و نه آن را رها نماییم، بلکه طبق دستورهای شرع آن را مدیریت نماییم.

اینک به برخی از این دستورها توجه می نمایم:

۱. ازدواج

یکی از بهترین راهکارهایی که در قرآن و روایات بدان سفارش شده «ازدواج» است و حتی در قرآن دستور بسیج همگانی برای فراهم کردن اسباب ازدواج جوانان داده شده است. در سوره نور آیه ۳۲ به مؤمنان دستور می دهد: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ...؛ و افراد بی همسران، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید؛...»

در آیه بعد می فرماید: «و کسانی که (وسایل) ازدواج نمی یابند، باید خویشنداری کنند تا خدا از بخشش خود آنان را توانگر سازد.»

۲. کنترل چشم

پرهیز از چشم چرانی و حاضر نشدن در مجالس و محل هایی که نامحرمان حضور بیشتری دارند و تماشا نکردن فیلم ها و عکس های مبتذل؛ از این رو در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور می فرماید: (ای پیامبر) به مردان مؤمن بگو: «چشم هایشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند، و دامانشان را (در امور جنسی) حفظ کنند.» که این برای آنان [پاک کننده تر و] رشد آورتر است؛ [چرا] که خدا به آنچه با زیرکی انجام می دهند آگاه است.

«و به زنان مؤمن بگو: چشمانشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند؛ و دامان (عفت) شان را حفظ کنند؛...»

۳. دوری از ناپاکان

برخی افراد نا اهل و منحرف در لباس دوست ظاهر می شوند و انسان را از مسیر صحیح خارج می کنند؛ از این رو، قرآن خطر همنشینی با این افراد را چنین گوشزد می کند: «خدا می خواهد توبه شما را بپذیرد؛ و [لی] کسانی که پیرو شهواتند، می خواهند که [شما] با انحرافی بزرگ منحرف شوید.»^(۱)

ص: ۱۰۰

روزه گرفتن در فرو نشانیدن آتش شهوت بسیار موثر است.

۵. دوری از تخیلات شیطانی

تخیلات شیطانی همچون «طوفانی» بر «تلاطم امواج شهوت» می افزاید؛ از این رو، توصیه می شود:

الف) لحظات قبل از خواب، با قرائت قرآن یا دعا و یا مطالعه کتابی سودمند در بستر سپری شود.

ب) تا خسته نشده ایم به رختخواب نرویم. [پیش از خواب با کار یا ورزش یا مطالعه و یا جز این ها خود را آماده خواب کنیم].

ج) نماندن در محلی که تنها هستیم و کسی حضور ندارد.

افزون بر این ها هر مورد دیگری را که باعث حرکت «پرنده خیال» ما می شود، باید مورد توجه قرارداد؛ از این رو قرآن در مورد دوری از خیالات شیطانی می فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید! از گام های شیطان پیروی مکنید. و هر کس از گام های شیطان پیروی کند، (گمراهش می سازد)، چراکه او به [کارهای] زشت و ناپسند فرمان می دهد.»^(۱)

به توصیه برخی صاحب نظران موارد ذیل در کنترل شهوت مؤثر است:^(۲)

الف - ورزش و عضویت در تیم های ورزشی؛

ب - مطالعه کتب مفید (به ویژه زندگی علما و اولیای خدا)؛

ج - پرهیز از غذاهای محرک؛

د - پوشیدن لباس های تنگ و چسبان؛

و جز این ها.

ص: ۱۰۱

۱- ((۱)) نور / ۲۱.

۲- ((۲)) آنچه یک جوان باید بداند، رضا فرهادیان.

«تقوا» یعنی خود نگهداری و خویشتن داری و در قرآن کریم آمده است: «در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا خود نگهدارترین (و پارساترین) شماست»^(۱)؛ «و توشه بگیرید، و در حقیقت بهترین توشه، پارسایی (و خود نگهداری) است...»^(۲)

بله، در اهمیت تقوا همین آیات کافی است که خدا می فرماید: گرامی ترین و بزرگوارترین بنده نزد من کسی است که وقتی در موقعیت گناه قرار گیرد، خویشتن داری کند و مرتکب گناه نشود.

حال برای دست یابی به راهکارهای افزایش تقوا، به سراغ آیات الهی می رویم و از غذاهای معنوی آن بهره می بریم:

۱. عبادت

قرآن می فرماید: «ای مردم! پروردگارتان را پرستش کنید... تا شاید شما [خودتان را] حفظ کنید.»^(۳)

از این آیه فهمیده می شود که افزون بر عباداتی مانند روزه، نماز، تلاوت قرآن و...، عباداتی مانند کمک به بینوایان، یتیم نوازی و خدمت به خلق و... مانند این ها نیز به افزایش تقوا کمک می کند.

۲. مطالعه احوال اقوام گذشته و عبرت گرفتن از آن ها

«و یقین دانستید (حال) کسانی از شما را، که در (روز) شنبه [از حدّ] تجاوز کردند و به آنان گفتیم: «میمون هایی طرد شده باشید! و آن (کیفر) را عبرتی برای (مردم) در پیش رویشان (در آن عصر) و (نسل های) پشت سرشان و پندی برای پارسایان (خود نگهدار) قرار دادیم...»^(۴)

ص: ۱۰۲

۱- (۱). حجرات / ۱۳.

۲- (۲). بقره / ۱۹۷.

۳- (۳). بقره / ۲۱.

۴- (۴). بقره / ۶۶-۶۵.

«ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما مقرر شده، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شد؛ تا شاید شما [خودتان را] حفظ کنید.» (۱)

در آیه ۲۱ سوره بقره عبادت را برای افزایش تقوا معرفی کرد، و در این آیه به طور خاص «روزه» را معرفی می نماید، با این که روزه یکی از عبادات است؛ بنابراین، روشن می شود که نقش روزه در افزایش تقوا بسیار مهم است.

۴. پرهیز از راه های انحرافی

۵. سیر در مسیر الهی

«و این راه راست من است؛ پس از آن پیروی کنید؛ و از راه ها [ی دیگر] پیروی نکنید، که شما را از راه او پراکنده می سازد؛ این [ها] است که [خدا] شما را به آن [ها] سفارش کرده، تا شاید شما [خود را] حفظ کنید.» (۲)

۶. یادآوری نعمت های الهی و انجام وظایف (۳)

۷. توجه و تفکر در آیات معاد و آگاهی از عالم برزخ، قیامت و چگونگی حساب رسی انسان ها

آیاتی مانند: «و [خودتان را] از (عذاب) روزی حفظ کنید، که هیچ کس به جای شخص (دیگری) چیزی (از عذاب) کیفر نمی شود، و از او هیچ شفاعتی پذیرفته نمی شود، و هیچ عوضی از او گرفته نمی شود، و آنان یاری نمی شوند.» (۴)

۸. باور و یقین قلبی به موارد زیر نیز باعث ایجاد انگیزه در رعایت تقوا می شود؛ این که انسان بداند:

الف) خدا با متقین است. (بقره / ۱۹۴)

ب) خدا متقین را دوست دارد. (آل عمران / ۷۶)

ص: ۱۰۳

۱- (۱). بقره / ۱۸۳.

۲- (۲). انعام / ۱۵۳.

۳- (۳). بقره / ۶۳.

۴- (۴). بقره / ۴۸.

ج) متقین از نعمت های الهی بهشتی برخوردارند. (حجر / ۴۵)

د) تقوا عامل فلاح، رستگاری و سعادت است. (بقره / ۱۸۹)

ه) تقوا عامل وسعت و زیاد شدن رزق می باشد.

- «و اگر (بر فرض) اهل آبادی ها ایمان می آوردند و خودنگهداری (و پارسایی) می کردند، حتماً بر کاتی از آسمان و زمین بر آنان می گشودیم؛ ولیکن (آنان حق را) تکذیب کردند؛ پس بخاطر آنچه همواره کسب می کردند، گرفتارشان کردیم.» (۱)

- «... و هر کس [خودش] را از [عذاب] خدا حفظ کند، برایش محل خارج شدن (از مشکلات) قرار می دهد؛ و او را از جایی که نمی پندارد روزی می دهد؛...» (۲) - «... و هر کس [خود را] از [عذاب] خدا حفظ کند برای او کارش را آسان قرار می دهد.» (۳)

- در پایان یادآور می شویم که ملاقات و دیدار با علمای ربانی و اولیای خدا و مطالعه احوال و زندگی نامه بزرگان، بسیار مؤثر و راهگشا می باشد.

معرفی کتاب

برای مطالعه بیشتر در این باره به کتاب های زیر رجوع فرمایید:

۱. تفسیر نمونه، زیر نظر آیه الله العظمی مکارم شیرازی مباحث مربوط به آیاتی که در پاسخ آمده؛

۲. گناهان کبیره، آیت الله شهید دستغیب رحمه الله؛

۳. کنترل غرایز جنسی، آیه الله العظمی مکارم شیرازی، انتشارات مدنی؛

۴. جوانان در طوفان غرایز، همت سهراب پور، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی؛

۵. آنچه یک جوان باید بداند [ویژه پسران]، رضا فرهادیان، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی؛

۶. چشم چرانی - به قلم دوشیزگان - انتشارات الزهرا.

ص: ۱۰۴

۱- (۱). اعراف / ۹۶.

۲- (۲). طلاق / ۳ و ۲.

۳- (۳). طلاق / ۴.

اسلام برای کنترل عشق به جنس موافق و مخالف چه راهکاری پیشنهاد کرده است ؟

* پاسخ

برای دستیابی به پاسخی مناسب، نخست لازم است به مقدماتی دربارهٔ معنای «عشق» و انسان عاشق توجه نماییم.

معنای عشق

در لغت، «عشق» را محبت شدید و علاقه افراطی و دل بستگی زیاد نسبت به یک شیء و یا یک شخص معرفی کرده اند. محقق بزرگ خواجه طوسی در شرح اشارت بوعلی می نویسد: «والحب اذا افراط سمي عشقاً؛ محبتی که از اندازه زیادتیر شود و از حد خود بگذرد، عشق می نامند». آیت الله جوادی آملی نیز در کتاب حماسه و عرفان به همین معنا اشاره دارند.

ریشه این واژه از «عشقه» گرفته شده است، و آن نام گیاهی است که بر تنه درخت می پیچد، آب آن را می خورد، رنگ آن را زرد می کند و بالاخره آن را خشک می کند و خود با طراوت می ماند(۱).

اما در اصطلاح: عشق را از کیفیات نفسانی قلمداد می کنند که به سبب سیطرهٔ شدید تفکر در زیبایی و نیکویی محبوب و کثرت مشاهده شئون اطوار و آثار حسن معشوق در نفس و جان آدمی تحقق می یابد(۲). از نظر بوعلی عشق حقیقی در تمام موجودات ساری و جاری است. عشق حقیقی همان ابتهاج، سرور، نشاط ناشی از تصور ذات معشوق می باشد(۳).

ص: ۱۰۵

۱- (۱). فرهنگ علوم عقلی، سید جعفر سجادی، ص ۳۵۷.

۲- (۲). حکمت الهی عام و خاص، به نقل از مهدی الهی قمشه ای، ج ۱، ص ۱۳۹.

۳- (۳). اشارات و تنبیهات شرح المحقق طوسی، ج ۱، جزء سوم، ص ۸.

واژه «عشق» در قرآن نیامده اما مفهوم آن که محبت شدید و دل باختن به محبوب می باشد، وجود دارد. در سوره بقره آیه ۱۶۵ می خوانیم: (الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ)؛ «و[و] لی [کسانی که ایمان آورده اند خدا را بیشتر دوست دارند].»

گروهی از مترجمان و مفسران «اشد حبا» را به عشق ترجمه کرده اند.

در سوره یوسف نیز آمده است: وقتی جریان محبت و علاقه شدید زلیخا به یوسف در شهر منعکس شد (گروهی از زنان شهر گفتند: همسر عزیز، جوانش (غلامش) را به سوی خود دعوت می کند عشق این جوان در اعماق قلبش نفوذ کرده است. در روایات واژه عشق و مفهوم آن به طور مستقیم به کار رفته است؛ برای نمونه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است:

«افضل الناس من عشق العباده فعانقها واحبها بقلبه وباشرها بجسده وتفرغ لها(۱)؛ بهترین مردم کسی است که به عبادت عشق بورزد و با عبادت هم آغوش گردد و از قلب، دوستش بدارد و آن را با بدن انجام دهد و خود را در اختیار آن بگذارد.»

سخن دیگر از امیر بیان و مولای متقیان در خطبه ۱۰۸ نهج البلاغه است:

«من عشق شیئاً غشی بصره وأمراض قلبه و...؛ هر کس عاشق چیزی شود، آن چیز چشمش را کور می سازد و دلش را بیمار می گرداند[به طوری که عیب آن را ننگریسته، زشتی اش را نیکوبیند].»

این محبت شدید در دعاها و مناجات اهل بیت نیز به کار رفته است(۲).

عشق در کلام بزرگان

یکی از موهبت های بزرگ و ارزشمند الهی به انسان خاکی، کیمیای

ص: ۱۰۶

۱- (۱). وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸۳، باب ۱۹، حدیث ۲.

۲- (۲). ر. ک: صحیفه سجاده، و نیز مناجات مریدین از مناجات خمسه عشر.

ناشناخته عشق است؛ حالتی که منشأ تمام کمالات والای نفسانی و یکی از مهم ترین عوامل حرکت، آگاهی و رشد در انسان بوده و جایگاه والای قلب، مکان و ظرف آن می باشد.

حریم عشق را در گه بسی بالاتر از عقل است کسی این آستان بوسد که سر در آستین دارد(۱)

به فرموده برخی، عشق ستاره ای برافروخته از تجلی حسن معشوق ازلی است که آدمی و پری، طنین هستی اویند و آن قدر این عشق مقدس است که دست فرشته به آن نرسد. عشق معجونی است که همه جهان زنده به او و جنبش افلاک به برکت او است. مولانا عشق را وصف ایزد و از اوصاف خداوند بی نیاز می داند.

عشق از اوصاف خدای بی نیاز عاشقی بر غیر او باشد مجاز(۲)

عشق رها شدن از پلیدی ها و عیب ها، و سوختن در برق عشق، نوازشگر دل و روح آدمی است.

هر که را جامه زعشقی چاک شد او ز حرص و جمله عیبی پاک شد(۳)

در پایان یادآور می شویم که صدرالمتالهین - عارف و حکیم نامور - می گوید: «عشق» عین «وجود» و وجود عین عشق است و هر دو عین حسن و جمال اند و مراتب و درجات عشق به اندازه مراتب وجود است و این دو با هم ملازم بوده، و بین تمام موجودات عالم جریان دارند(۴).

انواع عشق

برای عشق تقسیم بندی های متعددی نقل شده، ولی معروف ترین آن ها به قرار ذیل است:

ص: ۱۰۷

۱- (۱). دیوان حافظ، غزل ۱۲۱.

۲- (۲). مثنوی معنوی، دفتر چهارم، بیت ۹۷.

۳- (۳). دیوان حافظ، غزل یازدهم.

۴- (۴). مبانی فلسفه عشق، محمدحسین خلیلی، ص ۲۹.

۱. عشق حقیقی: که همان محبت الهی و عشق به لقای محبوب حقیقی یعنی ذات احدیت است.

۲. عشق مجازی: عشق های غیر حقیقی، زودگذر و ظاهری که بین موجودات وجود دارد و منحصر به انسان هم نیست، بلکه ممکن است یک طرف انسان و طرف دیگر موجودات دیگر باشند.

یادآور می شویم که عشق های وهمی و خیالی در محدوده عشق های مجازی است.

راه حل ها

با توجه به این مقدماتی که بیان شد و تقسیماتی که در باره عشق مطرح گردید، اینک به این مسأله توجه می نمایم که اگر جوانی به دلایلی گرفتار عشق های مجازی شد و در وجود خود احساس گناه کرد، برای معتدل کردن این عشق چه باید بکند.

آنچه مهم است کنترل عقلایی و دینی این احساسات می باشد تا فرد دچار گرفتاری ها و دردهای جسمی و روحی نگردد و این علاقه و دوست داشتن در مسیر معین به اندازه مشخص جهت دهی شود، و در غیر این صورت موجب برهم خوردن برنامه سعادت او می گردد.

حکما گفته اند: «شدت و ضعف محبت» متناسب است با «میزان درک کمال محبوب»؛ توضیح مطلب این که: هرچه «معرفت و آگاهی» انسان نسبت به خوبی ها و کمالات محبوب بیشتر شود، «محبت» به او نیز بیشتر می شود؛ برای مثال، شما شخصی را به عنوان دوست انتخاب می کنید، در هر ملاقات و ارتباط جدید هرچه از خوبی های او با خبر می شوید، محبت شما به او بیشتر می شود. مثلاً در ملاقات اولی به خاطر ورزشکار بودن به او علاقه مند می شوید، ولی بعد متوجه می شوید دانش آموز موفق نیز هست و در کنار

ص: ۱۰۸

درس و موفقیت در ورزش، حافظ قرآن نیز می باشد و خلاصه هرچه از کمالات و خوبی های او بیشتر آگاه می شوید، علاقه شما به او بیشتر می شود(۱).

با توجه به مطالبی که گذشت، می بینیم گاهی برخی افراد به یکدیگر علاقه مند می شوند، در حالی که هیچ شناختی نسبت به هم ندارند و بعد هم که ملاقات ها بیشتر می شود، کمال و خوبی خاصی در محبوب خود نمی بیند، ولی علاقه او بیشتر می شود و این محبت آن قدر شدید می شود که گاهی به مرحله عشق می رسد. این واقعیت چطور با آن قاعده بالا- سازگار است؟!

قاعده یاد شده می گوید: «هرچه کمالات بیشتر باشد، علاقه بیشتر می شود.» ولی این جا می بینیم کمالی وجود ندارد، ولی علاقه و عشق آمده. به نظر می رسد پاسخ این باشد که برخی افراد به ویژه بعضی جوانان پس از ملاقات اول و علاقه ابتدایی که به محبوب خود پیدا می کنند، از محبوب خود یک شخصیت ایده آل و با کمالی در ذهن خود می سازند و به آن شخصیت که در ذهن و خیال خود دارند، علاقه مند می شوند و هر روز کمالاتی را برای او فرض می کنند و خوبی هایی را برای او توهم می کنند، و براساس آن شخصیت و محبوب خیالی و مفروض که برای خود ساخته اند، محبتشان بیشتر می شود و عشق، علاقه و دفاع از او نیز لحظه به لحظه افزایش می یابد. این در حالی است که خود او می داند و همه اطرافیان نیز می دانند که آن محبوب این کمالات را که ندارد هیچ، ارزش این همه دفاع و وقت صرف او کردن را نیز ندارد؛ اما او کمالات و ارزش هایی را برای او تصور کرده و دارد با آن عشق بازی می کند تا حدی که معایب او اصلاً دیده نمی شود و گاهی «معایب» را نیز «محاسن» می شمارد(۲).

ص: ۱۰۹

۱- ((۱)) این قاعده فقط بین دو انسان جاری نیست، بلکه علاقه به اشیاء نیز همین گونه است؛ برای مثال، شما یک دستگاه صوتی یا گوشی تلفن جدید می خرید، هرچه از توانایی ها و سرویس دهی آن بیشتر آگاه می شوید، علاقه شما به آن شیء بیشتر می شود.

۲- ((۲)). یا اگر حسن کوچکی هم داشته باشد، در ذهن خود پرورش می دهد و آن خوبی «کوچک» را «بزرگ» می کند و در خلوت خود به آن دلخوش می شود.

به نظر می‌رسد انسان برای خروج از این بن بست و رهایی از بند عشق‌های مجازی این چنینی باید قدری «تفکر» کند و شخصیت محبوب خود را از زیر ذره بین «عقل» بگذرانند و ببینند آیا واقعاً او این همه کمال را دارد و آیا اصلاً عیبی ندارد که این مقدار برای او ارزش قائل شده است؟! به سخن دیگر چنین افرادی اگر به واقعیت‌گرایی نزدیک شوند و از خیال بافی و توهم فاصله بگیرند، بخش عمده‌ای از مشکلشان حل می‌شود و محبت آن‌ها به افراد اعتدال می‌یابد.

راه حل دوم

نکته قابل توجه دیگر این است که نیازهای «عاطفی» و «جنسی» دو عاملی هستند که انسان را به سوی دوست داشتن و عشق ورزیدن به دیگران سوق می‌دهد و این امری طبیعی است. با توجه به این نکته باید بینیم این عشقی که ایجاد شده آیا ریشه عاطفی دارد یا ریشه جنسی اگر علاقه جنسی است آیا معشوق از جنس مخالف است یا همجنس، و هر یک از این موارد پاسخ خاص خود را می‌طلبد که به اجمال اشاره می‌کنیم.

- اگر ریشه این عشق و علاقه که انسان را به این مشکل گرفتار کرده، مسائل «عاطفی» باشد، شخص باید این خلأ را از درون خانواده پر کند. با علاقه به پدر و مادر و دیگر افراد خانواده می‌توان این خلأ عاطفی را از بین برد تا نیاز به جایگزینی افراد دیگر نبوده و در دام عشق‌های مهلک مجازی گرفتار نیاید (۱).

ص: ۱۱۰

۱- (۱). سعی کند عیب‌های نزدیکان خود را بزرگ نکند و به آن‌ها حسن نیت داشته باشد تا این علاقه جبران شود. و این را بداند که هر انسانی ممکن است در آداب معاشرت و اخلاق خود، معایبی را داشته باشد، چه شخص غریبه باشد و چه آشنا! فقط تفاوت در این است که عیب‌آشنایان و نزدیکان آشکار است؛ از این رو، انسان از آن‌ها دلگیر می‌شود، ولی عیب افراد غریب پنهان و انسان از آن‌ها بی‌خبر است؛ از این رو، عاشق آن‌ها می‌شود.

- اگر این علاقه «جنسی» است و معشوق نیز از جنس موافق است، انسان باید در مورد عاقبت اخروی و دنیوی این نوع عشق و علاقه خوب فکر و مطالعه کند؛ چنان که حضرت علی علیه السلام می فرماید: «هر وقت خواستید کاری انجام دهید، نخست در عاقبت آن کار خوب تفکر نمایید.»^(۱)

بنابراین باید توجه داشت که عاقبت اخروی این کار عذاب آلود است و عاقبت دنیوی آن افزون بر آبروریزی و لگدمال شدن شخصیت انسان، فرد را گرفتار بیماری های جسمی و روحی خطرناک و استعدادهای انسان را ضایع می کند و از شکوفا شدن آن جلوگیری می کند.

اما اگر این علاقه عاطفی یا جنسی به جنس مخالف است، راه حل های خود را می طلبد؛ از جمله:

۱. انسان مسأله را با خانواده خود در میان بگذارد تا رسماً از معشوق مورد علاقه خود برای ازدواج خواستگاری کند و از این کار هراسی در دل نداشته باشد؛ البته این کار باید با توکل بر خدا و همراه با شناخت و مشورت با دیگران و بدون عجله و با انجام تحقیقات کامل صورت گیرد. اما اگر جواب آن ها منفی بود یا شرایط ازدواج وجود نداشت، چه باید کرد؟

۲. پس از صبر و بردباری، قاطعانه و با اراده محکم و با توکل بر خدا تصمیم بگیرد او را به فراموشی بسپارد، و مهم ترین عامل در این مرحله این است که مطمئن باشد در آینده نزدیک او را فراموش خواهد کرد و ان شاء الله همسر بهتری برای او پیدا خواهد شد.

۳. ایجاد پیوند و رابطه قلبی عمیق با خالق زیبایی ها و کمالات، یعنی خداوند متعال، با این عقیده که هرچه زیبایی و کمال در عالم هست، از او است^(۲) و عشق به او، پایدار و بقیه عشق ها فانی و زودگذر است.

ص: ۱۱۱

۱- (۱). «اِذَا هَمَمْتَ بِشَيْءٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ.»

۲- (۲). با مطالعه و دقت در داستان حضرت یوسف علیه السلام به دست می آید که او با این عقیده توانست بر غریزه جنسی و عشق مجازی غلبه کند.

۴. با برنامه ریزی دقیق و منظم، وقت خود را به مطالعه و ورزش و کار و تلاش و رفاقت و مجالست با دوستان مذهبی و شرکت در مجالس اهل بیت و مانند اینها، به نحو احسن بگذارند، و سعی کند از بیکاری و پرداختن به امور بیهوده و خلوت گزینی و گوشه گیری پرهیز کند، تا ذهن خود به خود از این محبت ها خالی شود.

۵. دوران جوانی پر از شور و هیجان و احساس است. این نوع مسایل طبیعی است و با اندک بهانه ای به وجود می آید و با اندک بهانه و تلاشی فراموش می شود؛ برای مثال، همین اندازه که انسان متوجه شود محبوب او با شخص دیگری رفت و آمد می کند، از او دلگیر می شود و در نتیجه رفته رفته به قطع رابطه می انجامد.

۶. در نظر خود بین عشق حقیقی که مربوط به خدا و اولیای خداست، و عشق مجازی مقایسه کند و توجه کند که عاقبت عشق حقیقی عزت نفس، حقیر شدن مشکلات، تأثیر نداشتن تعریف و مدح دیگران، احساس امنیت و آرامش و ثبات قدم داشتن - و محبوب شدن پیش دیگران و نتیجه عشق های غیرحقیقی خفت و خواری و حقیر شدن است.

در پایان یادآور می شویم که به باور عموم روان شناسان، جوانان افزون بر مطالعه منابعی در این خصوص، بی نیاز از مشاوره حضوری با کارشناسان نیستند.

آیین معاشرت و ارتباط جوان مسلمان با جنس موافق و مخالف چیست؟

* پاسخ

مقدمه

برقراری ارتباط و بهره برداری از معاشرت با دیگران، از لوازم زندگی است؛ زیرا بدون ارتباط و معاشرت، ادامه زندگی سخت و یا غیرممکن خواهد شد. قرآن مجید در این باره در سوره زخرف آیه ۳۲ می فرماید:

«آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟! ما وسایل زندگی آنان را در زندگی پست (دنیا) بین آنان تقسیم کردیم و رتبه های برخی آنان را بر برخی [دیگر] برتری دادیم، تا برخی آنان برخی [دیگر] را به خدمت گیرند؛ و رحمت پروردگارت از آنچه جمع آوری می کنند بهتر است.»

این مطلب در آیه ۶۲ سوره نور با بیانی دیگر آمده و ضرورت زندگی دسته جمعی و معاشرت انسان ها با یکدیگر، لازمه زندگی معرفی شده است.

از آن جا که دین اسلام جامع و کامل است، همان گونه که معاشرت را لازمه زندگی می داند، برای آن حد و مرزهایی نیز قرار داده است که با توجه به دستوره های اسلام محدودیت های جوان مسلمان در ارتباط تبیین می شود. منظور از محدودیت روابط و معاشرت ها در دین اسلام روشن شدن حد و مرز است و با آزادی انسان، ناسازگار نمی باشد؛ به تعبیر دیگر، تعیین حد و مرز برای روابط و معاشرت ها یکی از کارکردهای دین جامع و کامل اسلام است.

اسلام از سویی معاشرت و ارتباط را ضرورتی برای جامعه رو به پیشرفت و ترقی می داند، و از سوی دیگر، همین ارتباط و معاشرت را قانونمند و هدفمند کرده و روابط را با توجه به همین اهداف مدیریت می کند.

با تقسیم بندی اقسام ارتباط، حدود و مرزهای هر قسم مشخص می شود:

الف) ارتباط با جنس موافق

در نگاه ابتدایی و سطحی، جوان مسلمان در ارتباط با جنس موافق هیچ محدودیتی ندارد، ولی در این نوع ارتباط نیز محدودیت هایی وجود دارد:

۱. نوع نگاه (توضیح آن در بخش جنس مخالف خواهد آمد)؛

۲. رعایت حقوق معاشرت؛

۳. سخن گفتن و پیشگیری از انحراف های دروغ، غیبت و تهمت که از گناهان زبان محسوب می شود و نتیجه ارتباط و معاشرت است.

ب) ارتباط با جنس مخالف

در این مورد افراد به دو دسته تقسیم می شوند، نخست افراد محرم؛ یعنی خویشاوندانی مانند پدر، مادر و همسر که احکام خاص دارند و انسان محدودیت کم تری در ارتباط با آن ها دارد و دیگر افراد نامحرم مانند افراد بیگانه که در ارتباط با آن ها انسان محدودیت بیشتری دارد.

ص: ۱۱۶

۲. سخن گفتن یکی از شیوه های رایج ارتباط و معاشرت است.

در یک تقسیم بندی کلی:

ص: ۱۱۹

تفاوت این قسمت با نگاه کردن در این است که در نگاه کردن به نامحرم، غیر از دست و صورت جایز نبود، ولی در صحبت کردن تنها قصد شهوت مانع است، و از این باب، معاشرت در تعلیم و تعلم، خرید و فروش و معاملات و سایر معاشرت های روزمره جایز می باشد؛ مشروط به این که در آن ها قصد لذت نباشد(۱).

۳. سومین راه ارتباط و معاشرت دست دادن و تماس فیزیکی است

چنانچه از آیات و روایات بر می آید و در فقه آمده است «تماس بدنی با کسانی که نگاه کردن به آنان حرام است، جایز نیست؛ بنابراین، دست دادن زن و مرد بیگانه با هم جایز نیست، ولی دست دادن از زیر لباس [یا با دستکش] اشکالی ندارد، ولی نباید دست همدیگر را بفشارند.»(۲) (و به قصد لذت هم نباشد).

۴. نامه نگاری های عادی یا رایانه ای (چت)

از شیوه های متداول امروزی که با استفاده از رایانه رواج یافته است،

ص: ۱۲۰

۱- ((۱)). ر. ک: معاشرت زنان و مردان در اسلام، ص ۱۰۹.

۲- ((۲)). ر. ک: رساله نوین امام خمینی، ج ۳، ص ۴۸ به نقل از تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۳۶-۲۴۲.

نامه نگاری اینترنتی است که اگر قصد شهوت رانی در آن‌ها نباشد، از نظر شرعی اشکالی ندارد، هرچند که از نظر اتلاف عمر، هر انسانی مسئول پاسخ‌گویی نسبت به چگونگی گذران عمر خویش است؛ چنان‌که از پیامبر اکرم روایت شده است: «پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار، جوانیت را پیش از پیری، سلامت را پیش از بیماری، تمکنت را پیش از تهی دستی، فراغت را پیش از گرفتاری و زندگانیت را پیش از مرگ.»^(۱)

۵. بهره‌برداری جنسی

از نظر قرآن و روایات هرگونه بهره‌برداری جنسی به زن و شوهر اختصاص دارد: (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ).^(۲)

تصریح به ویژگی خاص مؤمنان در ابتدای سوره و نیز تصریح به تجاوزگری در صورت عدم پابندی به این اصل، از مهم‌ترین دلایل تأکید قرآن مجید بر این‌گونه روابط است. تعبیر «عادون» که به معنای «متجاوزون» (تجاوزگران) به حدود الهی آمده، سخت‌ترین تعبیری است که در این باره شده است.

افزون بر این، در آیات آغازین سوره نور دربرخورد جدی با زناکار، پیامبر خود را از برخورد مهربانانه با این پدیده شوم و زیان‌آور بر حذر و اعلام می‌دارد که عده‌ای از مؤمنان می‌باید بایستی عذاب و شکنجه‌ای که برای این گناه مقرر شده است، را شاهد باشند؛ و از سوی دیگر آن‌ها را از نظر اجتماعی مطرود و معاشرت با آنان را ممنوع کرده و ازدواج با آنان را

ص: ۱۲۱

۱- (۱). ر. ک: معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

۲- (۲). مؤمنون / ۱-۷.

اجازه نمی دهد (۱). قرآن کریم در سوره اسراء آیه ۳۲ می فرماید: «(وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا)؛ و نزدیک زنا نشوید؛ [چرا] که آن، زشتکاری است، و بد راهی است».

و در سوره فرقان آیه ۶۸ می فرماید: «(وَالَّذِينَ... وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا)؛ «... و هر کس این (کارها) را انجام دهد، [کیفر] گناه را خواهد دید.»

لذت معاشرت و گفتگوی با جنس مخالف هرچند شیرین باشد، کوتاه مدت است و حزن و اندوه و نگرانی طولانی را به دنبال خواهد داشت.

آری، خداوند تمایل و غریزه جنسی را مانند غرایز و تمایلات دیگر در وجود انسان به امانت گذاشته و ما در قبال آن سه راه داریم:

۱. سرکوب کردن یا از بین بردن غریزه جنسی؛

۲. رها کردن افسار شهوت و غریزه جنسی؛

۳. تحت برنامه دین درآوردن آن.

راه اول: یعنی راه سرکوب که باعث نقص جسمانی شده، و به دنبال آن بسیاری از استعدادهای درونی انسان نابود می گردد و اجازه شکوفایی و رشد نمی یابد و دین اسلام با این راه مخالف است.

راه دوم: رها کردن افسار شهوت که این هم موجب هلاکت انسان و بروز بیماری های روحی و جسمی می شود که امروزه در بسیاری از کشورهای غربی شاهد آن می باشیم و اسلام با این راه نیز مخالف است.

راه سوم: این که نه این غریزه و نعمت الهی را سرکوب کنیم، و نه آن را رها نماییم، بلکه طبق دستورهای دین شهوت خود را مدیریت کنیم؛ از

ص: ۱۲۲

این رو در اسلام برای کنترل شهوب به، ازدواج (۱)، کنترل چشم (۲)، دوری از ناپاکان (۳)، دوری از تخیلات شیطانی (۴) و روزه گرفتن (۵) توصیه شده است.

نتیجه گیری:

از آنچه بیان شد، نتیجه می گیریم که دین اسلام نه تنها با معاشرت مخالف نیست بلکه به آن توصیه نیز می کند، ولی معاشرتی را می پذیرد و به آن توصیه می کند که دارای ضوابط خاص خود باشد، و به تعبیر دیگر قانونمند و هدفمند باشد؛ زیرا اگر هدفمند و قانونمند شد، این معاشرت به سیر تکاملی انسان کمک می کند، ولی اگر بدون ضابطه باشد، رهنزن انسان می شود و مشکلات فراوانی به بار می آورد که نمونه های آن را در برخی جوامع شاهد هستیم.

بنابراین، دستورهای دین «محدودیت» نیست بلکه مایه «مصونیت» است و با رعایت آن «بهداشت روانی» و «بهداشت جسمی» جامعه تامین می شود.

ص: ۱۲۳

۱- (۱) نور / ۳۲.

۲- (۲) نور / ۳۰ و ۳۱.

۳- (۳) نساء / ۲۷.

۴- (۴) نور / ۲۱.

۵- (۵) بقره / ۱۸۳.

آیات مربوط به روابط دختر و پسر را بیان کرده و توضیح دهید.

اشاره

* پاسخ

این آیات چند دسته است:

الف - آیات مربوط به گفتگوی موسی با دختران شعیب

قرآن کریم در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره قصص به ماجرای برخورد موسی با دختران شعیب و یاری رساندن به آنان و مناجات موسی اشاره کرده و می فرماید:

(وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجِدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْتَأْذِنُونَ وَوَجِدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْتَقِي حَتَّىٰ يُصِيبَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ)؛ «و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا یافت که (چهارپایان خود را) سیراب می کردند؛ و پایین تر از آنان دو زن را یافت که (گوسفندان خود را از رفتن به طرف آبشخور) باز می داشتند. (موسی به آن دو) گفت: «[جریان] کار شما چیست؟» [آن دو زن] گفتند: «(ما گوسفندهایمان را) سیراب نمی کنیم تا اینکه شبان ها خارج شوند؛ و پدر ما پیر کهنسالی است.» پس (موسی) برای آن دو (گوسفندان را) سیراب کرد، سپس (از آنان) به سوی سایه روی برتافت و گفت: «پروردگارا! در حقیقت من به آنچه از نیکی که به سوی من فروفرستی، نیازمندم.»

نکته ها

۱. موسی از مصر خارج شد و به سوی «مدین» حرکت کرد و چند روز راه رفت و خسته، گرسنه و تشنه به سرزمین «مدین» رسید، و به طور طبیعی نخست به سراغ محل آب رفت تا آبی بنوشد و خستگی را از تن بدر کند(۱).

ص: ۱۲۴

۱- (۱). برخی مفسران نوشته اند که با پای برهنه رفت و هشت روز در راه بود و پاهایش تاول کرد و در راه از گیاهان می خورد. (تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۵۵)

۲. از این آیات استفاده می شود که موسی هنوز جوانی طرفدار مظلومان و نیکوکار بود و به اطراف خود توجه می کرد و هنگامی که دید دو دختر با عفت در کنار آب ایستاده اند و چوپانان راه را باز نمی کنند که آنان از آبشخور براحتی استفاده کنند، به سراغ آنان رفت و از کار آنان پرسید و جالب آن است که هر دو دختر را مخاطب ساخت، و با یکی از آنان سخن نگفت تا مورد اتهام قرار گیرد؛ سپس به آنان کمک کرد تا دام های خود را سیراب کنند.

۳. نکته جالب آن است که موسی علیه السلام، به نفع بانوان وارد عمل شد و دام های آنان را برد و سیراب کرد و بدین وسیله به وضع موجود شهر «مدین» اعتراض کرد، که چرا زنان را معطل می کنید و رعایت حال آنان را نمی نمایید.

۴. نکته دیگر آن است که موسی با آن که در آن شرایط کاملاً نیازمند بود، هیچ مزدی در برابر کار خود از دختران شعیب نخواست، ولی در آیات بعدی می خوانیم که چگونه خدا پاداش این نیکوکاری او را داد و غذا و خانواده ای پاکدامن و معلمی همچون شعیب نصیب او کرد.

۵. موسی علیه السلام فردی بود که در موارد متعدد با خدا مناجات می کرد و در این آیات نیز به سایه رفت و به پروردگارش عرض کرد که من نیازمند نیکی های تو هستم. نکته جالب این که به خدا نگفت به من غذا و همسر بده، بلکه گفت من نیازمند احسان تو هستم، (تو خود هر طور می دانی و صلاح است عمل نما).^(۱)

۶. دختران شعیب در خانه پیامبری الهی تربیت یافته اند؛ و می توانند الگوی دختران جوان باشند و از این رو است که قرآن سخنان و رفتار آنان

ص: ۱۲۵

۱- (۱). در برخی احادیث آمده است که موسی علیه السلام غذا یا نان خواست (تفسیر صافی، ج ۴، ص ۸۶) ولی این روایات مصادیق نیکی را تعیین می کند.

را به تصویر کشیده تا سرمشق دیگران شوند. در زندگی این دختران چند نکته جالب وجود دارد:

اول این که آنان بیرون از خانه کار می کردند و به پدرشان در دامداری کمک می نمودند.

دوم آن که کار بیرون از خانه را باعفت همراه کرده بودند و طوری عمل می کردند که با مردان بیگانه مخلوط نشوند و کار کردن آن ها عوارضی به دنبال نداشته باشد.

سوم آن که در برابر پرسش موسی زیرکانه و کوتاه جواب دادند، از طرفی اشاره کردند که برای سیراب کردن گوسفندان آمده ایم و از طرف دیگر بیان کردند که نمی خواهیم با مردان بیگانه مخلوط شویم، و عفت خود را به موسی گوشزد نمودند، و از طرف سوم، علت کار کردن خود را بیان کردند که به خاطر یاری پدر بوده است.

چهارم آن که به طور طبیعی احتمال می رفت جوانی که با دختران شعیب سخن می گوید، فردی طمع کار باشد، از این رو به او گوشزد کردند که ما پدر داریم و بی سرپرست نیستیم، ولی پدر ما پیر است و اگر ما به میان اجتماع مردان آمده ایم، از سراضطرار بوده است.

۷. از این آیات استفاده می شود که سخن گفتن پسر و دختر نامحرم در مورد برنامه های کاری (اگر بدون شهوت رانی و خطرگناه آلود و در حضور جمع باشد) مانعی ندارد؛ چرا که قرآن جریان گفتگوی موسی و دختران شعیب را بدون هیچ سرزنشی نقل می کند، درحالی که آنان با همدیگر نامحرم بودند.

آموزه ها و پیام ها

۱. آموزه آیه بیست و سوم برای ما آن است که در کارهای اجتماعی رعایت بانوان را بنماییم، و حق زنان با عفت را پایمال نکنیم.

ص: ۱۲۶

۲. پیام آیه آن است که زنان در هنگام ضرورت می توانند با رعایت عفت در خارج از خانه کار کنند.

۳. آموزه دیگر آیه برای دختران جوان آن است که در گفتگوهای اجتماعی، زیرکانه پاسخ دهید و از توهّمات طرف مقابل جلوگیری کنید.

۴. آموزه آیات برای جوانان آن است که در اجتماع به اطراف خود توجه کنید و حامی مظلومان به ویژه زنان باشید.

۵. آموزه دیگر آیات برای جوانان آن است که نیکوکار باشید و به ناموس مردم چشم طمع نوزید، و از خدا (امکانات) نیکو بخواهید (و خدا به لطف و کرمش زندگی شمارا سامان می بخشد).

۶. آموزه دیگر آیات آن است که در هنگام نیاز به درگاه بی نیاز بروید.

قرآن کریم در آیه بیست و پنجم سوره قصص به حیای دختر شعیب و ملاقات موسی با او و پاداش کار نیکش اشاره کرده و می فرماید:

«فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَيَقِيْتْنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَّةَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتِ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ)؛ و یکی از آن دو (دختران شعیب) به سراغ او آمد درحالی که با شرم، گام برمی داشت، گفت: «درحقیقت پدرم تو را فرا می خواند تا پاداش آب دادن (گوسفندان) ما را به تو پردازد.» و هنگامی که (موسی) نزد او [= شعیب] آمد و حکایت ها را برای او حکایت کرد، گفت: «نترس که از گروه ستمکاران نجات یافتی.»

نکات و اشارات:

۱. هنگامی که موسی علیه السلام به «مدین» آمد، ترسان، گرسنه و بدون خانواده بود، ولی دیری نپایید که به برکت کار خیری که انجام داد و به

ص: ۱۲۷

دختران بی پناهی کمک کرد، خدا زندگی او را دگرگون ساخت. آری، شعیب او را به خاطر کار نیکش نزد خود فرا خواند، و غذا، مسکن، خانواده و امنیت او را تأمین کرد.

۲. در این آیه بیان شده که دختر شعیب از سوی پدرش مأمور شده بود موسی را به خانه و نزد پدر ببرد، ولی چنان باحیا و عفت بود که حیای او در راه رفتنش هویدا بود؛ یعنی تلاش می کرد که کاملاً با حیا راه رود (۱) و این الگویی برای دختران جوان است (۲).

۳. دختر شعیب از طرف خود دعوت نکرد، بلکه پیام پدر را رساند که او می خواهد مزد آب رسانی تو را بدهد.

از این سخن روشن می شود که دختران شعیب به خانه رفتند و ماجرای گفتگو و برخورد خود با جوان مصری را مخفی نکرده و جریان جوان نیرومند و نیکوکار را برای پدرشان حکایت کردند، و او نیز با فراست (یا علم غیب نبوت) دریافت که این جوان می تواند فردی مناسب برای چوپانی یا دامادی او باشد، از این رو در پی تحقیق بیشتر برآمد و او را به خانه دعوت کرد.

۴. شعیب پیامبر علیه السلام در این پیام، روح حق شناسی خویشتن را آشکار ساخت که اگر کسی به دخترانش کمک کند، فوری به او پاداش می دهد؛ آری این روش مردان الهی است.

۵. در برخی روایات آمده است که موسی به مکان خانه شعیب آگاه نبود و اگر دختر شعیب از جلو حرکت و او را راهنمایی می کرد، ممکن بود باد لباس او را کنار زند، از این رو موسی گفت: من از جلو می روم و تو مرا از پشت سر راهنمایی کن (۳).

ص: ۱۲۸

۱- (۱) ظاهراً «استحیاء» بر تلاش او برای حفظ عفت دلالت دارد (از این رو «حیاء» نیامده است).

۲- (۲) راه رفتن انسان نشان دهنده شخصیت او است؛ چرا که راه رفتن اقسامی دارد؛ گاهی با تکبر، گاهی با وقار و فروتنی، گاهی تحریک آمیز و عشوه گرانه و گاهی با عفت و حیا راه می رود. هر کدام از این حرکت ها پیامدها و پیام های خاص خود را دارد.

۳- (۳). تفسیر فخر رازی و تفسیر نمونه ذیل آیه و تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۲۳.

همین مطلب پاکی و درستکاری موسی را اثبات کرد و زمینه ای شد که دختر شعیب به پدر پیشنهاد کند او را برای چوپانی استخدام کند.

۶. موسی به ملاقات با پیر مدین، یعنی شعیب پیامبر، نائل شد و ماجرای زندگی پر ماجرای خود را بازگو کرد که چگونه در کاخ فرعون بزرگ و برای دفاع از مظلومی وارد درگیری شده و یک نفر به قتل رسیده و او فرار کرده است و هم اینک تحت تعقیب، گرسنه و بدون خانواده است.

۷. شعیب پیامبر علیه السلام موسی را دلداری داد و نخست امنیت او را تأمین کرد و گفت: نترس که دست ستمکاران (فرعونی) به تو نمی رسد؛ زیرا موسی به سرزمین مدین و خانه معلّم وحی آمده و از غربت و تنهایی نجات یافته بود و شعیب به او پناه داد.

آموزه ها و پیام ها

۱. آموزه آیه برای ما آن است که هر کس به ما نیکی کرد، پاداش او را بدهیم.

۲. آموزه دیگر آیه برای دختران جوان آن است که در هنگام راه رفتن با حیا حرکت کنند که شیوه ی راه رفتن نشان دهنده شخصیت آن است.

۳. پیام آیه آن است که به بی پناهان ظلم ستیز پناه و امان دهید.

۴. پیام دیگر آیه آن است که دختران جوان، جریان برخوردها و گفتگوهای بیرون خانه را به پدرشان اطلاع دهند (تا پدر به آنان کمک کند).

قرآن کریم در آیه بیست و ششم سوره قصص به پیشنهاد استخدام موسی و شرایط کار گزار خوب اشاره می کند و می فرماید:

۲۶. «قَالَتْ إِحْيِدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» ؛ یکی از آن دو (دختر) گفت: «ای پدر [من]! او را استخدام کن، [چرا] که بهترین کسی که استخدام می کنی (شخص) نیرومند درستکار است.»

ص: ۱۲۹

۱. در این جا پرسشی مطرح می شود که دختر شعیب از کجا متوجه شد موسی قوی و امین است؛

پاسخ آن است که دختران شعیب در هنگام آب رسانی، و عقب زدن چوپانان دیگر و کشیدن دلوچاه قدرت موسی را دیده بودند. درستکاری او نیز به هنگام آمدن به خانه شعیب روشن شد که حاضر نشد پشت سر دختر شعیب حرکت کند؛ همان گونه که از بازگو کردن سرگذشت او با فرعونیان این مطالب هویدا شده بود.

۲. از این آیه استفاده می شود که اولاً: دختران شعیب رفتار این جوان را به دقت تحلیل کرده و متوجه شدند که او امین و قوی است و ثانیاً: در مورد پیشنهاد استخدام گرفتار احساسات نشدند، بلکه بر اساس عقل خویش عمل کرده و به صفات اساسی موسی توجه نمودند، نه به وضع ظاهری او.

۳. در این آیه به دو شرط اساسی کارگزاران اشاره شده است. کارگزاری که می خواهد برای یک خانواده و یا یک شهر یا یک ملت خدمت کند، باید قوی و امین باشد و به عبارت دیگر تخصص و تعهد داشته باشد.

۴. قوی بودن افراد به نیروی جسمی تنها نیست، بلکه توان مدیریت، تخصص در یک رشته و آگاهی کافی بر کار و قدرت برنامه ریزی و مدیریت همگی مصداق قوی بودن افراد است.

۵. امین و درستکار بودن کارگزاران نیز بسیار مهم است کارگزار خیانت پیشه، باعث نابودی منابع و کارفرما می شود.

۶. از این آیه استفاده می شود که شعیب پیامبر، فرزندان خود را چنان تربیت کرده بود که به راحتی در مسائل خانوادگی پیشنهاد می دادند و اظهار نظر می کردند.

۱. آموزه آیه برای کارفرمایان آن است که در استخدام کارگزاران به دو شرط توانمندی و امانت داری توجه کنند.

۲. پیام آیه برای پدران آن است که به فرزندان جوان خود اجازه اظهار نظر در امور خانوادگی بدهند.

قرآن کریم در آیه بیست و هفتم و بیست هشتم سوره قصص به ازدواج موسی با دختر شعیب و مهریه او اشاره کرده و می فرماید:

«(قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكَحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَّجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَ اللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ وَ كَيْلٌ) (شعیب) گفت: «در حقیقت من می خواهم که یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم، بر (اساس این مهریه) که هشت سال در استخدام من باشی؛ و اگر تا ده سال تکمیل کنی، پس (لطفی) از نزد توست؛ و نمی خواهم که بر تو سخت گیری کنم؛ اگر خدا بخواهد، بزودی مرا از شایستگان خواهی یافت.» (موسی) گفت: «این (قراردادی) میان من و میان تو است؛ هر کدام از دو سرآمد (مدّت) را به پایان رساندم پس هیچ تعدّی بر من نخواهد بود؛ و خدا نسبت به آنچه می گوئیم گواه و نگهبان است.»

نکات و اشارات

۱. از لحن گفتگوی شعیب با موسی استفاده می شود که این سخنان مقدماتی برای ازدواج موسی با دختر شعیب بوده است.

آنان در مقام اجرای صیغه عقد نبوده اند. بلکه شاید صیغه را بعداً

جاری کرده اند(۱)؛ از این رو است که دختر مورد نظر مشخص نشد و شعیب گفت یکی از دخترانم را به ازدواج تو درمی آورم و مهریه او را هم کاملاً مشخص نکرد.

۲. از لحن آیات استفاده می شود که مهریه واقعی هشت سال خدمت موسی بوده است و دو سال اضافی، الزامی نبوده بلکه متوقف بر میل موسی بوده(۲)؛ و در احادیث آمده است که موسی ده سال را انجام داد(۳).

۳. براساس این آیات، خدمت موسی و هشت سال چوپانی او مهریه قرار داده شد؛ زیرا اولاً: موسی چیز دیگری نداشت که مهریه قرار دهد و ثانیاً: کار، چیزی با ارزش است که می تواند مهریه قرار گیرد و لازم نیست که یک جا پرداخت شود، بلکه برعهده شوهر می ماند(۴).

۴. مهریه زنان وسیله ای برای تأمین آینده زنان و نوعی بیمه حوادث زندگی است؛ همان گونه که باعث ثبات زندگی و عامل جلوگیری از طلاق های احساساتی و زودرس می باشد.

۵. مهریه دختر شعیب هشت یا ده سال خدمت چوپانی موسی بود، و اگر حقوق متوسط کارگران در ده سال در نظر گرفته شود، این مهریه سنگینی به شمار می آید، ولی با توجه به این که در این مدت مخارج زندگی و مسکن و غذای موسی و خانواده اش به عهده شعیب بود، روشن می شود که مقدار مهریه چندان سنگین نبوده است.

۶. در این جا پرسشی مطرح می شود که چرا مهریه دختر شعیب به پدر و خانواده او تعلق گرفت و موسی چوپان خانواده شعیب شد.

ص: ۱۳۲

۱- (۱). ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۶۷.

۲- (۲). همان، ج ۱۶، ص ۶۸.

۳- (۳). تفسیر صافی، ج ۴، ص ۸۸-۸۷.

۴- (۴). تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۶۸.

پاسخ آن است که اولاً: چوپانی موسی در درجه نخست به نفع زندگی خود و خانواده اش بود، و ثانیاً: مالک اصلی مهریه دختر شعیب بود؛ اما از آنجا که زندگی آنان مشترک بود، جدایی در میان آنان وجود نداشت. و ثالثاً: بدون شک شعیب رضایت دخترش را در این مورد احراز کرده بود که چنین عقدی را اجرا کند.

۷. از این آیات استفاده می شود که مانعی ندارد خانواده دختر اگر کسی را شایسته همسری دخترش یافت، به او پیشنهاد ازدواج کند؛ یعنی خواستگاری خانواده پسر از دختر الزامی نیست و می تواند برعکس نیز عمل شود؛ همان گونه که شعیب چنین کرد.

۸. نام دختران شعیب را «صیفوره (یا صفراء یا صیفورا)» و «لیا» نوشته اند که دختر کوچک تر شعیب - صفورا - با موسی ازدواج کرد. وی همان دختری بود که موسی را به خانه دعوت کرد و پیشنهاد استخدام او را داد. (۱)

۹. از این آیه با توجه به روایت استفاده می شود که ازدواج دختر کوچک قبل از دختر بزرگ تر مانعی ندارد، بلکه هرگاه شوهری مناسب و در شأن دختر پیدا، و توافق حاصل شد، مانعی در برابر ازدواج دختر کوچک نیست.

۱۰. نکته جالب این ماجرا آن است که دختر شعیب به پدرش پیشنهاد کرد که موسی را برای چوپانی استخدام کند، ولی شعیب در برابر آن، ازدواج و استخدام موسی را پیشنهاد کرد. شاید شعیب از اشاره دختر متوجه شد که مایل به ازدواج با موسی است؛ از این رو ترجیح داد که مسأله را به طور واضح بیان کند. همچنین شاید صلاح ندانسته مردی جوان و بدون همسر در خانه ای استخدام شود که دو دختر جوان وجود دارند؛ از این رو

ص: ۱۳۳

با پیشنهاد خود تلاش کرد که هم موسی دارای همسر و محرم خانواده شود و هم مشکل کمبود چوپان مرتفع گردد، و هم به پیشنهاد فرزند جوان خود احترام گذاشت؛ یعنی مشکل شرعی و اقتصادی را یک جا حل کرد و این نشان دهنده مدیریت عالی شعیب در خانواده خود است.

۱۱. شعیب به موسی می گوید من نمی خواهم بر تو سخت بگیرم؛ از این رو مهریه را بین هشت تا ده سال آزاد می گذارد. این مطلب آموزه ای برای همه پدران است که در برخورد با دامادهای خودش سخت گیری نکنند و حداقل و حداکثر مهریه را تعیین کنند و آن را به میل داماد بگذارند.

۱۲. از این آیات استفاده می شود که شعیب سعی نکرد که یک دختر خاص را بر موسی تحمیل کند، بلکه به هر دو طرف آزادی انتخاب داد تا ببیند کدام یک از دختران مایل به ازدواج با موسی هستند و موسی نیز مایل به کدامیک آن هاست.

۱۳. موسی علیه السلام ازدواج را پذیرفت، ولی شرط اختیار در مهریه را تکرار کرد و خدا را شاهد و وکیل قرارداد گرفت، تا بعداً اختلاف و مشکلی پیدا نشود.

آری، شاهد و وکیل قراردادهای مردان الهی خداست، و برای اجرای آن نیازی به ضمانت و ضامن های دیگر نیست.

۱۴. در این آیات شعیب به دنبال سخنان خود «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» می گوید، و موسی نیز از وکالت خدا و توکل بر او سخن می راند. آری؛ «راهرو گر صد هنر دارد، توکل بایدش».

آموزه ها و پیام ها:

۱. آموزه آیه برای ما این است که در استخدام کارگزاران خانگی، مراعات مسائل شرعی را بنماییم و تلاش کنیم که افراد محرم، کارهای خانه شما را انجام دهند.

۲. آموزه دیگر آیه آن است که پدران به فکر ازدواج دختران خود باشند و در مواقع لزوم از دامادهای خوب خواستگاری کنند.

۳. آموزه دیگر آیه آن است بر دامادها سخت گیری نکنند و آنان را در انتخاب همسر و مقدار مهریه آزاد بگذارند.

۴. آموزه دیگر آیه آن است که شرایط خود را در هنگام ازدواج کاملاً بیان کنید. تا بعداً مشکلی پیش نیاید.

۵. پیام آیه آن است که مهریه، پیشینه ای چند هزار ساله دارد و در میان ملت های مختلف وجود داشته و روش پیامبران الهی بوده است.

۶. پیام دیگر این آیه آن است که خدا را شاهد و وکیل قراردادهای خود بدانید (و از آن ها تخلف نکنید).^(۱)

اشارات آموزنده دیگر دختران شعیب:

۱. دختران شعیب با یکدیگر بودند (امْرَأَتَيْنِ) نه به تنهایی؛ یعنی دختران در بیرون رفتن سعی کنند تنها نروند، بلکه حداقل دو نفر باشند تا امنیت بیشتری برای آنان حاصل شود.

۲. دختران شعیب برای آب دادن گوسفندان به محل اجتماع مردم رفتند؛ بنابراین، اشتغال زنان و حضور آنان در اجتماع و محل کار جایز است.

(البته با شرایطی)

۳. اگر خانم ها در اجتماع ظاهر می شوند، از اجتماعی که باعث اختلاط با مرد است، پرهیز کنند و حریمشان را از مردان جدا کنند (مِنْ دُونِهِمْ)

۴. از جمله «قَالَ مَا خَطْبُكُمْ» استفاده می شود که:

ص: ۱۳۵

۱- (۱) این بخش از تفسیر آیات از «تفسیر قرآن مهر» (تفسیر ویژه جوانان) دارد. محمدعلی رضایی اصفهانی و همکاران قبل از انتشار استفاده شد.

الف - بهتر است خانم ها در سخن گفتن با نامحرم پیش قدم نشوند.

ب - مردان احساس مسئولیت کنند و نسبت به زنان باحیاء و با عفت بی تفاوت نباشند.

ج - مردان حق پرسش و شروع سخن را در موارد خاص دارند. (البته در صورتی که در منظر همگان بوده و مورد تهمت واقع نشوند.)

۵. کلام حضرت موسی علیه السلام خیلی کوتاه است؛ یعنی به حداقل کلام در گفتگوی با جنس مخالف اکتفا می کند؛ پس حد ضرورت سخن گفتن با نامحرم لازم است رعایت شود.

۶. «قَالَتْ لَا نَسِيْقِي» : دختران شعیب به طور مستقیم به حضرت موسی پاسخ نمی دهند و در پاسخ اختصار را رعایت و هدف و نیت پاک و خیر خویش را ابراز می کنند.

۷. «أَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» : اصالتاً مردها باید کار کنند، ولی در خانواده شعیب از آن جا که مرد خانواده کهن سال است، زن ها کارها را بر عهده گرفته اند؛ یعنی در ضرورت زن ها کار کنند.

۸. حضور زن ها در اجتماع و اشتغال به علت شرایط خاص با محدودیت هایی روبه رو است؛ از این رو دختران شعیب آزادانه نتوانستند در جمع مردان به کار خویش ادامه دهند و کناره گرفتند؛ یعنی گفتار و رفتار دختران شعیب از ذهن طرف مقابل دفع توهم می کند که به چه علت اینجا ایستاده اند.

۹. «قَالَتْ» : هر دو به موسی پاسخ دادند، یعنی تا آنجا که ممکن است تنهایی وارد صحبت نشدند.

۱۰. گفتار و رفتار دختران شعیب از ذهن طرف مقابل این توهم را برطرف می سازد که به چه دلیل اینجا ایستاده اند. دختران شعیب با پاسخ های خود چندین دفع توهم کردند:

الف: ما بی حیا نیستیم؛

ب: ما بی سرپرست نیستیم و اصالت خانوادگی داریم.

ج: علت آمدن ما به اینجا کهن سالی پدرمان هست.

۱۱. «فَسَيَقِي لَهْمَا»: از این که موسی به گوسفندان آب داد، جواز کمک کردن مردان بیگانه به زنان در مقام ضرورت طبق شرائطی خاص به دست می آید.

۱۲. «لَهْمَا»: حضرت موسی به هر دو دختر کمک کرد نه به یک دختر که ایجاد شبهه کند و این دفع توهم کرد.

۱۳. «ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ»: حضرت موسی به دختران کمک کرد و به سایه رفت و این ارتباط را ادامه نداد؛ یعنی به حد ضرورت اکتفا کرد و به سرعت از آن ها جدا شد.

۱۴. حضرت موسی خواسته هایش را در درگاه پروردگار مطرح کرد و دعا کرد (و در نتیجه دارای خانواده و زندگی شد).

۱۵. «فَجَاءَتْهُ إِخِدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ»: حیا و عفت در ارتباط با دختر و پسر رعایت شود؛ یعنی راه رفتن دختران با حیا باشد و حیا در ظاهر آن ها ظهور و بروز کند، تا کسی طمع نکند.

۱۶. «استحیا» از باب استفعال و با (علی) آمده یعنی:

اولاً: در ارتباط با دختر و پسر حیا باشد؛

ثانیاً: حیا را بسیار رعایت کنند؛

ثالثاً: با علی (حرف جر) آمده، یعنی حیا برای آن ها ملکه و عادی شود، همچون (مرکبی راهوار)؛ به عبارت دیگر، حیا برای آن ها نهادینه شود.

۱۷. «تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» منحصر به راه رفتن نیست و این مورد برای بیان مصداق است و از مشی القای خصوصیت شود و شامل همه رفتارها می گردد.

۱۸. دختران حیا را در رفتار خودشان ظهور و بروز دهند و فقط به نیت و دل اکتفا نکنند.

آموزه آیه آن است که دختران عفت و حیا را در ظاهر آشکار کنند و مواظب حرکات و سکناات خود در بیرون خانه باشند تا دیگران طمع نکنند.

۱۹. دختر حضرت شعیب با اجازه پدر به ملاقات موسی آمد. پدر یکی از مصادیق ولی می باشد؛ پس می توان استفاده کرد اجازه ولی در موارد ملاقات دختر و پسر لازم است.

۲۰. حضرت شعیب نیز به دخترش اعتماد داشته و در تربیت او موفق بوده است.

«فَجَاءَتْهُ إِخِيْدَاهُمَا»: یک دختر را فرستاد و یک نوع اعتماد و اطمینان به دخترش را نشان داد و این از فضای باز و اعتماد افراد خانواده به یکدیگر است.

۲۱. «إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ»: دختر ابراز می کند که فقط یک واسطه است و پسر را از طرف پدر به خانه دعوت می کند.

۲۲. ملاقات اول دختران و حضرت موسی در آیه ۲۳ با ملاقات دوم آنان در آیه ۲۵ تفاوتی داشته است؛ یعنی از حیای بالاتری برخوردار بوده تا این ملاقات ها عادی نشود.

۲۳. از آیه ۲۵ جواز ارتباط دختر و پسر را (بنابر شرایطی) می توان استفاده کرد؛ مانند اجازه پدر و حیا و...

۲۴. «لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَيَقِيْت»: حضرت شعیب حق شناس است؛ از این رو مسأله پاداش را مطرح می کند. آموزه آیه برای پدران آن است که اگر کسی به خانواده شما (دختر شما) کمک کرد، او را بی پاداش و مزد نگذارید.

۲۵. «إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ»: پدرش آن جوان را خواست و دختر را وارد کارهای اقتصادی نکرد.

۲۶. پدران روابط دختران را با افراد بیرونی مدیریت کنند. حضرت شعیب به عنوان پدر خانواده با دخترش خشن رفتار نکرد که چرا با او سخن گفتمی بلکه آن را جهت داد و مدیریت کرد. آری، اگر یک جوان عقیف و پاکدامنی پیدا شد، پدر دختر، او را تکریم کند و آن جوان عقیف و پاکدامن را بی درنگ جذب نماید و پدر خانواده جوان را دعوت و او را ارزیابی کند که آیا صلاحیت دارد با این خانواده ارتباط برقرار کند یا خیر.

۲۷. دختران شعیب از گفتگو و ارتباط خود با جوان غریب در خانواده و با پدر به راحتی سخن گفتند؛ یعنی دختران ارتباط صمیمانه ای با پدر داشتند.

آموزه آیه آن است که دختران اگر ارتباطی با غریبه ای در بیرون داشتند، به راحتی با پدر در میان بگذارند.

آموزه دیگر این است که پدر و مادرها آن قدر فضای خانه را باز و عاطفی کنند تا دختران مسائل را به راحتی با آن ها در میان بگذارند.

۲۸. حضرت شعیب به عنوان یک پدر نسبت به فرزندانش بد دلی نکرد و فکر بد به خود راه نداد.

آموزه این مطلب آن است که به دختر اعتماد بکنید و به آن ها شخصیت بدهید و بد دلی نکنید و ارتباط های آن ها را مدیریت نمایید.

۲۹. مطلوب بودن کوتاه سخن گفتن و ارتباط دختر و پسر به حد ضرورت (إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ) از این آیه نیز استفاده می شود (که البته در آیات قبلی نیز اشاره شده بود) البته این ضرورت سخن گفتن پسر با دختر ضرورت عرفی است نه ضرورت عقلی.

۳۰. در روایات وارد شده که دختران از عقب حرکت می کردند و موسی از جلو و در روایات وارد شده اگر زن جلو حرکت کند و مرد از پشت سرش، شیطان مرد را رها نخواهد کرد(۱).

ص: ۱۳۹

۱- (۱)). تفسیر نورالثقلین، ذیل آیه.

۳۱. «لِيَجْزِيَنَّكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ»: دختر (شعیب) در برخورد با جوان دفع توهم می کند که هدف ارتباط با تو پاداش دادن به تو است نه چیز دیگر.

۳۲. از کل این مسأله برداشت می شود که پسران به منزل هایی که دختران دارند، وارد نشوند، مگر با اجازه پدر یا ولی و بدون دلیل دنبال دختر راه نیفتند.

۳۳. «سَقَيْتَ لَنَا»: این عبارت نوعی دفع توهم است؛ یعنی برای من تنها کار نکردی بلکه به ما کمک کردی. نفرمود: «سَقَيْتَ لِي...» این یک نوع حیا در گفتار است؛ البته نوعی تکریم موسی نیز بود.

۳۴. «إِنَّ أَبِي...»: پدرم می خواهد به تو پاداش بدهد نه من؛ مدیریت اقتصادی خانواده را پدر دارد و در موارد غیر ضروری دختران وارد کارهای اقتصادی خارج خانه نمی شوند؛ زیرا مفاسدی را به دنبال دارد.

۳۵. «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ»: در روایات آمده است که گوینده این جمله دختر کوچک تر شعیب بود و این نکته را می رساند که آن قدر فضای خانه شعیب باز است که دختران بتوانند در خانه مشورت بدهند و راجع به مردان بیگانه قضاوت کنند. «يَا أَبَتِ» نیز که فضای عاطفی خانه را می رساند.

۳۶. «الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»: دخترها مشورت می دهند که موسی «قوی» در آب دادن و «امین» در برخورد با این دخترها (به سمت سایه رفت، در راه آمدن جلو حرکت کرد) و دختران شعیب به دقت رفتار این جوان را تحلیل کردند که آیا امین هست یا خیر؟ آیا به درد زندگی می خورد یا خیر؟ و دچار احساسات نشدند و نگفتند او زیباست، گفتند: «قوی امین»؛ یعنی تعبیراتی به کار بردند که دور از احساسات است.

۳۷. دختران روابط اقتصادی را پیشنهاد دادند که موسی کار گزار اقتصادی آن ها شود، ولی خودشان وارد نشدند.

۳۸. «الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» به معنای تخصص و تعهد است، که از «قوی» می توان نکاتی مانند قدرت در جسم و قدرت در برنامه ریزی مدیر را استفاده کرد و از «امین» تعهد مدیر استفاده می شود. قوی امین یک کبرای کلی است و مصادیق مختلفی را در بر می گیرد.

۳۹. «يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ»: آیات قبلی مجوز اشتغال زنان را مطرح کرده است و از این آیه استفاده می شود که اگر با آمدن مردان ضرورت برطرف شد، لازم نیست زن ها کار کنند.

۴۰. «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ»: خواستگاری از طرف خانواده دختر مانعی ندارد بلکه سیره برخی پیامبران همین بوده است.

۴۱. توجه پدر به خواست غیر مستقیم دختران در مورد ازدواج.

۴۲. حضرت شعیب به عنوان پدر حق انتخاب را برای دختران و اختیار در ازدواج را لحاظ کرد و این اختیار هم از طرف دختر بوده و هم از طرف پسر (إِخْدَى ابْتَتَى) فحواى سخن این مطلب را می رساند و کلمه (أُرِيدُ) نه برای موسی الزام بود و نه برای دختران، هر چند شعیب خواست خود را ابراز داشت.

آری، تصمیم گیرنده اصلی در امر ازدواج طرفین هستند نه پدر.

۴۳. داماد می تواند قبل از ازدواج دختر را ببیند (هَاتَيْنِ). (اشاره یا ذهنی است یا حضوری)

۴۴. «إِنِّي»: جمله اسمیه و با تاکید آورده شده؛ یعنی اگر پسر مناسبی پیدا شد، پدر به دنبال شوهر دادن دخترش باشد و از فرصت استفاده کند.

۴۵. «عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ»: مسأله مهریه را مطرح می کند که امری معقول و آینده ساز دختر است.

۴۶. «فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا» در ازدواج نباید سخت گیری کرد و این یک اصل است، القای خصوصیت می کنیم و در تمام ازدواج ها این قاعده را جاری می نماییم که به داماد سخت گرفته نشود.

۴۷. حضرت موسی به جای مهریه کار می کند؛ یعنی در ازدواج ملاحظه کنید که از داماد چه کاری بر می آید، همان را مهریه قرار دهید.

۴۸. مهریه دختر شعیب ۸ یا ۱۰ سال مزد چوپانی موسی بود که مقدار کمی نیست.

۴۹. چرا مهر دختر حضرت شعیب به خانواده تعلق گرفت نه خودش:

الف) اولاً. چوپانی حضرت موسی علیه السلام به نفع خود و خانواده اش بود.

ب) بدون شک رضایت دخترش را حضرت شعیب دریافت کرده بود.

ج) زندگی در قدیم دسته جمعی بود، پس سود این کار به تمامی خانواده بازگشت می کرد.

۵۰. مهریه مطلوب:

الف - مهریه را به صورتی انتخاب کنید که سود آن هم برای خود داماد باشد و هم به دیگران نفع برساند؛ یعنی برای تمامی اعضای خانواده مفید باشد.

ب - مهریه به گونه ای باشد که اشتغال بیافریند؛ یعنی یک سرمایه را کد و بی استفاده نباشد.

۵۱. حضرت شعیب به عنوان پدر زن به فکر آینده شغلی داماد می باشد؛ یعنی شرطی می گذارد و مهریه را به صورتی انتخاب می کند که آینده اقتصادی داماد را فراهم می کند (نه این که شرطی بگذارد که داماد از آینده مطلوب ناامید شود).

۵۲. اگر خواستیم مهریه را کم یا زیاد کنیم، اختیار را به داماد بدهیم و این کمال احترام به داماد را می رساند و این نکته نیز قابل توجه است که تعیین مهر را از پایین شروع می کند (۸ سال یا ۱۰ سال)؛ یعنی در مسأله مهریه جریان را به سخت گیری و خشونت نرسانید و اختیار را به داماد بدهید تا محبت زیاد شود و حضرت موسی هم متقابلاً در کمال احترام و ادب پاسخ داد.

۵۳. این داستان می رساند که داماد را به علت بیکاری و فقر رد نکنید؛ اگر متخصص و متعهد است او را بپذیرید و زمینه اشتغال او را فراهم کنید.

۵۴. از مجموع آیات این نکته استفاده می شود که لازم است دختر و پسر از یکدیگر شناخت داشته باشند؛ البته اطلاعات را با نظارت پدر و مادر از یکدیگر کسب کنند.

۵۵. در روایات آمده است که با وجود دختر بزرگ تر ابتدا دختر کوچک شعیب ازدواج می کند و این خود نوعی فرهنگ سازی است.

۵۶. «سَيَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ» در ازدواج یاد خدا کرد؛ آری چه نیکوست که طرفین در ازدواج بر خدا توکل کنند و هنگام ازدواج نکات مثبت یکدیگر را مطرح می کنند.

ب - آیات مربوط به تعیین افراد محرم و نامحرم و نگاه به آن ها

قرآن کریم در آیه ۳۰ سوره نور به ممنوعیت چشم چرانی و لزوم حجاب مردان و تأثیر آن در پاکی و رشد آنان اشاره می کند و می فرماید:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» ؛ (ای پیامبر) به مردان مؤمن بگو: «چشم هایشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند، و دامانشان را (در امور جنسی) حفظ کنند.» که این برای آنان [پاک کننده تر و] رشد آورتر است؛ [چرا] که خدا به آنچه با زیرکی انجام می دهند آگاه است.»

شان نزول

داستان نزول آیه فوق این گونه حکایت شده که جوانی از مسلمانان انصار مدینه، با زنی روبه رو شد. (و زنان در آن زمان مقنعه خود را پشت گوش ها قرار می دادند و طبیعی است که صورت، گردن و مقداری از سینه آنان نمایان می شد.) آن جوان در حال راه رفتن به زن چشم دوخت تا اینکه صورتش به دیوار خورد و در اثر چیز تیزی که در دیوار بود، صورتش شکافت و خون بر لباس و سینه اش ریخت.

ص: ۱۴۳

او ناراحت شد و به همان صورت خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و ماجرا را نقل کرد. در این هنگام پیک وحی فرود آمد و آیه فوق را نازل کرده و به مردان مؤمن دستور داد که از چشم چرانی دوری کنند(۱) (و در آیه بعد به زنان دستور حجاب داد).

نکات و اشارات

۱. سوره نور خط عفت و پاکی مؤمنان را دنبال می کند، و در راستای دور کردن جامعه از اعمال منافی عفت و سوق دادن مردم به سوی پاکی است؛ از این رو، در این آیات با چشم چرانی و ترک حجاب مبارزه می کند تا مقدمات پاکی جامعه فراهم گردد و زمینه آلودگی بر طرف شود.

۲. واژه «يُغْضُوا» در اصل به معنای کم کردن و کوتاه کردن است؛ یعنی این آیه به مردان مؤمن دستور می دهد که نگاه خود را کوتاه کنند؛ اما دستور نمی دهد که چشمان خود را فرو بندند تا در راه رفتن دچار مشکل شوند(۲).

۳. کم کردن و کوتاه نمودن نگاه در برابر نامحرمان آن است که قلمرو نگاه کم شود؛ یعنی اگر انسان در حالت عادی به منطقه گسترده ای نگاه می کند، در هنگام روبه رو شدن با زنان نامحرم، قلمرو دید خود را کم کند تا گرفتار نگاه حرام نشود، به عبارت دیگر، از اندام و اعضایی که دیدن آن ها حرام است، نگاه خویش را برگیرد و از نگاه خود فرو کاهد و خیره نظر نکند(۳).

۴. در این آیه متعلق نگاه حذف شده است؛ یعنی نمی گوید نگاه خود را از چه چیزی فرو گیرید. این مطلب دلیل بر عمومیت است؛ یعنی نگاه خود را از مشاهده هر چه حرام است، برگیرید که شامل فرو گرفتن نگاه از

ص: ۱۴۴

۱- (۱). تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۳۰.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۳۶.

۳- (۳). نویسندگان تفسیر نمونه اصرار دارند که «غض» به معنای کاستن قلمرو نگاه است. (همان، ج ۱۴، ص ۴۳۷). اما مانعی ندارد که آیه هم به آن معنا و هم به معنای خیره نگاه نکردن و کوتاهی خود نگاه باشد؛ زیرا مورد اول در مورد قبل از برخورد با زنان پیش می آید و مورد دوم پس از برخورد و نگاه مرد به آنان پیش می آید.

زنان نامحرم و هر صحنه حرام است؛ اما با توجه به آیات قبل و بعد، روشن می شود که مقصود نگاه به زنان نامحرم می باشد که زمینه ساز انحراف های جنسی است.

این دیده شوخ می کشد دل به کمند خواهی که به کس دل ندهی دیده ببند

(سعدی)

۵. واژه «فَرْج» در اصل به معنای شکاف است، و در این جا کنایه از مواضع جنسی است؛ یعنی مردان باید مواضع جنسی بدن خود را از نگاه دیگران پبوشانند تا سبب تحریک افراد و زمینه آلودگی و انحراف جامعه نشود.

آموزه ها و پیام ها

۱. چشم چرانی ممنوع می باشد.

۲. آموزه آیه آن است که مردان نیز حجاب خویش را رعایت کنند و مواضع جنسی خود را پبوشانند.

۳. پیام آیه برای مردان آن است که فروکاستن نگاه، از حرام عامل پاکی و رشد است.

۴. آموزه آیه برای مردان آن است که با پوشاندن مواضع جنسی خود، به پاکی و رشد جامعه کمک کنید.

۵. پیام هشدار آمیز آیه آن است که با زیرکی سعی نکنید از این دستورها فرار کنید؛ زیرا خدا از حال شما آگاه است.

قرآن کریم در آیه ۳۱ سوره نور به ممنوعیت چشم چرانی زنان و حدود حجاب آنان و موارد دوازده گانه استثنا آن اشاره کرده و می فرماید:

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا

ص: ۱۴۵

لِيُعَوِّلَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءَهُنَّ أَوْ إِخْوَانَهُنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ «و به زنان مؤمن بگو: «چشمانشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند؛ و دامان (عفت) شان را حفظ کنند؛ و زیورشان را آشکار ننمایند، جز آنچه را که از آنها ظاهر است؛ و باید روسری هایشان را بر گریبان هایشان (فرو) اندازند، و زیورشان را آشکار ننمایند جز برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان (هم کیش) شان، یا آنچه (از کنیزان) مالک شده اند، یا مردان (خدمتکار) تابع (خانواده) که (از زنان) بی نیازند، یا کودکانی که بر امور جنسی زنان آگاه نشده اند؛ و پاهایشان را (به زمین) نزنند تا آنچه از زیورشان پنهان می دارند، معلوم گردد؛ و ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید.»

نکات و اشارات

۱. در آیه موارد دوازده گانه ی استثنا را بر می شمارد و می فرماید: «زنان زینت خود را آشکار نسازند، مگر (برای دوازده گروه)».

۱. برای شوهرانشان؛ ۲. یا برای پدرانشان؛ ۳. یا برای پدران شوهرانشان؛

۴. یا برای پسرانشان؛ ۵. یا برای پسران همسرانشان؛ ۶. یا برای برادرانشان؛ ۷. یا برای پسران برادرانشان؛ ۸. یا برای پسران خواهرانشان؛ ۹. یا زنان (هم کیش) آنان؛ ۱۰. یا برای بردگان (= کنیزانشان)؛ ۱۱. یا برای مردان دنباله روی که تمایلی (به زنان) ندارند؛ ۱۲. یا برای کودکانی که توانائی و اطلاعی از امور جنسی زنان ندارند.

۲. در این آیه دو دستور اساسی به زنان می دهد که عبارت اند از:

پرهیز از چشم چرانی و لزوم پوشاندن مواضع جنسی از نگاه دیگران.

این دو قانون عمومی بوده و شامل مردان و زنان مؤمن می شود؛ البته در آیه قبل این دو دستور را برای مردان و در این آیه برای زنان واجب کرد. بیان جداگانه حکم مردان و زنان در این دو آیه برای تأکید و اهمیت آن است تا روشن شود که این قوانین مخصوص قشری خاص نیست.

۳. در این آیه فرمان حجاب خاص زنان را صادر کرده است که شامل دو دستور اساسی است: نخست این که زنان باید زیورهای مخفی خود را برای نامحرمان آشکار نسازند؛ و دوم این که پوشش های خود را بر گریبان خویش بیفکنند.

۴. مفسران قرآن در مورد زیورهای مخفی زنان اختلاف نظر دارند: برخی این زیورها را به معنای زینت طبیعی زنان، یعنی اندام های آنان دانسته اند، و برخی دیگر به معنای محل زیور آلات زنان همچون گوش و دست دانسته اند، و برخی دیگر از مفسران زینت را به معنای زیور آلات زنان دانسته اند؛ البته در حالی که بر بدن قرار گرفته اند و به طور طبیعی آشکار کردن چنین زینتی همراه با آشکار ساختن اندامی است که زیور بر آن قرار گرفته است. گفتنی است ظاهر آیه با تفسیر سوم سازگارتر است (۱).

۵. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است که مقصود از زینت پنهان زنان در این آیه، همان گردنبند، بازوبند و پای بند است (۲)؛

البته این گونه احادیث مصادیق این زیورها را بیان می کند، ولی آیه شامل هرگونه زیور مخفی زنان همچون لباس های زینتی می شود (که زیر چادر یا زیر لباس عادی قرار می گیرد).

ص: ۱۴۷

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۳۹.

۲- (۲). ر. ک: تفسیر قمی و تفسیر نمونه ذیل آیه.

۶. در احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است که مقصود از زیورهای آشکار زنان که پوشاندن آن‌ها لازم نیست، همان دستبند، انگشتر و سرمه و مانند آن است (۱) و در احادیث دیگر می‌خوانیم که مقصود صورت و دو دست زن است (که لازم نیست پوشانده شود).

البته فقهای شیعه در مورد استثنای این امور اختلاف نظر دارند، و هر زن مکلف در این موارد به فتوای مرجع تقلید خویش مراجعه کند (۲).

۷. واژه «خُمُر» به معنای پوشش است و معمولاً به چیزی گفته می‌شود که زنان سرخود را با آن می‌پوشانند (مثل مقنعه یا روسری).

و واژه «جُبُوب» به معنای یقه پیراهن است که به آن گریبان گویند و گاهی به معنای قسمت بالای سینه نیز که مجاور آن است، گفته می‌شود؛ (۳) یعنی این آیه دستور می‌دهد که زنان روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا گردن و قسمتی از سینه که معمولاً باز می‌ماند، پوشیده شود.

۸. فلسفه حجاب در اسلام آن است که:

الف) حجاب وقار و شخصیت زن را افزایش می‌دهد و اسلام می‌خواهد زنان این گونه باشند.

ب) محیط جامعه، محیطی پاک باشد و زمینه‌های فساد و انحراف برچیده شود.

ج) محیط جامعه برای مردان جوان تحریک‌آمیز نباشد و آنان را به فشارهای روانی و بیماری‌های عصبی گرفتار نسازد.

ص: ۱۴۸

۱- (۱). صافی، ج ۳، ص ۴۳۰ که از کافی حکایت می‌کند.

۲- (۲). برخی پوشاندن صورت و دست‌ها را واجب یا مطابق احتیاط می‌دانند، و برخی دیگر غیر واجب یا مستحب می‌دانند؛ البته جواز باز بودن صورت و دست‌ها در موردی است که منشأ فساد و انحراف نشود و این نوعی تسهیل بر زنان در امور زندگی است. (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۴۹ و ۵۰۰).

۳- (۳). همان، ج ۱۴، ص ۴۴۰.

د) یکی از پیامدهای بی‌حجابی و بدحجابی، افزایش فحشا و اعمال منافی عفت و پیدایش فرزندان نامشروع است، همان گونه که در عصر ما در جوامع غیر مذهبی مشاهده می‌شود و حجاب یکی از موانع این فسادهاست.

یادآوری این نکته لازم است که حجاب به معنای محرومیت زنان در انجام وظایف فردی و اجتماعی نیست و زنان مسلمان می‌توانند با حفظ حجاب خود تا مراتب عالی علمی، فرهنگی و اجرایی پیشرفت کنند.

۹. در این آیه دوازده مورد به عنوان استثنا ذکر شده‌اند که زنان حق دارند در برابر آنان حجاب خود را رعایت نکنند. این دوازده مورد عبارت‌اند از:

شوهر، پدر، پدر شوهر، پسر، پسر شوهر، برادر، پسر برادر، پسر خواهر، زنان (هم‌کیش)، بردگان (کنیز)، مردان کم‌خرد که دنباله‌رو افراد هستند و طالب مسائل شهوانی نیستند و کودکان ناتوان که از امور جنسی زنان آگاهی ندارند.

۱۰. مقصود از «نِسَائُهُنَّ» زنان غیر مسلمان هستند؛ یعنی زنان مسلمان در برابر زنان مسلمان دیگر حق دارند که حجاب خود را بگیرند؛ اما در برابر زنان غیرمسلمان نباید بی‌حجاب شوند؛ زیرا آنان با وصف زنان مسلمان برای دیگران موجب فساد می‌شوند. به این مطلب در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز اشاره شده است (۱).

۱۱. مقصود از بردگانی که زنان مسلمان حق دارند، حجاب خود را در برابر آنان بگیرند، کنیزان‌اند (۲) که در اعصار پیشین در جوامع وجود داشته‌اند و اسلام با برنامه‌ای جالب، ریشه‌برده‌داری را از جامعه اسلام برکند.

ص: ۱۴۹

۱- (۱). ر. ک: تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۹۳؛ تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۵۱.

۲- (۲). در احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز به ممنوعیت نگاه غلامان اشاره شده است و برخی با توجه به روایات مخالف آن را خلاف احتیاط می‌دانند. (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۵۲ و وسائل الشیعه، کتاب النکاح، باب ۱۲۴، ح ۸).

۱۲. مقصود از مردان دنباله رو خانواده که میل شهوانی ندارند، و زنان می توانند در برابر آنان حجاب خود را بگیرند، همان مردان کم خرد و سفیه هستند که احساس جنسی ندارند. و معمولاً خدمتکار دیگران هستند (۱) و یا منظور پیر مردان و افراد خنثی و خواجه هستند. که میل شهوانی ندارد. (۲)

۱۳. در این آیه از عمو و دایی به عنوان محرم زنان یاد نشده است، شاید این به خاطر آن است که از پسر برادر و پسر خواهر یاد شد و با توجه به محرمیت دو جانبه آنان روشن می شود که عمو و دایی نیز محرم هستند.

۱۴. در این آیه بیان شده بود که زنان با زدن پا به زمین باعث نشوند زینت های آنان آشکار شود و صدای پابند (و خلخال ها) به گوش مردان برسد و شهوت آنان تحریک شود. این مطلب نهایت دقت و ظریف نگری اسلام را نشان می دهد.

این مطلب هرچند یک مصداق تحریک شهوانی است، با الغای خصوصیت می توان گفت که زنان لازم است از هر گونه کار تحریک آمیز در برابر مردان نامحرم خودداری کنند.

آموزه ها و پیام ها

۱. آموزه آیه برای زنان مؤمن آن است که با دوری از چشم چرانی و حفظ حجاب، محیط جامعه را پاک نگاه دارید.

۲. پیام آیه آن است که زنان با آشکار کردن زیورهای مخفی، عامل تحریک (و فساد) جامعه نشوند.

۳. آموزه دیگر آیه آن است که زنان در برابر دوازده گروه اجتماعی آزادند که حجاب خویش را فروگذارند.

ص: ۱۵۰

۱- (۱). این مطلب از احادیث استفاده می شود (ر. ک: وسائل الشیعه، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۱۱؛ جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۹۴؛ تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۵۲).

۲- (۲). این مطلب را برخی مفسران حکایت کرده اند. (تفسیر نمونه، همان).

۴. پیام دیگر آیه آن است که راه توبه، بازگشت و رستگاری برای خطاکاران باز است.

ج: آیات مربوط به حجاب (تأمین سلامت اجتماعی و بهداشت روانی زنان)

در این مورد چند آیه وجود دارد؛ از جمله آیه ۳۱ نور که توضیح آن گذشت و آیه ۳۲ و ۵۹ سوره احزاب که در مورد زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ اما درس های آموزنده آن کلی است. قرآن کریم در آیه ۳۲ سوره احزاب به جایگاه همسران پیامبر و شیوه شایسته گفتگوی زنان با مردان اشاره می کند و می فرماید: (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسِيْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا)؛ «و افراد بی همسران، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید؛ اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می سازد؛ و خدا گشایشگری داناست.»

نکات و اشارات

۱. در این آیه جایگاه و مسئولیت بزرگ زنان پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده است. آنان از طرفی منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و از سوی دیگر الگوی زنان مسلمان می باشند.

آن ها می توانند دستورهای خدا و پیامبر را در زندگی خود اجرا کنند و با تقوا باشند و سرمشق دیگران قرار گیرند. و این مقام ممتازی است که زنان عادی از آن بی بهره اند.

۲. در این آیه به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله آموزش می دهد که چگونه با مردان بیگانه سخن گویند. بانوان باید با مردان بیگانه جدی، خشک و معمولی سخن گویند، و از شوخی و تعبیرهای هوس انگیز پرهیز کنند تا افراد بیمار دل و شهوت ران در مورد آنان طمع نورزند.

ص: ۱۵۱

۳. در این آیه از افراد هوس ران با عنوان «کسانی که در دلشان بیماری است» یاد شده است، این جمله اشاره به آن است که اگر شهوت انسان به صورت متعادل باشد، آن انسان سالم است؛ اما اگر کسی شهوت ران و هوس ران باشد، از حالت تعادل و سلامت خارج شده و به نوعی بیماری درونی و روانی گرفتار می شود که در برخی مراحل به سرحد جنون جنسی نیز می رسد (۱).

۴. مقصود از گفتار شایسته آن است که گفتار بیهوده و باطل و گناه آلود و مخالف حق نگویند و شایسته، نیکو، پسندیده و طبق عرف صحیح با مردان سخن بگویند.

۵. مخاطبان این آیه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، ولی مقصود همه زنان مسلمان بوده و این آیه نوعی آموزش همگانی برای گفتگوی زن و مرد بیگانه است.

۶. از این آیه استفاده می شود که سخن گفتن زن و مرد بیگانه، اگر بدون هوس رانی و به طور شایسته باشد، جایز است.

آموزه ها و پیام ها

۱. آموزه این آیه برای زنان مسلمان آن است که شما می توانید با مردان بیگانه به طور شایسته و طبق عرف صحیح گفتگو کنید.

۲. پیام آیه آن است که هرگاه زنی هوس انگیز سخن گوید، خود را در معرض طمع بیمار دلان قرار می دهد.

۳. آموزه دیگر آیه آن است که زنان وابسته به شخصیت ها و کسانی که جایگاه اجتماعی دارند، مراقب شیوه ی سخن گفتن خود باشند.

ص: ۱۵۲

قرآن کریم در آیه ۵۹ سوره احزاب با دستور حجاب جلوی سوء استفاده و آزار زنان را می گیرد و می فرماید:

(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)؛ «ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «از پوشش های بلند (چادر مانند) شان به خودشان نزدیک کنند، این [کار] برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند نزدیک تر است؛ و خدا بسیار آمرزنده مهرورز است.»

شأن نزول

داستان نزول این آیه این گونه حکایت شده است که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله زنانی که برای نماز عشا به مسجد می رفتند، توسط جوانان هرزه مورد آزار و مزاحمت قرار می گرفتند.

آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و به زنان دستور داد که حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا مورد آزار قرار نگیرند.

و در پایان آیه یادآور می شود که: «خدا بسیار آمرزنده و مهرورز است (و خطاهای گذشته شما را می بخشد)».

نکات و اشارات

۱. در این آیه به مزاحمت های خیابانی علیه زنان مؤمن اشاره کرده و یکی از راه حل های آن را حفظ حجاب آنان معرفی کرده است.

۲. مفسران حکایت کرده اند که در آن زمان، کنیزان بدون پوشش مناسب سروگردن از خانه ها بیرون می آمدند و برخی از آنان از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند؛ از این رو، برخی جوانان مزاحم آنان می شدند؛ اما زنان آزاد مسلمان که شناخته می شدند، از تعرض در امان بودند؛ از این رو در این آیه دستور داده شد که زنان حجاب کامل خود را رعایت کنند تا از کنیزان و آلودگان باز شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند.

ص: ۱۵۳

۳. مفهوم آیه فوق آن نیست که جوانان حق مزاحمت برای زنان غیر مومن و کنیزان را دارند، بلکه مقصود آیه آن است که بهانه از دست افراد فاسد گرفته شود.

در اجتماع امروز نیز هنگامی که زنان حجاب و شخصیت اجتماعی خویش را حفظ کنند، جوانان هرزه به آنان طمع نمی ورزند؛ زیرا زمینه انحراف را در آنان نمی بینند.

۴. واژه «جلباب» یا به معنای پارچه بزرگ (چادر مانند) است که سر، گردن و سینه ها را می پوشاند و یا به معنای روسری و مقنعه و یا به معنای پیراهن گشاد است. قدر مشترک همه این معانی آن است که بدن زن به وسیله این پارچه ها پوشیده شود و معنای اول مورد تاکید برخی لغت شناسان است (۱).

۵. مقصود از نزدیک ساختن روسری و چادر آن است که زنان آن را به بدن خویش نزدیک کنند تا به درستی محفوظ بمانند و آن را رها نسازند تا گاهی کنار رود و بدن آن ها آشکار شود.

۶. در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می دهد که اصلاح جامعه را نخست از خانه خویش شروع کند و اول به همسرانش دستور حفظ حجاب بدهد و آن گاه به دخترانش و در نهایت (۲) به زنان مؤمن دستور دهد حجاب خود را حفظ کنند.

آموزه ها و پیام ها

۱. پیام این آیه برای زنان مومن آن است که حجاب (شخصیت) شما را معرفی می کند.

۲. حجاب، شما را از شرّ مزاحمان حفظ می کند.

ص: ۱۵۴

۱- (۱). نک: لسان العرب، مجمع البحرین، مفردات، تاج العروس، و تفسیر نمونه ذیل آیه.

۲- (۲). همسران را قبل از دختران آورد؛ زیرا همسران در خانه می مانند و به مرد نزدیک ترند، ولی دختران همسر دیگران می شوند و می روند. (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۳۲).

۳. با حفظ کامل حجاب، بهانه از دست مزاحمان گرفته می شود.

۴. اصلاح جامعه را از خانواده خویش شروع کنید.

۵. خانواده رهبر، در انجام دستورهای الهی پیشگام باشند.

۶. خطاهای گذشته شما را به لطف خویش می آمرزد(۱).

د: آیات مربوط به ازدواج و خواستگاری

این آیات در مباحث آینده به صورت گسترده مورد بررسی قرار می گیرد.

ص: ۱۵۵

۱- (۱) در تفسیر این آیات نیز از تفسیر قرآن مهر (ویژه جوانان) دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و همکاران استفاده شد.

آیا رابطه با جنس مخالف از اقوام نزدیک جایز است؟

* پاسخ

الف - در این جا لازم است نخست اطرافیان خود را به دو دسته محارم و غیرمحارم تقسیم کنیم؛ سپس مسأله را مورد بررسی قرار دهیم.

۱. محارم که خود بر سه دسته است:

الف) محارم نسبی: هفت دسته از بانوان و دوشیزگان بر هفت دسته از مردان و پسران محرم اند؛ یعنی ازدواج آن ها با یکدیگر حرام است.

محارم نسبی بر دو گونه اند:

۱. شرعی که از راه حلال و ازدواج شرعی متولد شده باشند.

۲. غیرشرعی که از راه نامشروع و یا زنا متولد شده باشند.

هر دو دسته محرم اند و ازدواج با آنان حرام است.

ما در بخش توضیح پاسخ از همه این افراد با عنوان محارم یاد می کنیم.

ب) محارم رضاعی

کسانی که از راه شیرخوارگی با آن ها بستگی پیدا می شود، با شرایطی

خاص (۱)، محارم رضاعی محسوب می شوند و ازدواج با آن ها حرام است. هرگاه کودکی با شرایطی خاص شیر زنی را بنوشد، آن زن و شوهرش، مادر و پدر رضاعی آن کودک به شمار می روند.

ج) محارم سببی

پیوند و علاقه زناشویی موجب محرم شدن هر یک از زن و شوهر نسبت به خویشاوندانی است که در این جدول می آید.

* ازدواج با این افراد حرام است.

افزون بر آن، ازدواج مرد با خواهر زن تا وقتی که همسر او است و همچنین ازدواج با شوهر خواهر تا وقتی که همسر خواهر او است، حرام می باشد.

ب - ارتباط یا رابطه به مجموع رفتارهای متقابل و کنش ها و واکنش های دو جانبه (۲) اطلاق می شود. این رفتارها شامل رفتارهای اقتصادی، علمی، زناشویی و سیاسی می شود. ارتباط با جنس مخالف از یکی از حالات پیش گفته خارج نیست. دو جنس مخالف یا رفتار اقتصادی دارند یا علمی، یا زناشویی و یا سیاسی. صرف نظر از رفتار زناشویی که در قالب خاص خود و بر اساس پیوند ازدواج بین زن و شوهر محقق می شود، سایر رفتارها مورد توجه است؛ زیرا این نوشتار درصدد بیان رفتار زناشویی نیست.

ص: ۱۵۷

۱- (۱). تحریر الوسیله، امام خمینی، کتاب الرضاع.

۲- (۲). فرهنگ بزرگ سخن، حسن انوری، ج ۴، ص ۳۵۴۰.

ارتباطهای اقتصادی، علمی، سیاسی و هر نوع ارتباط قابل تصوّر دیگر به جز ارتباط زناشویی در یکی از اشکال ارتباط گفتاری، شنیداری و فیزیکی محقق می شود. برای مثال، در بحث اقتصادی، زن و مرد برای انجام یک معامله ابتدا همدیگر را ملاقات کرده، گفت و شنود می کنند و پس از عقد قرارداد، بر اساس عرف با یکدیگر دست می دهند و معامله را به انجام می رسانند.

تمامی این موارد اگر بر اساس آنچه در ادامه می آید، صورت پذیرد، مانعی ندارد و در این مسأله فرقی بین اقوام و دیگران نیست.

ص: ۱۵۸

ارتباط دختر و پسر برای استفاده علمی چگونه است؟

اشاره

* پاسخ

یکی از انواع ارتباط و معاشرت زنان و مردان، ارتباط علمی است، به گونه ای که مرد و زن (دختر و پسر) برای مباحث علمی با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند که در صورت توجه به مسائل زیر هرگونه ارتباط بین دختر و پسر از جمله ارتباطات علمی که در چهارچوب ضوابط و به دور از شهوترانی باشد، اشکال ندارد. در رابطه علمی صورت های زیر قابل تصور است:

۱. ارتباط کلامی؛

۲. ارتباط نگاهی؛

۳. ارتباط فیزیکی.

اول: ارتباط کلامی

قرآن مجید به زنان مؤمن دستور می دهد: در کلام فروتنانه سخن مگوئید (فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا)؛ (۱) «پس به نرمی (و ناز) سخن مگوئید، تا کسی که در دلش (نوعی) بیماری است، طمع ورزد، و سخنی پسندیده بگوئید.»

آیه درصدد بیان دو مطلب است:

الف) فضیلت زنان پیامبر بر دیگر زنان، اگر تقوا داشته باشند.

ب) کیفیت و اسباب تقوا که برخی از آن ها عبارت است؛ از جمله این که: ۱. زن نباید هنگام صحبت کردن فروتنانه صحبت کند. ۲. زینت آرایشی

ص: ۱۶۰

و خودنمایی نکردن در جامعه اسلامی. در نتیجه صحبت کردن زن و مرد اگر با قصد لذت و شهوت رانی باشد، هم شنیدن صدای زن برای مرد و هم رسانیدن صدا به گوش مرد برای زن حرام است، و در غیر این صورت، شنیدن صدای جنس مخالف یا رسانیدن صدا به گوش او جایز است.

تذکرات

۱. مردها می توانند با نامحرم صحبت کنند با شرایط زیر:

الف) به قصد لذت و ریبه نباشد.

ب) با صحبت کردن به گناه آلوده نشوند (۱).

۲. برای زنان حرام است صدای خود را به گوش نامحرم برسانند (۲).

صحبت کردن با نامحرم در امور غیر ضروری مکروه است، به ویژه اگر مخاطب جوان باشد (۳).

۳. اگر مردی بداند در صورتی که با نامحرم صحبت کند، به گناه خواهد افتاد، نباید با او صحبت کند، خواه زن به گونه ای سخن گوید که مرد را به گناه بیندازد یا درباره مطلبی صحبت کند که مرد به گناه بیفتد (۴).

۴. اگر مردی به قصد به حرام انداختن نامحرمی با او صحبت کند، حرام است (۵).

۵. خانم ها نباید در هنگام صحبت کردن با نامحرم صدای خود را رقیق و نازک کنند، به گونه ای که اگر در دل مخاطب مرضی باشد، او را به خود جلب کند، هر چند درباره مطالب عادی (و علمی) صحبت کنند.

ص: ۱۶۱

۱- (۱). العروه الوثقی، ج ۲، ص ۸۰۴.

۲- (۲). همان.

۳- (۳). تحریر الوسیله، مسئله ۲۹.

۴- (۴). همان.

۵- (۵). همان.

تمام سخنانی که در ارتباط با سخن گفتن بیان کردیم در مورد نگاه کردن نیز مطرح است در این جا به چند مساله اشاره می شود.

نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دست ها اگر به قصد لذت باشد، حرام است، ولی اگر بدون قصد لذت باشد، مانعی ندارد.

نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام است و نگاه کردن به صورت، بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و بواسطه نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد، اشکال ندارد، ولی بنا بر احتیاط باید جاهایی را که مثل ران و شکم معمولاً می پوشانند نگاه نکند.

زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند(۱).

سوم. ارتباط فیزیکی

سماعه بن مهران می گوید: از دست دادن مرد با زن پرسیدم، امام صادق علیه السلام فرمود: حلال نیست مرد با زن مصافحه کند مگر زنی که ازدواج کردن با او حرام است که عبارتند از: خواهر، دختر، عمه، خاله، دختر خواهر، دختر برادر و مادر زن؛ مصافحه تنها از روی لباس باید باشد و نباید دست زن را فشار دهد(۲).

ظاهراً این حکم به دست دادن اختصاص ندارد، بلکه هر تماسی را شامل می شود؛ زیرا ویژگی خاصی در مصافحه وجود ندارد و علت این که در روایات از آن یاد شده، این است که مورد ابتلا است. همچنین روایت وارد شده درباره بیعت زنان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وسیله فرو کردن دست درون ظرف آب، بیانگر جایز نبودن مصافحه است.

ص: ۱۶۲

۱- (۱). توضیح المسائل مراجع، انتشارات جامعه مدرسین، ج ۲، مسئله ۲۴۳۳، ص ۴۱۵.

۲- (۲). وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۱۵، ح ۲.

افزون بر این، وقتی نگاه حرام باشد، به یقین لمس کردن حرام است و این مقتضی اولویت قطعی است که از عرف فهمیده می شود.

گفتنی است بین جواز نگاه و جواز لمس، ملازمه ای وجود ندارد؛ یعنی اگر بگوییم نگاه کردن به صورت و دست های بیگانه جایز است، لمس آن جایز نیست، مگر از روی لباس، و به طور کلی در تماس فیزیکی، قصد لذت ملاک نیست، بلکه صرف این عمل اگر از روی عمد انجام پذیرد، از نظر شرع جایز نیست (۱).

نتیجه

هرگونه ارتباط و معاشرت علمی با رعایت موارد یاد شده جایز است؛ اما گاهی دیده می شود در دل برخی مردان و زنان شیطان چنان رسوخ می کند که به مراد و معاشرت با نامحرم گرایش دارند و در حالی که می توانند مطلبی را از همجنس خود و یا محرم بپرسند، اصرار دارند از غیر همجنس نامحرم سؤال کنند که از این جهت نیز باید اجتناب و دوری کرد؛ زیرا این گونه مرادها معمولاً با قصد لذت همراه است و شرعاً حرام می باشد و در برخی زمینه ها به عنوان مقدمه ترک حرام واجب می شود که هرچند این معاشرت خالی از اشکال باشد، این معاشرت (سخن گفتن، نگاه کردن) را انجام ندهد.

علاوه بر این که واقع شدن در جایگاه گناه نیز حرام است.

مسئله دیگر خلوت است که صرف خلوت (خالی از نگاه، صحبت و یا تماس) موضوعیت دارد و بر منع آن و پیشگیری از آن اصرار شده است.

بودن زن و مرد نامحرم در جای خلوت جایز نیست یا خلاف احتیاط است، (۲) در ذیل این مسأله علماء و مراجع بزرگ تقلید توضیحاتی داده اند.

ص: ۱۶۳

۱- (۱). ر. ک: معاشرت زنان و مردان، حسن صادقی.

۲- (۲). رساله مراجع مسئله، ۸۸۹.

آیا داشتن دوست دختر (برای امر به معروف و نهی از منکر) مشکل دارد؟

* پاسخ

در دین اسلام بر دوستی افراد با یکدیگر تأکید شده است و دوستی را وسیله ای برای تهذیب نفس و اصلاح اخلاق، و تفریحی سالم و کمک به یکدیگر قرار داده است؛ اما در مواردی که دوستی و رابطه موجب مفساد اجتماعی و فردی، و وسیله ای برای شهوت رانی و نابود کردن فضایل انسانی باشد، ممنوع شده است، حتی اگر این دوستی با «جنس موافق» باشد و بلکه اگر زمینه ساز انجام کار واجب مثل امر به معروف و نهی از منکر نیز باشد و بدین جهت در رساله های توضیح المسائل در قسمت امر به معروف و نهی از منکر آمده است: انجام گناه برای جلوگیری از گناه جایز نیست.

داشتن دوست دختر پیامدهای زیر را به دنبال دارد:

۱. کمرنگ شدن اعمال و افعال معنوی و عبادی که وسیله رسیدن انسان به کمال است.
۲. آبروی اجتماعی و خانوادگی تهدید می شود.
۳. ترویج فرهنگ غرب که درصدد نابود کردن اسلام است.
۴. دل سرد شدن نسبت به تشکیل خانواده.
۵. تحریک غریزه جنسی و به دنبال آن بیماری های عصبی و از بین رفتن قوای جسمی.
۶. افت تحصیلی و.... اما امر به معروف و نهی از منکر را می توان با تذکری لفظی انجام داد و یا یکی از محرم ها را فرستاد تا انجام وظیفه کند.

در اینجا سوالی که از یکی از مراجع تقلید حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی شده است را بیان می کنیم:

سوال: آیا دوستی دختر و پسر شرعاً حرام است مطلقاً، یا اگر منجر به حرام شود، حرام است، و اگر مقدمه انجام امر به معروف و نهی از منکر باشد حرام است؟

جواب: باسمه تعالی، چنانچه مستلزم نگاه به نامحرم و حرف زدن با او باشد، اشکال دارد و جایز نیست. (۱)

ص: ۱۶۵

۱- (۱) اینگونه استفتائات که بدون ذکر آدرس آورده می شود توسط پژوهشگران مرکز انجام شده و مکتوب آن موجود است.

امتیاز و آسیب های چت و ارتباطات اینترنتی چیست ؟

* پاسخ

الف - امتیازها

۱. ارتباط سریع و آسان؛

۲. استفاده های علمی از اشخاص (و مراکز و...)

۳. دسترسی به حجم وسیع اطلاعات طرف مقابل؛

و....

تذکر: از آنجا که مکتب اسلام با علم و پیشرفت فنی موافق است، ارتباط صحیح اینترنتی را نیز براساس آموزه های عمومی علمی و اخلاقی و با رعایت موازین قانونی و شرعی پذیرفته و تشویق می کند.

ب - آسیب ها

۱. محیط چت یک محیط مجازی است و امکان دارد همه چیز تخیلی و غیر واقع بینانه باشد.

۲. این محیط غیر قابل اطمینان است، حتی به صدا و تصویر طرف نمی توان اطمینان کرد.

۳. با این که مجازی است، قابلیت اثر گذاری شدید روحی و ذهنی را دارد، به طوری که ممکن است دو نفر با چت کردن، عاشق یکدیگر شوند، قهر کنند و....

۴. ایجاد محبت ها در این فضاها بدون شناخت دقیق خواهد بود. در محیطی که شناخت دقیقی از قدرت جسمی، روحی و ذهنی طرف مقابل در دست نیست و حتی برخی رفتارهای عادی مثل شیوه راه رفتن، نشستن عکس العمل ها در شرایط مختلف و... غیر قابل بررسی و شناخت است.

۵. محیط چت با جاذبه های نوشتاری، صوتی و تصویری به تخیل شما لذت می بخشد، به طوری که جوانانی که در ارتباطات خیابانی دوستان زیادی دارند، باز به این عرصه می پردازند.

۶. لذت های تخیلی باعث ایجاد شکاف بین تصور، آرزو، توقع، تمایل با واقعیت بیرونی (که تغییرناپذیر است)، می شود، این مسأله بر اساس تجربه های مکرر باعث مشکلات روحی و روانی در برخی افراد می شود که برخی از آن ها عبارت اند از:

- افسردگی شدید؛

- ضعف اعصاب؛

- انزوا و دوری از اجتماع؛

- عدم موفقیت در محیط خانواده و اطراف خود؛

- خیال پردازی؛

- از دست دادن اعتماد به نفس؛

- از دست دادن عزت نفس؛

- خنده های بدون علت؛

- دل گرفتگی و گریه های بدون علت؛

- پوچ گرایی و احساس بیهوده بودن همه چیز و همه کس؛

- و....

عواقب این مشکلات روحی، به ویژه پوچ گرایی که به حالت های جنون آمیز، خودآزاری و حتی خودکشی می انجامد؛ همگی از لذت های خیالی ناشی می شود.

۷. بسیاری از شناخت هایی که از طرف مقابل به دست می آید، تنها با تخیل آدمی سازگار است نه با واقعیت. آری، وجود محبت صرف، عامل

بی دقتی در شناخت می شود و انسان را از واقعیت دور می کند؛ زیرا محبت نقایص و عیوب طرف مقابل را می پوشاند و حتی نقایص را به محسنات و ویژگی های مثبت تبدیل می کند.

۸. بیشتر انسان هایی که برای مسائل غیرعلمی چت می کنند، به مشکلات ذیل گرفتار می شوند:

- بهره هوشی پایین؛

- خوش گذرانی و وقت گذرانی؛

- اعتیاد به لذت های موقت و تخیلی؛

- مشکلات روحی و روانی؛

- چند شخصیتی؛

- رفتارهای غیرمنطقی؛

- از کار و تلاش جدی دور شدن؛

- از فکر و تدبیر دور شدن؛

- شخصیت اجتماعی غیرمناسب؛

- و....

البته انسان های مثبت نیز یافت می شوند؛ اما در محیط آزاد و مجازی چت مطالب علمی، بسیار کم است.

۹. در روابط خیابانی که دو نفر یکدیگر را می بینند، ساعت ها با هم گفتگو دارند، پارک می روند، کوهپیمایی می کنند، در مورد علایق و سلايق یکدیگر سخن می گویند، ممکن است خانه و محل زندگی و پدر و مادر هم دیگر را بشناسند و... با این حال احتمال شکست و جدایشان بیش از ۹۰٪ می باشد، علت آن این است که پس از مدتی که ارتباطات عادی شد و دیگر خبری از آن حرارت ها و هیجانان دوستی و شور عشق نبود، نقایص

ص: ۱۶۸

اصلی دختر و پسر برای یکدیگر آشکار می شود و حس اطمینان در طرف مقابل کاهش می یابد و شک و تردید جایگزین آن می گردد؛ به عبارت دیگر، همان مسائلی که روزی باعث ارتباط دختر و پسر و ایجاد محبت و عشق شد، روز دیگر باعث جدایی می شود، و این آسیب در ارتباط اینترنتی دختر و پسر چندین برابر است.

ص: ۱۶۹

در چه مواردی حضور زنان در ورزشگاه ها و چت کردن اینترنتی و همکاری شدن یک زن و یک مرد جایز است؟

* پاسخ

مقدمه

زن در اسلام یک رکن اساسی اجتماع به شمار می رود و هرگز نباید با او معامله یک موجود فاقد اراده و وابسته و نیازمند به قیم نمود. نکته اساسی این است که در معنای تساوی، نباید اشتباه کرد و تنها مطلبی که باید به آن توجه داشت (و در اسلام به آن توجه خاص شده) ولی بعضی روی یک سلسله احساسات افراطی و حساب نشده آن را انکار می کنند، مسأله تفاوت های روحی و جسمی زن و مرد و تفاوت وظایف آنهاست. با وجود این اختلافات دامنه دار آیا می توان گفت زن و مرد باید در تمام شئون همراه یکدیگر گام برداشته و در تمام کارها صد درصد مساوی باشند؟!

مگر نه این است که باید طرفدار عدالت در اجتماع بود؟ آیا عدالت غیر از این است که هر کس به وظیفه خود پرداخته و از مواهب و مزایای وجودی خویش بهره مند گردد؟!

بنابراین، آیا دخالت دادن زن در کارهایی که خارج از تناسب روحی و جسمی او است، برخلاف عدالت نمی باشد؟(۱)

اسلام موافق حضور زن در اجتماع و محل کار و محل ورزش به صورت قانونمند و با رعایت حرمت و مصالح خانم هاست.

ص: ۱۷۰

۱- (۱). یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ برگرفته از تفسیر نمونه، تدوین: جمعی از فضلالی حوزه علمیه قم، ص ۴۶۱-۴۶۳.

* پرسش

چت کردن اینترنتی با جنس مخالف و رد و بدل کردن صحبت های معمولی چه حکمی دارد؟

* پاسخ

در صورتی که خوف فتنه و کشیده شدن به گناه وجود داشته باشد، جایز نیست (۱).

ص: ۱۷۱

۱- (۱). سیستانی sistani.org اینترنت: تبریزی tabrizi.org اینترنت؛ دفتر: همه. به نقل از کتاب: پرسش ها و پاسخ ها، رساله دانشجویی مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام، سید مجتبی حسینی، انتشارات دفتر نشر معارف، چاپ: اول، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۹۱-۱۹۲.

* پرسش

چت کردن با شخصی که از جنسیت او ناآگاهیم، چه حکمی دارد؟

* پاسخ

(مراجع محترم): اگر ترس افتادن به حرام باشد، جایز نیست. (۱)

چون به هر حال در چت کردن نوعی سخن گفتن بین دو جنس مخالف ممکن است وجود داشته باشد و احتمال گرفتار شدن فتنه و گناه وجود دارد.

ص: ۱۷۲

۱- (۱). همان، ص ۱۹۲.

حضور بانوان در میدان های ورزشی مردان (مانند فوتبال و کشتی) وقتی که با شورت و زیرپوش بازی می کنند، چه حکمی دارد؟

* پاسخ

نگاه زن به بدن نامحرم جایز نیست، هرچند بدون قصد لذت باشد.

آیات عظام تبریزی و سیستانی: با توجه به این که حضور زنان در این گونه ورزشگاه ها، باعث مفسده است، جایز نیست.

آیت الله بهجت: نگاه به آن ها بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و اگر باعث مفسده شود، حضور آنان حرام است (۱).

«قرآن کریم نیز صریحاً از نگاه به نامحرم صریحاً منع کرده، آنجا که می فرماید: (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ) ۲؛ «ای پیامبر) به مردان مؤمن بگو: «چشم هایشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند».

و همین امر را نسبت به زنان نیز می فرماید: (وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ)؛ «و به زنان مؤمن بگو: «چشمانشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند».

نگاه حرام در شرع عبارت است از: نگاه مرد به بدن زن نامحرم (به جز صورت و دست ها تا مچ) خواه با قصد باشد یا بدون آن و نیز نگاه به صورت و دست ها اگر با قصد شهوت یا ترس افتادن به حرام باشد. همچنین نگاه زن به مرد نامحرم (به جز صورت، گردن و دست ها و مقداری از پا خواه با قصد باشد یا بدون آن و نیز به مواضع یاد شده، اگر با قصد شهوت یا ترس افتادن به حرام باشد. (۲).

ص: ۱۷۳

۱- (۱) استفتائات امام، ج ۳، س ۶ و ۳۹؛ توضیح المسائل، آیت الله وحید، م ۲۴۴۲؛ تعلیقات علی العروه مکارم، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، النکاح، م ۵۱؛ توضیح المسائل، آیت الله نوری همدانی، م ۲۴۴۲؛ استفتاء آیت الله خامنه ای، س ۴۸۲؛ و دفتر فاضل؛ دفتر سیستانی و تبریزی؛ توضیح المسائل، آیت الله بهجت، م ۱۹۳۳؛ به نقل از همان، سید مجتبی حسینی، ص ۲۰۲ و ۲۰۳.

۲- (۳). همان، مجتبی حسینی، ص ۱۹۷.

آیا خلوت کردن دو نفر نامحرم در یک مکان جایز است؟

* پاسخ

اگر کسی نمی تواند وارد آن مکان شود و آن ها بترسند که به حرام بیفتند، ماندنشان در آن جا حرام است.

(آیت الله صافی): اگر کسی نمی تواند وارد آن مکان شود، ماندنشان در آن جا حرام است، هرچند احتمال فساد ندهند و به گفتگوهای علمی و ضروری پردازند.

(آیت الله مکارم): اگر کسی نمی تواند وارد آن مکان شود، بنا بر احتیاط واجب ماندنشان در آن جا حرام است، هرچند احتمال فساد ندهند و به گفتگوهای علمی و ضروری و مانند آن پردازند.

(آیات عظام بهجت، سیستانی و وحید): اگر احتمال فساد برود، ماندنشان در آن جا حرام است، هرچند طوری باشد که کس دیگری بتواند وارد شود.

(آیات عظام تبریزی و فاضل): اگر کسی نمی تواند وارد آن مکان شود، در صورتی که احتمال فساد برود، ماندنشان در آن جا حرام است (۱).

در نتیجه زن و مرد همکار نیز اگر احتمال مفسده و گناه را بدهند، نمی توانند در یک اطاق با هم همکار باشند که در مسأله بعد به صراحت از آن یاد خواهد شد.

ص: ۱۷۴

۱- (۱). توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۴۴۵ - استفتاء: سؤال ۶۳۹ و ۶۲۷؛ توضیح المسائل، ۲۴۴۱؛ (صافی): توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۴۵، مکارم: همان ۲۴۴۵؛ بهجت، سیستانی، وحید، همان، ۲۴۴۵ و وحید: توضیح المسائل، مسئله ۲۵۹۰؛ تبریزی و فاضل: توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۴۵) به نقل از همان، سید مجتبی حسینی، ص ۱۹۳.

آیا ارتباط صمیمی بین دختر و پسر در هنگام همکاری یا میهمانی اشکال دارد؟

* پاسخ

دوستی بین دختر و پسر جایز نیست؛ زیرا ترس افتادن به گناه در میان است؛ اما ارتباط شغل، اگر باعث مفسده نشود و موازین شرع در آن رعایت شود، اشکال ندارد(۱).

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. ارزش ها و ضد ارزش ها در قرآن، ابوطالب تجلیل، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲. اوامر و نواهی الله در قرآن، عبدالصمد اسلامی، انتشارات نصایح.

ص: ۱۷۵

۱- (۱). آیت الله خامنه ای، استفتاء، س ۷۷۹ و ۶۵۱ و دفتر: همه، به نقل از همان، ص ۱۹۴.

همجنس بازی و پیامدهای آن را از منظر قرآن، حدیث، فقه و بهداشت توضیح دهید.

* پاسخ

۱. همجنس بازی در آیات قرآنی

در قرآن مجید در سوره های اعراف، هود، حجر، انبیا، نمل و عنکبوت اشاره هایی به وضع قوم لوط و گناه بسیار زشت آن ها شده است، ولی در هر مورد تعبیر با مورد دیگر متفاوت است و در حقیقت هر یک از این تعبیرها به یکی از ابعاد شوم این عمل ننگین اشاره دارد. این عمل زشت با عنوان های اسراف، خبیث، فسق، تجاوز، جهل و قطع سیل مطرح شده است.

در سوره اعراف آیه ۸۱ آمده است که لوط به آنها می گوید: «يٰۤاٰنْتُمْ قَوْمٌ مُّشْرِفُونَ» ؛ بلکه شما گروهی اسراف کار (و متجاوز) ید.»

در سوره انبیا آیه ۷۴ می خوانیم:

«وَنَجِّنَا مِنْ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمٌ سَوِّءٍ فَاسِقِينَ» ؛ و او را از آبادی که همواره (مردمش کارهای) پلید انجام می دادند، نجات دادیم؛ [چرا] که آنان گروهی بد [کار و] نافرمانبردار بودند.»

و در جای دیگر خواندیم که لوط به آن ها می گوید: «بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ» ؛ بلکه شما گروهی تجاوزگرید! [\(۱\)](#)

و در سوره نمل آیه ۵۵ آمده است: «بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» ؛ آیا واقعاً شما از روی شهوت، به غیر از زنان به سراغ مردان می روید؟! بلکه شما گروهی هستید که نادانی می کنید.»

ص: ۱۷۶

و در سوره عنكبوت آیه ۲۹ از زبان لوط چنین آمده است: «أَإِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقَاطَعُونَ السَّبِيلَ»؛ آیا واقعاً شما به سراغ مردان می روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می کنید.»

ویژگی های همجنس باز در قرآن

«اسراف» از این نظر که آنها نظام آفرینش را در این امر فراموش کرده و از حد تجاوز کردند و تعدی نیز به همین جهت بر آن اطلاق شده است.

«خبیث» به معنای کار یا چیز آلوده ای است که طبع سالم آدمی از آن تنفر دارد، و چه عملی از این عمل تنفر آمیزتر است.

«فسق» به معنای خروج از اطاعت پروردگار و برهنگی از شخصیت انسانی است که از لوازم حتمی این کار می باشد.

«جهل» به خاطر بی خبری از عواقب شومی است که این عمل برای فرد و جامعه در پی دارد و «قطع سبیل» از این جهت است که این عمل در صورت گسترش به قطع نسل انسانی می انجامد؛ علاقه به جنس موافق جانشین علاقه جنس مخالف می شود^(۱).

۲. همجنس بازی در احادیث

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می خوانیم:

«لا یجد ریح الجنه زنوق، وهو المخنث!؛ بوی بهشت به مشام کسی که مورد همجنس گرایی واقع می شود، نخواهد رسید.» در حدیث دیگری از علی علیه السلام می خوانیم که لواط را در سر حد کفر معرفی فرموده است^(۲).

در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در فلسفه تحریم همجنس گرایی چنین آمده است:

«عله تحریم الذکران للذکران، والانات للانات، لما ركب فی

ص: ۱۷۷

۱- (۱). تفسیر نمونه ذیل آیه.

۲- (۲). بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۶۷.

الاناث وما طبع عليه الذکران، ولما فی ا بیان الذکران، الذکران والاناث للاناث، من انقطاع النسل، وفساد التدبیر، وخراب الدنیا؛ فلسفه تحریم مردان بر مردان و زنان بر زنان این است که این امر بر خلاف طبیعتی است که خداوند برای زن و مرد قرار داده (و مخالفت با این ساختمان فطری و طبیعی، سبب انحراف روح و جسم انسان خواهد شد) و نیز به خاطر این است که اگر مردان و زنان همجنس گرا شوند، نسل بشر قطع می گردد، و تدبیر زندگی اجتماعی به فساد می گراید و دنیا به ویرانی روی می نهد(۱).

روایاتی که در مذمت همجنس گرایی از پیشوایان اسلام نقل شده، آن قدر زیاد و تکان دهنده است که با مطالعه آن هر کس احساس می کند که زشتی این گناه به اندازه ای است که کم تر گناهی در پایه آن قرار دارد؛ از جمله در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می خوانیم:

«لما عمل قوم لوط ما عملوا بکت الارض الی ربها حتی بلغ دموعها الی السماء، بکت السماء حتی بلغ دموعها الارض، فوحي الله الی السماء ان احصی بهم، و اوحی الی الارض ان اخسفی بهم؛ هنگامی که قوم لوط آن اعمال ننگین را انجام دادند، زمین آن چنان ناله و گریه سر داد که اشک هایش به آسمان رسید، و آسمان آن چنان گریه کرد که اشکهایش به عرش رسید، در این هنگام خداوند به آسمان وحی فرستاد که آن ها را سنگباران کن و به زمین وحی فرستاد که آن ها را فرو بر (بدیهی است گریه و اشک جنبه تشبیه و کنایه دارد).»(۲)

همچنین در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«من جامع غلاما جاء جنبا یوم القیامه لاینقیه ماء الدنیا وغضب الله علیه ولعنه واعد له جهنم وسائت مصیرا... ثم قال ان الذکر یرکب الذکر فیهتر

ص: ۱۷۸

۱- (۱). علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۴۷.

۲- (۲) توابع الاعمال، همو، ص ۲۶۴.

العرش لذلك؛ هر کس با نوجوانی آمیزش جنسی کند، روز قیامت ناپاک وارد محشر می شود، آن چنان که تمام آب های جهان او را پاک نخواهد کرد، و خداوند بر او غضب می کند و او را از رحمت خویش دور می دارد و دوزخ را برای او آماده ساخته است و چه بد جایگاهی است...؛ سپس فرمود: هرگاه جنس مذکر با مذکر آمیزش کند، عرش خداوند به لرزه در می آید.»(۱)

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می خوانیم: آن ها که تن به چنین کاری می دهند، بازماندگان سدوم (قوم لوط) هستند؛ سپس اضافه فرمود: من نمی گویم از فرزندان آنها هستند، ولی از طینت آن ها هستند. پرسیده شد: همان شهر سدوم که زیر و رو شد؟ فرمود: آری، چهار شهر بودند

سدوم، صریم، لدنا وغمیرا (عمورا)(۲).

۳. حکم فقهی همجنس بازی

این مسأله تا آنجا از دیدگاه اسلام زشت و ننگین است که در ابواب حدود اسلامی حد آن اعدام قرار داده شده است، و حتی برای کسانی که مراحل پایین تر همجنس بازی را انجام می دهند، مجازات های شدیدی ذکر شده است، از جمله در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانیم:

«من قبل غلاما من شهوه الجمه الله يوم القيامة بلجام من نار؛ کسی که پسری را از روی شهوت بیوسد، خداوند در روز قیامت لجامی از آتش بر دهان او می زند.»(۳)

مجازات کسی که مرتکب چنین عملی شود، از ۳۰ تا ۹۹ تازیانه است.

همجنس گرایی چه در مردان باشد و چه در زنان، در اسلام از گناهان بسیار بزرگ و هر دو دارای حد شرعی است.

ص: ۱۷۹

۱- ((۱)) الکافی، شیخ کلینی، ج ۵، ص ۵۴۴.

۲- ((۲)) همان، ج ۵، ص ۵۴۹.

۳- ((۳)) فقه الرضا، علی ابن بابویه، ص ۲۷۸.

حد همجنس‌گرایی در مردان خواه فاعل باشد یا مفعول، اعدام است (۱). و برای این اعدام راه‌های مختلفی در فقه بیان شده است؛ البته اثبات این گناه باید از راه‌های معتبر و قاطعی که در فقه اسلامی و روایات وارده از معصومین ذکر شده، صورت گیرد، و حتی سه مرتبه اقرار هم به تنهایی کافی نیست و باید حداقل چهار بار به این عمل اقرار کند (۲).

اما حد همجنس‌گرایی در زنان پس از چهار بار اقرار و یا ثبوت به وسیله چهار شاهد عادل (به شرایطی که در فقه گفته شده) صد تازیانه است (۳)، و بعضی از فقها گفته‌اند اگر زن شوهرداری این عمل را انجام بدهد، حد او اعدام است.

ذکر این نکته نیز قابل توجه است که اسلام یکی از مجازات‌هایی را که برای چنین افراد قائل شده، آن است که ازدواج خواهر، مادر و دختر شخص مفعول بر فاعل حرام است، یعنی اگر چنین کاری قبل از ازدواج صورت گرفت، این زنان برای او حرام ابدی می‌باشند.

اجرای این حدود، شرایط دقیق و حساب شده‌ای دارد که در کتب فقه اسلامی آمده است و اجرای آن بر عهده محاکم صالحه و قانونی می‌باشد.

۴. بحث اجتماعی

شک نیست که انحراف جنسی از خطرناکترین انحراف‌هایی است که امکان دارد در جوامع انسانی پیدا شود، زیرا سایه شوم خود را بر همه مسائل اخلاقی می‌افکند و انسان را به انحراف عاطفی می‌کشاند.

در دنیای غرب که آلودگی‌های جنسی فوق‌العاده زیاد است، این گونه

ص: ۱۸۰

۱- (۱) تحریرالوسیله، حضرت امام خمینی، ج ۱، ص ۲۷۴.

۲- (۲) همان، ج ۲، ص ۴۶۹.

۳- (۳) همان، ج ۲، ص ۴۷۰.

زشتی‌ها مورد تنفر نیست و حتی شنیده می‌شود در بعضی کشورها همانند انگلستان، طبق قانونی که با کمال وقاحت از پارلمان گذشته، این موضوع جواز قانونی پیدا کرده، با این حال شیوع این گونه زشتی‌ها هرگز از قبح آن نمی‌کاهد و مفاسد اخلاقی، روانی و اجتماعی آن در جای خود ثابت است.

گاهی برخی پیروان مکاتب مادی که این گونه آلودگی‌ها را دارند، برای توجیه عملشان می‌گویند ما هیچ گونه منع پزشکی برای آن سراغ نداریم، ولی آن‌ها فراموش کرده‌اند که اصولاً هرگونه انحراف جنسی در تمام روحيات و ساختمان وجود انسان اثر می‌گذارد و تعادل او را بر هم می‌زند.

توضیح این که: انسان به صورت طبیعی و سالم تمایل جنسی به جنس مخالف دارد و این تمایل از ریشه دارترین غرایز انسان و ضامن دوام نسل است و هر کاری که تمایل را از مسیر طبیعی منحرف سازد، نوعی بیماری و انحراف روانی در انسان ایجاد می‌کند. مردی که به جنس موافق تمایل دارد و یا مردی که به چنین کاری تن می‌دهد، هیچ کدام کامل نیستند. در کتاب‌های امور جنسی، هموسکوآلیسم (همجنس‌گرایی) یکی از مهم‌ترین انحراف‌ها ذکر شده است. ادامه این کار تمایلات جنسی را نسبت به جنس مخالف در انسان به تدریج از بین می‌برد و در مورد کسی که به این کار تن می‌دهد، احساسات زنانه به تدریج در او پیدا می‌شود، و هر دو گرفتار ضعف مفرط جنسی و به اصطلاح سرد مزاجی می‌شوند، به طوری که بعد از مدتی قادر به آمیزش طبیعی (آمیزش با جنس مخالف) نخواهند بود.

با توجه به این که احساسات جنسی مرد و زن هم در ارگانیسم بدن آن‌ها مؤثر است و هم در روحيات و اخلاق ویژه آنان، روشن می‌شود که از دست دادن احساسات طبیعی تا چه حد بر جسم و روح انسان ضربه وارد می‌سازد، و حتی ممکن است افرادی که گرفتار چنین انحرافی هستند، آن

چنان گرفتار ضعف جنسی شوند که دیگر قدرت تولید فرزند را نداشته باشند. این گونه اشخاص غالباً از نظر روانی غالباً سالم نیستند و در خود نوعی بیگانگی از خویشتن و بیگانگی از جامعه ای که به آن تعلق دارند، احساس می کنند.

قدرت اراده را که شرط هر نوع پیروزی است، به تدریج از دست می دهند، و یک نوع سرگردانی و بی تفاوتی در روح آنها لانه می کند. آنها اگر خیلی زود به اصلاح خویشتن روی نیاورند و حتی در صورت لزوم از پزشک جسمی یا روانی کمک نگیرند و این عمل به صورت عادی برای آن ها درآید، ترک آن مشکل خواهد شد، ولی در هر حال هیچ وقت برای ترک این عادت زشت دیر نیست؛ تصمیم می خواهد و عمل.

در هر صورت، سرگردانی روانی به تدریج آنها را به مواد مخدر و مشروبات الکلی و انحراف های اخلاقی دیگر خواهد کشانید و این یک بدبختی بزرگ دیگر است.

جالب این که در روایات اسلامی در عبارت هایی کوتاه و پرمعنا به این مفاسد اشاره شده است؛ از جمله در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: کسی از او پرسید

«لم حرم الله اللواط»، چرا خداوند لواط را حرام کرده است؟ فرمود:

من احل انه لو كان اتيان الغلام حلالا لا ستغنى الرجال عن النساء وكان فيه قطع النسل وتعطيل الفروج وكان في اجازة ذلك فساد كثير؛ اگر آمیزش با پسران حلال بود، مردان از زنها بی نیاز (و نسبت به آنها بی میل) می شدند، و این باعث قطع نسل انسان می شد و باعث از بین رفتن آمیزش طبیعی جنس موافق و مخالف می گشت و این کار مفاسد زیاد اخلاقی و اجتماعی به بار می آورد.

کشیده شدن افراد به این گونه انحراف جنسی عوامل بسیار گوناگونی دارد و حتی گاهی شیوه رفتار پدر و مادر با فرزندان، و یا عدم مراقبت از فرزندان همجنس، و طرز معاشرت و خواب آنها با هم در خانه ممکن است از عوامل این آلودگی باشد.

گاهی ممکن است انحراف های اخلاقی دیگر سر از این انحراف در آورد. حتی شوخی های بی موردی که گاهی در میان پسران و دختران نسبت به هم جنسان خود می شود، گاهی انگیزه کشیده شدن به این انحراف ها می گردد؛ به هر حال باید به دقت مراقب این گونه مسائل بود، و آلودگان را به سرعت نجات داد و از خدا در این راه توفیق خواست.

همجنس گرایی چه در میان مردان باشد (لواط) و چه در میان زنان (مساحقه) از بدترین انحراف های اخلاقی است که سرچشمه مفاسد زیادی در جامعه خواهد بود. موضوع مهم این است که بی بند و باری و تنوع طلبی بیمارگونه دنیای متمدن مادی، بسیاری از پسران و دختران را به سوی این انحراف بزرگ می کشاند. نخست پسران را به لباس های جلف و زنانه و خودآرایی مخصوص و دختران را به لباس های پسرانه تشویق می کند، و از اینجا انحراف و هم جنس گرایی آغاز می شود، تا جایی که به زشت ترین اعمال در این زمینه، شکل قانونی می دهند و از هرگونه پیگرد و مجازات بر کنار می مانند که قلم از شرح و وصف آن شرم دارد. (۱)

۵. پیامدهای بهداشتی همجنس بازی

الف) شیوع بیماری های مقاربتی

«برخی پزشکان در رابطه با شیوع بیماری های آمیزشی می گویند علت اصلی انتشار و شیوع بیماری های مقاربتی اساساً به روابط جنسی آزاد و هر چیز که موجب برهم خوردن کانون خانوادگی گردد، باز می گردد.»

ص: ۱۸۳

دکتر «جان بیستون» نیز در همین رابطه می گوید: «از قرائن به دست آمده ثابت می شود که اغلب بیماری های آمیزشی در نتیجه وجود روابط جنسی خارج از دایره ازدواج [زنا] شیوع پیدا می کند.»

در بیست سال اخیر دانشمندان به رغم کشف پنی سیلین (Penicillin) و پایین آمدن آمار مبتلایان به این بیماری ها، به خطر بزرگی که از این جهت متوجه بشریت است، پی بردند، از این رو در سال ۱۹۶۴ به تشکیل یک سمینار بزرگ جهانی با حضور ۱۵۰۰ متخصص از ۵۰ کشور در آمریکا برای بحث پیرامون بیماری های مقاربتی اقدام کردند و همه مطالب و مقالات ارائه شده در این سمینار را در کتابی به نام «عمل کرد سمینار جهانی بیماری های مقاربتی» جمع آوری و منتشر نمودند. از بررسی های ارائه شده در این سمینار مشخص گردید که نسبت بیماری های مقاربتی در فاصله زمانی ۱۹۵۰-۱۹۶۰ در ۷۱ کشور از مجموع ۱۰۵ کشور مورد مطالعه، افزایش یافته که اغلب این کشورها را کشورهای اروپایی تشکیل می دهند؛ یعنی از مجموع ۲۰ کشور اروپایی در ۱۹ کشور آن بیماری های مقاربتی افزایش یافته بود. کم ترین میزان رشد این بیماری ها در کشورهای شرق مدیترانه بود که از مجموع ۱۲ کشور فقط در ۶ مورد آنها افزایش بیماری های مقاربتی وجود داشت.

در همین سمینار مشخص گردید که موارد ابتلا به سیفلیس در آمریکا در سال ۱۹۵۷ در مجموع ۷۶۰۰ مورد بوده که این رقم در سال ۱۹۶۱ به ۲۰۸۰۰ مورد رسید؛ یعنی تقریباً ظرف فقط چهار سال، سه برابر شده بود و این بسیار وحشتناک است. اما موارد ابتلا به سوزاک فقط در کشور آمریکا به تنهایی به یک میلیون مورد در سال می رسد. آمار تخمین مبتلایان به سیفلیس در سر تا سر جهان در سال ۱۹۵۳ به ۲۰ میلیون نفر می رسید. (۱)

ص: ۱۸۴

ب) سست شدن عضلات مقعد و از دست دادن کنترل قضای حاجت، از این رو، ممکن است مدفوع شخص بدون اراده از او خارج شود.

ج) انعکاس روانی و تحت تاثیر قرار گرفتن شخص (مفعول مرد) به طوری که تصور کند که مرد نیست و همین مسأله باعث ایجاد اختلالاتی در رفتار وی می گردد و دچار بیماری های روانی می شود که از مهم ترین این بیماری ها می توان به بیماری های مازوفیسم و سادیسم را نام برد.

د) از هم پاشیدن کانون خانواده به دلیل عدم تمایل مرد به آمیزش با همسر خود.

ه -) پیدایش ناراحتی های روانی بین زن و شوهر.

و) پیدایش و رشد بیماری ایدز در اثر لواط(۱).

ص: ۱۸۵

۱- (۱). همان، ج ۲، ص ۳۸۹-۳۹۰.

راهکارهای سالم سازی ارتباط دختر و پسر چیست؟

* پاسخ

سالم سازی ارتباط دختر و پسر وابسته به تقویت مبانی اخلاقی و اعتقادی است که طرفین (دختر و پسر) با تقویت این دو مبنا می توانند ارتباط سالمی در جامعه اسلامی داشته باشند.

در صورت عدم تحقق مبانی پیش گفته و ضرورت ارتباط طولانی مدت، راهکار شرعی، ایجاد عقد موقت است (۱).

توضیح راهکارها

۱. تخلق به اخلاق معاشرت که در زمینه های زیر توصیه می گردد:

الف) حیا

از امیرالمومنین علی علیه السلام نقل شده است که حیا موجب پیدایش هر زیبایی است (۲)؛ بنابراین، برای زیبا شدن هرچه بیشتر زندگی و جلا-بخشیدن به روابط و معاشرت، به کار بردن این مفهوم راهگشاست. شرم و حیا به معنای خودداری از حرکت و عملی است که انجامش مورد سرزنش و ملامت باشد. و در این مورد خاص حالتی بسیار با ارزش و مانعی فوق العاده مهم در برابر گناه و کیفیتی قابل توجه است. بی تردید کسی که به خداوند ایمان دارد و از قیامت و حوادث آن بیمناک است، چه در آشکار و چه در پنهان از این که در محضر پروردگار به گناه و معصیت دست بزند، حیا و شرم می کند و در نهایت با کمک و یاری این حالت نفسانی، به سوی گناه گام بر نمی دارد.

ص: ۱۸۶

۱- (۱) ر. ک: عقد موقت در همین نوشتار.

۲- (۲) «الحياء سبب الی کل جمیل»، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۱۱، ح ۱.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: اما حیا، حقیقتی است که امور و خصلت هایی از آن منشعب می شود؛ مانند نرم خویی، مهربانی، آگاهی و توجه به مراقبت خدا در پنهان و آشکار، سلامت نفس، دوری از گناه و شر، خوش رویی، بزرگواری و بلندی نظر، پیروزی، نام نیک در میان مردم...؛ این ها خصلت هایی است که خردمند به وسیله حیا به آن ها می رسد؛ پس خوشا به حال کسی که خیرخواهی خدا را بپذیرد و از رسوایی اش در محضر حق بترسد(۱).

از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که مانند پیامبران باقی نمی ماند مگر سخن مردم که اگر حیا نکنی هر کاری انجام خواهی داد(۲).

این سخن رسول خدا که بیانگر و مؤید ضرب المثل معروف عرب است، روشنگر این واقعیت می باشد که حیا جوهره هر خوبی است؛ زیرا اگر انسان به مرتبه ای برسد که هرچه بخواهد انجام بدهد، از مرتبه انسانیت خارج می شود و آنچه در این راستا پیشگیر، مانع و همچون سد است در برابر تمایلات انسانی، حیا و شرم می باشد.

همچنین از امیرالمومنین علی علیه السلام نقل شده است که عاقل ترین مردم با حیا ترین آن هاست(۳).

نقش حیا در سالم سازی روابط به گونه ای پر اهمیت است که بدون آن حتی ایمانی وجود ندارد(۴) و جایی که ایمان وجود نداشته باشد، رابطه معنا ندارد و برای ایجاد یک ارتباط خوب و شایسته، حیا ضرورت دارد.

ب - رعایت حجاب شرعی

دختر در ارتباط با پسر باید مراقب حریم خود باشد و در پاسخ بی حیایی

ص: ۱۸۷

۱- (۱) حسین انصاریان، فرهنگ مهرورزی، ص ۱۲۰. به نقل از تحف العقول، ص ۱۷ و بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۱۸، باب ۴، حدیث ۱۱.

۲- (۲) عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۶، حدیث ۲۰۷.

۳- (۳) غررالحکم، ۲۹۰۰.

۴- (۴) «لاایمان لمن لایحیاء له»: (امام صادق علیه السلام)، کافی، ج ۲، ص ۱۰۶، حدیث ۵.

او خود را در دژ مستحکم حجاب بیوشانند؛ زیرا پوشش کامل همچون سدی می تواند جلوی روابط ناسالم را بگیرد و روابط سالم را تقویت کند؛ البته از نظر روابط اجتماعی ثابت شده است که افراد بی حیا نسبت به افراد محجب و پوشیده مراقب اعمال خود هستند و آن گاه بی حیایی خود را ظاهر می سازند که از طرف مقابل نیز بی حیایی بینند. استاد شهید مرتضی مطهری در این زمینه می نویسد: نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت های بی بند و بار، هیجان ها و التهاب های جنسی را افزایش می دهد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می آورد. غریزه جنسی غریزه ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است، هرچه بیشتر اطاعت شود سرکش تر می گردد؛ همچون آتش که هرچه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله ورت می شود(۱)...

ضرورت حجاب و پوشش در مورد زن جای هیچ شک و تردیدی نیست، ولی آنچه در سالم سازی روابط کمک می کند، افزون بر پوشش زن، پوشش مرد است.

درست است که مردها وظیفه دارند تنها شرمگاه (از ناف تا زانو) خود را بیوشانند، ولی مرحوم صاحب عروه الوثقی مسأله را این گونه مطرح می کند: «بر مردان پوشش واجب نیست، مگر در عورت؛ اما اگر علم داشته باشیم که زنان عمداً به بدن ما نگاه می کنند، پوشش از باب حرمت تعاون بر اثم واجب است(۲). به این معنا که اگر مرد برهنه ظاهر شود؛ در صورت نگاه زنان به او مقدمات گناه فراهم می شود.»

ص: ۱۸۸

۱- (۱). مسأله حجاب، استاد مرتضی مطهری.

۲- (۲). «يجب على النساء التستر كما يحرم على الرجال النظر ولا يجب على الرجال التستر وان كان يحرم على النساء النظر؛ نعم حال الرجال بالنسبة الى الصورة حال النساء ويجب عليهم التستر مع العلم يتعهد النساء في النظر من باب حرمت الاعانه على الاثم.»

اگر مردی با قصد به حرام انداختن زن بدون لباس بیرون بیاید، کمک به گناه صدق می کند؛ زیرا قصد وقوع گناه توسط زنان را نموده و این کار کمک به انجام دادن گناه است، ولی اما اگر چنین قصدی نداشته باشد و فقط احتمال داشته باشد از عدم پوشش وی عده ای به گناه بیفتند، کمک به گناه صدق نمی کند.

اما آنچه در سالم سازی روابط دختر و پسر مطرح می باشد، پوشش طرفین است؛ آن جا که دختر و پسر با هم معاشرت دارند، باید تمامی مقدمات احتمالی وقوع گناه از جمله برهنه بودن مرد برداشته شود و مرد با ظاهری محجوب حاضر شود و البته حجاب مرد ارتباطی کامل و استوار با حیا دارد که پیش تر از آن یاد شد.

ج) عفت چشم و چشم پوشی

نگاهی شهوت آلود به جنس مخالف تنها به زن و شوهر اختصاص دارد و هیچ زن و مرد دیگری نمی توانند چنین نگاهی به یکدیگر داشته باشند.

نگاه بدون قصد شهوت به غیر از دست و صورت زن نامحرم حرام است. در مورد نگاه کردن به دست و صورت زن نامحرم (۱) صاحب عروه الوثقی و حضرت امام می فرمایند: احتیاط در این است که نگاه کردن جایز نباشد (۲).

افزون بر این، آگاهی از آثار وضعی نگاه به نامحرم می تواند گام مؤثری در تقویت این راهکار باشد. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «نگاه، تیری است از تیرهای زهر آگین شیطان؛ کسی که برای خداوند متعال نگاه را ترک کند، خداوند عزوجل آرامشی همراه با ایمان به او می چشاند. (۳)

ص: ۱۸۹

۱- (۱) در این جا دیدگاه های مختلف وجود دارد: ۱. کراهت (مبسوط شیخ طوسی)، ۲. یک مرتبه جایز و تکرار جایز نیست (محقق شیرازی) علامه در قواعد و شهید اول و ثانی در لمعه و شرح لمعه؛ ۳. نگاه به صورت و دست ها مطلقاً جایز نیست (صاحب جواهر الکلام، صاحب عروه الوثقی و حضرت امام).

۲- (۲) . ر. ک: معاشرت زنان و مردان، حسن صادقی.

۳- (۳) «النظر سهم من سهام ابلیس مسموم ومن ترکها لله عزوجل لا لغيره اعقبه اله امناً وایماناً یجد طعمه» وسایل الشیعه، ج ۱۴، باب ۱۰۴، مقدمات نکاح، ح ۵.

از سوی دیگر توجه به آثار فراوان چشم پوشی، خود راهکاری است برای سالم سازی ارتباط دختر و پسر که تنها به یک نمونه اشاره می شود. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «هر کس زنی را ببیند و چشمش را به آسمان بیاندازد یا آن را برگرداند، به زودی خداوند مزه ایمان را به او خواهد چشاند.»^(۱)

(د) تقویت اعتقاد به مبدأ و معاد

امام خمینی رحمه الله در کلام نغز و شیوایی که برگرفته از آیات و روایات است، می فرماید: «عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید.»

تمام هستی (عالم) به صورت یک مجموعه واحد محضر و دفتر دادگاه است و قاضی این دادگاه نیز حاضر است؛ اعتقاد به وجود خدای متعال و نظارت دائمی او و همچنین اعتقاد به روز رستاخیز از مهم ترین راهکارهای سالم سازی ارتباط دختر و پسر است. در این زمینه، اشاره به ارتباط حضرت یوسف علیه السلام و زلیخا می تواند راه گشای بسیاری از مسایل پیش آمده برای جوانان باشد. حضرت یوسف علیه السلام در پاسخ افزون طلبی زلیخا به او یک جمله گفت: «معاذ الله!»؛ «و آن [زنی] که آن (= یوسف) در خانه اش بود، از وجودش تمنّای کامجویی کرد؛ و همه درها را محکم بست و گفت: «بیا (که من آماده) برای توأم!» (یوسف) گفت: «پناه بر خدا! در حقیقت او پرورش دهنده من است؛ جایگاه مرا نیکو داشت؛ (پس خیانت به او ستمکاری است و) قطعاً ستمکاران رستگار نمی شوند.»^(۲)

پیام های هشدارآمیز داستان یوسف و زلیخا

۱. پسرهای جوان که در خانه های زنان کم تقوا و نامحرم هستند، تنها نباشند؛ زیرا باب مراوده باز می شود.

ص: ۱۹۰

۱- ((۱)) «من نظر الی امراه فرقع بصره الی السماء او غض بصره لم یرتدّ الیه طرفه حتی یرزقه الله ایماناً یجد طعمه.»، ر. ک:

همان، حدیث ۹ و ۱۰.

۲- ((۲)) . یوسف / ۲۳.

۲. گناهان بزرگ با مرآوده و نرمش شروع می شود.

۳. حضور زن و مرد، پسر و دختر در فضای در بسته، زمینه را برای گناه فراهم می کند.

۴. عشق در اثر مرآوده و به تدریج پیدا می شود، نه به صورت دفعی و یک باره؛ بنابراین از معاشرت های طولانی مدت تا حد امکان پرهیز شود.

۵. در برابر قدرت شهوت، همسر پادشاه نیز به زانو در می آید.

۶. موقع هجوم حمله شیطان یاد خدا بهترین راهکار است.

۷. یاد عاقبت گناه مانع ارتکاب آن است.

۸. توجه به خدا مهم ترین عامل بازدارنده است.

۹. یک لحظه گناه، انسان را از رستگاری ابدی دور می سازد.

۱۰. ضرورت شکر نعمت دهنده اقتضا می کند گناه نکنیم (۱).

ص: ۱۹۱

نظر قرآن و روایات در مورد تفریح های سالم، شادی و نشاط چیست؟

* پاسخ

مفهوم شناسی

«تفریح» به معنای شادمانی نمودن، شادی کردن، شاد کردن، شادمان ساختن(۱)، فعالیت غیرجدی به قصد سرگرمی، وقت گذرانی رفع خستگی(۲) آمده است. تفریح سالم، یعنی تفریح بی عیب، بی گزند، درست و صحیح(۳)، و تفریحات سالم به تفریحاتی گفته می شود که از نظر اخلاقی و اجتماعی زیان آور نباشند.(۴) شادی یعنی خوشحالی و شادمانی(۵)، دوری از غم و اندوه، خوشحالی و سرور(۶).

نشاط به معنای سبکی و چالاکی یافتن برای اجرای امور(۷) و به معنای شادی، خوشی و سرزندگی(۸) است.

تقسیم بندی

در یک تقسیم بندی کلی، آنچه به معنای تفریح مورد بررسی قرار می گیرد، به دو دسته تقسیم می شود:

۱. تفریح سالم؛ ۲. تفریح غیرسالم.

ص: ۱۹۲

۱- (۱). فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، ج ۱، ص ۱۱۱۲.

۲- (۲). فرهنگ بزرگ سخن، دکتر حسن انوری، ج ۳، ص ۱۸۱۱.

۳- (۳). همان، ج ۲، ص ۱۸۰۶.

۴- (۴). همان.

۵- (۵). همان، ج ۲، ص ۱۹۹۵.

۶- (۶). همان، ج ۵، ص ۴۴۰۲.

۷- (۷). همان، ج ۴، ص ۴۷۲۹.

۸- (۸). همان، ج ۸، ص ۷۸۱۹.

انواع مختلف تفریح، براساس به کارگیری اسباب و وسایل ایجاد شادی و خوشحالی، و نتایج آن، می تواند برای انسان مفید و یا مضر باشد؛ و همین تفاوت در اسباب و نتایج است که تفریح را به آن دو قسم عمده تقسیم می کند.

نیاز به شادی و تفریح

درباره ضرورت تفریح و نیاز انسان به خوشحالی و شادابی، مطالب فراوانی بیان شده است. (۱) همچنان که بدن انسان نیاز به مواد غذایی سالم دارد، روح و روان آدمی نیز این نیاز را دارد. تشویش، نگرانی و اضطراب در زندگی مانند تب، لرز، سر درد و هزاران درد جسمی دیگر است که افزون بر تحلیل و از بین بردن توان جسمی، کاهش عمل کرد اجتماعی فرد را نیز در پی دارد. در روایات نسبت به نکوهش حزن و اندوه مطالبی به این شرح وارد شده است:

۱. از امام علی علیه السلام روایت شده است که: حزن و اندوه نصف پیری و درهم شکستگی است. (۲)

۲. غصه و اندوه بدن را آب می کند. (۳)

۳. از حضرت عیسی علیه السلام روایت است: کسی که حزن و اندوه او زیاد باشد، بدنش مریض است (مریض می شود). (۴)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

اندوه ها و غصه ها بیماری قلب است؛ همان گونه که امراض، دردهای بدن و جسم هستند. (۵)

ص: ۱۹۳

۱- (۱). ر. ک: آیین بهزیستی اسلام.

۲- (۲). همان، به نقل از تحف العقول، ص ۲۱۴.

۳- (۳). همان، به نقل از غررالحکم، حدیث ۱۰۳۹.

۴- (۴). منتخب میزان الحکمه، ص ۱۳۷ به نقل از امالی صدوق، ج ۳، حدیث ۴۳۶.

۵- (۵). همان، به نقل از الدعوات، ۱۱۸، ۲۷۶.

همچنین در آیات و روایات، راهکارهای مبارزه با پدیده اندوه ارائه شده است؛ برای مثال، خداوند متعال می فرماید:

«آگاه باشید! که دوستان خدا، هیچ ترسی بر آنان نیست، و نه آنان اندوهگین می شوند.»^(۱)

ایمان به خدا و ارتباط با او، اندوه را از دل برطرف می کند و این، بهترین راهکار برطرف کردن حزن و اندوه و جایگزین کردن شادی است. از رسول گرامی اسلام روایت شده است:

خدای متعال به واسطه حکمت و فضلش، راحتی، آسایش و خوشحالی را در یقین و رضا و غم و اندوه را در شک قرارداد است.^(۲)

خوشحالی و آسایش نشان دهنده یقین و رضاست و یقین و رضا بالاترین مراتب ایمان است؛ بنابراین، پرداختن به مقوله تفریح، برای تعالی روح در راستای تعالیم قرآنی و رسیدن به سعادت نهایی،^(۳) نه تنها کار بیهوده ای نیست، بلکه از ضروریات مباحث اخلاقی و اسلامی است.

در فرهنگ غنی اسلام که برگرفته از دو سرچشمه ی نورانی کتاب (قرآن) و اهل بیت علیهم السلام است^(۴)، هرچند به طور صریح واژه «تفریحات سالم»

ص: ۱۹۴

۱- (۱). یونس / ۶۲.

۲- (۲). همان، به نقل از تحف العقول، ص ۶.

۳- (۳). هدف اصلی خلقت انسان رسیدن به کمال نهایی و قرب الی الله است. در آیه شریفه ۵۶ سوره ذاریات می خوانیم: «جن و انسان را جز برای پرستش خود نیافریدم.» امام صادق علیه السلام در روایتی معروف می فرماید: «بندگی گوهری است که باطن آن ربوبیت است؛ پس هرچه از بندگی به دست نیامده باشد، در ربوبیت یافت می شود و هرچه از ربوبیت پوشیده و پنهان باشد، در بندگی حاصل می گردد.» مصباح الشریعه، باب ۱۰۰ «فی حقیقه العبودیه». به نقل از آداب الصلوه، امام خمینی، ص ۸.

۴- (۴) «انی تارک فیکم الثقلین...؛ من در میان شما دو چیز گران بها، به یادگار گذاشته ام که اگر به آن ها تمسک جوید، هرگز گمراه نخواهید شد؛ کتاب خدا و عترتم اهل بیت و آن ها هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا آن که بر حوض به من خواهند پیوست.» اهل بیت فی کتاب السنه، محمد ری شهری، کمال الدین و تمام النعمه، ابوجعفر محمد بن علی شیخ صدوق و تعلیق شیخ حسین اعلمی، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۴ و اصول کافی و تهذیب که با تعابیر مختلف روایت کرده اند.

نیامده است ولی با دقت و بررسی آیات، روایات و دستوره‌های اسلام در می‌یابیم که مجموعه دین برای زندگی با کرامت انسان (۱) تدوین شده و کرامت انسان در گرو برخوردار بودن از روح سالم و جسم سالم است. در یک کلمه، «دین» راه و روش چگونه زندگی کردن را به ما می‌آموزد. که با به کارگیری این مجموعه دستورها، می‌توان سلامت کامل جسمی و روحی خود را تضمین کرد. (۲)

در این جا سخنان آیت الله شهید دکتر بهشتی را با عنوان «اسلام دین نشاط است»، (۳) نه اندوه» از نظر می‌گذرانیم:

«براساس برخی از حکایات صوفیانه که ارتباط چندانی با قرآن کریم ندارد، قرن‌های متمادی، تفریح و شادی را نقطه ضعف معرفی می‌کردند؛ مثلاً به ما می‌گفتند: قرآن مجید می‌فرماید: «و باید کم بخندید و بسیار گریه کنید.» (۴) از ظاهر این آیه بدون توجه به شأن نزول و مراد اصلی آیه چنین تلقی می‌شود که «بایستی فراوان گریه کرد و اندک خندید.»

و عده‌ای با این آیه مردم را از خنداندن و خندیدن منع می‌کردند؛

اما اگر در همین یک آیه دقت کنیم، مطلب را درست بر خلاف مفهوم ظاهری به دست می‌آوریم؛ مطلب از این قرار است که پیغمبر صلی الله علیه و آله دستور مبارزه علیه کفار و مشرکین را صادر کرده بود، وقتی کاروان نظامی حضرت به سوی مبارزه حرکت کرد، عده‌ای از فرمان بسیج خدا و

ص: ۱۹۵

۱- ((۱)) اسراء / ۷۰ «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ»؛ و بیقین فرزندان آدم را گرامی داشتیم؛ و آنان را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌ها) سوار کردیم؛ و...».

۲- ((۲)) روایات فراوانی در مورد مستحبات وارد شده که آثار و نتایج علمی آن‌ها نیز به اثبات رسیده است. (ر. ک: قرآن و زندگی).

۳- ((۳)) ر. ک: روزنامه همشهری، ۷، ۴، ۱۳۷۹.

۴- ((۴)) «فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَ لْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» توبه / ۸۲ و اعراف / ۳۲.

پیامبر صلی الله علیه و آله تخلف کردند، این آیات می گوید: لعنت خدا بر کسانی باد که دیدند پیامبر با مسلمانان به میدان نبرد می رود اما باز هم زندگی دوستی آن ها را وادار کرد از فرمان خدا و رسولش تخلف کنند. لعنت خدا بر آن ها باد! محروم باد این گروه از رحمت حق و به عنوان یک نفرین می گوید: از این پس این گروه نافرمان، کم بخندند و زیاد بگریند؛ خنده در زندگی آن ها کم باد و گریه در زندگی آن ها فراوان باد!

آیا از این آیه فهمیده نمی شود که اسلام دین نشاط است و زندگی توأم با گریه و زاری و ناله، خلاف رحمت و نعمت خداست؟!

تفریح سالم یکی از نیازهای زندگی انسان است، نه فقط به عنوان تجدید قوا، بلکه اصولاً به عنوان یکی از نیازهای اصلی، مثل نیاز به مواد غذایی، یک نیاز طبیعی است. خدای آفریدگار طبیعت و نظام طبیعت، خواسته است آدمی با احساس احتیاج به تفریح، همواره نشاط زنده ماندن و زندگی کردن داشته باشد. خدای متعال به پیامبرش می فرماید: «ای پیامبر! بگو: «چه کسی زیور [های] الهی را که برای بندگانش پدید آورده، و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟!» بگو: «این [ها] در زندگی پست (دنیا)، برای کسانی است که ایمان آورده اند؛ (اگر چه دیگران نیز از آنها استفاده می کنند،) در حالی که در روز رستاخیز مخصوص (مؤمنان) خواهد بود.» این گونه آیات (خود) را برای گروهی که آگاهند، شرح می دهیم.» (۱) این آیه از محکّمات قرآن است که در سال های آخر بعثت و هجرت نازل شده است.

می گوید: ای پیغمبر، در برابر کسانی که بسیاری از مواهب زندگی را حرام می شمردند، اعلام کن و بگو چه کسی زینت و آرایش و زیبایی هایی را که خداوند از درون طبیعت برای بندگانش بیرون کشیده، حرام کرده

ص: ۱۹۶

است؟ چه کسی روزی های پاک، مواهب پاک، مواهبی را که انسان از آن ها لذت مشروع و صحیح می برد، حرام کرده است؟ بگو این مواهب، این روزی های پاک، این زیبایی ها، برای مردم با ایمان در همین زندگی دنیاست. در زندگی جاوید و آخرت هم همین زیبایی ها و همین مواهب برای مردم با ایمان است با یک تفاوت که در این دنیا، زیبایی ها به زشتی ها آمیخته و آلوده است.

شادی ها به غم آمیخته است، ولی در دنیای دیگر این زیبایی ها و مواهب پاک برای مردم با ایمان به صورت خالص وجود دارد.

از این آیه می فهمیم اسلام به بهره مند شدن از زیبایی ها، مواهب زندگی و عوامل نشاط آور اهمیت می دهد. طبیعی است که در این دنیا، خدا نشاط و شادی را با غم همراه قرار داده است، نشاط و شادی خالص، در دسترس هیچ کس نیست، ولی در حدودی که قوانین و حق و عدالت اجازه می دهد مردم با ایمان از آن بهره مند شوند و مال آنهاست.

بیش از چند صد آیه از قرآن کریم، مردم مسلمان را به ایمان و راستی و درستکاری دعوت می کند و به آن ها می گوید: اگر در این دنیا براساس صحیح زندگی کردید، با عدالت، با پاکی و درستی، با ایمان صحیح، حرکت کردید آن وقت به شما بهشت می دهیم.

بهشت چیست؟

قرآن در ترسیم بهشت می گوید: بهشت یک زندگی سراسر نشاط، بهره مند از تمام زیبایی های خالص و پاک می باشد. باغ، میوه، گل، جوی روان، آب های زلال، بهترین همسران، بهترین پذیرایی ها، بهترین تخت ها، زیباترین بسترها (۱) و (فیها ما تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ) هر چه را

ص: ۱۹۷

۱- (۱)) درباره بهشت و توصیف بهشت ر. ک: فهرست موضوعی تفسیر نمونه، تهیه و تنظیم احمدعلی بابائی و رضا محمدی، ص ۲۲۸-۲۳۸.

خودشان بدان میل کنند و چشم‌ها لذت ببرند در آن (بهشت موجود) است. اسلام دین فطرت است (۱) و ارتباط فطرت با نشاط و شادابی بسیار زیاد است.

مولا- علی علیه السلام روزی به خانه یکی از دوستانش قدم نهاد. دید خانه وسیعی دارد. به او فرمود: هان! در این دنیا چنین خانه وسیعی می‌خواهی چه کنی؟ آیا در روز قیامت بدین خانه محتاج تر نبودی - اول امام این مطلب را می‌گوید - بعد برای این که آن فرد اشتباه نکند، فرمود: هان! اشتباه نکن تو با داشتن همین خانه وسیع می‌توانی در همین دنیا آن را برای آخرت به کار بگیری، از مهمانان پذیرایی کنی، صله رحم کنی این خانه را پایگاه اجتماعات برای تلاش در راه حق و عدالت قرار بدهی. دوست امام دید که نه، مطلب آن طور که او خیال می‌کرد که امام می‌خواهد به او زاهدمنشی و ترک دنیا تلقین بکند، نیست، بلکه می‌خواهد بگوید یادت باشد که خانه فقط برای کامروایی نیست، چیزهای دیگر هم باید باشد. عرض کرد: یا علی، برادر من را نصیحت کن، امام فرمود: موضوع چیست؟ گفت: برادرم لباس‌های پشمینه می‌پوشد، خانه را رها کرده و رفته در یک گوشه ای می‌گوید: «من باید عبادت کنم.» نه به زنش می‌رسد نه به فرزندش، امام فرمود: به او بگو نزد من بیاید. وقتی آمد، امام به او پرخاش کرد و فرمود: هان! تو چه خیال می‌کنی؟ چه گمانی درباره خدا می‌بری؟ آیا فکر می‌کنی که خدا این همه مواهب را در این دنیا آفرید و حلال کرده ولی بعد از آفریدن و حلال کردن، دلش می‌خواهد ما به آن‌ها پشت پا بزنیم؟

ص: ۱۹۸

آن مرد عرض کرد پس چرا شما اینگونه زندگی می کنید؟ لباس شما از من خیلی خشن تر است. خوراکی از من خیلی ساده تر است. بی اعتنایی ات به مواهب زندگی از من خیلی بیشتر است. مولا فرمود: مطلب بر تو اشتباه نشود، حساب من از حساب تو جداست، من زمامدار امت اسلام هستم که واجب است زندگی شان هم سطح بینواترین مسلمانان باشد.»(۱)

نمودهای تفریح های سالم در دستورهای اسلام

با جستجو در آیات و با دقت در روایات و دستورهای دینی می توان به این حقیقت پی برد که دین اسلام به چه میزان، این مسأله را مورد تاکید قرار داده است. برخی از این دستورهای دینی که هدفی جز تأمین سلامت روحی و جسمی انسان را تعقیب نمی کنند، از قرار ذیل است:

۱. ورزش و مسابقه

(أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَزُوعُ وَيَلْعَبُ). (۲) در قرآن کریم در داستان حضرت یوسف و یعقوب آمده است: آن گاه که فرزندان او خواستند یوسف را از ایشان جدا کنند، ورزش را بهانه کردند و گفتند: «فردا او را همراه ما بفرست تا ورزش و بازی کند و ما هم یقیناً از او محافظت می کنیم.»(۳) و این بهانه هایی بود که حضرت یعقوب در برابر آن سکوت اختیار کرد، سکوتی که علامت رضایت و بیانگر تأیید این کار است.

نقل تأیید آمیز بازی و ورزش یوسف در داستان او، و نیز تاکید بر ورزش و مسابقات در روایات(۴) و سفارش های فراوان در خصوص ورزش هایی که

ص: ۱۹۹

۱- (۱). نهج البلاغه، دکتر سید جعفر شهیدی، خطبه ۲۰۹.

۲- (۲). یوسف، ۱۲.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) ر. ک: ورزش و تربیت بدنی در جمهوری اسلامی، اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۰.

پیش از همه نشاط‌آور و مفرح است (۱)، خود می‌تواند دلیلی بر تأکید دین اسلام بر تفریح‌های سالم باشد.

افزون بر این، قرآن کریم از دو پیامبر به خاطر ویژگی «قوت» و «نیروی بدنی» تعریف و تمجید می‌کند؛ یکی از طالوت (۲) و دیگری از حضرت موسی در جریان کمک کردن او به دختران شعیب (۳) که همگی نشان‌دهنده توصیه به قدرتمند شدن در پی تلاش و کوشش است.

ورزش‌های سوارکاری، تیراندازی و شناسه ورزش مورد تأکید اسلام است که فرح بخشی این سه در میان رشته‌های فراوان دیگر بر اهل فن پوشیده نیست.

۲. صله رحم و دید و بازدید

نشست و برخاست با یکدیگر، به ویژه اقوام و خویشان، یکی از بهترین انواع تفریح‌های سالم است. این عمل آن چنان مورد تأکید است که روایات فراوان و نیز آیاتی در این زمینه وارد شده است. خداوند متعال در آیات مختلف این حقیقت را اینگونه بیان می‌کند:

«و به پدر و مادر، و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و با مردم نیکو سخن گوید.» (۴) «و (بیان) راه معتدل و راست بر عهده خداست، و برخی از آن (راه‌ها) کثر است؛ و اگر (بر فرض خدا) می‌خواست حتماً همه شما را (به اجبار) راهنمایی می‌کرد.» (۵)

ص: ۲۰۰

۱- ((۱)) از میان رشته‌های ورزشی بر سوارکاری، تیراندازی و شنا تأکید شده است و حتی مسابقه دادن در این رشته‌ها و تعیین جایزه هم نه تنها ممنوع نیست، بلکه توصیه شده است. (ر. ک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر سیدرضا پاک نژاد. انتشارات کتابفروشی اسلامی، ج ۱۴)

۲- ((۲)) «... و وسعتی در دانش و (نیروی) بدنش افزود.» بقره / ۲۴۷.

۳- ((۳)) «بهترین کسی که استخدام می‌کنی (شخص) نیرومند درستکار است.» قصص / ۲۶.

۴- ((۴)) بقره / ۸۳.

۵- ((۵)) نحل / ۹.

از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۱۹ سوره رعد نقل شده است که آنچه خدا به آن فرمان داده که آن پیوند را قطع نکنید، «صله رحم» است (۱).

همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است: «زودترین خیر از نظر ثواب صله رحم است.» (۲) از امام باقر علیه السلام برای صله رحم آثاری نقل شده است که به قرار ذیل است:

۱. اعمال را پاکیزه می کند.

۲. اموال را زیاد می کند.

۳. بلا را دفع می کند.

۴. حساب را آسان می کند.

۵. اجل را به تأخیر می اندازد. (۳)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است: کسی که برادر مؤمنش را در منزل او بدون حاجت و درخواست زیارت کند، خداوند نام او را از زیارت کنندگان خودش می نویسد و واجب است بر خدا که زائر خود را گرامی بدارد. (۴)

۳. اطعام و پذیرایی از مهمان

خوردن و آشامیدن و خوراندن و نوشانیدن و میهمانی از موضوعات مورد تأکید اسلام است. قرآن کریم در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام، به میهمانی او و غذای فراوانی که آماده کرد (گوساله بریان شده) (۵) و نیز

ص: ۲۰۱

۱- (۱) میزان الحکمه، ج ۴، ص ۸۲ به نقل از بحارالانوار، ج ۷۴.

۲- (۲) همان به نقل از کافی، ج ۲، ص ۱۵۱.

۳- (۳) همان به نقل از کافی، ج ۲، ص ۱۵۰.

۴- (۴) منتخب میزان الحکمه، محمدی ری شهری، تلخیص سید مجید حسینی، ص ۲۴۷. در این باره روایات فراوان دیگری وجود دارد که سفارش می کند به زیارت یکدیگر بروید.

۵- (۵) ((بِعَجَلٍ حَنِیْذٍ)). (هود/ ۶۹)

میهمانی در منزل پیامبر اسلام اشاره کرده است. (۱) میهمانی کردن که نقش بسزایی در ایجاد شادی در دل مردم دارد، مورد تأکید دین اسلام است. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده: «لذت کریمان در خوردن است و لذت لثیمان در خوردن.» (۲)

و همچنین از ایشان نقل شده است: «قوی کردن و توانمند سازی اجسام با غذا خوردن است و توانمندسازی روح با غذا خوردن می باشد.» (۳)

۴. سیر و سفر و گردش

سیر و سفر و گردش و استفاده از مناظر زیبای طبیعت، آبشارها، کوه ها، دریاها و آثار باستانی دشت ها و حتی کویر مورد سفارش دین اسلام است، تا آن جا که سیر و سفر را مقدمه علم آموزی و عبرت اندوزی می داند: (سَيُرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ) ۴

و از رسول اکرم روایت شده است که می فرماید: «مسافرت کنید تا صحت یابید و غنیمت به دست آورید.» (۴)

۵. استفاده از مظاهر زیبای موجود در طبیعت:

قرآن کریم می فرماید: «و در آنها برای شما زیبایی است، آنگاه که [آنها را] از چراگاه بر می گردانید و هنگامی که (صبحگاهان) به چراگاه می فرستید.» (۵)

صبح هنگام و عصر گاهان مواقعی است که انسان نیاز به آرامش روحی دارد. صبح گاهان، آن گاه که قصد شروع فعالیت روزانه را دارد و

ص: ۲۰۲

۱- (۱) احزاب / ۵۳.

۲- (۲) کافی، ۱، ۲۸.

۳- (۳) افزون بر این، هر خانه ای که مهمان داخل آن خانه نشود، ملائکه نیز داخل آن خانه نمی شوند. منتخب میزان الحکمه، ص ۳۱۲.

۴- (۴) «سافروا تصحوا وتغنموا». منتخب میزان الحکمه، حدیث ۲۵۳ به نقل از کنز العمال ۱۷۴۷۰.

۵- (۵) «و لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرِحُونَ» نحل / ۶.

عصرگاهان، آن هنگام که نیازمند رفع خستگی تلاش روزانه است. قرآن مجید برای کسانی که در صحرا زندگی می کنند و از نعمت آب و هوای پاک و زندگی در طبیعت بهره مند هستند، توصیه می کند که به چارپایانی که خدا به شما عنایت کرده بیشتر توجه کنید که موقع رفتن و برگشتن آن ها، زیبایی و حسن نظر وجود دارد. خداوند به چنین مردمی توصیه کرده برای آرامش اعصاب و تفریح به چارپایان نگاه کنند و از نگاه به آنان لذت ببرند؛ حال آیا جا دارد بگوییم خدا مردمی را که هر روز با دود و دم و سر و صدا همنشین هستند از این نعمت و از سایر تفریح ها منع کرده باشد؟! هرگز چنین نیست و انسان های شهرنشین نیز باید از این مواهب برای تأمین بهداشت روان و جسم و تفریح بهره گیرند و این نیز توصیه ای است برای رفتن به دل طبیعت و تماشای آن مناظر زیبا.

آیات دیگری نیز از جمله توصیه توجه به گیاهان زیبا (حج/ ۵)، آب های روی زمین (کهف/ ۷)، زینت آسمان ها در شب (صافات/ ۶ و فصلت/ ۱۲ و ملک/ ۵ و حجر/ ۱۶ و ق/ ۶) و... بیانگر بهره برداری و لذت از مواهب الهی است که در طبیعت وجود دارد.

۶. خودآرایی و رسیدگی به سر و وضع و لباس

انسان چون می خواهد برای عبادت و حضور در مسجد از منزل خارج شود، به سفارش خداوند لازم است خود را زیبا کرده و زینت های خود را بردارد. (یا بَیْنَ آدَمَ خُذُوا زَیِّنَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ) ۱ همچنین جواز استفاده از زینت های خدا و طیبات رزق در آیه بعد صادر شده است (۱) و به طور کلی هر زیبایی که در روح و روان انسان و دیگران تأثیر مثبت گذارد، مورد تأیید آیات و روایات فراوان می باشد.

ص: ۲۰۳

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «بپوشید و زینت کنید (خود را بیارائید) که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد (اما این زینت و خود آرایی) باید از راه حلال باشد.»^(۱)

۷. استفاده از لذات حلال در مسائل زناشویی

یکی دیگر از تفریح های سالم که ضرورت آن نمی توان مورد شک قرار داد، بهره برداری جنسی مشروع و قانونی است که در آیه ۵۸ سوره نور در قالبی زیبا و کنایی بیان شده است:

«ای کسانی که ایمان آورده اید! باید کسانی (از بردگان) که مالک شده اید و کسانی (از کودکان) که به بلوغ نرسیده اند، در سه مرتبه از شما رخصت بگیرند: پیش از نماز صبح، و هنگام نیم روز که لباس های رسمی خود را فرو می نهید، و بعد از نماز عشا، [اینها] سه (وقت مخصوص) امور جنسی شماست که بعد از آن (زمان ها هیچ گناهی بر شما و بر آنان نیست) (که بدون (اجازه) رخصت وارد شوند؛ چرا که) برخی از شما بر (گردن برخی دیگر) از شما می چرخید، این گونه خدا آیات را برای شما روشن بیان می کند و خدا دانای فرزانه است.»

در طول شبانه روز برای بهره برداری از لذت ها سه وقت مخصوص وجود دارد، به گونه ای که ورود اطفال غیربالغ ممنوع شمرده شده است، و افراد بالغ نیز که هیچ گاه بدون اذن وارد نمی شوند؛ زیرا در آیه ی بعد می فرماید: «هنگامی که کودکان شما به بلوغ می رسند، پس باید (در همه اوقات برای ورود به اتاق خصوصی پدر و مادر) رخصت بگیرند، همان گونه که کسانی (از بزرگسالان) که پیش از آنان بودند، رخصت می گرفتند.»^(۲)

ص: ۲۰۴

۱- (۱) وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۰.

۲- (۲) نور/ ۵۸.

از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است: هر کار بیهوده ای از انسان مؤمن باطل است، مگر در سه چیز: تربیت و تعلیم اسب (سوارکاری) و تیراندازی و بازی با همسر که این سه چیز حق است.

۸. کار، بالاترین تفریح (۱)

این سخن که از امام علی علیه السلام روایت شده است، راهی نوین در تفریحات سالم می گشاید که انسان اوقات فراغت خود را با کارهای مفید (مثل صنایع دستی و...) پر کند.

نتیجه گیری

دین اسلام نظر روشنی درباره ی تفریح های سالم دارد و با سفارش به تقویت قوای جسمی و روحی، (۲) انسان را در راه مبارزه با دشمنان ظاهری و باطنی، آماده می سازد؛ تا راه برای رسیدن به کمال نهایی و سعادت ابدی از مسیر همین دنیا فراهم آید.

افزون بر این، غنی سازی اوقات فراغت و اشتغال دائم به کارهایی از این قبیل، مانع از هجوم وسوسه های شیطانی است؛ زیرا شیطان به دنبال فرصت مناسب می گردد تا انسان را به گونه ای فریب دهد و به هدف اصلی خود یعنی «سقوط معنوی انسان» برسد.

ص: ۲۰۵

۱- (۱) مشهور است که این کلام به حضرت علی علیه السلام منسوب می باشد، ولی در منابع روایی دریافت نشد.
۲- (۲) «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ...»؛ (انفال، ۸) و هرچه در توان دارید، از تیر و از اسب های آماده برای (مقابله با) آن (دشمن -) ان، آماده سازید....»

فصل چهارم: ازدواج

اشاره

ص: ۲۰۷

نظر قرآن درباره خواستگاری و مقدمات آن چیست؟

* پاسخ

درآمد

در آغاز گسترش جامعه انسانی، مسأله روابط میان پسر و دختر در جوامع مطرح بوده است و این چیز تازه ای نیست، لیکن در دوران توسعه سیاسی، اجتماعی و ظهور رسانه های ارتباط جمعی، سمعی و بصری، این مسأله شکل دیگری به خود گرفته و با نگرشی نو دوباره مطرح شده است، به ویژه که در محیطهایی مانند دانشگاه، سینماها، پارک ها، خیابان ها و مانند آن ها که نمود بیشتری پیدا می کند، این مسأله می تواند بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

بر این اساس، اگر بخواهیم در این زمینه موفقیتی داشته باشیم و تا حدی دغدغه خاطر خود را برطرف نماییم، می باید راهکارهای درست را بیابیم و الگوی مناسب با فرهنگ جامعه اسلامی را به نسل جوان نشان دهیم. امری که باید گفت با همه اهمیت که دارد و دل مشغولی را که برای متولیان امور اجتماعی، فرهنگی و دینی فراهم کرده است، متأسفانه کم تر مورد توجه جدی قرار گرفته است.

به هر صورت، در این نوشتار کوتاه تلاش بر آن است تا از منظر قرآن به موضوع نگرسته و دیدگاه وحی طرح شود.

دیدگاه ها

در خصوص روابط دختر و پسر سه دیدگاه عمده و یا به تعبیر درست تر، سه فرض وجود دارد که ضروری است اشارتی کوتاه به آن ها داشته باشیم.

ص: ۲۰۹

۱. آزادی ارتباط

بر پایه این دیدگاه، دو جنس مخالف به هر نحو که خواسته باشند، اعم از گفت و شنود، مسافرت، رفاقت، تماس بدنی و حتی کام گرفتن از یکدیگر می توانند با هم روابط داشته باشند، به این گمان که هرگونه محدودیت باعث فزونی میل و رغبت می شود.

این که عامل رویکرد به این نظریه چیست و مروج این طرز تفکر کیست، بررسی جداگانه ای می طلبد که از حوصله این نوشتار خارج است، ولی به اجمال می توان گفت: خواستگاه این تز و مهد کنونی این ارتباط افسار گسیخته، جهان غرب به خصوص آمریکا و اروپای غربی است و معماران اصلی آن امثال «برتراند راسل» و «فروید» می باشند.^(۱)

۲. پرهیز از هر گونه ارتباط

مطابق این دیدگاه، زن و مرد، پسر و دختر حق ندارند کمترین ارتباطی با هم داشته باشند؛ خواه ارتباط مکالمه ای باشد یا مکاتبه ای و خواه با نگاه باشد یا در گفتار، و در نتیجه نباید گذاشت این دو جنس مخالف حتی در شعاع دید و صدای یکدیگر قرار گیرند.

این نظریه بیشتر جنبه بهداشت اجتماعی - دینی دارد، و به عنوان راهکاری برای جلوگیری از فساد اجتماعی جامعه پیشنهاد می شود.

۳. میانه روی

طبیعی است که میان دو دیدگاه افراط و تفریط همواره نظر سومی مطرح می شود؛ زیرا آن دسته از انسان ها که از اندیشه متعادل برخوردارند، با نامعقول دانستن فرض اول، و ناممکن دانستن فرض دوم، راه سوم را بر می گزینند، نقاط منفی هر دو دیدگاه را نادیده گرفته و نقاط مثبت هر دو را برمی گزینند.

ص: ۲۱۰

۱- ((۱)) اخلاق جنسی، مرتضی مطهری، ص ۲۲ و ۳۶.

از آن جا که قرآن کریم مبین عدل در تکوین، بیان کننده اعتدال در تشریح و بیانگر عدالت اخلاقی است، می توان گفت: فرض اخیر به دیدگاه قرآن نزدیک تر بوده، و این همان نظریه ای است که در ادامه بحث بدان خواهیم پرداخت.

اصول اولیه در نگاه و گفتگو قبل از ازدواج چیست ؟

* پاسخ

برای دست یابی به موضع اسلام نسبت به نگاه و گفتگو در روابط پسر و دختر، ابتدا لازم است اصولی کلی ترسیم شود، تا روشن گردد اصل در نمادهای روابط، جواز است یا ممنوعیت؟

این اصول عبارت است از:

۱. چشم و گوش و زبان، برای دیدن، شنیدن و گفتن

شکی نیست که وظیفه هر یک از اعضای بدن انسان همان است که دست قدرتمند آفرینش آن را برایش معین کرده است، و وظیفه اصلی، این سه عضو مهم منهای برخی وظایف دیگر، نیز همان است که برای آن ها مقرر شده است، چشم برای دیدن، گوش برای شنیدن و زبان برای گفتن؛ پس نباید آن را تعطیل کرد و یا از آن ها کاری خواست که از عهده آن ها بر نمی آید.

۲. افزایش آگاهی و شناخت

بدیهی است که نگاه، گفتن یا شنیدن برای افزایش شناخت و آگاهی انسان است. نگاه به مظاهر طبیعت، انسان را به شناخت هر چه بیشتر چیزها می رساند، و به اصطلاح فرهنگ دینی، او را به یاد آفریننده و سازنده آن می اندازد، و سرانجام کارایی و انواع بهره دهی آن را تداعی می نماید. گفتگوی انسان ها نیز برای انتقال معلومات، کسب آگاهی، بیان نیازمندی ها و آموزش است.

قرآن کریم نیز این اصل را مورد تأکید قرار داده، و به چشم و گوش به دیده ابزار شناخت نگریسته است؛ چشم را وسیله دیدن آیات تکوینی، و گوش را وسیله شنیدن آیات تشریحی، و زبان را وسیله تشریح و تفسیر هر دو قرار داده است.

وجود جسمانی و روحانی انسان به عنوان یکی از مظاهر آیات الهی، بلکه از مهم ترین آن هاست. که خود آفریننده آن پس از خلقتش فرموده است: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» ۱؛ و خجسته باد خدا، که بهترین آفرینندگان است! و نیز فرموده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» ۲؛ بیقین انسان را در بهترین (نظام معتدل و) استوار آفریدیم، و اگر درباره حیوانی بیابانگرد می فرماید: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ» ۳؛ و آیا به شتر نظر نمی کنند.»

۴. التذاذ طبیعی

هر یک از قوای ظاهری و باطنی انسان در راستای اهداف مقرر آن ها، به لذت های طبیعی خود نیازمند است و باید بدان برسد، زیرا انسان در هر یک از ابعاد وجودی خویش با پاسخ مثبت به خواسته ها و خواهش هایش لذت می برد؛ یعنی همان گونه که انسان در بعد جسمی با رسیدن به غذا، آب، میوه و لباس لذت می برد، مهر، محبت، عاطفه و نیز شعر برای روح او لذت بخش است؛ به کار گرفتن چشم، گوش و زبان نیز مایه التذاذ طبیعی انسان خواهد بود.

۵. آزادی

افزون بر آنچه گفته شد، محدود کردن افراد انسان در روابط با دیگران با اصل آزادی ناسازگار است؛ زیرا انسان آزاد آفریده شده و باید در روابط اجتماعی اش معاشرت آزاد داشته، و میان آن ها هیچ حریمی وجود نداشته

باشد. بر پایه این اصول که برخی از آن‌ها تا حدی توجیه‌کننده دیدگاه نخست می‌باشد، هر فرد انسانی مجاز است به دیگری نگاه کند، با او به گفت و شنود پردازد و یا به شکل‌های دیگر رابطه داشته باشد.

نتیجه سخن

نتیجه این اصول به ظاهر جواز هر نوع ارتباط نگاه و گفتگو میان پسر و دختر و به طور کلی زن و مرد است؛ اما حقیقت چیز دیگری است، و اگر نگوییم اصول دیگری را باید ترسیم کرد، دست کم این اصول دارای استثناهایی است که در نهایت نتیجه دیگری را در پی خواهد داشت که در تبیین دیدگاه قرآن بیان خواهیم داشت.

ص: ۲۱۴

نگاه به جنس مخالف از منظر قرآن چگونه است؟

* پاسخ

با نگاهی به آیات قرآن درمی یابیم که قرآن ضمن تأیید مفاد اصول ذکر شده، توصیه می کند تا از ابزار ادراکی خود به ویژه دیدگان و گوش استفاده کنند، و اگر می فرماید: به حیوان [شتر]، آسمان، کوه ها و زمین بنگرید که چگونه آفریده، افراشته، نصب و گسترده شده است، این موارد برای نمونه و مصداق بیان شده است و منحصر به این ها نیست.

اما در اولین استثنا برای این اصل انسان را از دائرة فراگیر و مطلق نگاه کردن بیرون می کند و می فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»؛ [ای پیامبر] به مردان با ایمان بگو چشم های خود را فرو بندند... و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را فرو گیرند(۱)».

بررسی آیه

تشریح احکام در قرآن کریم با تعبیرهای گوناگونی صورت گرفته است. گاهی با تعبیر «کتب» آمده است؛ مانند: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ...» گاهی با فعل امر و نهی بیان شده است؛ مانند: «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ»، «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ»، «جَاهِدُوا الْكُفَّارَ» و «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم» و «لَا تَنْكِحُوا مَا...»، گاهی به صورت جمله خبری تشریح شده است مثل: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ» و «لَا يَحِلُّ لَكُمْ» گاهی با بیان وصف اعلام نموده است؛ همچون: «مَاءٌ طَهُورًا» و... و در این آیه مورد بررسی، خداوند سبحان با فعل مضارع که توأم با تأکید است، بیان فرموده؛ زیرا این گونه تعبیرها، بیانگر انجام شدن موضوع است؛ بدین معنا که صادرکننده حکم می گوید: این کار را انجام می دهد!

ص: ۲۱۵

به هر صورت، این آیه مشتمل بر بیان حکم نگاه کردن زن و مرد به یکدیگر است و حکم نیز از نوع تحریمی، یعنی ممنوعیت می باشد.

نکته بسیار لطیفی که در آیه وجود دارد، به کار رفتن واژه «غَضّ» و «بصر» به جای غمض و عین است. «غَضّ» به معنای کوتاه کردن نگاه و صداست،^(۱) در حالی که «غمض» به معنای بستن چشم است، و «عین» به معنای چشم و عضو مخصوص است، ولی «بصر» اگرچه در معنای مرادف با «عین» می باشد، کاربرد آن بیشتر درباره دیدن (عمل کرد چشم) است. ملاحظه می شود که قرآن نمی گوید زنان و مردان چشمان خود را ببندند، بلکه می گوید: نگاه ها را کوتاه کنند و به یکدیگر خیره نشوند.

درباره شأن نزول آیه می نویسند: جوانی در مسیر خود با زنی روبه رو شد و چون در آن زمان، زنان مقنعه خود را پشت گوش ها قرار می دادند و به طور طبیعی بخشی از بدن [گردن و سینه] زن نمایان بود، چهره آن زن، نظر جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت. هنگامی که آن زن گذشت، جوان همچنان با چشمان خود او را تعقیب می کرد، در حالی که راه خود را ادامه می داد، تا این که وارد کوچه تنگی شد و باز همچنان به پشت سر خود نگاه می کرد که ناگهان صورتش به دیوار خورد و زخم شد، بلافاصله خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و حکم مسأله را جویا شد که در پی آن، این آیه نازل گردید.^(۲)

راز پرهیز از نگاه

در بدو نظر و با توجه به اصول گذشته چنین می نماید که انسان باید از این ابزار ادراکی کمال بهره برداری را بنماید و لذت های طبیعی هر عضو از

ص: ۲۱۶

۱- (۱) مقائیس اللغة، ماده غَضّ.

۲- (۲) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸.

جمله چشم را تأمین کند. آزادی انسان به او حکم می کند تا به هرچه بخواهد نگاه کند؛ پس چرا ممنوعیت و چرا محدودیت؟

در پاسخ باید گفت که استفاده کامل از عضوی مانند چشم، گوش و... همیشه به این نیست که هر آنچه در شعاع دیدش قرار می گیرد، ببیند، یا به هر صدایی که در فضای زیست او وجود دارد، گوش فرا دهد. مگر هر دیدن و شنیدنی می تواند انسان را به شناخت جدید و معرفتی نو سوق دهد؟ مگر هر عکس و نقشی که از شبکه چشم و هر صدایی که از پنجره گوش به صفحه ادراک انسان برسد می تواند کمک کار انسان در رفع نیازهای مادی و معنوی او باشد؟

آیا واقعاً نگرستن به پیکر و هیکل انسان به خصوص جنس مخالف و به ویژه افراد صاحب جمال و موزون می تواند مفسر آیات تکوین باشد و یا شنیدن صدای آن ها می تواند شارح آیات تشریح گردد؟ آیا به همان اندازه که انسان با نگاه کردن به کوه، دشت، دریا، افلاک، کواکب و... کسب معرفت می کند، از نگاه به انسان ها نیز می تواند معرفت حاصل نماید؟

مگر می شود به همه لذت های طبیعی پاسخ مثبت داد؟ و اصلاً مگر گستره همه لذت ها یکسان است تا با همه آن ها به یک شیوه برخورد کرد؟ مگر نه این است که خواهش جسمانی انسان با مقداری خوردنی، آشامیدنی و پوشاک اشباع می شود و پس از سیر شدن به لذیذترین غذاها و گواراترین نوشیدنی ها میلی ندارد، و حتی روح انسان نیز پس از چندی از شعر، سخنان موزون، محسنات لفظیه و محسنات معنویه خسته می شود؟!

اما در آن سوی، غریزه جنسی هرگز سیری ندارد و هرچه بیشتر بدان پاسخ مثبت داده شود، ولع آن افزون می شود و بسان آتش که هرچه بر مواد سوختی آن افزوده شود، شعله و رتر می گردد و به قول شهید مطهری: غریزه

جنسی غریزه ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هرچه بیشتر اطاعت شود، سرکش تر می شود. (۱)

غریزه جنسی افزون بر آن که در درون همچون کوره آتش می سوزد، از دریچه های گوش، چشم و لمس نیز پشتیبانی می شود و به وسیله این ابزار صدا برداری، تصویربرداری و سایش، بیش از پیش تهییج می شود و گویا با هر عکس، تصور، صدای جدید و تخیل شهوانی به نوعی تجدید قوا می کند، و چنان به پیش می رود که اگر به فرض از نیمی از افراد جنس مخالف و موافق کام بگیرد، از نیم دیگر نیز چشم نمی پوشد، و به خصوص در مرحله نگاه کردن این گونه نیست که با یکی دو نگاه، به دو یا چند نفر و شنیدن صدایشان سیر شده و دیگر میلی بدان نداشته باشد، بلکه چنان است که هرچه بیشتر نگاه کند، تشنه تر می شود؛ از این رو است که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«لايشبع العين من النظر والانثى من الذكر؛ چشم از نگاه کردن و زن از مرد سیر نمی شود.» (۲) بنابراین، برداشتن حریم میان پسر و دختر و آزادی معاشرت آن ها، ثمره ای جز التهاب جنسی در پی ندارد و با اندکی پیشرفت، تقاضای سکس را به عطشی روحی و خواستی سیرناشدنی بدل می کند.

اگر واقعاً می پذیریم که انسان در بعد غریزه جنسی نیز نیازمند به آرامش است، نمی شود او را به ابزار گوناگون سمعی، بصری و سایشی تحریک و تهییج کرده و سپس بخواهیم با ارضای آن، این دیو وحشی و غریزه دیوانه آرام شود، بلکه باید به نیاز طبیعی او تا حدی پاسخ مثبت داده و ارضاء شود و از بقیه جلوگیری کرد و این جا است که اسلام در برابر اخلاق جنسی نوین

ص: ۲۱۸

۱- ((۱)) ر. ک، مسأله حجاب، مرتضی مطهری، ص ۶۹.

۲- ((۲)) ر. ک، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۱.

امروز غرب، که همان اخلاق جنسی فرسوده جاهلیت می باشد، اخلاق جنسی دیگری را برای بشر ارائه کرده است، و بر اساس آن، حکم محدودیت روابط میان زن و مرد، پسر و دختر، و نیز پسر با پسر، یا دختر با دختر، در حوزه نگاه، تماس، گفتگو و دیگر تمتعات را قرار داده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اجتنب المسّ والقبلة والنظر، فأنها سهم من سهام ابليس؛ از تماس [بدنی] و بوسیدن و نگاه کردن بر حذر باشید که این ها تیرهای شیطان هستند.»^(۱) و بالاتر این که از نگاه، بوسیدن و لمس کردن به زنای چشم، لب و دستان یاد می کند و می فرماید:

«فرنا العينين النظر، وزنا الفم القبلة وزنا الیدین اللمس؛ زنای چشمان نگاه کردن و زنای لب بوسیدن و زنای دستان سایش است.»^(۲)

دستاورد نگاه

نگاه کردن پسر و دختر و به طور کلی زن و مرد به یکدیگر موجب انتقال تصاویر به صفحه ذهن می شود و به صورت غیر ارادی آثار عمیقی در خیال و تصورات شهوانی انسان، حتی انسان های مؤمن به جای می گذارد؛ چرا که این عکس ها در قوه خیال به گونه ای نقش می بندد که جزء جداناپذیر فکر انسان می گردد.

امام علی علیه السلام به این حقیقت اشاره کرده و می فرماید:

«کم من نظره جلبت [اورثت] حسره طویله؛ بسا یک نگاه، حسرت و اندوه دراز مدتی را به بار می آورد.»^(۳) و نیز فرمود:

«فکم من ناظر نظره زرع فی قلبه شهوه؛ چه بسیار نگاه هایی که شهوت را در دل بیننده کاشته است.»^(۴)

ص: ۲۱۹

۱- ((۱)) همان، ج ۹۶، ص ۲۷۵.

۲- ((۲)) ر. ک: فروع کافی، ج ۵، ص ۵۵۹.

۳- ((۳)) غرر الحکم، و بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۴۰.

۴- ((۴)) بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۹۱.

و در جای دیگر می فرماید:

«اول نظره لك والثانيه لا- لك، والنظرة الثالثة سهم مسموم من سهام ابليس؛ نگاه اول از آن تو است، نگاه دوم به سود تو نیست، و اما نگاه سوم تیری از تیرهای زهر آگین شیطان است.»^(۱) زیرا نگاه اول چون بدون توجه است، اثر آن چندانی ندارد، نگاه دوم که با توجه است، کمی اثر دارد، اما نگاه سوم که با قصد تصویربرداری انجام می شود، به سان تیری است که به سوی قلب نشانه می رود، زیرا هر آنچه دیده می بیند، دل از آن یاد می کند. این را نیز می پذیریم که پاسخ مثبت به همه آنچه دل می طلبد، نه عقلاً و عرفاً ممکن است و نه شرعاً جائز؛ بنابراین، بهتر آن است که از همان چشم و چشمه جلوگیری شود.

نکته اخلاقی

نگاه آن چنان بی رحم است که نه جوان را می شناسد و نه پیر، نه دختر می شناسد و نه پسر، نه شهری می شناسد و نه روستایی، نه شاه و نه شاهزاده می شناسد و نه گدا. نگاه زلیخا همسر عزیز مصر را شیفته یوسف کرده؛ یوسف را زندانی و زلیخا را رسوا نمود. یک نگاه زنان مصری به یوسف، باعث شد تا به جای میوه دست خود را بریدند^(۲). اگر انسان و به ویژه جوان بتواند خود را از این دام برهاند و از لذت پست، نگاه، چشم پوشی کند، به طور حتم شیرینی ایمان را خواهد چشید و خواهد فهمید که لذت همیشه در لذت بردن نیست، بلکه گاهی در ترک لذت است؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«النظر سهم مسموم من سهام ابليس، من تركها خوفاً من الله اعطاه الله ايماناً يجده حلاوته في قلبه؛ نگاه، تیر زهر آلود شیطان است، هر کس به خاطر خدا ترسی آن را ترک نماید، خداوند ایمانی را به وی می بخشد که شیرینی آن را در خویش احساس می کند.»^(۳)

ص: ۲۲۰

۱- (۱) ر. ک، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۲.

۲- (۲) ((فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ)) يوسف / ۳۱.

۳- (۳) بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸.

گفتگوی دختر و پسر قبل از ازدواج چه حکمی دارد؟

* پاسخ

بعد از نگاه، گفتگوی پسر با دختر از مهم ترین نمودهای ارتباطی آن ها به شمار می رود. حال باید دید این مسأله از دیدگاه قرآن چه حکمی دارد؟ آیا دختر و پسر می توانند با یکدیگر به گفتگو بنشینند؟ با یکدیگر بحث علمی داشته باشند یا خیر؟

بررسی این مهم پژوهش گسترده ای را می طلبد، ولی به اجمال باید گفت: قرآن کریم به این مسأله اشاره دارد و صدور جواز اصل گفت و شنود همراه با شرایط آن را بیان کرده؛ می فرماید: (فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا)؛ «پس به نرمی (و ناز) سخن مگویید، تا کسی که در دلش (نوعی) بیماری است طمع ورزد؛ و سخنی پسندیده بگویید.» (۱) مفهوم این کلام الهی این است که زن و مرد و دختر و پسر می توانند با یکدیگر صحبت کنند، ولی با دو شرط:

۱. محتوای سخن

در این زمینه می فرماید: (قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا) سخن شایسته باید گفت، نه این که سخنان مهیج و تحریک کننده مانند عزیزم، جانم، فدات شوم، دوست دارم و... به یکدیگر بگویند.

۲. کیفیت سخن

سخن گفتن زن با مرد و دختر با پسر نباید با ناز و عشوه باشد، بلکه باید به فرموده قرآن (لا تخضعن) یعنی با نرمی و خضوع (نازکی) در گفتار

ص: ۲۲۱

همراه نباشد؛ زیرا این گونه سخن گفتن باعث تحریک انسان می شود؛ از این رو قرآن این تدبیر را برای سالم سازی جامعه اتخاذ کرد و فرمود: (فَيُطَمَعُ اللَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ)؛ بیمار دلان با این سخنان طمع پیدا می کنند.

سخنان کذایی با شیوه ای تحریک آمیز، در وهله اول دل های بیمار و آنان که جنون جنسی دارند را به هوس می اندازد و باعث شعله ور شدن غریزه شهوتش در آن ها می شود و در وهله دوم، امنیت خود دختر و زن را به مخاطره می اندازد و شکی نیست که هم بهداشت روانی افراد باید حفظ شود و هم امنیت جانی و روانی آنان.

در نتیجه دختر و پسر و زن و مرد درباره مباحث علمی، پاسخ گویی به پرسش ها و مانند این ها، با همکار، همکلاس، استاد و... به شرط آن که قصد لذت بردن در کار نباشد و ایمن از آلوده شدن به گناه باشند، سخن می گویند. آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی - از فقهای بزرگ - می نویسد: شنیدن صدای زن در صورتی که تلذذ و ریبه نباشد، جایز است (۱).

ص: ۲۲۲

دست دادن دختر و پسر چه حکمی دارد؟

* پاسخ

در قرآن کریم به این مسأله اشاره نشده است و شاید به دلیل روشن بودن آن باشد؛ زیرا وقتی مسأله نگاه و گفتگو بیان شد، دیگر نیازی به طرح این مسأله نیست. از سوی دیگر، بر خلاف دو مورد پیشین که در روئے مسلمانان نمونه هایی دارد، برای این مورد در سیره عملی مسلمانان نمونه ای به چشم نمی خورد، و حتی در بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله نیز زنان به آن حضرت دست ندادند، بلکه ظرف آبی واسطه دست پیامبر صلی الله علیه و آله و زنان بیعت کننده بود(۱).

آری در روایات به این مطلب اشاره شده و امامان معصوم علیهم السلام در پاسخ به پرسش اصحابشان، جواز مصافحه (دست دادن) زن و مرد از زیر پوشش را صادر کرده اند. سماعه می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره دست دادن مرد و زن سؤال کردم، آن حضرت فرمود:

«لا- یحل للرجل ان یمصح المرأه الا امرأه یحرم علیه ان یتزوَّجها، اخت او ابنه او عمها و خاله او بنت اخت و نحوها و اما المرأه التي یحل له ان یتزوَّجها، فلا یمصحها الا من وراء الثوب و لا یغمزها، برای مرد روا نیست که با زنان مصافحه کند، مگر زنانی که ازدواج با آنان حرام است (محرّم ها)؛ مانند خواهر، دختر، عمه، خاله، دختر خواهر و امثال این ها، و اما زنی که محرم نیست، تنها با استفاده از پوشش می تواند مصافحه کند، ولی نباید دستش را بفشارد. روایت دیگری نیز به این مضمون وجود دارد»(۲).

ص: ۲۲۳

۱- ((۱)) ر. ک، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۱.

۲- ((۲)) همان.

صاحب جواهر الکلام - از فقهای نامدار شیعه - می نویسد: مانعی ندارد که زن با مرد اجنبی و برعکس از زیر پوشش مصافحه کند، به شرط آن که التذاذ و ریبه در کار نباشد(۱).

ص: ۲۲۴

۱- (۱) ر. ک، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۹۹.

حضور دختران در اجتماع تا چه اندازه جایز است؟

* پاسخ

از جمله مسائل مهم مطرح در روابط پسر و دختر، حضور دختران در جمع جوانان و مردان است. قرآن به این حقیقت نیز اشاره دارد و با پذیرش اصل مسأله، برای آن شرایطی مقرر می کند و می فرماید: زن مسلمان نباید به هنگام راه رفتن آن چنان پاهای خود را بر زمین بکوبد که زینت های پنهانش نمایان شود: (وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ) ۱.

به خوبی ملاحظه می شود که کلام وحی نمی گوید زن در اجتماع ظاهر نشود، بلکه می فرماید به طور معمولی و عادی باشد، تا زیبایی ها و زینت های پنهانشان آشکار نشود و موجب پیامدهای سوئی نگردد؛ چنان که در جای دیگر می فرماید: (وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى) ، و همانند خود آرایی (دوران) جاهلیت نخستین، (بازیورها) خود نمایی نکنید (۱).

«تبرج» یعنی نمایاندن زیبایی ها و انگشت نما شدن (۲). در زمان جاهلیت زنان با وضع بسیار زشت و زننده در برابر مردان آشکار می شدند که قرآن کریم این شیوه را شایسته زن مسلمان نمی داند.

ص: ۲۲۵

۱- (۲) احزاب / ۳۳.

۲- (۳) ر. ک، مفردات راغب اصفهانی، ماده تبرج.

مواردی که در نگاه دختر و پسر استثنا شده کدام است؟

* پاسخ

قرآن کریم با ترسیم اصل ثانوی، نگاه کردن زن و مرد به یکدیگر را از مطلق نگاه کردن استثنا کرده و فرموده است به هرچه در دیدرس تو قرار دارد، می توانی نگاه کنی، ولی در نگاه کردن به انسان ها «غَضَّ بَصْرًا» لازم است، در گفتگو و مصافحه با آنان نیز محدودیتی مقرر کرده است؛ اما برای این اصل نیز استثناهایی قرار داده است که در این بخش از نوشتار، به بررسی آن ها می پردازیم.

البته پیش از بیان موارد استثنا یادآوری چند نکته ضروری است:

- هر شخص مقلد می باید جهت تعیین تکلیف در این گونه مسائل به مرجع تقلید خود مراجعه کند؛ زیرا این مسائل نیاز به کارشناسی فقهی بیشتری دارد.

- همه موارد استثنا به جز یکی دو مورد مشروط به این است که نگاه کردن از روی التذاذ و ریه نباشد.

- این استثناها تنها در حکم تکلیفی است نه حکم وضعی؛ بدین معنا که اگر فرض شود در حوزه تکلیف، کسی که به دیدگاه متعادل تری رسید، و نگاه به برخی انسان ها و یا مواضعی را از دایره منع بیرون کرد، نمی تواند آثار وضعی، تصورات و خطورات رسیده به ذهن را حتی برای یک لحظه از بین ببرد، مگر با توصیه های اخلاقی که آن هم باید در متون دینی یافت.

به هر صورت، مواردی از اصل منع از نگاه استثنا شده که عبارت اند از:

۱. زنان غیر مسلمان

تعبیر به «لِلْمُؤْمِنِينَ» و «لِلْمُؤْمِنَاتِ» (نور / ۳۱ و ۳۰) بیانگر این است که منع نگاه در راستای کرامت انسان و ایمان او است؛ از این رو، نگاه به زنان

ص: ۲۲۶

غیرمسلمان به شرط آن که همراه با التذاذ و ریبه نباشد، اشکالی ندارد؛ چنان که طبق روایتی، امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«لابأس بالنظر الی رؤس اهل الذمه؛ مانعی نیست که به سر زنان اهل ذمه [زنان یهودی و نصرانی...] نگاه کنند.» (۱) و در روایت دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

«لا- حرمه لנסاء اهل الذمه ان ینظر الی شعورهن و ایدیهن، زنان اهل ذمه حرمتی ندارند و می توان به موهایشان و دستانشان نگاه کرد» (۲).

باید توجه داشت که روا بودن نگاه به زنان کافر جایزه کفرشان نیست، بلکه به دلیل نبودن ایمان در آنان، احترام برخاسته از ایمان نیز از آنان نفی شده است؛ یعنی زن مسلمان و مؤمن، کالای در معرض نمایش نیست و زیبایی و زینتش منحصر به خودش و همسرش می باشد.

۲. زینت آشکار

قرآن به این استثنا تصریح کرده و می فرماید: «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا؛ مگر آنچه آشکار است.» از این تعبیر معلوم می شود که زینت بر دو نوع است آشکار و نهان؛ حال باید دید زینت آشکار و نهان چیست؟

در اصل معنای زینت در جمله «زینتهن» دو دیدگاه عمده وجود دارد:

نخست این که بعضی مفسران می گویند منظور از زینت، جای زینت در بدن است و زینت ظاهر عبارت است از چهره و دو دست و زینت نهان دیگر مواضع بدن است (۳).

در دیدگاه دوم، برخی دیگر از مفسران زینت را به همان زیور و وسیله آراستن تفسیر کرده اند و اموری چون لباس، سرمه، خضاب، انگشتر و حلقه را در ردیف زینت های آشکار دانسته، و مواردی چون گوشواره، خلخال

ص: ۲۲۷

۱- (۱) ر. ک، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۹.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۰۹.

(پای برتجن)، دستبند، بازوبند و گردنبند را جزء زیورهای پنهان می دانند(۱). در روایات نیز دو تفسیر وارد شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

«الزينة ظاهرة الكحل والخاتم؛ زينت ظاهر عبارت است از سرمه و انگشتر.» و نیز فرمودند:

«الخاتم والمسکه زينت آشکار انگشتر و دست بند است(۲). و امام باقر علیه السلام در روایتی دیگر فرمود:

«هي الثياب والكحل والخاتم وخضاب الكف والسوار، الزينه ثلاث: زينه للناس وزينه للمحرم وزينه للزوج، فاما زينه الناس فقد ذكرناها، واما زينه المحرم فموضع القلايده فما فثقها والدملج وما دونه والخلخال وما اسفل منه واما زينه الزوج فالجسد كله؛ منظور از زينت ظاهر، جامه، سرمه، انگشتر و خضاب دست ها و النگو است. زينت بر سه نوع است: یکی برای همه و آن همین است که گفتیم؛ دوم، برای محرم ها و آن جای گردنبند و بالاتر و جای بازوبند و پایین تر است و سوم، زينت ویژه شوهر و آن تمام بدن است.(۳)»

طبق دو روایت اول و بخش نخست روایت سوم زينت به همان وسیله آراستن معنا شده است، ولی در ادامه روایت سوم که زينت محارم و زينت شوهر را بیان می کند، زينت به جا و محل زیور و زينت تفسیر شده است، و در روایت دیگری امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که پرسید مرد نامحرم چه مقدار می تواند به زن نگاه کند؟ می فرماید:

«الوجه والكفان والقدمان»، چهره و دو دست و پشت دو پا(۴). این دو تفسیر با هم ناسازگاری ندارند؛ زیرا نمایش زينت به تنهایی معنا ندارد؛ چرا که زیور و زينت همواره با موضعی از بدن همراه است و معنا ندارد که بگوییم زينت روی لباس مقصود است و

ص: ۲۲۸

۱- (۱) ر. ک: مجمع البيان، ج ۳، ص ۱۳۸، تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۲۳۰.

۲- (۲) وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۱۰۹.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۱۰۹.

اگر به فرض بین این دو تفسیر ناسازگاری باشد، می توان به این صورت میان آن ها جمع کرد که زینت ها و زیبایی های آشکار و موضع آن؛ هر دو با هم مراد است؛ بدین معنا که مواضع آشکار از جمله چهره، دو دست و پشت دو پا با زینت های مخصوصشان خواه طبیعی باشد یا مصنوعی، از محدوده منع نگاه استثنا شده است، ولی دیگر مواضع خواه آراسته باشد یا نباشد، نگاه بدان ممنوع است، و چنانچه زیورهایی باشد که زنان با آویزان نمودن آن ها به لباس، خود را می آرایند، از دائرة جواز بیرون است.

۳. محرم ها

ممکن است مردانی پیدا شوند که با سرپیچی از دستور نخست (غَضَّ نَظْرًا) قصد نگاه هوس آلود به زنان را داشته باشند؛ از این رو با طرح مسئله حجاب می فرماید: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ؛ و باید روسری هایشان را بر گریبان هایشان (فرو) اندازند، و زیورشان را آشکار ننمایند.» (۱) این بدان معناست که زن با پوشش خویش، از دیدرس مردان دور بماند، لیکن بلافاصله به بیان استثنای آن می پردازد و می فرماید: «إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ إِخْوَانِهِنَّ...»؛ جز برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان.» (۲) بنابراین، زن می تواند مطلق زینت، خواه ظاهر یا پنهان را برای گروه یاد شده آشکار نماید و با توجه به سوره نساء که حکم زنان محرم را بیان کرده و می فرماید: (حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ...۳) عمو، دایی و نیز پدر و برادر رضاعی به صف مردان محرم و

ص: ۲۲۹

۱- (۱) نور / ۳۱.

۲- (۲) همان.

عمه، خاله و نیز مادر و خواهر رضاعی را به جمع زنان محرم اضافه می‌شوند. بر این اساس، نگاه به افراد محرم و گفتگو با آنان اشکالی ندارد، خواه در خانه و خیابان باشد، یا در اداره و دانشگاه به شرط آن که همراه با ریه و التذاذ نباشد.

۴. افراد فاقد از شهوت

استثنای دیگر بر دامنه منع نگاه و گفتگو این است که زن می‌تواند زینت و زیور خود را در برابر کسانی که فاقد نیروی شهوت و میل جنسی هستند آشکار کند: «أَوِ التَّيَابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْبَارِئَةِ مِنَ الرَّجَالِ» «اربه» هم به معنای حاجت است و هم به معنای عقل (۱)؛ بنا بر معنای اول مقصود کسانی اند که نیازی به زن ندارند؛ مانند مردان پیر. زنان سالخورده نیز به همین نحو مستثنا شده‌اند: «وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا»؛ و بازنشستگان از زنان که امید به ازدواج ندارند. (۲) و بنا بر معنای دوم افرادی (هرچند جوان) هستند که هیچ احساس جنسی ندارند و بعید نیست که افراد خصی و خنثی نیز در این استثنا قرار بگیرند.

۵. کودکان

گروه دیگری که از این حکم مستثنا شده‌اند، کودکان اند: «أَوِ الطُّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ»؛ یا کودکانی که بر امور جنسی زنان آگاه نشده‌اند. «تعبیر به «لَمْ يَظْهَرُوا» ممکن است به معنای «لم يطلعوا» باشد؛ یعنی آگاهی ندارند و امکان دارد به معنای «لم يقدروا» باشد؛ یعنی توانایی ندارند که بنا بر معنای اول، مقصود کودکان غیر ممیز و بنا بر معنای دوم کودکان نابالغ هستند و در هر دو صورت، به معنای عدم احساس جنسی است و در نهایت، از حکم منع روابط مستثنا می‌باشند.

ص: ۲۳۰

۱- (۱) مقایس اللغة، مادة ارب.

۲- (۲) نور / ۶۰.

از جمله کسانی که در روابط اجتماعی، از دایره منع مستثنا شده اند، زنان هستند: «أَوْ نِسَائِهِنَّ»؛ جالب است بدانیم که معنای این سخن روا بودن نگاه مردان به زنان یا برعکس نیست، بلکه به این معناست که زن می تواند زینتش را برای زن مسلمان آشکار کند، و مفهومی این است که زن مسلمان نباید مواضع زینتی خود را برای زن نامسلمانی نمایان کند؛ زیرا ممکن است زنان کافر اگر بر زینت زن مسلمان و زیبایی های او آگاه شوند، به مردان خود منتقل کنند و به این ترتیب زمینه نا امنی برای زن مسلمان فراهم شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

«لا ینبغی للمرأة ان تنکشف بین الیهودیه والنصرانیه فانهن یصفن ذلک لازواجهن؛ روا نیست که زن [مسلمان] در میان زنان یهودی و نصرانی برهنه و مکشوف باشد؛ زیرا آن ها برای شوهرانشان خواهند گفت.» (۱)

نتیجه گیری

نتیجه ای که این دسته از آیات قرآن به دست می دهد، این است که زن و مرد مسلمان حق دارند با یکدیگر روابط اجتماعی داشته باشند به شرط آن که رعایت محدوده نگاه، محتوای سخن، چگونگی ادای آن و... را بنمایند، ولی مرد حق ندارد به بدن، مو، زیبایی ها و زینت های نهان زنان مؤمن نگاه کند و یا آن را لمس نماید و زن نیز حق ندارد با آنان گفتگو هیجان برانگیز داشته باشد، و یا با شیوه تحریک آمیز سخن بگوید؛ همچنان که نباید خود را در معرض چنین برنامه هایی قرار دهد.

خواستگاری امری طبیعی

از آن جا که پیش از ازدواج هیچ گونه رابطه و علاقه ای بین دختر و پسر، یا زن و مرد وجود ندارد و دختر هر چند از خویشاوندان پسر باشد، از جهت

ص: ۲۳۱

لذات سمعی و بصری و زناشویی بیگانه و اجنبی به شمار می رود، این سؤال به ذهن می رسد که اصلاً چرا پسر به سراغ دختر می رود و از وی خواستگاری می کند و چگونه این پسر با شخصی نامحرم درباره همسری با وی گفتگو می کند؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: خواستگاری به حکم طبیعت و فطرت انسانی و نظام آفرینش از سوی مرد صورت می گیرد و این یکی از عوامل حفظ حیثیت و احترام زن می باشد، و به قول شهید مطهری آفریننده انسان، طبیعت مرد را مظهر طلب و عشق آفرید و زن را مظهر مطلوب و معشوق بودن؛ طبیعت زن را گل، و طبیعت مرد را بسان بلبل، زن را شمع و مرد را پروانه او قرار داد. یکی از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت این است که، در غریزه مرد، طلب و در غریزه زن، جلوه قرار داده است؛^(۱) بنابراین، خواستار است و زن خواسته، گزینش از مرد است و پذیرش از زن؛ از این رو، قرآن نیز در هماهنگی با تکوین می فرماید: «وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنُتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ؛ وَ هِيَ كُنْهِيَ بِرِشْمَا نِيسْتِ كِهْ دَر مَوْرِدِ خَوَاسْتِگَارِي زَنَانِ (پس از مرگ همسرانشان) به طور سر بسته بدان سخن بگوئید، یا [آن را] در دلتان پوشیده دارید.»^(۲)

یاد آور می شویم که مرد با تقاضای خود گزینش می کند و زنان آن را می پذیرند و این هرگز به معنای خریدن زن به وسیله مرد نیست، بلکه به معنای خریداری زیبایی، هنر و جلوه گری زن است.

اما جواز شرعی و قانونی خواستگاری افزون بر دلالت این آیه از قرآن، در قوانین مدنی نیز بدان تصریح شده است؛ چنان که در ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی آمده است: «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد، می توان خواستگاری کرد.»^(۳)

ص: ۲۳۲

۱- ((۱)) نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۵.

۲- ((۲)) بقره / ۲۳۵.

۳- ((۳)) قانون مدنی، ماده ۱۰۳۴.

درباره این آیه فوق نکاتی وجود دارد که لازم است بررسی شود.

۱. معنای واژگان و مفهوم آیه

«حُطْبَه» بر وزن نُسخَه، به معنای سخنرانی کردن است و «حِطْبَه» بر وزن سِرْکَه، اسم مصدر از اختطاب و به معنای خواستگاری کردن برای ازدواج است. تعریض در مقابل تصریح و رک گویی است؛ یعنی به گونه ای سخن بگویند که مقصودش را برساند و در عین حال نام نبرد؛ برای مثال، به جای این که بگویند اگر با من ازدواج کنی سعادت‌مند می شوی، بگویند من خیلی خوش اخلاق و زن دوست هستم. «اِکْنان» بر وزن انسان به معنای پنهان کردن است؛ «لَوْلُو مَکْنون» یعنی مروارید که در صدف پنهان است.

مفهوم آیه این است که شما می توانید از زنان خواستگاری کنید، لیکن می باید از رک گویی پرهیز نمایید؛ یعنی صورت تعریض و غیر صریح گفته شود، و نیز بر شما گناهی نیست که در دل تصمیم داشته باشید تا با زنی ازدواج کنید.

۲. امکان خواستگاری از زنان

زنان در رابطه با خواستگاری چند گروه هستند:

گروه اول: زنان بی همسری هستند که هیچ مانعی از ازدواج با آن‌ها نیست، و تنها با توافق طرفین و اولیای آن‌ها ازدواج صورت می گیرد؛ مانند دختران و نیز زنانی که در عده وفات نیستند. خواستگاری از این دسته چه به صورت تصریح و یا تعریض اشکالی ندارد.

گروه دوم: زنان شوهردار و عده داری هستند که به هیچ وجه نباید از آن‌ها خواستگاری کرد؛ زیرا این امر باعث تشویش و لرزش کانون خانواده و یا عامل سرعت در جدایی آنان است.

گروه سوم: زنانی هستند که نکاحشان فسخ شده و یا طلاق بائن گرفته اند. خواستگاری از آن ها توسط شوهر به تصریح و یا تعریض و از سوی دیگران به تعریض جایز است.

گروه چهارم: زنانی هستند که در عده وفات به سر می برند که آیه نیز ناظر به آن هاست. خواستگاری از این گروه به صورت رک و صریح با مشکل روبه رو است و می باید با تعریض و کنایه انجام پذیرد و راز آن نیز رعایت حریم شوهر سابق از یک سو و نیاز طبیعی زن به همسر از سوی دیگر است.

۳. فراگیر بودن حکم آیه

آیه شریفه درباره زنانی است که همسرشان از دنیا رفته و در عده به سر می برند، ولی شمول تعبیر «خِطْبَةُ النِّسَاءِ» از یک سو و نبودن مانع در دختران و زنان بی عده از سوی دیگر، و با اولویت در مسأله می توان به جواز اصل خواستگاری و احکام مرتبط بر آن نسبت به همه زنانی که خالی از مانع هستند، حکم کرد؛ در نتیجه به جاست دختر و پسری که قصد ازدواج با یکدیگر را دارند، برای پرهیز از تهمت و افترا و دیگر پیامدها، پیش از جلب موافقت اولیا و به تعبیر قرآن، «الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ»؛ یا کسی که پیوند ازدواج به دست اوست»^(۱) از گفتگوی مستقیم خودداری کنند و آن را به فرد میانجی گر واگذار نمایند، تا با اولیا به ویژه از ناحیه دختر گفتگو شود. همچنین به هنگام خواستگاری با تعریض و کنایه سخن گفته شود تا اثر بدی به دنبال نداشته باشد.

۴. خواستگاری از نامزد دیگران

در این که آیا می شود از زنی که از او خواستگاری شده و موافقت کرده است، خواستگاری کرد یا خیر، نظریاتی وجود دارد. علمای اهل

ص: ۲۳۴

سنت به حرمت فتوا داده اند، و برخی علمای شیعه مثل شهید اول و شیخ طوسی نیز با آن ها موافق هستند^(۱)، دلیل این گروه روایتی است که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله در این روایت می فرماید:

«لا یخطب احدکم علی خطبه اخیه؛ نباید کسی از شما نامزد دیگری را خواستگاری نماید.»^(۲) اما دیگران با دیده تردید بدان نگرسته و یا فتوا به کراهت داده اند.

۵. پرهیز از خواستگاری پنهانی

این نکته ای است که قرآن بدان اشاره کرده است: «(لا تُوعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا)؛ و لیکن پنهانی با آنها قرار [زناشویی] نگذارید، مگر آنکه (به کنایه) سخن پسندیده ای بگویید.»^(۳)

از آن جا که در صدر آیه از خواستگاری صریح منع شده، و تنها آن را به صورت تعریض مجاز دانسته است، امکان دارد برخی تصور کنند که در پنهانی اشکال ندارد که به صراحت سخن بگویند از این رو، در ادامه آیه می فرماید: در پنهان نیز نباید خواستگاری کرده و وعده ازدواج بگذارید، مگر این که سخنی پسندیده (قَوْلًا مَعْرُوفًا) و توأم با ادب اجتماعی باشد.

این آیه شریفه حکم زنی را که شوهرش از دنیا رفته و هنوز در عده وفات است، بیان می کند، ولی با شمولی که در تعبیر «حِطْبَةُ النِّسَاءِ» از یک سو و اهمی که نسبت به امور دختران از سوی دیگر وجود دارد، می توان به فراگیر بودن حکم در آیه دست یافت.

نمادهای روابط در خواستگاری

به این نکته باید توجه داشته که در مسأله خواستگاری دو نماد از نمادهای روابط میان پسر و دختر قابل استنباط است، یکی نگاه و دیگری گفتگو.

ص: ۲۳۵

۱- (۱) شرح لمعه، ج ۵، ص ۲۴۱؛ جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۲۴.

۲- (۲) جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۲۴.

۳- (۳) بقره / ۲۳۵.

نظر به آنچه گفته شد، نگاه کردن زن و مرد بیگانه به یکدیگر طبق اصول ثانوی حرام است. جوانی هم که می خواهد ازدواج کند، تا عقد درست شرعی اجرا نشود، روا نیست که به زن نامحرم نگاه کند؛ اما در خصوص خواستگاری، در مورد نگاه به زن مورد نظر خود، به جواز فتوا داده اند و از آیات قرآن نیز می توان به این جواز دست یافت.

در قرآن کریم تنها از یک آیه می توان بر این مسأله استدلال کرد، آن جا که می فرماید: «لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءَ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ» ۱؛ بعد از (این همسران، ازدواج با) زنان و اینکه همسران (دیگری) جایگزین آنان کنی، بر تو حلال نیست؛ هر چند نیکویی آنان تو را به شگفت آورد.» از این که فرمود: «وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ» معلوم می شود که پیامبر چون قصد ازدواج با زنان دیگر را داشته، می توانسته به آن ها نگاه کند و از این که خداوند سبحان، پیامبر صلی الله علیه و آله را تنها از ازدواج بعدی و تبدیل ازواج نهی کرده، نه از نگاه کردن به آن ها، روشن می شود که نگاه پیامبر اشکالی نداشته است، و نیز بدیهی است که نگاه اعجاب برانگیز نمی تواند لحظه ای باشد؛ زیرا تفسیر کردن نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله به نظرهای تصادفی سخن درستی نیست.

مرز نگاه در خواستگاری

در روا بودن نگاه مرد به زن، هنگامی که قصد جدی برای ازدواج دارد، تردیدی نیست، ولی در این که تا چه اندازه و تا کجا می تواند نگاه کند و اینکه آیا مرزی وجود دارد یا خیر، بررسی گسترده می طلبد که از حوصله این نوشتار بیرون است؛ اما به اجمال می توان گفت: از مجموع روایات و فتوای فقها

به دست می آید زمانی که مرد تصمیم قطعی بر ازدواج گرفت، حق دارد به صورت، دست، موی، بدن و زیبایی های زن مورد نظر خود، در حال ایستاده، در حال راه رفتن، روبه رو، یا پشت سر او نگاه کند، به شرط آن که:

۱. امکان فعلی ازدواج با زن باشد، نه این که زن شوهردار و یا عده دار باشد که برای ازدواج با وی مانع وجود دارد.

۲. احتمال توافق باشد؛ بدین معنا که اگر مرد به طور قطع بداند که به خواستگاری وی پاسخ مثبت نمی دهند، نمی تواند نگاه کند.

۳. زن معین شده باشد، نه این که به همه دختران و زنان نگاه کند تا ببیند کدام یک از آن ها بیشتر مورد پسند او است.

۴. به قصد لذت بردن نباشد و تنها برای فزونی بینش و بصیرت باشد؛ آری، اگر با این انگیزه به خواسته خود نگریست و در بین نگاه التذاذی حاصل شد مانعی ندارد؛ زیرا که شارع با علم به این امر، نگاه خواستار را روا دانسته است.

بیشتر فقها نیز متعرض این مسأله شده اند، ولی به این نکته اشارت نکرده اند که آیا زن نیز می تواند به خواستگار خود نگاه کند یا خیر؟ تنها علامه حلی با تعبیر «و بالعکس» به این مسأله اشاره کرده است.

این مسأله نیاز به بررسی تفصیلی دارد، ولی به اجمال می توان گفت: وقتی برای دختر حق انتخاب همسر و دست کم در میان خواستگاران وجود دارد، رواست که به خواستار خود با رعایت شرایط نگاه کند.

ب) گفتگوی خواستار با خواسته خود

گفتگو در حقیقت سومین مرحله از مراحل آشنایی پسر با دختری است که قصد ازدواج با وی را دارد که اگر به شیوه درست صورت بگیرد، می تواند در استحکام کانون زندگی آینده نقش به سزایی داشته باشد؛ بدین معنا که اولاً: با هماهنگی اولیا باشد، ثانیاً: تا آن جا که امکان دارد در حضور

آن‌ها باشد و ثالثاً: رعایت موازین شرعی بشود، برای این که اگر ازدواج صورت نگرفت، پیامدهای اجتماعی ناگوار به دنبال نداشته باشد.

به هر صورت، در این گفتگو می‌توان با توجه به مرحله مورد نظر اهداف زیر را تعقیب کرد:

۱. آگاهی از وضعیت ظاهری و قیافه؛

۲. اطمینان پیدا کردن به تحقیقات میدانی؛

۳. آشنایی با خصوصیات ناگفته و ویژگی‌های ناپیدا؛

۴. شناخت دیدگاه‌های اخلاقی، عقیدتی خانواده دو طرف؛

۵. آشنایی با مهارت‌ها و مراتب علمی یکدیگر؛

۶. آشنایی با آداب و رسوم یکدیگر؛

۷. زمینه‌سازی برای انجام تشریفات و مراسم ازدواج.

دوست‌گزینی از جنس مخالف

شاید برای بسیاری از افراد به ویژه جوانان این پرسش مطرح باشد که آیا پسر و دختر می‌توانند پیش از ازدواج با جنس مخالف به بهانه‌ی این که شاید در آینده همسر او شود، طرح دوستی بریزند یا خیر؟

پاسخ این است که قرآن در دو جا به طور سر بسته به این مسأله اشاره کرده است؛ یک جا می‌فرماید... (وَلَا تُتَّخَذِ الْاُخْدَانِ) ۱ و در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَا تُتَّخَذَاتِ الْاُخْدَانِ» ۲ «خدن» بر وزن سدر، به معنای دوستی پنهان است (۱). در آیه اول به مردان سفارش می‌کند که پنهانی با زنان و دختران اهل کتاب دوست نشوند، و در آیه دوم از دوستی پنهانی زنان (کنیزان) با مردان نکوهش می‌کند.

ص: ۲۳۸

این دو آیه اگرچه درباره ازدواج با اهل کتاب و کنیزان است، و واژه «خدن» در کنار سفاح (زنای آشکار) و در مقابل احسان (عفت) قرار دارد و به معنای زنای پنهانی است، ولی عمل زنا در پنهانی چیزی نیست که بشود بدون دوستی محکم و مطمئن صورت گیرد؛ از این رو، از آن دوستی که مایه چنین عملی است، استفاده می شود.

الگوی قرآن در روابط دختر و پسر

قرآن کریم با نقل داستان های پیامبران و امت های پیشین و تقریر آن، در حقیقت درستی عمل مثبت یا منفی بودن آن را تأیید کرده است؛ یعنی هر کجا داستانی را نقل نموده و نسبت بدان موضع گیری منفی نکرده، به معنای صدور تأیید و جواز عمل بدان است، و هر جا که پس از نقل داستان آن را مورد نقد قرار داده، به معنای رد آن و در حقیقت نهی از عمل به آن است. در خصوص روابط دختر و پسر می توان به داستان موسی علیه السلام و دختران شعیب اشاره کرد.

موسی علیه السلام و دختران شعیب

قرآن کریم در بیش از سی سوره، به نقل داستان موسی پرداخته و در هر مورد به یکی از زوایای زندگی این پیامبر بزرگ اشاره کرده است؛ از جمله داستان آشنایی موسی با شعیب پیامبر و دختران او در سوره قصص است. داستان از آن جا آغاز می شود که موسای جوان از مصر به مدین آمد و به کنار چاه آبی رسید. دید مردم مشغول سیراب کردن چهارپایان خود هستند و کمی آن طرف تر دو زن مراقب گوسفندان خویش اند و به چاه نزدیک نمی شوند: (وَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ) موسی از آن ها درباره علت آب ندادن گوسفندانشان پرسید: «ما خَطْبُكُما» چه کار می کنید؟ آن ها پاسخ دادند: (لا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَ أُنَبِّئُكَ كَبِيرًا) ما آن ها را آب نمی دهیم تا چوپان ها همگی از [آبگاه] خارج شوند. این جا بود که موسی به

همیاری آن‌ها شتافت و به آنان کمک نمود: «فَسَدِّقِي لَهُمَا»، موسی به گوسفندان آن‌ها آب داد، اما در کنار آن‌ها نماند و به گوشه ای رفت: «ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ»؛ سپس رو به سایه آورد و گفت: «رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ»؛ خدایا، هر خیر و نیکی برای من بفرستی به آن نیازمندم». و این در حالی بود که دختران راه خود را گرفته و به خانه رفتند.

دیری نپایید که یکی از دختران شعیب با نهایت حیا به سراغ موسی آمد: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ»، و پیام پدر را به وی رساند، و گفت: «إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا»؛ پدرم از تو دعوت می‌کند تا مزد سیراب کردن گوسفندان ما را به تو بپردازد.»

موسی در حالی که از جلو و دختر شعیب پشت سر راه می‌رفت، حرکت کرده تا به خانه شعیب رسیدند. موسی داستان گرفتاری خود در مصر و مسائل دیگر را با شعیب در میان گذارد. در این میان یکی از دختران پیشنهاد استخدام موسی را مطرح کرد: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ» و این برای این بود که آن دختر موسی را مردی قوی و امین یافته بود: «إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»؛ بهترین کسی که استخدام می‌کنی (شخص) نیرومند درستکار است.»

در نهایت شعیب پیشنهاد ازدواج موسی با یکی از دخترانش را به وی می‌دهد: «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُكْحِكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ»؛ من می‌خواهم که یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم (۱).»

نکات موجود در این داستان

۱. دختر تنها از خانه بیرون نرود: «امرأتین».

۲. مختلط نشدن دختران با جمعیت: «وجد من دونهم» و «لا نسقى حتى يصدر الرعاء».

ص: ۲۴۰

۳. سخن گفتن موسی با دختران: «ما خطبکما».

۴. در کار کردن، اولویت با مردان است: «ابونا شیخ کبیر».

۵. همکاری موسی با دختران: «فسقی لهما» که ظاهراً به صورت تعاون بوده است نه معاونت.

۶. پرهیز از تداوم ارتباط: «ثم تولى الى الظل».

۷. رعایت شرم و حیا: «تمشی علی استحياء».

۸. ارتباط با اذن پدر: «ان ابی یدعوك».

۹. پیشنهاد رفاقت و اجرت: «یا ابت استأجره».

۱۰. ارتباط وسیله شناخت: «القوی الامین»؛ زیرا دختران شعیب یافته های خود را به پدر منتقل کرده بودند و او را آن گونه که شناخته بودند معرفی نمودند.

تردیدی نیست که مواردی از این امور ده گانه می تواند نشانه جواز رابطه گفت و شنودی و نگاه میان دختران و پسران باشد، ولی با رعایت آنچه گذشت؛ در ضمن پسران نیز می توانند به دختران کمک کنند، ولی هنگامی که کار به پایان رسید، نباید به بهانه های واهی با یکدیگر به اختلاط بپردازند، بلکه باید از هم فاصله بگیرند.

اصل ثانوی

با آنچه از آغاز تا انجام گفته شد، به این نتیجه می رسیم که اصول اولیه در روابط زن و مرد و به اصطلاح دموکراسی جنسی و کام یابی آزادانه مردان از زنان و معاشرت های لذت بخش سمعی و بصری مورد تأیید اسلام نیست و به این اصول تبصره ها و استثناهایی وارد شده است، تا آن جا که در رابطه با انسان اصل را به روا نبودن نگاه و گفت و شنود گذاشته و لمس و بوسیدن را جز برای محارم جایز نمی شمارد، و میان دختر و پسر حریمی به ضخامت حجاب و صلابت عفاف قرار داده است.

ص: ۲۴۱

چرا در جامعه ما مرد به خواستگاری زن می رود؟

* پاسخ

خواستگاری در لغت به معنای «درخواست ازدواج کردن از دختر یا زن»^(۱) است و در اصطلاح فقهی به آن «خطبه» اطلاق می شود و آن عبارت است از درخواست مرد از زن برای ازدواج که قبل از مراسم عقد و اجرای صیغه ازدواج صورت می گیرد.

زن در فرهنگ ایران - جامعه ما - گوهری گران بها و ارزشمند مورد خواست مرد بوده و از قدیم الأیام رسم بر این بوده است که مردان به عنوان خواستگار نزد زنان یا خانواده آن ها می رفتند و تقاضای همسری می کردند. این رسم ضمن سازگاری با روحیه لطیف زنان، با حیای اجتماعی نیز به طور کامل سازگار است و از جمله عوامل حفظ حیثیت و حرمت زن شمرده می شود؛ البته خواستگاری در میان هر قوم و ملتی آداب و سنن خاصی دارد که عرف عامه مردم، آن را ترسیم می کند و اوضاع و شرایط زمان و مکان آن را تغییر می دهد.

این عمل از سوی اسلام مورد توجه قرار گرفته و در دستوره‌های ائمه اطهار علیهم السلام آداب و سنن خاصی برای آن شمرده شده است؛ از جمله این که از لحن روایات می توان استفاده کرد که خواستگاری از طرف مرد می باشد؛ برای نمونه، از امام صادق علیه السلام روایت شده است به شخصی که قصد ازدواج داشت، فرمود: «دقت کن خودت را کجا قرار می دهی و چه کسی را شریک اموال خودت می کنی و بر دین و اسرار خود آگاه

ص: ۲۴۲

۱- (۱) فرهنگ بزرگ سخن، حسن انوری، ج ۴، ص ۲۸۵۳.

می گردانی»؛^(۱) «زن چون گردنبند است، بنگر که چه به گردن می آویزی.»^(۲)

البته در آیات قرآن خواستگاری حضرت شعیب از موسی علیه السلام برای یکی از دخترانش مطرح شده است^(۳) که خواستگاری خانواده عروس از داماد است.

حکمت ها و اسرار خواستگاری مرد از زن

۱. خداوند طبیعت مرد را مظهر طلب، عشق و تقاضا، و زن را مظهر مطلوب بودن و معشوق بودن آفریده است. طبیعت زن را گل و مرد را بلبل، زن را شمع و مرد را پروانه قرار داده است. از بزرگ ترین عوامل حفظ حیثیت و حرمت زن این است که مردان به خواستگاری زنان می روند.

این که زن به دنبال مرد برود خلاف حیثیت و حرمت زن است. برای مرد قابل تحمل است که از زنی خواستگاری کند و جواب رد بشنود و از زن دیگری خواستگاری کند، ولی برای زن که می خواهد محبوب و معشوق و مورد ستایش باشد و بر قلب مرد بلکه بر سراسر وجودش حکومت کند، قابل تحمل نیست که مردی را به همسری خود دعوت کند و احیاناً جواب رد بشنود.

۲. خواستگاری جنس مذکر از مونث شیوه ای طبیعی است که این اختصاص به جنس بشر ندارد بلکه حیوانات نیز معمولاً همین گونه عمل می کنند. در نتیجه، اصل طبیعی و غریزی در خواستگاری این است که طلب از سوی مرد اعلام شود و پذیرش و رضایت از سوی زن باشد.

۳. عرف و عادت در نوع خواستگاری و کیفیت آن تاثیر دارد و لازم است عرف هر منطقه رعایت شود تا افراد مورد تمسخر قرار نگیرند؛ برای

ص: ۲۴۳

۱- (۱) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴ و ۱۷.

۲- (۲) همان، ج ۱۴، ص ۱۴-۱۷.

۳- (۳) «إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُكَلِّمَكَ إِحْدَى ابْنَتَيْ هَاتَيْنِ»؛ (شعیب) گفت: «در حقیقت من می خواهم که یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم» (قصص / ۲۷)

مثال، در هند بسیار می شود که خواستگاری از ناحیه خانواده عروس صورت می گیرد. آن ها به سراغ خانواده داماد و انتخاب او می روند و حتی سعی می کنند با تعهد جهیزیه های سنگین دل آن ها را به دست آورند. در بسیاری از کشورهای غربی هر دو به خواستگاری یکدیگر می روند. دختر و پسر مشخصات خود را در بعضی از روزنامه ها عنوان کرده و آمادگی خود را برای ازدواج با همسری که دارای شرایط و مشخصاتی چنین و چنان باشد، اعلام می کند. (۱)

ص: ۲۴۴

۱- (۱) انتخاب همسر و ازدواج، سید مهدی شمس الدین، شفق، چاپ اول، قم، ۱۳۷۵، ص ۷۹.

معیار انتخاب همسر شایسته از نظر قرآن چیست؟

* پاسخ

آیات متعددی از قرآن کریم ویژگی های همسر شایسته را برمی شمارد که برخی از آن ها عبارت اند از:

۱. اسلام

قرآن کریم می فرماید: «عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَنَّ مَسْرُومَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا» ۱؛ امید است که اگر شما را طلاق دهد، پروردگارش همسرانی بهتر از شما برای او جایگزین کند، (زنانی) مسلمان، مومن فرمانبردار [فروتن]، توبه کار، پرستشگر، روزه دار، بیوه و دوشیزه.»

از این آیه شریفه به دست می آید که همسر مناسب برای زندگی، باید مسلمان باشد و شرایط مسلمانی را رعایت کند و قرآن کریم ازدواج با غیرمسلمان را برای پیروان خویش سفارش نمی کند.

۲. ایمان

ویژگی دیگری که در این آیه و آیات دیگری از قرآن مطرح شده، ایمان است؛ چنان که قرآن کریم می فرماید:

«... وَ لَأَمَّهُ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ... وَ لَعَبِيدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ» ۲... و مسلماً کنیز با ایمان، از زن (آزاد بت پرست) مشرک بهتر است؛ و اگر چه شما را به شگفت آورد.... و مسلماً برده با

ایمان، از مرد (آزاد بت پرست) مشرک، بهتر است؛ و اگر چه شما را به شگفت آورد.»

«ایمان» یعنی اعتقادی که در اعماق قلب انسان نفوذ کند.

می توان گفت: مهم ترین شرطی که قرآن کریم در آیات متعدد برای همسر مطرح می کند، ایمان و اعتقاد داشتن او است؛ زیرا ایمان و اعتقاد به خداوند و اسما و صفات او و باور قلبی به روز قیامت و حساب رسی دقیق آن، از آدمی انسانی متعهد می سازد؛ انسانی که شرایط یک همسر خوب را دارد و حقوق همسر خود را زیر پا نمی گذارد. در واقع ایمان واقعی، سبب و سرمنشأ همه خوبی ها است.

آری، نه مهریه های سنگین و نه الزامات دیگر هیچ کدام نمی تواند مانند «ایمان» و «اعتقاد» شخص را به زندگی و مسئولیت های آن پایبند کند.

بنابراین، اگر در فردی «ایمان قوی» یافتیم، می توانیم امیدوار باشیم که گزینه های دیگر را نیز دارد یا اگر ندارد، می تواند آسان تر به دست آورد.

۳. تواضع و فرمان برداری (قائتات)

براساس آیه فوق، تواضع و پرهیز از تکبر و خودخواهی و فرمان برداری یک ویژگی لازم برای همسر است. مادر خانواده اگر اهل فرمان برداری نباشد و خضوعی را که دین و وظیفه او خوانده، ابراز نکند، زندگی از مسیر طبیعی و فطری خود خارج می شود و مشکلات متعددی به بار می آورد؛ البته متواضع بودن زن به معنای ابراز عقیده و اظهار نظر نکردن او نیست؛ همچنین به این معنا نیست که همیشه حرف پدر خانواده باید حرف اول و آخر باشد، بلکه از مجموع آیات و روایاتی که در این زمینه وارد شده، چنین به دست می آید که مرد نقش مدیر خانواده را دارد که باید با اعمال مدیریت زندگی را اداره کرده و حقوق همه را رعایت کند، و زن نقش

مشاور و مدیر داخلی خانه را دارد و مدیر لایق کسی است که اگر دید یکی از اعضای خانواده، اگرچه فرزند کوچک خانواده باشد، حرف حقی را ابراز می کند، سخن او را ملاک عمل قرار دهد.

۴. اعتراف به خطا و جبران آن (تائبات)

منظور از توبه کار بودن این است که اگر اشتباهی انجام داد درصدد جبران برآید و با عذرخواهی و ابراز پشیمانی و عزم بر جبران آن، مشکلات به وجود آمده را برطرف سازد. که اگر بعد از انجام اشتباه، متکبرانه بر خطای خود اصرار کند و حاضر به عذرخواهی صادقانه نباشد، گام به گام به سست کردن ستون های زندگی خود نزدیک می شود.

۵. عبادت و بندگی خداوند (عبادات)

عبادت خداوند تأثیر بسزایی در تنظیم روحیه و افکار افراد دارد و باعث آرامش و بهداشت روان و لطافت روح شده و موجبات تقویت ایمان و صالح شدن اعمال آدمی را فراهم می کند؛ از این رو، قرآن یکی از شرایط همسر را اهل عبادت بودن می داند؛ چنان که در سوره عنکبوت می خوانیم:

«و نماز را برپادار [چرا] که نماز از [کارهای] زشت و ناپسند باز می دارد، و البته یاد خدا بزرگ تر است و خدا آنچه را با زیرکی انجام می دهید، می داند.» (۱)

بدین ترتیب نقش عبادت در سلامت زندگی معلوم می شود.

۶. سیر طریق اطاعت خدا و اهل معصیت نبودن (سائحات)

«سائحات» جمع (سائح) را بسیاری از مفسران به معنای «صائم» و روزه دار تفسیر کرده اند، ولی به طوری که «راغب» در «مفردات» می گوید روزه بر دو گونه است: «روزه حقیقی» که به معنای ترک غذا و آمیزش است، و «روزه حکمی» که به معنای نگهداری اعضای بدن از گناهان است،

ص: ۲۴۷

و منظور از روزه در این آیه، معنای دوم می باشد. این گفته «راغب» با توجه به مناسبت مقام جالب به نظر می رسد، ولی باید دانست که «سائح» را به معنای کسی که در طریق اطاعت خدا سیر می کند نیز تفسیر کرده اند (۱).

با توجه به مطالب فوق می توان نتیجه گرفت: کسی که اهل انجام محرمات الهی می باشد و حدود الهی را رعایت نمی کند، نمی تواند فرد مناسبی برای زندگی باشد؛ زیرا کسی که حقوق الهی را رعایت نمی کند و بی باکانه با خدا مخالفت می نماید، چگونه حقوق بنده او را رعایت خواهد کرد؟! (۲)

۷. عیب پوشی و تأمین نیازهای همسر:

قرآن کریم در سوره بقره آیه ۱۸۷ می فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»؛ آنان لباسی برای شما، و شما لباسی برای آنان هستید.

«لباس» از یکسو انسان را از سرما و گرما و از خطر برخورد اشیا با بدن حفظ می کند و از سوی دیگر، عیوب او را می پوشاند و افزون بر این دو، زینتی است برای تن آدمی، و این تشبیه در آیه به همه این نکات اشاره دارد؛ زیرا دو همسر شایسته که عیوب همدیگر را می پوشانند، وسیله راحتی و آرامش یکدیگرند و هر یک برای دیگری زینت می باشند و مهم تر این که یکدیگر را از انحراف های جنسی حفظ و این نیاز را نیز تأمین می کنند (۳).

تعبیری که در آیه درباره زن و شوهر آمده، کاملاً ارتباط معنوی مرد و زن و نزدیکی آن ها به یکدیگر و همچنین مساوات آن ها را در این زمینه

ص: ۲۴۸

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۸۰.

۲- (۲). قرآن روی باکره و غیرباکره بودن زن تکیه نکرده، و برای آن اهمیتی قائل نشده است؛ زیرا در مقابل اوصاف معنوی که ذکر شد، این مسئله اهمیت چندانی ندارد. برای آگاهی بیشتر از معنای این آیه ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۸۰.

۳- (۳) با توجه به تعبیر اول آیه (أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ) این مطلب به دست می آید. ر. ک: المیزان، ذیل آیه.

روشن می سازد؛ زیرا همان تعبیر که در مورد مردان آمده، درباره زنان نیز آمده است (۱).

۸. مهربانی

قرآن کریم در این باره می فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» ۲؛
و از نشانه های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان ها آرامش یابید و در بین شما دوستی و رحمت قرارداد؛ قطعاً در آن [ها] نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.»

چنان که آیه شریفه می فرماید، فلسفه ازدواج سکونت و آرامش جسمی و روحی می باشد و راز بقای آن مهربانی و مودت زن و شوهر است. حال که چنین است، پس باید یکی از شرایط اساسی همسر شایسته را اهل مودت و مهربانی بودن شمرد؛ چرا که اگر شخصی اهل عاطفه و ابراز آن نباشد، در زندگی آینده خود دچار مشکل خواهد شد و نمی تواند نیاز عاطفی همسر و فرزندان خود را تامین کند.

۹. صالح بودن (تعهد و مسئولیت پذیری)

خدای متعال می فرماید:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» ۳؛ و افراد بی همسران، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید؛ اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می سازد؛ و خدا گشایشگری داناست.»

ص: ۲۴۹

۱- (۱) تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۷۳۲.

از نظر قرآن صالح بودن برای ازدواج شرط است. صالحان چه کسانی هستند؟ در این رابطه در تفسیر المیزان چنین می خوانیم:
و مراد از «صالحین» صالح برای تزویج است، نه صالح در اعمال.

از این رو، باید کسانی را به عنوان همسر انتخاب نمود که به بلوغ فکری و اجتماعی و... که برای زندگی لازم می باشد، رسیده باشند و به عبارت بهتر، مسئولیت پذیر و توانایی ایفای نقش را داشته باشند.

۱۰. سنخیت و همتایی

قرآن کریم در سوره نور آیه ۲۶ می فرماید: «الْحَيِّثَاتُ لِلْحَيِّثِينَ وَالْحَيِّثُونَ لِلْحَيِّثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ؛ زنان پلید از آن مردان پلیدند، و مردان پلید از آن زنان پلیدند؛ و زنان پاک (نیکو)، از آن مردان پاک (نیکو) ند، و مردان پاک (نیکو) از آن زنان پاک (نیکو) ند! آنان از آنچه می گویند، بر کنارند؛ و برای آنان آموزش و روزی ارجمندی است.»

این آیه کریمه نیز به اصل مهم دیگر به نام «همانند بودن» اشاره می کند؛ مسأله اساسی که با نبود آن زندگی صحنه ناسازگاری ها و اختلافات خواهد شد. آری، اگر زن و شوهر از نظر فکری و ارزش های روحی با هم سنخیت نداشته باشند و هر کدام برای امری خاص اهمیت ویژه قائل باشند و نقاط اشتراک آن ها خیلی کم باشد، سرانجام این زندگی یا طلاق است و یا باید زندگی ناهمگون خود را به سختی ادامه داده و همدیگر را تحمل کنند و شاهد به فعلیت نرسیدن استعدادها و از بین رفتن فرصت ها باشند (که در چنین مواقعی وضعیت فرزندان نیز روشن است).

پس پاکان باید به دنبال امثال خود بوده و ناپاکان یا باید خود را پاک کرده و با پاکان وصلت کنند و از این رهگذر سعادت خود و فرزندان خود را رقم بزنند و یا با امثال خود ازدواج کنند(۱).

ص: ۲۵۰

در هنگام مخالفت پدر و مادر با ازدواج، چه باید کرد؟

* پاسخ

امر ازدواج فواید بسیاری دارد و هیچ شالوده ای مقدس تر از بنای رفیع ازدواج نیست (۱) و هر ملتی در دین و آیین خود، به نوعی از آن بهره مند است و دین اسلام بیش از همه، بر آن تأکید دارد. فقیهان ازدواج را از مستحبات مؤکد بر شمرده و آن را برای کسی که به سبب نگرگرفتن همسر به گناه بیفتد، واجب دانسته اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس ازدواج کند، به درستی که از نصف دینش پاسداری کرده است (۲).

آری، ازدواج دارای چند فایده است: ۱. بقای نسل؛ ۲. آرامش و تعادل روحی و جسمی؛ ۳. سلامت اخلاقی و اجتماعی جامعه؛ ۴. ارضای حسّ محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن، و... (۳)

البته هر کس قصد ازدواج دارد و به دنبال زندگی سعادت‌مندی است، باید عجولانه اقدام نکند، بلکه با استفاده از تجربیات دیگران به ویژه پدر و مادر و عقل و شرع اقدام نماید. ازدواج امری است که استاد راهنما می خواهد و بهترین معلم، فطرت و موفق ترین واعظ و راهنما، عقل بیدار انسان است که همواره با او و مراقب او است؛ اما بی شک باید در آنچه نمی دانیم و آنچه از کمال و معنویت می خواهیم و نداریم، از آگاهان کمک

ص: ۲۵۱

۱- (۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ما بنی فی الاسلام احب لله عزوجل من التزویج؛ هیچ بنایی در اسلام محبوب تر از ازدواج نزد خداوند بنا نشده است.» وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳، به نقل از رساله دانشجویی مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام، تألیف سید مجتبی حسینی، ص ۲۱۱.

۲- (۲) «من تزوج فقد احرز نصف دینه.» وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵ به نقل از همان، ص ۲۱۱.

۳- (۳) . همان، ص ۲۱۲.

بگیریم، این سنت الهی برای بشر است، حتی کسی چون موسی علیه السلام که پیامبر اولوالعزم بود، از کسی چون خضر بی نیاز نبود(۱) و در امر خطیر ازدواج چه کسی آگاه تر و دلسوزتر از پدر و مادر انسان است؟

فتوهای مراجع بزرگوار تقلید در مورد اذن پدر

پرسش: آیا در ازدواج با دختر باکره اجازه پدر او واجب است؟

امام رحمه الله و سیستانی: آری، باید اجازه او باشد.

بهجت، تبریزی، خامنه ای، صافی، فاضل، مکارم و وحید: بنابر احتیاط واجب باید اجازه او باشد.

نوری: خیر، به طور کلی اجازه پدر یا جد پدری دختر لازم نیست، ولی اگر بخواهد به احتیاط عمل کند، بر فرض مسأله اجازه او لازم است(۲).

پرسش: اگر دختر گفت پدر و مادرم رضایت قلبی به ازدواج دارند، آیا می توان به گفته او بدون اذن پدر با او ازدواج کرد؟

همه مراجع: در اذن پدر، اظهار لازم است و رضایت قلبی کافی نیست(۳).

شرط صحت ازدواج در صورت عدم اذن ولی

پرسش: در صورتی که دختر و پسری هم کفو باشند، ولی پدر دختر مخالف ازدواج آن ها باشد، آیا باز هم رضایت او لازم است؟ (باید توجه داشت دختر بالغ و رشیده است و نیاز به ازدواج دارد)

همه مراجع (به جز بهجت، تبریزی، صافی): اگر پسر شرعاً و عرفاً کفو و همتای دختر باشد، اجازه پدر لازم نیست.

ص: ۲۵۲

۱- (۱) آیه های زندگی، حسین اسکندری، انتشارات: سروش صدا و سیما، چاپ اول ۱۳۸۱، صفحه ۱۳۱.

۲- (۲) . منهاج الصالحین، سیستانی: ج ۲؛ النکاح، م ۷۰؛ استفتاءات امام رحمه الله: ج ۳، اولیا العقد، س ۲۷؛ استفتاء، خامنه ای: س ۷۹۸؛ جامع المسائل، فاضل: ج ۱، س ۱۴۳۸ - تعلیقات علی العروه، مکارم: اولیاء العقد، م ۲؛ منهاج الصالحین: وحید، ج ۳، م ۱۲۳۷؛ منهاج الصالحین، تبریزی: اولیاء العقد، م ۱۲۳۷؛ توضیح المسائل، بهجت: م ۱۸۹۱ - توضیح المسائل، صافی؛ نوری: م ۲۳۷۲ و ۲۳۷۳، به نقل از کتاب: رساله دانشجویی مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام. سید مجتبی حسینی، چاپ: اول - ۱۳۸۴. ش - انتشارات: نشر معارف ص ۲۲۲.

۳- (۳) . همان، ص ۲۲۳.

بہجت و تبریزی: اگر پسر شرعاً و عرفاً کفو و ہمتای دختر باشد و ازدواج ہم به مصلحت او باشد، اجازہ پدر لازم نیست.

خامنه ای و صافی: اگر پسر شرعاً و عرفاً کفو و ہمتای دختر باشد و کفو دیگری نیز پیدا نشود، اجازہ پدر لازم نیست.

اذن ولی یک امر قانونی

در قانون مدنی در مادہ ۱۰۴۳، اذن پدر یا جد پدری در نکاح دختر باکرہ لازم شمرده شدہ است (۱).

فرق رضایت با اذن

«اذن» بہ معنای رخصت است کہ گاہی در زبان فارسی بہ آن «اجازہ» گویند و فرق اذن ولی با رضایت امر در این است کہ اگر فقط رضایت و میل قلبی در مورد آن کار باشد، رضایت نامیدہ می شود و اگر رضایت بہ معنای قصد انشا بہ کار برود و بہ وسیلہ ای ابراز گردد، «اذن» خواندہ می شود (۲).

پس برای ازدواج افزون بر رضایت، اذن نیز لازم است.

حکمت دادن اذن ولی

دخالت در ازدواج دختری کہ بہ سن بلوغ رسیدہ است، برخلاف اصول و قواعد می باشد، ولی قانون گذار برای حمایت از نہاد مہم خانوادہ و پیش گیری از انحراف های اجتماعی چنین حکمی را مقرر کردہ است؛ زیرا دختران بہ دلیل کم تجربگی و یا غلبہ عواطف و احساسات ممکن است بدون بررسی کافی و بدون در نظر گرفتن مصلحت خود بہ ازدواجی نامناسب اقدام کنند و گرفتار ہوس بازی مردان ہرزہ و ناپاک شوند. قانون مدنی در این حکم از نظر رایج میان فقیہان معاصر پیروی کردہ است (۳).

ص: ۲۵۳

۱- (۱) اذن و آثار حقوقی آن، علیرضا فخیم زادہ، ص ۲۰۰.

۲- (۲) همان، ص ۳۹-۴۰.

۳- (۳) . همان، ص ۲۰۰.

اذن ولی در مواردی ساقط خواهد شد که عبارت اند از:

۱. منع غیر موجب ولی

در صورتی که ولی از اختیار خویش سوء استفاده کند و بدون دلیل یا به دلیلی غیر موجب از ازدواج دختر باکره با همسر مناسب و شایسته جلوگیری کند، وجهی برای بقای اذن او باقی نمی ماند که در ذیل قانون ۱۰۴۳ به آن اشاره شده است.

۲. عدم دسترسی به ولی

در صورتی که پدر یا جد پدری غایب بوده، به آن ها دست رسی نباشد، طبق نظر فقیهان امامیه دختر می تواند بدون اذن ولی با همسر شایسته و همتای خویش ازدواج کند که در ماده ۱۰۴۴ ذکر شده است.

۳. حجر یا فوت ولی

اگر پدر یا جد پدری دختر به علتی محجور و تحت قیمومیت باشد، اذن شخص دیگری مانند قیم او لازم نمی باشد؛ همچنین اگر پدر یا جد پدری دختر از دنیا رفته باشند، دختر مکلف به کسب اذن شخص دیگری نیست و اعتبار اذن ولی ساقط است (۱).

منابعی جهت مطالعه بیشتر

۱. بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، دکتر سید مصطفی محقق داماد، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۹.

۲. حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن، سید حسین صفایی و اسدالله امامی، انتشارات چاپ دانشگاه، چاپ چهارم، تهران ۱۳۷۴، ص ۷۸ تا ۱۰۴.

۳. احکام ازدواج - دایم و موقت، سید حجت موسوی خویی، انتشارات نشر نسیم انتظار، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ه. ش.

ص: ۲۵۴

آیا «قسمت بودن» در ازدواج از نظر اسلام صحیح است؛ یعنی مشخص است که در آینده با چه فردی ازدواج می کند؟

* پاسخ:

بخش اول پرسش

۱. مقصود از قسمت بودن

واژه «قسمت» که در روایات از آن به «قضا و قدر» یا همان «تقدیر و سرنوشت» تعبیر می شود، در بین مردم به معنای «توفیق» نیز به کار می رود که البته با دقتی در مورد آن، به همان معنای «تقدیر و سرنوشت» است؛ برای مثال؛ به کسی می گوییم: آیا به کربلا برای زیارت رفته ای؟ می گوید: «قسمت نبود».

۲. راستی چرا برخی در هر جا و سر هر مسأله می گویند: قسمت این بود؟ پاسخ آن را از دو جهت می توان بررسی کرد:

نگاه اول: گاهی به خاطر کم کاری، بی احتیاطی و آگاهی نداشتن کلمه «قسمت» بر زبان آورده می شود. با بی احتیاطی به ماشین شخصی می زند، می گوید قسمت بود، آگاهی از مسأله ای ندارد و به نوعی دچار گرفتاری می شود، می گوید قسمت این بود و هزاران قسمت گفتن دیگر از این قبیل.

آری، درست است که به نوعی تقدیر الهی بوده است، ولی چرا او دقت نکرده است؟! می توانست احتیاط کند تا تصادف نکند، می توانست علم و آگاهی کسب کند تا گرفتار نشود؛ زیرا اراده انسان هم جزء تقدیر الهی است.

حال در این موارد چون شخص به ماشینی زده و دچار گرفتاری شده است، برای این که مقداری از فشار عصبی و روحی اش کم شود، می گوید:

ص: ۲۵۵

«قسمت بود و خدا این طور خواسته بود» که البته «انصاف» هم در این جا به خوبی نمایان است؛ زیرا خداوند قوانین و سنت های هستی را به او معرفی کرده و به او علم و آگاهی و اراده داده بود و او باید با «علم و آگاهی» و «اراده» خود راه صحیح را انتخاب می کرد تا دچار مشکل نشود.

نگاه دیگر: تمام جوانب کار در نظر گرفته می شود و با تحقیق، مشورت و نیز رعایت نکات مختلف ازدواج صورت می پذیرد؛ آن گاه سخن از «قسمت بودن» نیز مطرح می گردد؛ این «قسمت» یعنی همان قضا و قدر صحیح؛ همان سرنوشتی که برایمان رقم خورده است؛ یعنی حال که به تمام وظایف خود عمل کرده و هیچ کوتاهی نکرده ایم، می توانیم ادعا کنیم که «قسمت» بود.

و بالاخره همان سرنوشتی که باید بدان راضی باشیم؛ همان گونه که امام حسین علیه السلام در آخرین لحظات عمر گرامی اش فرمود:

«صبراً علی قضائک یا رب لا اله سواک»^(۱).

ص: ۲۵۶

۱- (۱). فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۵۷۲. «ای پروردگاری که جز تو هیچ معبودی نیست، بر قضای تو صبر می کنم.»

اگر تعیین شده که در آینده با چه کسی ازدواج می کنیم، آیا این مصداق جبر نیست؟

در جواب این طور می گوییم:

این که خداوند می داند شما با چه کسی در آینده ازدواج می کنید، با اختیار شما منافات ندارد؛ زیرا انسان تصمیم های زندگی را به اراده و اختیار خویش می گیرد و خداوند به این اراده علم دارد؛ یعنی خداوند می داند که شما در آینده کدام مورد را به اراده خود انتخاب می کنید؛ برای مثال، در خیابانی ترافیک طولانی شده و رانندگان خبر ندارند چرا راه بسته شده است، حال اگر شخصی از بالای ساختمانی که به خیابان مشرف است، ببیند که علت بسته شدن راه سرپیچی یک راننده از قوانین راهنمایی و رانندگی است که موجب تصادف و بسته شدن راه شده است، ولی سایر رانندگان خبر نداشته باشند که صد متر جلوتر چه اتفاقی افتاده است، حال سوال این است آیا او که از بالای ساختمان آگاهی پیدا کرده، در این ترافیک نقش داشته است و باعث ترافیک شده است؟!

در مثال ازدواج نیز چنین است. خداوند متعال با علم بی کران خود خبر دارد که شما روزهای آینده با چه کسی ازدواج می کنید و اگر ما با تصمیم اشتباه سرپیچی از قوانین زندگی در ترافیک زندگی بمانیم، آیا تقصیر او است که از این مسأله خبر داشته است؟!

یادآوری: با توجه به آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام حکمت های برخی تقدیرات الهی که برای انسان رقم می خورد، برای ما معلوم است؛ از جمله:

الف) وجود حوادث و مشکلات، حکمت هایی مانند «شکوفای شدن استعدادها» و همچنین «امتحان و آزمایش الهی» دارد که برای رسیدن به

مقام های بالاتر و رحمت بیشتر است؛ زیرا خداوند می فرماید: «(وَلَنُبَلِّغَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ...)»؛ (۱) و قطعاً [همه] شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در ثروت ها و جان ها و محصولات، آزمایش می کنیم؛ و به شکیبایان...».

ب) چه بسیار چیزهایی که ما داریم یا در اختیار دیگران است و ما در آرزوی داشتن آن هستیم، ولی در حقیقت آن ها «نعمت» نیست، بلکه «نقمت» اند و چه بسیار چیزهایی که فکر می کنیم «نقمت» است، ولی در حقیقت «نعمت» می باشند. خداوند متعال با این آیه شریفه: (... عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) ۲ آرامشی جدید به ما هدیه می کند تا به رضای الهی راضی باشیم.

ج) از طرفی برخی مشکلات که در زندگی برای ما پیش می آید، نتیجه اعمال و رفتار خود ماست [گناهان یا تصمیمات اشتباه]؛ زیرا خداوند می فرماید: «و اگر (بر فرض) اهل آبادی ها ایمان می آوردند و خودنگهداری (و پارسایی) می کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می گشودیم؛ ولیکن (آنان حق را) تکذیب کردند؛ پس بخاطر آنچه همواره کسب می کردند، گرفتارشان کردیم.» (۲) و در آیه دیگر می فرماید: «... و هر کس [خودش] را از [عذاب] خدا حفظ کند، برایش محل خارج شدن (از مشکلات) قرار می دهد؛ و او را از جایی که نمی پندارد روزی می دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند پس او برایش کافی است...» (۳)

ص: ۲۵۸

۱- (۱) . بقره / ۱۵۵.

۲- (۳) . اعراف / ۹۶.

۳- (۴) طلاق / ۲-۳.

و در آیه دیگر می فرماید:

«بخاطر دستاورد مردم، تباهی در خشکی و دریا آشکارشد؛ تا (سزای) بعضی از آنچه انجام داده اند را به آنان بچشانند! باشد که آنان باز گردند...»^(۱)

با توجه به آیات فوق به این نتیجه می رسیم که تقوا در رقم خوردن سرنوشت ما نقش مهمی دارد؛ از این رو با رعایت «تقوا» می توانیم «سرنوشت» خود را با دست خود، به نفع خود رقم بزنیم و اگر در گذشته خطا یا گناهی از ما سرزده، می توانیم توبه کنیم و با «استغفار» از گناهان گذشته طلب بخشش کنیم؛ زیرا: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ...»^(۲) و با دعا آینده ای زیبا را طلب کنیم که «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^(۳).

نتیجه:

از آنچه بیان کردیم بر می آید که تمام تقدیرات عالم هستی و انسان به دست قدرت خداوند رقم می خورد و او است که «تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ»؛^(۲) یعنی هر که را بخواهد (و شایسته بداند) عزت می دهد و هر که را بخواهد، خوار می کند.

بنابراین، تمام تقدیرات و سرنوشت انسان به دست خداست، ولی قرآن بهره انسان^(۳) را به اندازه تلاش و کوشش او می داند؛ از این رو، چیزهایی مانند تلاش انسان، اختیار انسان و دعای انسان و... جزء تقدیرات الهی

ص: ۲۵۹

۱- ((۱)) روم / ۴۱.

۲- ((۴)) آل عمران / ۲۶.

۳- ((۵)) «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ و اینکه برای انسان جز کوشش او نیست». نجم / ۳۹

می باشد که انسان می تواند با تلاش، علم، آگاهی، دعا و جز این ها خود را در حلقه «شایستگان» وارد کند و به تعبیر دیگر، خود را از حلقه «خوارشوندگان» خارج کند و شایسته عزتمندی شود تا خداوند او را عزت بخشد.

معرفی کتاب

برای جستار بیشتر در این باره و بحث جبر و اختیار رجوع فرمایید:

۱. درس هایی از اصول عقائد اسلامی، محمدی ری شهری؛

۲. عدل الهی، شهید مطهری.

ص: ۲۶۰

اهمیت ازدواج از دیدگاه قرآن و احادیث در چیست ؟

* پاسخ

مقدمه

قرآن کریم که چراغ فروزان هدایت انسان است، نسخه شفابخش همه آلام بشری و داروی مؤثر تمامی دردها و تأمین کننده همه نیازهای مادی و معنوی آدمیان است؛ کتاب مبینی است که خود روشن و نیز روشنگر دیگران است، و ناب ترین آیین عبادی و اخلاقی و عالی ترین قانون اقتصاد و سیاست و عادلانه ترین حقوق فردی و اجتماعی را ارائه کرده است و در ازدواج، این امر بس حساس بشری نیز، انسان را رها نکرده و با ریزینی تمام به زیر و بم برنامه نگریسته و بهترین برنامه زناشویی را از آغاز تا انجام آن تشریح و تشریح نموده است.

اینک پیش از پرداختن به اصل موضوع به جاست، معنای ازدواج و تعریف آن روشن شود تا محور این پژوهش به خوبی آشکار گردد.

تعریف ازدواج

۱. معنای لغوی

واژه «ازدواج» عربی است، ولی در فرهنگ عرب کاربرد چندانی در امور زناشویی ندارد و آنچه در این زمینه در قرآن و زبان عرب، کاربرد بیشتری دارد، واژه های «نکاح» و «زواج» است. «زوج» مصدر، و «زواج» اسم مصدر است، و افعال کاربردی آن عبارت اند از: زَوَّج و تَزَوَّج.

«نکاح» مصدر است و مشتقات کاربردی آن عبارت اند از: نکح، انکح، تناکح و استنکح.

ص: ۲۶۱

نکاح در اصل به معنای جفت شدن، و به هم رسیدن است؛ چنان که وقتی شاخه درختان به هم برسند و تو در توی شوند، می گویند: «تناكح الاشجار» و هنگامی که آب باران به زمین برسد و با آن مخلوط شود، می گویند: «نكح المطر الارض».

«تزوج» به معنای جفت و قرین یکدیگر شدن است، و «تزویج» و «زواج» به معنای جفت کردن و زوج دادن است؛ چنان که گفته می شود: (زوجت فلانا امرأه فتزوجها). (۱) پس می توان گفت: که نکاح و زواج مرادف یکدیگرند.

اما این که حقیقت نکاح چیست و آیا نکاح عبارت است از عقد و پیمان زناشویی، یا آمیزش و التذاذ، ارباب لغت آرای گوناگونی دارند.

جوهری می نویسد: «نکاح یعنی وطی»، ابن فارس می گوید: «نکاح یعنی عقد»، و فیومی می نویسد: «معنای حقیقی نکاح نه عقد است و نه وطی؛ زیرا در به کار بردن واژه نکاح در هر دو، نیازمند به قرینه است؛ بنابراین، حقیقت نکاح، عبارت است از: اختلاط و انضمام با یکدیگر» (۲).

از ملاحظه کاربرد این واژه در روایات چون: «نكح امرأته وهو صائم في رمضان»، «الناكح نفسه (خود ارضایی)»، «النكاح في الدبر»، «نكاح البهائم» (۳) و گونه های مشابه، به خوبی روشن می شود که به خود اختلاط و آمیزش، نکاح گفته می شده؛ سپس این واژه در مقدمات آن از قبیل عقد و پیمان زناشویی به کار رفته است.

ص: ۲۶۲

۱- (۱). ر. ک: مصباح المنیر و مقایس اللغة، مادة «نكح» و «زوج».

۲- (۲). ر. ک: صحاح، مقایس اللغة و مصباح المنیر.

۳- (۳). ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۸، ج ۱۵، ۳۴۴ و ج ۲۰، ص ۳۴۹ و ۳۵۵.

حقوق دانان دو نوع تعریف برای نکاح ارائه کرده اند:

اول: نکاح عبارت است از: رابطه حقوقی - عاطفی، که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می گردد و به آن ها حق می دهد که با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این رابطه، حق تمتع جنسی است.

دوم: نکاح رابطه ای است بین زن و شوهر برای تشکیل خانواده. (۱)

تعریف دوم تنها ازدواج دایم را مد نظر دارد و چهره اسلامی ندارد و با فرهنگ قرآن سازگار نمی باشد؛ زیرا قرآن کریم تعبیر به ازدواج دارد که با اطلاقش ازدواج دایم و موقت را شامل می شود؛ از این رو، تعریف اول مد نظر ماست.

اهمیت ازدواج

وقوف بر جایگاه بلند ازدواج در گرو شناخت چند اصل اساسی است:

۱. در وجود انسان و آفرینش او غریزه جنسی نیرومندی نهاده شده، که خود به تنهایی با دیگر غرایز برابری می کند. این نیرومندی را می توان از سخن نبوی صلی الله علیه و آله به دست آورد که می فرماید:

«من تزوج فقد احرز نصف دینه؛ کسی که همسر اختیار کند، نیمی از دین خود را حفظ کرده است.» (۲)

۲. در شرع مقدس اسلام میان تشریح و تکوین هماهنگی برقرار است و هیچ گاه اجازه سرکوب غریزه جنسی را نمی دهد، و گرنه تشریحش بر خلاف آفرینش و تکوینش خواهد بود؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله ضمن نکوهش عُزُوبَت (تنهایی) می فرماید: «رکعتان یصلیهما متزوج افضل من رجل عذب یقوم ليله ویصوم نهاره؛ دو رکعت نمازی که مرد متأهل به جای می آورد، بر این که مرد غیرمتأهل شب ها نماز بخواند و روزها روزه بگیرد، برتری دارد.» (۳)

ص: ۲۶۳

۱- (۱). بررسی فقهی حقوق خانواده، سید مصطفی محقق داماد، ص ۲۲.

۲- (۲). ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷.

۳- (۳). همان، ص ۱۹.

تحقیقات علمی نیز نشان داده است، که با سرکوب غریزه جنسی، تلاش و حرکت از انسان گرفته می شود، حتی نبوغ و امکان ابداع از میان می رود؛ از این رو، در میان افراد خواجه، عالم، فیلسوف و نابغه یافت نمی شود. (۱)

۳. از سوی دیگر آفریننده این غریزه اجازه نمی دهد، انسان آن را در مسیری نادرست به کار گیرد؛ از این رو طرفین در ازدواج، را یکی به منزله پاشنده بذر، و دیگری (زن) را به منزله زمین کشت آن لقب داد، و فرمود: «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ»؛ زنان شما، کشتزار شما هستند. (۲) البته این بدان معنا نیست که تکون فرزند از یک طرف و طرف دیگر بسان ظرف نگهداری آن است، بلکه بدین معناست که همان گونه که جامعه انسانی برای حفظ بقای خود به مزرعه، زراعت و مواد غذایی نیاز دارد و بدون آن نمی تواند دوام داشته باشد، بدون وجود زن نیز حفظ جامعه انسانی و بقای نسل او ممکن نخواهد بود.

۴. بایستن سه اصل بالا حکم می کند که برای بهره بری از غریزه جنسی، مرزبندی هایی در دو سری آن به وجود آید، و قانون ازدواج تشریح شود، لذا فرمود: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ»؛ پس آنچه از زنان، دلخواهتان است، به زنی بگیرید. (۳) قید «طاب» بیانگر اهتمام به نسل بشری است که مبدا نسلی نابهنجار از مادرانی آلوده به جامعه سالم راه پیدا کنند؛ یعنی پیش از ازدواج می بایست به فکر تربیت بود.

با توجه به این اصول، به این نتیجه می رسیم که ازدواج همان بهره برداری درست از پدیده غریزه جنسی است که خالق حکیم در وجود انسان قرار داده

ص: ۲۶۴

۱- (۱) ر. ک: مجله زن روز، ش ۹۸۵، ص ۵۲.

۲- (۲) بقره/ ۲۲۳.

۳- (۳) نساء/ ۳.

است و انسان می باید در حد تعادل از آن استفاده کند تا ضمن هماهنگی تشریح با تکوین، زمینه دوام و بقای نسل بشری را فراهم آورد.

به دیگر سخن، ازدواج و تأثیر آن بر جامعه، به منزله آب و غذا و حیات بخشی آن ها در بدن انسان است که نبود آن در اندک زمانی انسان را به نابودی می کشاند.

ص: ۲۶۵

آثار و قواعد ازدواج چیست؟

اشاره

* پاسخ

ازدواج به عنوان یک پدیده طبیعی، دارای آثار و فواید فردی و اجتماعی فراوانی است، که در قرآن کریم نیز به برخی از آن ها اشاره شده است:

الف) اثر اجتماعی (حفظ نسل)

آن گونه که پیش از این نیز بدان اشاره شد، مهم ترین اثر در بعد اجتماعی ازدواج، بلکه راز اصلی این پدیده، استمرار نسل بشری است. افزون بر اشاره قرآن، امام علی علیه السلام در راز وجود شهوت در انبیا می فرماید:

«واما الشهوه فجعلها الله تعالى فيهم لما اراده من بقائهم في الدنيا... فلولا- موضع الشهوه، لما اكلوا، فبطل قوه اجسامهم عن تكاليفهم ويبطل حال النكاح، فلا يكون لهم نسل ولا ولد، وما جرى مجرى ذلك، فالشهوة مركبه فيهم لذلك؛ خداوند بدین جهت در انبیا شهوت قرار داد که می خواست آن ها بتوانند در دنیا زندگی کنند...؛ پس اگر شهوت در آن ها نبود، غذا نمی خوردند، بدنشان از ادای وظایف باز می ماند و نیروی نکاحشان از بین می رفت، و دیگر نسل و فرزندی نداشتند؛ پس بدین خاطر شهوت در درونشان جاسازی گردید.»^(۱)

باید توجه داشت که شهوت در سخن امام اعم از شهوت جنسی و اشتهاهای شکمی است، ولی مصداق بارز خواست انسانی شهوت جنسی است.

ب) آثار فردی

قرآن برای ازدواج در بُعد فردی، آثار چندی را بیان می کند که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

ص: ۲۶۶

وقتی بنا شد به حکم حکمت الهی و مصالح آفرینش، در درون انسان غریزه جنسی نهاده شود، چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام به نقل از علی علیه السلام، آمده است:

«ان الله ركب في الملائكة عقلاً بلا شهوة، وركب في البهائم شهوة بلا عقل، وركب في بني آدم كليهما، فمن غلب عقله على شهوته، فهو خير من الملائكة، ومن غلب شهوته على عقله فهو شر من البهائم؛ خداوند فرشتگان را از عقل محض آفرید، و حیوانات را از شهوت محض خلق کرد، ولی در آفرینش انسان، هر دوی عقل و شهوت را قرار داد؛ بنابراین، اگر عقل انسان بر شهوتش چیره شود، از فرشتگان برتر خواهد شد، و اگر شهوتش غالب گردد، از چهارپایان نیز پست تر می شود.»^(۱)

در درگیری میان عقل و شهوت، به هنگام فوران کوره آتش شهوت، تنها چیزی که می تواند به انسان آرامش ببخشد، خاموش کردن طبیعی آتش شهوت است که در قالب ازدواج قانونی انجام می شود. اصلاً وجود همسر شرعی و قانونی در کنار انسان از آن جهت که هر زمان اراده کند، در اختیار او است، خود مایه آرامش است و از این رو است که قرآن می فرماید: «(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا)؛ دیگر از نشانه های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید، تا در کنار آن ها آرامش یابید»^(۲). با این آرامش به دست آمده، انسان بهتر می تواند از عالم خاکی رسته، از ملک فراتر رفته و به خدا برسد.

۲. دوست یابی

انسان در این دنیا، به حکم این که در درونش، یک جاذبه و کشش قلبی وجود دارد، نمی تواند همواره به تنهایی زندگی کند، بلکه می بایست برای

ص: ۲۶۷

۱- (۱) ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶۴.

۲- (۲) روم / ۲۱.

خود شریک و رفیقی برگزیند. بدیهی است که رفقای درسی و شرکای مالی هر کدام در کوتاه مدت، و تنها در بخشی از نیازها می توانند انسان را یاری کنند، ولی آن که در دراز مدت می تواند یار و غمخوار انسان و انیس و مونس وی باشد، همسر او است؛ از این رو، قرآن می فرماید: «(وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً)» (۱) و در بین شما دوستی و رحمت قرارداد.»

مودت در آغاز زندگی و رحمت در پایان آن است. مودت در بیشتر مواقع، دو سویه و رحمت از یک سوی می باشد.

۳. دژسازی

قرآن کریم از هر دوی زن و مرد نسبت به یکدیگر تعبیر به لباس می کند و می فرماید: «(هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ)؛ آنان لباسی برای شما، و شما لباسی برای آنان هستید.» (۲) فلسفه آن نیز روشن است؛ زیرا این لباس است که انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیاء به بدن حفظ می کند، عیوب انسان را می پوشاند و نیز زینتی برای انسان است.»

زن و مردی هم که ازدواج کنند، به آثار ارزشمندی می رسند؛ زیرا جوان، چه پسر و چه دختر، وقتی به مرحله ای از زندگی رسید، از یک سو احساس استقلال می کند و می خواهد به نحوی از خانه و خانواده جدا شده و شانه خود را از زیر اوامر و نواهی پدر و مادر خالی کند و از سوی دیگر، این استقلال در بسیاری امور نه تنها کارساز و مشکل گشا نیست، بلکه مشکل آفرین نیز هست.

در این جا می بایست ضمن دادن استقلال به فرزند، او را به جایی پیوند داد تا از تند بادهای زندگی، حرارت شهوت، سردی عاطفه، گفتار ناروای مردم و... در امان بماند و این تنها ازدواج است که می تواند این مهم را بر

ص: ۲۶۸

۱- (۱) همان.

۲- (۲) بقره / ۱۸۷.

دوش بگیرد؛ یعنی پسر و دختر را در برابر آتش شهوت بیمه کند، در سردی زندگی عاطفه آن‌ها را تأمین نماید، از گفت و شنوده‌های بی پایه در امانشان دارد و هر کدام را مایه آبروی دیگری سازد. افزون بر آن، این که زن و مرد بسان لباس عیب‌های ظاهری و باطنی یکدیگر را می‌پوشانند.

۴. یادگار نیک

یکی از آثار مهم ازدواج این است که انسان می‌تواند، یادگاری شایسته به نام فرزند صالح تحویل جامعه دهد، ثمره صالحی که چه بسا به مصلحتی بدل شود و با فکر و اندیشه خود عالمی را دگرگون می‌سازد. روشن است که با خودداری از ازدواج ظهور چنین مصلحانی ممکن نخواهد بود؛ از این رو قرآن به دنبال بیان «حرث لکم» می‌فرماید: «قَدْ مُوا لَأَنْفُسِكُمْ؛ با پرورش فرزندان خوب، اثر نیکی را از پیش بفرستید.» (۱)

۵. بی‌نیازی

افزون بر آثار عبادی و اخلاقی ازدواج، در بعد فردی و اجتماعی، اثر اقتصادی نیز در آن وجود دارد. قرآن می‌فرماید: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند آن‌ها را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند.» (۲) این تعبیر در پاسخ کسانی است که از ترس فقر، تن به ازدواج نمی‌دهند، و حال آن که قرآن نه تنها ازدواج را موجب تنگدستی نمی‌داند، بلکه بر عکس مایه توسعه زندگی می‌داند؛ زیرا فرد مجرد ممکن است لقمه نانی را از خانه پدر به دست آورد؛ از این رو خود را آزاد انگاشته و دنبال کار و تلاش نرود، ولی همین که ازدواج کرد و وظایفی بر دوش خود احساس نمود، بی‌شک تلاش خواهد کرد تا خود و

ص: ۲۶۹

۱- (۱) بقره/ ۲۲۳.

۲- (۲) نور/ ۳۲.

خانواده اش را تأمین کند، و در پرتو این سعی و کوشش به فضل الهی به زندگی اش فزونی بخشد.

۶. کسب معنویت

وقتی بر اثر ازدواج، تعادل در غریزه جنسی ایجاد شد، انسان می تواند در پرتو آرامش حاصل از آن به عبادت پردازد و به مبدأ و معاد (خدا و قیامت) توجه بیشتری داشته باشد؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «من احب ان یلقى الله طاهرا مطهرا فلیقله بزوجه؛ هر کس می خواهد پاک و پاکیزه خدا را ملاقات کند، باید ازدواج کند.»^(۱)

ص: ۲۷۰

۱- ((۱)). مقنعه، شیخ مفید، ص ۴۹۶.

ازدواج چند قسم است؟

* پاسخ

در بسیاری از جوامع بشری، ازدواج را تنها در شکل دائم آن می پذیرند و چون به ازدواج موقت اعتقادی ندارند، کسانی که به هر دلیل قادر به انجام ازدواج نباشند، بر اثر فشار شهوت به فساد روی می آورند. اما شارع مقدس اسلام نظر به ضرورت و دلایلی، دو نوع ازدواج را تشریح کرده است که عبارت اند از:

الف) ازدواج دائم: عبارت است از پیمان زناشویی که بین زن و مرد برای مدت غیرمعین بسته می شود. این نوع ازدواج محور احکام، حقوق، و آداب و رسوم است.

ب) ازدواج موقت (متعهد): عبارت است از پیمان زناشویی که بین زن و مرد، در برابر مهر معین و برای مدت مشخص بسته می شود (۱).

بدیهی است با توجه به حقوقی که ازدواج برای طرفین ایجاد می کند و سنگینی هزینه ها، ادامه تحصیل، آداب و رسوم پیچیده، ازدواج دائم چه بسا برای همه به سادگی مقدور نباشد؛ از این رو، یا می باید با مشکل ارضا نشدن غریزه جنسی سوخت و ساخت و یا به مسیر انحرافی روی آورد؛ به دیگر سخن، یا باید رهبانیت مسیحی را پذیرفت و یا به کمونیزم جنسی تن داد؛ یعنی به دختر و پسر اجازه دهیم که با ده ها بلکه صدها نفر رابطه جنسی داشته باشند و از هم کام بگیرند. راسل - فیلسوف انگلیسی - ولیندزی - قاضی آمریکایی - برای حل بحران جنسی، ازدواج رفاقتی و تجربی را پیشنهاد می کنند (۲).

ص: ۲۷۱

۱- (۱). اقتباس از کتاب التعریفات، ص ۱۰۸؛ فرهنگ معارف اسلامی، ج ۳، ص ۲۰۳۴.

۲- (۲) نظام حقوق زن در اسلام، مطهری، ص ۳۰.

اسلام ضمن رد رهبانیت و نیز کمونیزم جنسی ازدواج موقت (متعّه) (۱) را می پذیرد (۲)، که طرح «راسل» تا حدی با آن شباهت دارد. در قرآن به این حقیقت اشاره شده است: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً»؛ زنانی را که متعه می کنید، مهر آن ها را، واجب است بپردازید. (۳)

دلایل جواز ازدواج موقت

۱. اطلاق آیه «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ؛ پس آنچه از زنان، دلخواهتان است، به زنی بگیرید.» (۴)
 ۲. اطلاق واژه «ازدواج» در آیه: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ»؛ و کسانی که آنان دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می کنند، مگر در مورد همسرانشان یا آنچه (از کنیزان) مالک شده اند.» (۵)
 ۳. آیه استمتاع (متعّه): «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ...» این قسمت آیه دلالت دارد که قبل از نزول آن، ازدواج موقت وجود داشته است. (۶)
 ۴. روایات: شیخ طوسی در کتاب «الخلافا»، روایات جواز متعه را از ابن مسعود، جابر بن عبد الله، سلمه بن اکوع، ابوسعید خدری، مغیره بن شعبه، ابن عباس، ابن جریح، عطاء، سعید بن جبیر و جز این ها نقل می کند. (۷)
- مسلمانان و مسأله متعه (ازدواج موقت)

درباره متعه در بین مسلمانان، چند نظریه وجود دارد که عمده آن عبارت اند از:

ص: ۲۷۲

-
- ۱- (۱) «متعّه» اسم مصدر «تمتع» به معنای منفعت بردن است و «متعّه» در ازدواج به معنای ابراز التذاذ و انتفاع است. (ر. ک: مقایس اللغه و نهاییه، ماده «متع»)
 - ۲- (۲) این برنامه در قوانین مدنی کشورمان نیز پذیرفته شده است. (ر. ک: قانون مدنی، مواد ۱۰۷۵ تا ۱۰۷۷).
 - ۳- (۳) نساء / ۲۴.
 - ۴- (۴) نساء / ۳.
 - ۵- (۵) معارج / ۳۰.
 - ۶- (۶) نساء / ۲۴.
 - ۷- (۷) کتاب خلافا، ج ۴، ص ۳۴۰.

۱. موقت بودن حکم آن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، برای چند روز. (۱)

۲. مباح بودن آن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و نسخ آن به وسیله خود آن حضرت. بیضاوی در تفسیر خود به این نظریه اشاره دارد (۲).

۳. مباح بودن آن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و نسخ آن در زمان عمر. این نظریه بیشتر مفسران و علمای اهل سنت است (۳).

معروف و مشهور این است که عمر خود گفته است:

«متعتان کانتا علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله، انا انهی عنهما و اعاقب علیهما؛ دو متعه [متعه نسا و متعه حج] در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشت، من آن را ممنوع کردم و عقاب آن را می کشم.» (۴)

۴. جواز متعه و نسخ نشدن آن. این نظریه همه فقها و مفسران شیعه و برخی علمای اهل سنت است. (۵) شیعه معتقد است متعه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشته و حکم آن همچنان باقی است. روایات ائمه معصومین علیهم السلام نیز بر همین معنا دلالت دارند. در روایتی از امام باقر علیه السلام می خوانیم که فرمود:

«... احلها الله فی کتابه و سننها رسول الله و عمل بها اصحابه؛ خداوند در کتابش متعه را حلال کرده، و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را سنت قرار داد، و اصحاب آن حضرت بدان عمل می کردند.» (۶) در روایت دیگری آمده است که ابوبصیر از امام باقر علیه السلام درباره متعه پرسید، امام فرمود:

«نزلت فی القرآن، فما استمتعتم...» (۷)

ص: ۲۷۳

-
- ۱- (۱) ر. ک: الغدیر، ج ۶، ص ۲۲۵.
 - ۲- (۲) تفسیر بیضاوی، ج ۳، ص ۷۶.
 - ۳- (۳) زمخشری در کشاف، ج ۱، ص ۴۹۸، فخررازی در تفسیر کبیر، ج ۱۰، ص ۴۹، میدی در کشف الاسرار، ج ۲، ص ۴۶۹، ابن اثیر در نهاییه - متع.
 - ۴- (۴) تفسیر کبیر، ج ۱۰، ص ۵۰.
 - ۵- (۵) ر. ک: الغدیر، ج ۶، ص ۲۲۳.
 - ۶- (۶) ر. ک: بحار الانوار، ج ۴، ص ۳۵۶.
 - ۷- (۷) تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۰.

وقتی تشریح حکمی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله ثابت شد، نسخ شدن آن به نحو صحیح نیازمند دلیل قطع از سوی شارع می باشد.

ج) ملک یمین: این نوع سوم از نکاح است که در قرآن بدان اشاره شده است: (... إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ...) ۱

ص: ۲۷۴

مسئولیت جامعه در مورد ازدواج جوانان چیست؟

* پاسخ

قرآن کریم در بسیاری از امور، وظایفی را بر دوش افراد جامعه گذاشته است و آن‌ها را مسئول رخدادهایی می‌داند که پیرامونشان روی می‌دهد. مصداق بارز این مسئولیت را می‌تواند در مسأله امر به معروف و نهی از منکر جستجو کرد. نمونه دیگر آن همین مسأله ازدواج است؛ زیرا قرآن گاهی خطاب به افراد «عَزَب» می‌فرماید: «انكحوا»؛ یعنی ازدواج کنید.

اما گاهی به اولیا، پدر و مادر، دولت و ملت خطاب کرده و می‌فرماید: به فکر ازدواج نیازمندان باشید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ»؛ و افراد بی‌همسرتان، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید. (۱)

«ایامی» مقلوب ایائم، جمع ایم، بر وزن قیم به معنای عَزَب و بی‌همسر است، خواه مرد باشد یا زن و پیش از این همسر داشته یا نداشته است (۲).

به این نکته باید توجه داشت که ازدواج امری اختیاری است و هیچ کس نمی‌تواند دیگری را به آن وادار کند، و این که قرآن خطاب به جامعه اسلامی سفارش می‌کند افراد بی‌همسر را همسر دهید، به هیچ وجه مجوز اجبار دیگران نیست، بلکه به معنای زمینه‌سازی و فراهم کردن مقدمات کار است.

نمودهای همکاری

همکاری در امر ازدواج در چند چیز می‌تواند نمود پیدا کند:

ص: ۲۷۵

۱- (۱) نور/ ۳۲.

۲- (۲) ر. ک: مصباح المنیر و مقائیس اللغه -، ماده ایم.

الف) تشویق آن‌ها به ازدواج؛

ب) شناسایی همسر شایسته و لایق؛

ج) کمک‌های مالی به ویژه از ناحیه والدین؛

د) پا در میانی و وساطت کردن؛

هـ -) کمک نمودن در انجام مراسم عقد و عروسی؛

همکاری و تعاون اسلامی در همه زمینه‌ها مطلوب است، اما در خصوص ازدواج شکل دیگری دارد؛ چنان‌که در روایتی از امام علی علیه السلام می‌خوانیم:

«افضل الشفاعات ان تشفع بين اثنين في نكاح حتى يجمع الله بينهما؛ بهترین میانجی‌گری آن است که میان دو نفر برای ازدواج وساطت کنی، تا این دو به سامان برسند.»^(۱) افزون بر آن که همکاری در امر ازدواج مصداق بارز (فَأَسْرِبُوا الْخَيْرَاتِ)،^(۲) است، چنان‌که در روایتی دیگر، ثواب عظیمی (آسایش در قیامت، حور العین و همشینی با انبیاء) برای میانجی‌گر ازدواج بیان شده است.^(۳)

نکته

قرآن وقتی به خود فرد، ازدواج را سفارش می‌کند، به تعدد زوجات نیز اشاره دارد، ولی وقتی به دیگران دستور تلاش و کوشش می‌دهد، سخنی از چند همسری به میان نمی‌آورد، و این بیانگر این است که جامعه، تنها در رفع نیاز اولیه مسئول است، ولی تعدد زوجات بستگی به عدالت، وسعت مالی و دیگر شرایط دارد که متوجه خود شخص است.

ص: ۲۷۶

۱- (۱) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷.

۲- (۲) بقره/ ۱۴۸.

۳- (۳) همان.

ازدواج های ممنوع کدام است ؟

* پاسخ

ازدواج در اسلام، همانند دیگر پدیده های اجتماعی، قانونمند و دارای اصول مسلمی است که باید رعایت شود. اگر آفریننده انسان در وجود وی شهوت جنسی قرار داده و هماهنگ با تکوین، در تشریح، ازدواج را مقرر کرده است، این گونه نیست که مرد بتواند با هر زنی پیمان زناشویی ببندد، و یا هر زنی بتواند با هر مردی ازدواج نماید؛ از این رو قرآن فهرستی از افرادی که زناشویی با آن ها ممنوع است، ارایه می کند.

عوامل منع ازدواج

آنچه موجب ممنوعیت ازدواج می شود، نوعی ارتباط است که میان افراد وجود دارد، که عبارت اند از:

الف) خویشاوندی یا ارتباط نسبی؛

ب) شیرخوارگی یا ارتباط رضاعی؛

ج) پیوند زناشویی یا ارتباط سببی (خواه مشروع باشد یا نامشروع)؛

د) کفر و طلاق نیز در مواردی موجب منع می گردد که پس از این بدان اشاره می شود؛

ارتباط خویشاوندی

ارتباط خویشاوندی باعث می شود تا ازدواج با افراد زیر ممنوع گردد:

۱. مادر که شامل مادر بزرگ نیز می شود. ۲. دختر که شامل فرزند و نوه او (دختر) نیز می شود. ۳. خواهر. ۴. دختر برادر و فرزند و نوه او. ۵. دختر خواهر و فرزند و نوه او. ۶. عمه که شامل عمه پدر و مادر نیز می شود.
۷. خاله که شامل خاله پدر و مادر هم می شود. قرآن می فرماید: «حُرِّمَتْ

عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ؛ بر شما حرام شده است، (ازدواج با) مادرانتان، و دخترانتان، و خواهرانتان، و عمه هایتان، و خاله هایتان، و دخترانِ برادر، و دخترانِ خواهر»^(۱).

گفتنی است افراد براساس طبع درونی، از ازدواج با این افراد متنفرند؛ از این رو، در بیشتر جوامع ازدواج با این دسته ممنوع است، به ویژه این که تأثیر هم خونی که ناشی از ازدواج با خویشاوندان است، در این گونه افراد بیشتر می باشد.

ارتباط شیری

ارتباط رضاعی با شرایط مقرر در فقه باعث می شود تا ازدواج با خویشان نسبی فرد همشیر که جزء محارم او به شمار می رود، ممنوع گردد. قرآن می فرماید: «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ»؛ و مادران (رضاعی) تان که شما را شیر داده اند، و خواهران رضاعی شما بر شما حرام شده است»^(۲).

نکته ای که در این جا وجود دارد، این است که در حرمت ازدواج با مرتبطان رضاعی، تنها مادر و خواهر بیان شده و سخنی از عمه و خاله و دیگران به میان نیامده است، ولی طبق روایات، این منع شامل همه اصناف محرم نسبی می شود چنان که در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانیم:

«يَحْرَمُ مِنَ الرِّضَاعِ مَا يَحْرَمُ مِنَ النَّسَبِ؛ تمام کسانی که از نظر ارتباط نسبی حرام اند، از نظر شیرخوارگی نیز حرام اند»^(۳) در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است:

«يَحْرَمُ مِنَ الرِّضَاعِ مَا يَحْرَمُ مِنَ الْقَرَابَةِ؛ همه کسانی که از نظر نسب حرام اند، با شیر نیز حرام می شوند.» راز حرمت ازدواج با خویشاوندان شیری

ص: ۲۷۸

۱- (۱) نساء / ۲۳.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۹۳.

این است که کودکی که گوشت و استخوانش با شیر زنی پرورش می یابد، شباهت تامی به فرزندان او پیدا می کند، و در حقیقت بخشی از بدن مادر و مانند خواهر و برادر نسبی آنان می شود.

ارتباط سببی

ارتباط سببی باعث می شود تا چند گروه در دایره منع ازدواج قرار گیرند که عبارت اند از: ۱. مادر زن و نیز مادر او؛ ۲. دختر زن با شرایط مقرر؛ ۳. عروس و نیز عروس پسر و دختر؛ ۴. خواهر زن به طور هم زمان؛ ۵. زن پدر.

قرآن می فرماید: «وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ... وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ»؛ مادران همسرانتان، و دختران همسران که در دامان شما [پرورش یافته اند]...؛ و (نیز حرام است بر شما ازدواج با) همسران پسرانتان که از پشت (و نسل) شما هستند، و اینکه بین دو خواهر (در ازدواج) جمع کنید. (۱)؛ چنان که می فرماید: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ»؛ و زنانی را که پدرانتان به ازدواج (خود) در آورده اند، به همسری نگیرید. (۲)

راز تحریم ازدواج با این افراد آن است که با اجرای صیغه عقد، در واقع آن ها به منزله خویشاوندان قرار گرفته اند؛ از این رو همان حکم را دارند، به ویژه در جمع میان دو خواهر که تضاد عاطفی (درگیری انگیزه محبت و انگیزه رقابت) خود عامل دیگری در ممنوعیت است.

ازدواج با نامادری افزون بر این که در حکم مادرشان (مادر دوم) است، باعث هتک حرمت پدر نیز شود؛ از این رو، به دنبال حکم تحریم می فرماید: «إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا»؛ [چرا] که آن، زشتکاری و کینه (ساز) و بد راهی است. (۳)

ص: ۲۷۹

۱- (۱) نساء / ۲۲.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) همان.

آنچه در این آیات آمده، همه خطاب به مردان است؛ زیرا فرموده: «حرم علیکن آبائکم...» رازش این است که تقاضای ازدواج و خواستگاری به حسب عرف از سوی مردها صورت می‌گیرد؛ از این رو، به آن‌ها می‌گویید: وقتی خواستید ازدواج کنید متوجه باشید که ازدواج با این‌ها حرام است.

به هر صورت، ازدواج زن نیز با عده‌ای از مردان حرام می‌باشد و کافی است برای روشن شدن محارم زن در ازدواج، عناوین را برعکس کنیم و به جای مادر، پدر و به جای خواهر، برادر و به جای عمه، عمو و به جای خاله، دایی و به جای عروس، داماد و به جای نامادری، ناپدری و به جای دختر خواهر و برادر، پسر خواهر و برادر قرار دهیم.

آمیزش

آمیزش پیش از ازدواج (زنا)، موجب می‌شود مادر و دختر آن زن بر زناکننده حرام شود؛^(۱) چنان‌که اگر کسی با زن شوهردار (مسلمان یا غیرمسلمان) زنا کند، همیشه بر زناکننده حرام خواهد شد؛ بدین معنا که اگر از شوهرش جدا هم بشود، نمی‌تواند با وی ازدواج کند.

یادآور می‌شویم که آمیزش با مرد نیز موجب حرمت ازدواج با مادر مفعول (شخص لواط داده) و خواهر و دختر او می‌شود؛ زیرا این شخص در حکم همسر آن مرد قرار می‌گیرد^(۲).

طلاق

طلاق نیز در صورتی که مکرر (۳ بار) انجام شود، باعث حرمت ازدواج با زن مطلقه می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ»

ص: ۲۸۰

۱- (۱) تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۷۸؛ وسائل الشیعه، ابواب ما یحرم بالمصاهره.

۲- (۲) همان، ص ۲۸۱.

حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجاً غَيْرَهُ؛ و اگر (شوهر برای بار سَوَم) آن (زن) را طلاق داد، پس از [آن] به بعد بر آن (مرد) حلال نخواهد بود؛ تا اینکه با شوهری غیر از او ازدواج کند. و اگر (شوهر دَوَم) او را طلاق داد. (۱) این محرومیت برای کنترل مردان هوس بازی است که زندگی زنان را به بازی می گیرند. گفتنی است چنانچه با وساطت مُحَلَّل، نه بار طلاق دهد، همواره بر او حرام می شود (۲).

کفر

کفر به عنوان نمادی از باور نادرست، مانع از ازدواج انسان مؤمن با کافر می شود؛ بدین معنا که زن مسلمان حق ندارد با مرد کافر ازدواج کند، و مرد مسلمان نیز نباید با زن کافر پیمان زناشویی ببندد. قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَنَّ... وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا»؛ و با زنان مشرک [بت پرست] ازدواج نکنید؛ تا ایمان آورند... و به مردان مشرک [بت پرست] زن مدهید، تا ایمان آورند. (۳)

راز ممنوعیت ازدواج با مشرکان این است که در معاشرت ها، و به ویژه در معاشرت زناشویی که تأثیر عمیقی بر روحیه طرف مقابل دارد، مشرک سعی می کند، همسر خود را به سوی عقاید باطل خویش دعوت نماید.

مشرک به معنای کسی است که شریکی برای خدا قرار می دهد، و به این معنا یهود و نصاری نیز (به خاطر این که به نحوی برای خدا شریک قرار می دهند) جزء مشرکان می باشند، ولی از آن جا که قرآن در خطاب با آن ها تعبیر به (اهل الکتاب) می کند، حکم شرک از این جهت شامل آن ها نمی شود.

ص: ۲۸۱

۱- (۱) بقره / ۲۳۰.

۲- (۲) ر. ک: جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۸.

۳- (۳) همان، ۲۲۱.

رخصت در ازدواج چرا؟

* پاسخ

در این که پسر و دختر در ازدواج خود مستقل اند یا باید با اذن و توافق بزرگ ترها اقدام کنند، باید گفت: از ناحیه پسر بی تردید اجازه غیر خودش شرط نیست. ولی در طرف مقابل جای سخن است.

اقسام زنان و مسأله رخصت

پیش از بررسی مسأله یادآور می شویم که جنس مؤنثی که در ازدواج مد نظر می باشد، یکی از موارد زیر است:

۱. ازدواج مجدد باشد.

۲. صغیر و پیش از رسیدن به رشد کافی باشد.

۳. رشید و اولین ازدواج وی باشد.

زنانی که قصد ازدواج مجدد دارند

در این باره قرآن اشاره دارد که زن مختار است و هر تصمیمی که بخواهد، می تواند بگیرد؛ از این رو می فرماید: «فَإِذَا بَلَغَنَّ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ و هنگامی که به سرآمد (عده) شان رسیدند، پس هیچ گناهی بر شما نیست نسبت به آنچه بطور پسندیده در باره خودشان انجام دهند.» (۱)

این آیه درباره زنانی است که شوهرشان را از دست داده اند و باید چهار ماه و ده روز عده وفات نگه دارند، و پس از آن می توانند با صلاح دید خود ازدواج کنند، و نیز می فرماید: «وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا

ص: ۲۸۲

تَعْضُ لَوْهَنَّ أَنْ يَنْكِحَنَّ أَرْوَاجَهُنَّ)؛ و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به سرآمدِ (عده) شان رسیدند. پس مانعشان نشوید که با همسرانِ (سابق) شان، ازدواج کنند.»(۱)

«عضل» بر وزن عزل، به معنای منع کردن از ازدواج و سخت گیری کردن در آن است(۲)؛ یعنی کسی (از اولیاء زن) حق ندارد که او را از ازدواج با کسی باز دارد، و یا به ازدواج با کسی مجبور نمایند.

دختران نابالغ و غیررشید

در این مورد، در صورتی که درستی ازدواج وی پذیرفته شود، بی شک مصلحت اندیشی اولیای دختر لازم است؛ زیرا دختری که به رشد عقلانی و اجتماعی کافی نرسیده، نمی تواند مصالح و مفاسد خود را تشخیص دهد؛ از این رو، اجازه و موافقت پدر شرط است و اگر قرآن می فرماید: «الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ»؛ (۳) یا کسی که پیوند ازدواج به دست اوست. به ولایت پدر و پدر بزرگ پدری بر این نوع ازدواج اشاره دارد که بدون تردید اختصاصی به دختر نیز ندارد.

البته قرآن در مورد ازدواج «ملک یمین = کنیزان» صراحت در لزوم اذن دارد. «فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ»؛ (۴) پس آنان را با رخصت خانواده شان به همسری در آورید.»

دوشیزگان رشید

در مورد دخترانی که به بلوغ عقلانی و رشد کافی رسیده اند، هر چند بکر باشند، در هیچ آیه ای دلالت قطعی بر لزوم اذن و موافقت اولیا وجود ندارد.

ص: ۲۸۳

۱- (۱) بقره / ۲۳۲.

۲- (۲) مقایس اللغه و مصباح المنیر و کتاب العین، ماده «عضل - عضل».

۳- (۳) بقره / ۲۳۷.

۴- (۴) نساء / ۲۵.

روایات نیز بر مسأله دلالت قطعی ندارد؛ زیرا برخی روایات صراحت دارد بر این که کار بکر رشید به دست خود او است، و اگر در پاره ای از روایات آمده است:

«لاتنکح ذوات الآباء من الابکار الا- باذن آبائهن؛ با دخترانی که پدر و پدر بزرگ پدری دارند، بدون اذن آن ها ازدواج نکن.»^(۱) منظور ارشاد به این است که ازدواج با دختری بدون موافقت پدرش ممکن است شادابی بایسته و شایسته را نداشته باشد. ناگفته نماند از نظر حکمت و مصلحت که در برخی موارد نظارت و کنترل پدر و مانند او شرط اساسی است؛ زیرا مرد بنده شهوت و زن اسیر محبت است، آنچه مرد را می لرزاند، شهوت است و آنچه زن را از پای در می آورد، نغمه محبت و عشقی است که از مردی بشنود، در لغزش مرد و اسارت زن، این بزرگ ترها هستند که می توانند آن ها را به مسیر درست و مطابق مصالح رهنمون باشند؛ از این رو وقتی یک بار ازدواج کرد، و سردی و گرمی روزگار و شیرینی و تلخی آن را چشید و ورزیده شد، چندان نیازی به نظارت نیست.

ص: ۲۸۴

۱- (۱) وسائل الشیعه، ابواب عقد النکاح، باب ۶.

کابین (مهر) چرا و چگونه؟

* پاسخ

یکی از امور مهمی که قرآن کریم در موضوع ازدواج مطرح کرده، مسأله کابین یا مهر است که از آغاز پیمان زناشویی تا جدایی زن و شوهر از یکدیگر مورد توجه قرار دارد و با تعبیرهای مختلفی چون صدق، نحل، اجر و فریضه،^(۱) به بیان احکام آن پرداخته، و می فرماید: «وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً»^(۲)؛ و مهریه های زنان را (به عنوان هدیه یا) بدهی به آنان پردازید. و نیز می فرماید: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً»^(۳) و کسانی از زنان را که (با مُتعه و ازدواج موقت) از او بهره می برید، پس مهرشان را، در حالی که واجب شده، به آنان بدهید.

«صدق» به ضم دال، جمع صدق، از ریشه صدق به معنای راستی، و در مقابل دروغ است.

«نحل» به عطیه و بخشش بدون عوض گفته می شود.

«اجر» به معنای چیزی است که در ازای عمل دنیوی یا اخروی عاید انسان می گردد. «فریضه» از ریشه فرض و به معنای جدا کردن چیزی، علم و تقدیر است^(۴).

از این تعبیرها واژه اجر درباره ازدواج موقت به کار رفته است که خود کنایه از مهر است، و دیگر واژگان از زوایای گوناگون در معنای مهر به کار رفته است؛ یعنی بدین جهت به مهر صدق (صدقه) گفته می شود که نشانه

ص: ۲۸۵

۱- (۱) در روایات بیشتر دو تعبیر مهر و صدق به کار رفته است.

۲- (۳) نساء / ۲۴.

۳- (۴). مفردات راغب، واژه «صدق، نحل، اجر و فرض».

راستین بودن علاقه مرد است و به این خاطر بدان نحله گفته اند که در مقابل آن، عوض مالی وجود ندارد، و به این دلیل فریضه نام گرفته که بر مرد واجب و مقدر است که آن را بپردازد.

تعیین مهر

اگر چه مهر شرط صحت عقد ازدواج نیست و عقد بدون تعیین مهریه نیز درست است، ولی ازدواج نمی تواند بدون مهر باشد، مگر برای پیامبر صلی الله علیه و آله؛ چنان که قرآن کریم می فرماید: «... وَامْرَأَةٌ مُؤْمِنَةٌ إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (۱) و (نیز حلال کردیم) زن با ایمان را، در صورتی که خودش را به پیامبر ببخشد، اگر پیامبر بخواهد که او را به همسری برگزیند؛ در حالی که (چنین ازدواجی) مخصوص توست نه سایر مومنان».

این نوع ازدواج به لفظ هبه (وَهَبْتُ) صورت می گیرد، نه با الفاظ انكحْتُ و زَوَّجْتُ، و مهری نیز در بین نیست، لیکن این امر ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ زیرا می فرماید: (خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ).

باید توجه داشت که پیامبر صلی الله علیه و آله یک رشته ویژگی هایی خاص به خود داشته که به «خصائص النبی» مشهور است؛ از جمله در ازدواج، می توان به زنان بدون مهریه، تعدد همسر، (بیش از چهار نفر) و... اشاره کرد؛ اما پیمان زناشویی دیگران همراه با مهر معین می باشد، و اگر چه زن می تواند مهر نخواهد - که بدان (تفویض البضع = واگذاری حق التذاذ) گفته می شود - و یا می توانند بدون هیچ سخن مثبت یا منفی در باره مهر اجرای عقد ازدواج نمایند - این عقد صحیح است - ولی وظیفه پرداخت، در برخی موارد از عهده شوهر ساقط نمی شود. با چنین عقدی، پیش از آمیزش حق هیچ گونه

ص: ۲۸۶

مهری برای زن وجود ندارد؛ همچنین اگر زن یا شوهر بمیرد، و یا عقد فسخ شود، حقی وجود ندارد.

اما اگر شوهر زن را طلاق بدهد، در این صورت بستگی به حال شوهر از نظر فقر، غنا، رفاه و سختی دارد که می باید متاعی به عنوان «مُتَعَه الْمَطْلَقَه» یا «صداق المتعه» پرداخت نماید؛ چرا که قرآن می فرماید:

«(لا- جُنَاحَ عَلَیْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَ مَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ)؛ هیچ گناهی بر شما نیست اگر زنان را طلاق دهید، مادامی که با آنان تماس نگرفته اید یا برایشان مهریه ای تعیین نکرده اید. و (در این هنگام با هدیه ای مناسب) بهره مندشان سازید. توانگر به اندازه [توانایی] اش و تنگدست به اندازه خودش کالایی (بعنوان هدیه ای) پسندیده بدهد. [و این کار] حقی بر عهده نیکوکاران است.»(۱)

«موسع» به معنای توانگر و «مقتر» به معنای تنگدست است، و «متاع» عبارت است از مرکب، لباس و پول(۲). اما پس از آمیزش، زن استحقاق مهرالمثل (مهریه ای که برای امثال این زن تعیین می شود) را دارد(۳)، و «معروف» یعنی شایسته و پسندیده از نظر شرع و عرف، و «حقا» یعنی این وظیفه واجب است.

مهر معین

چنانچه به هنگام پیوند زناشویی و اجرای عقد، مهریه تعیین شود،(۴) ولی

ص: ۲۸۷

۱- (۱) بقره/ ۲۳۶.

۲- (۲) ر. ک: جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۵۵.

۳- (۳) ر. ک: تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۹۷.

۴- (۴) ممکن است اختیار تعیین مهر به مرد و یا شخص سومی داده شود که در این صورت، هر آنچه معین کنند مهر خواهد بود، ولی اگر اختیار تعیین به زن واگذار شود، نمی تواند بیش از مهرالسنة (۵۰۰ درهم) تعیین کند. (ر. ک: تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۰). در این مورد بین فتوای فقها و قوانین مدنی اختلاف است؛ زیرا قانون تا مهرالمثل را اجازه می دهد. (قانون مدنی، ماده ۱۰۹۰).

به دلایلی توافق و تفاهم برای ادامه زندگی نداشته باشد، و بخواهند از یکدیگر جدا شوند، در صورتی که پیش از آمیزش جنسی باشد، شوهر می باید نصف مهر را بپردازد. قرآن کریم می فرماید:

«وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ»؛ (۱) و اگر آن (زن) - ان را، پیش از آنکه با آنان تماس بگیرید، و در حالی که مهری برای آنها تعیین کرده اید، طلاقشان دهید، پس نصف آنچه را تعیین کرده اید (به آنان بدهید) مگر اینکه [آنان] ببخشند.»

ولی اگر پس از آمیزش، طلاق انجام گیرد، باید تمام مهریه، هرچند زیاد باشد، پرداخته شود: «وَ لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا»؛ (۲) و برای شما حلال نیست که از آنچه به آنان داده اید، چیزی [باز] ستانید.»

و نیز می فرماید: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَ آتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا»؛ اگر خواستار جایگزینی همسری به جای همسر (خود) شدید، و به یکی از آنان مال فراوانی (بعنوان مهر) پرداخته اید، پس هیچ چیزی از آن را (باز) نگیرید. آیا آن [مهر] را با تهمت و گناهی آشکار (باز پس) می گیرید؟» (۳) «قنطار» به معنای مال فراوان است که مقدار آن دست کم تا چهار هزار دینار گفته اند (۴).

مهر عطیه است نه قیمت

برخی با توجه به فرضیه های ذهنی خود و یافته های تحمیل شده بر

ص: ۲۸۸

۱- (۱) بقره / ۲۳۷.

۲- (۲) بقره / ۲۲۹.

۳- (۳) نساء / ۲۰.

۴- (۴) مصباح المنیر، ماده «قنطار» و نیز تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۴۰.

تاریخ(۱)، بر این باورند که دادن مهریه به زن از سوی شوهر به معنای پرداخت قیمت زن و خریدن او است، به ویژه این که در دریافت مهر پای پدر و مادر دختر نیز در میان است و هر کدام خود را صاحب بخشی از مهر و شیر بها می دانند.

باید دانست که شیر بها نه مهر است و نه بخشی از مهر و چنانچه مبلغی به عنوان شیر بهاء جزء مهر قرار گیرد و پدر شریک دختر در دریافت مهریه قلمداد شود، از نظر شرعی و قانونی تنها مقدار مهر صحیح و بقیه باطل است، و اگر از روی طیب خاطر مبلغی یا هدیه ای به این عنوان به پدر یا مادر دختر پرداخت، تا عین مال باقی است می تواند پس بگیرد(۲).

اما در رابطه با اصل مهر، حق این است که ریشه مهر از جای دیگر و برای چیز دیگر است. ریشه مهر را باید در سیستم آفرینش زن جستجو کرد که از سیستم آفرینش مرد متفاوت است. برخی تفاوت ها عبارت است از:

۱. در مرد عشق و طلب وجود دارد، و در زن جمال و غنا.

۲. زن از مرد شهوانی تر، ولی در مقابل آن مرد توانا تر است.(۳)

۳. مرد شهوت کم تری دارد، ولی در برابر آن توان خودداری ندارد.

۴. زن در پرتو آرم و عفت درونی خود می داند که عزت و احترام او در این است که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد، بلکه باید کاری کند که مرد را به آستانه خود بکشد، و مردان را به رقابت با یکدیگر وا دارد.

ص: ۲۸۹

۱- ((۱)) شاید این ذهنیت از داستان ازدواج موسی علیه السلام با دختر شعیب ناشی شده باشد. اینان تاریخچه مهر را به چند دوره تقسیم کرده اند که عبارت اند از: دوره مادرشاهی و طفیلی بودن مرد، دوره پدر شاهی ولی با ربودن دختر از قبیله دیگر که مهری در کار نبود، دوره کار برای پدر دختر و دوره پیشکشی هدیه و ظهور مهریه. (ر. ک: نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، ص ۱۹۴).

۲- ((۲)). ر. ک: تحریر الوسيله، ج ۲، ص ۲۹۹.

۳- ((۳)) اگر چه دانشمندان می گویند مرد از زن شهوانی تر است، اما طبق روایات شهوت زن نه برابر شهوت مرد است. (ر. ک: بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۲۲۵ و مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۴۲۸).

۵. در طول تاریخ ثابت شده است که تأثیر زن بر مرد، از تأثیر مرد بر زن بیشتر بوده است. بسیاری از هنر‌نمایی‌ها، دلیری‌ها، نبوغ‌ها، موفقیت‌ها و حتی پیروزی در جنگ‌ها و... برخاسته از اثر بخشی همین قدرت است(۱).

با توجه به ویژگی طلب و تقاضا و فقدان توانایی لازم برای کنترل خود، و نیز تأثیرپذیری مرد از زن از یک سو، و زیبایی و غنا، قدرت کنترل، آزر و حیا، ربایش و قدرت اثر بخشی زن از سوی دیگر، توانسته است مرد را به پیشکشی هدیه‌ای به نام مهر وادار سازد.

از سوی دیگر دریافت مهر توسط زن، خود پشتوانه‌های مالی برای استقلال وی در دوران زندگی مشترک به شمار می‌رود و به هنگامی که مرد سرناسازگاری نهاد و زمینه‌آزار زن را فراهم کرد، ابزار خوبی برای کنترل وی می‌باشد؛ چرا که اگر تاکنون مهریه را پرداخت نکرده است، به خاطر بار مالی نمی‌تواند زور بگوید، و اگر پرداخته است، زن می‌تواند با هزینه کردن آن (فدیة طلاق خلع و مبارات) به خواست خود برسد، و به هنگام جدایی که بخشی از عمر زن گذشته و سرمایه جوانی و زیبایی خود را از دست داده، خسارتی که بر روح و تن وی وارد شده، تا حدی جبران می‌کند و وسیله‌ای برای تأمین زندگی آینده او خواهد بود.

ص: ۲۹۰

چند همسری چرا و به چه شرطی؟

* پاسخ

یکی دیگر از مسائلی که قرآن در امر ازدواج بدان پرداخته، مسأله چند همسری یا تعدد زوجات است: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثًا وَ رُبَاعًا»؛ پس آنچه از زنان، دلخواهتان است، دو دو و (یا) سه سه و (یا) چهار چهار، به زنی بگیریید. (۱)

از آن جا که بررسی این مسأله نیازمند به فرصت بیشتری است و در این نوشتار کوتاه مجال آن نیست، تنها به یادآوری چند نکته بسنده می کنیم. و بررسی همه جانبه آن را به فرصتی دیگر واگذار می نماییم.

۱. «مثنی» یعنی دو تا دو تا «ثلاث» یعنی سه تا سه تا، و «رباع» به معنای چهار تا چهار تا است؛ (۲) البته این بدان معنا نیست که به هنگام ازدواج دو تا دو تا، سه تا سه تا و چهار تا چهار تا باشد، بلکه با توجه به عموم مردم چنین تعبیر کرده است.

۲. «او» در آیه، اگر چه عطف است، به معنای جمع نیست تا دو تا، سه تا و چهارتا و در مجموع نه تا معنا دهد، بلکه بدین معناست که شما می توانید دو تا، یا سه تا و یا چهار همسر داشته باشید؛ از این رو، اگر با «او» عطف می کرد، موهم این معنای بود که هر کسی لزوماً باید دو یا سه و یا چهار تا زن بگیرد.

۳. اسلام نه تنها چند همسری را اختراع نکرد، بلکه چند همسری نامحدود پیش از اسلام را کنترل و محدود نمود و برای آن مرزی (حداکثر تا چهار تا) قرار داد.

ص: ۲۹۱

۱- (۱) نساء/ ۳.

۲- (۲) ر. ك: مفردات، صحاح و مصباح، مادة ثنی، ثلث و ربع.

۴. در تعدد زوجات قید «طاب» وجود دارد که بیانگر این حقیقت است که نباید زنان هرزه را دور خود جمع کند و حرمسرا تشکیل بدهد.

۵. در ادامه آیه جواز تعدد را مشروط به اجرای عدالت کرده، و می فرماید: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً»؛ و اگر می ترسید عدالت را رعایت نکنید، پس (به) یک (همسر)، اکتفا کنید.»

قید عدالت، آن هم با احتمال ترس، زمینه جلوگیری از هوس بازی های مردان است؛ زیرا از یک سو افرادی که بتوانند رعایت عدالت کنند، کم هستند و از سوی دیگر، اگر به واقع عدالت اجرا شود، مشکلی نخواهد بود.

۶. اسلام در میان گونه های مختلف چند همسری (اشتراک جنسی از دو طرف، چند شوهری برای فرزند آوری، چند شوهری برای شهوت رانی (روسی گری) و چند زنی) تنها نوع اخیر را مجاز شمرده است.

عوامل چند همسری

عواملی که می تواند مسأله چند همسری را توجیه نماید، عبارت اند از:

الف) بروز عادت ماهانه؛ ب) خستگی زن از زایمان؛ ج) نازا بودن زن و یائسه شدن او؛ د) فزونی جمعیت زنان بر تعداد مردان؛ هـ) نجات تک همسری.

شهید مطهری می نویسد: «وقتی عدد زنان نیازمند به ازدواج از مردان نیازمند فزونی یافت، اگر حق تأهل این عده از زنان به رسمیت شناخت نشود و به مردان اجازه چند همسری داده نشود، رفیقه بازی و معشوقه گری ریشه تک همسری واقعی را می خشکاند.» (۱)

یادآوری این نکته ضروری است که این عوامل، تنها حکمت (۲) تشریح تعدد زوجات است و علت واقعی آن را فقط ذات اقدس احدی می داند و بس.

ص: ۲۹۲

۱- (۱) نظام حقوق زن در اسلام، ص ۳۹۰.

۲- (۲) علت حکم آن است که وجودش مدار بود و نبود حکم است و حکمت، وجودش مدار وجود حکم است، ولی نبودش موجب نبود حکم نیست.

قرآن چه توصیه‌هایی به زوجین دارد؟

* پاسخ

در اینجا به کسانی که ازدواج کرده و تشکیل خانواده داده اند، دو توصیه قرآنی را یادآور می‌شویم:

۱. همزیستی مسالمت آمیز

زن و شوهر می‌باید کانون خانواده را به بهشتی مبدل سازند که در آن دوستی، محبت، مودت و تفاهم برقرار باشد، نه این که با مشاجره، کشمکش‌ها و جنگ و دعوا، این آشیانه مطمئن خود و فرزندان را به جهنمی سوزان بدل کنند که همگان به ویژه فرزندان معصومشان در آتش آن بسوزند؛ البته اجرای این برنامه بیشتر در گرو برخورد شایسته شوهر است؛ از این رو، خطاب به وی می‌فرماید: «(وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ)؛ و با آنان، بطور پسندیده رفتار کنید.»^(۱)

زندگی مسالمت آمیز بین زن و شوهر به این محقق می‌شود که محبت، صفا، صمیمیت، فرمانبری، رعایت حقوق شرعی و قانونی و از همه مهم تر تفاهم اخلاقی در خانه حاکم باشد.

۲. جدایی شایسته

اگر چنانچه زن و شوهر به هر دلیلی نتوانستند با هم زندگی کنند، حق دارند از یکدیگر جدا شوند، به شرط آن که این جدایی نیز شایسته باشد. این سفارش قرآن است که می‌فرماید: «(فَإِذَا سَأَلَكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ

ص: ۲۹۳

یاْحَسَانٍ)؛ (۱) پس به طور پسندیده نگاه داشتن، یا به نیکی آزاد کردن [همسر بر شما واجب است]». اما این حق را ندارد که همسر خود را تحت فشارهای جسمی و روحی قرار دهد تا وی مجبور شود برای رهایی خود بخشی از مهر خود را ببخشد: «(وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ)؛ (۲) و بر آنان سخت گیری نکنید، تا بخشی از آنچه (مهریه) به آنان داده اید، (از دستشان به در) برید.» حتی در آخرین لحظات زندگی مشترک (روزهای آخر طلاق رجعی) نیز سفارش می کند که یا ماندن به خوشی، یا رهایی به خوبی. «(فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا)؛ و به (روزهای پایانی) سرآمد (عده) شان رسیدند، پس بطور پسندیده نگاهشان دارید، یا بطور پسندیده آزادشان سازید؛ و بخاطر زیان رساندن نگاهشان ندارید، تا (به حقوقشان) تجاوز کنید.» (۳)

از این همه سفارش و تأکید، به روشنی در می یابیم که روح پیام قرآن در زندگی، مودت و رحمت و پیوند زناشویی برای زندگی مسالمت آمیز است.

ص: ۲۹۴

۱- (۱) بقره / ۲۲۹.

۲- (۲) نساء / ۱۹.

۳- (۳) بقره / ۲۳۱.

خواستگاری و عروسی چه آدابی دارد؟

* پاسخ

۱. نگرش الهی به ازدواج

گروهی به حضرت علی علیه السلام طعنه می زدند که «تو با فضیلت ترین و شجاع ترین مرد عرب هستی و می توانستی دختر ثروتمندی را به عقد خود درآوری تا با جهاز خود خانه ات را مزین کنی.» آن حضرت در پاسخ فرمود: «همانا ما قوی هستیم که به دستورهای الهی رضایت داده ایم و جز رضایت خدا چیزی نمی خواهیم و افتخار ما نیز به اعمال نیکو است نه مال و ثروت.» (۱)

همچنین به حضرت فاطمه علیها السلام طعنه زدند که تو همسر مرد فقیری شدی که هیچ مالی ندارد و ایشان در پاسخ فرمود: «من به علی علیه السلام راضی هستم و رضایت من از او بالاترین درجات رضایت است.» (۲)

۲. زمان مناسب

مستحب و نیکو است مراسم عروسی در شب برگزار شود؛ زیرا خداوند شب را زمان آرامش قرار داده است و ولیمه (غذا) عروسی در شب یا روز باشد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«زُفُوا اعْرَائِسَكُمْ لَيْلًا واطعموا ضحاً؛ عروسی و زفاف را در شب برگزار کنید و ولیمه آن را در روز بدهید.» (۳)

حضرت باقر علیه السلام فرمود: «ولیمه عروسی یک روز است و روز دوم بزرگواری و کرم و روز سوم خودنمایی و ریا» (۴) است» سزاوار است مؤمنان دعوت عروسی را اجابت کرده و از ولیمه عروسی تناول کنند.

ص: ۲۹۵

۱- (۱) بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۷.

۲- (۲) عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۳۶۳.

۳- (۳) وسائل الشیعه، کتاب نکاح، باب ۳۷، حدیث ۲.

۴- (۴) همان، باب ۴۰، حدیث ۲.

در صحت عقد ازدواج تعیین مهریه واجب است که بر عهدهٔ مرد قرار می‌گیرد. در روایات از خوبی‌های دختر برای شوهر، کم بودن مهریه و زیاد نبودن آن عنوان شده است و این به خاطر توجه اسلام به سعادت و سلامت عروس و داماد و تشکیل خانواده سعادت‌مند بوده است و می‌بینیم که مهر و جهاز حضرت زهرا علیها السلام با آنچه پدر بزرگوارشان فرموده، مطابقت دارد(۱).

نگرش به مهریه

مهریه، بدهی مرد به زن و پرداخت آن بر او واجب است و اگر کسی مهریه زیاد تعیین کند و قصد پرداخت آن را نداشته باشد؛ چنان که در زمان ما گفته می‌شود: «کی داده و کی گرفته»، معصیت کار بوده و نوعی دزدی محسوب می‌شود.

۴. دعا و صدقه

حضرت علی علیه السلام به مردی که می‌خواست ازدواج کند و از حضرت طلب دعایی کرد، حضرت به او فرمود که بگوید:

«اللهم بكلماتك استحللتها، و بامانتك اخذتها اللهم اجعلها ولو دأ و دوداً لا تفرک تاكل مراح ولا تسأل عمّا سرح(۲)» در هنگام عروسی حضرت زهرا علیها السلام با دیدن جهیزیه مختصر دعا کردند و پس از اجرای صیغه عقد با تکبیرات و تسهيلات مراسم را برگزار کردند.

آری، از آغازین لحظه‌های تشکیل زندگی این دو بزرگوار ارزش‌های الهی و انسانی متجلی بود و سزاوار است شیعیان و محبان این بزرگواران با شناخت بیشتر سیره و منش آنان در مسیر حقیقت گام بردارند.

ص: ۲۹۶

۱- (۱) همان، ابواب المهور.

۲- (۲) همان، باب ۵۵، حدیث ۳.

مراسم عروسی نماد و نقطه آغازی برای تشکیل بنیان مقدس خانواده است و عرف جامعه پس از برگزاری آن به هر شیوه ای باشد، این پیوند مقدس را به رسمیت می شناسد. این مراسم در هر منطقه ای به شکلی خاص انجام می گیرد که نقطه مشترک همه آن ها در این ویژگی است که مجلس عروسی همراه با سرور و شادی بوده و گردانندگان مراسم از برنامه ها و امکاناتی استفاده می کنند که شادی بیشتری به همراه داشته باشد. در متون دینی نیز به این مطلب اشاره شده است که مؤمن واقعی فردی با نشاط و سرزنده است که ناشی از ایمان مذهبی وی می باشد و نمی توان نقش آن را در زمینه های پیدایش شادی و نشاط نادیده گرفت. درقرآن و روایات سفارش شده است که عبادات خود را با نشاط و سرحالی انجام دهید تا بدون داشتن نگرانی به اطمینان قلبی برسید.

برای برخی این شبهه وجود دارد که اساساً نمی توان در مراسم شادی مسائل شرعی و دینی را رعایت کرد و این دو منافات دارند و شادی ها فقط به شادی های ظاهری اطلاق می گردد، در حالی که اگر دقت داشته باشیم به این نکته می رسیم که ارمغان دین برای بشر شادی، سرور، بهجت به معنای عمیق آن است و مؤمنان واقعی عمیق ترین این شادی و خوشحالی ها را دارند. زیارت با معرفت معصومین علیهم السلام، نماز با حضور قلب، تدبر در قرآن تا انفاق و صدقه ای که به اهلش می رسد، کشف راز علمی، پیروزی در رقابت ورزشی، شادمانی و خرسندی که از حسن انجام وظیفه حاصل می شود، احساسی که پس از توسعه رزق و روزی که برای خانواده مهیا کرده است، رضایت از خدمتی که به بشریت عرضه کرده است و ده ها و صدها احساس بهجت و سرور که پس از انجام کارهای خداپسندانه و مطابق

فطرت پاک انسانی پدیدار می شود، برگرفته شده از یک جوهره و حقیقت بوده و همه جلوه ای از زیبایی و عظمت و کمال بی حد و حصر خداوند متعال است، که برای کسانی که در این مسیر زندگی می کنند، شادی های ظاهری و باطنی به همراه دارد و در مقابل هر آنچه شادی و سرور از راه های شیطانی و انحرافی حاصل می شود، زودگذر و لحظه ای بوده و پس از اندکی آثار سوء خود را مشخص خواهد کرد؛ همانند فردی که از مواد مخدر و مشروبات الکلی برای شادی چند لحظه ای خود استفاده می کند. اکنون که با ماهیت شادی واقعی آشنا شدیم، به این نکته توجه می کنیم که مؤمن برای لذت و شادی چند دقیقه ای، مرتکب نافرمانی خدا نمی شود تا برای شادی مراسم عروسی خود گرفتار آداب آلوده به گناه گردد.

گاهی در مراسم ازدواج، اختلاط زن و مرد با پوشش نامناسب، موسیقی حرام، مزاحمت برای دیگران از جمله همسایه ها و به راه انداختن کارناوال های پر طمطراق، اسراف، چشم و هم چشمی، بی توجهی به واجبات مهمی مانند نماز دیده می شود که ناشی از عدم آگاهی برگزار کنندگان از لذت و شادی واقعی است که همیشه به دست خداست و با گناه و معصیت به دست نمی آید.

راهکارها

برای اجرای مراسم عروسی با رعایت اصل شادی و شادمانی به دور از امور غیر قابل قبول نزد شرع و عرف باید نگرش های جدید و صحیح را اعتقاد و باور داشت و از مدت ها قبل برای جایگزین کردن آن ها با امور خرافی و غیرشرعی برنامه ریزی کرد. قبل از ذکر راهکارها این نکته جالب توجه است که با کسب آگاهی های لازم و این که انسان با توانایی خود می تواند گره از مشکل ترین کارها بگشاید و امور را بر وفق مراد خود تنظیم

ص: ۲۹۸

کند، می تواند بر موانع و مراثت ها پیروز گردد. برای این که مجلس عروسی برگزار کنیم که هم سرشار از شادی باشد و هم از گناه و معصیت به دور ماند و خانواده و فامیل نیز راضی باشند، توجه به نکات زیر سازنده خواهد بود:

۱. سعی شود ابتدا دختر و پسر انجام چنین مراسمی را به صورت جدی از بزرگ ترها خواستار شوند و به برگزاری آن باور و اعتقاد داشته باشند؛ پس اهمیت موضوع را در شرایط مختلف به اعضای خانواده ها به ویژه والدین و خواهران و برادران خود تفهیم کنند و برای همه روشن کنند که عروس و داماد حق دارند مطابق نظریات خودشان مراسم عروسی را برگزار کنند.

۲. چون آداب نادرست در عروسی در طول زمان پایدار شده و به صورت یک فرهنگ در آمده است، می توان با جایگزین های مناسب فرهنگ و آداب نادرست را تغییر داد؛ از جمله این جایگزین ها می توان به استفاده از مداحان موفق در این گونه مجالس و هنرمندانی که با تردستی های مفید و یا خواندن اشعار و لطیفه های مناسب مجلس گردانی می کنند، استفاده کرد.

بهبتر است مجالس عروسی در مناسبت های مذهبی و جشن های میلاد ائمه علیهم السلام برگزار گردد و سپس از وجود مداحان و هنرمندان استفاده برد؛ همچنین حضور برخی شخصیت های مذهبی و معتمدان محلی نیز چاره ساز خواهد بود.

۳. اگر ممکن نبود مراسمی صد در صد به دور از این گونه برنامه ها باشد، سعی شود جلوی برخی گناهان بزرگ گرفته شود؛ مانند جلوگیری از اختلاط زن و مرد و... و عروس و داماد به انجام این امور رضایت ندهند تا گناهی به حساب آنان نباشد.

برخی فقهاء خواستگاری را مستحب دانسته اند و همچنین مستحب است مردی که تصمیم بر ازدواج می گیرد، قبل از تعیین دختر و خواستگاری از او، دور رکعت نماز بخواند و پس از آن به دعاهایی که از ائمه علیهم السلام رسیده، تمسک جوید (۱).

از پسندیده ترین آداب ازدواج که ریشه در فطرت انسانی و طبیعت و نظام آفرینش دارد و در مناطق مختلف به عنوان یکی از رسوم و آیین و حامل اندرزهای حکیمانه پذیرفته شده است و اجرا می شود، خواستگاری است. در خواستگاری، مرد به خواستن زن اقدام می نماید و برای اجرای آن از طریق خود او و یا خانواده و دوستان او اولین گام برداشته می شود و این زن است که مؤدبانه و پسندیده خواسته می شود و طلب و عشق مرد را می پذیرد که به قول شهید مطهری یکی از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت به شمار می رود (۲).

از این رو، در قرآن که آیین فطرت است و روایات معصومین علیهم السلام نیز در هماهنگی با فطرت و نظام آفرینش، مردان در امر ازدواج مورد خطاب واقع شده اند و به طور مستقیم به آن ها دستور خواستگاری و انتخاب همسر داده شده است، آن جا که خداوند در آیه مربوط به خواستگاری می فرماید:

(و لا جناح ... أنفسکم) (۳)

ص: ۳۰۰

۱- (۱). همان، و عروه الوثقی، ج ۲، باب نکاح، مسئله ۵. «اللهم انی ارید أن اتزوج فقدر لی من النساء اعفیفهن فرجاً و احفظن لی فی نفسها و مالی و او سعهن رزقاً و اعظمن برکه و قدر لی ولداً طیباً و تجعله خلفاً صالحاً فی حیاتی و بعد موتی».

۲- (۲) نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری، ص ۱۵.

۳- (۳) بقره / ۲۳۵.

و آیه ازدواج می فرماید: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ»؛^(۱) پس آنچه از زنان، دلخواهتان است به زنی بگیرید.»

شایسته است زنان و خانواده هایشان مردانی را که دارای صفات پسندیده اند و از برخی صفات ناپسند به دورند، بپذیرند و رد نکنند که باعث فتنه انگیزی و فساد در جامعه خواهد شد^(۲).

شوهر مطلوب

براساس دسته ای از روایات نورانی که از معصومین علیهم السلام رسیده است، پنج ویژگی خواستگار عبارت اند از: اخلاق، دین، امانت، عفت و توانایی در تأمین هزینه زندگی^(۳). و سزاوار است که (زن) دختر و خانواده او به خواستگاری شارب الخمر (معتاد به شراب و یا مانند آن) بدخلق و خو، مخث و فاسق جواب رد بدهند؛ زیرا چنین فردی همشان نمی باشد و نمی تواند زندگی سعادت‌مندی داشته باشد^(۴).

همسر مطلوب

مردی که قصد ازدواج دارد، نمی تواند از هر زنی خواستگاری کند، بلکه از نظر دستورهای دینی که در قانون نیز بدان تصریح شده است، می تواند از هر زنی که خالی از موانع ازدواج باشد. (موارد آن ذکر خواهد شد) یعنی ازدواج با او مشروع باشد، خواستگاری نماید^(۵).

ازدواج با چند گروه از زنان حرام است و در نتیجه نمی توان از آنان خواستگاری کرد که عبارت اند از:

ص: ۳۰۱

۱- (۱) نساء/ ۳.

۲- (۲) تهذیب الاحکام، ج ۷، کتاب نکاح، باب ۳۳، کفویت در ازدواج؛ تحریر الوسیله، کتاب نکاح، مسئله ۴؛ وسائل الشیعه، کتاب نکاح، باب ۲۸؛ فروع کافی، باب ۲۴ و ۲۵.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) تهذیب الاحکام، ج ۷، کتاب نکاح، باب ۳۳، کفویت در ازدواج؛ وسایل الشیعه، باب ۲۹ و ۳۰.

۵- (۵) ر. ک: در پاسخ پرسش های دیگر، این موارد روشن شده است.

۱. زنانی که با انسان حرام دایمی هستند؛ مانند، خاله، عمه، مادر.

۲. زنانی که به سببی خاص بر انسان حرام می شوند؛ مانند زن پدر، خواهر زن مادامی که همسر انسان زنده است و یا زنانی که همسر دارند، مادر زن، و....

۳. زنانی که از طریق شیر خوردن از یک مادر با شرایط خاص بر مرد حرام می شوند.

۴. زنانی که به خاطر کفر و طلاق و یا ارتباط نامشروع جنسی بر مرد حرام می شوند(۱).

پیشنهاد خواستگاری

ممکن است این پیشنهاد بدون دخالت خانواده و یا دوستان وی به دختر گفته شود؛ اما در این مرحله نیز انسان عاقل سعی می کند با در نظر گرفتن فرهنگ جامعه و آداب و رسوم اجتماعی و ارج نهادن به مقام و منزلت زن و همچنین احترام به والدین و دیگران و بهره مندی از حمایت های مادی و معنوی آن ها و احترام به پیوندهای نزدیک خانوادگی از تنها پیشقدم شدن اجتناب نماید و باعث جلوگیری از برخی آسیب های روحی و روانی و برخی عوارض منفی شود که معمولاً ناشی از تحت تأثیر احساسات و عواطف قرار گرفتن طرفین به ویژه دختر می باشد؛ بنابراین، مناسب است مقدمات خواستگاری نیز به شیوه پسندیده و معمول هر منطقه ای صورت بگیرد.

مستحب است مرد هنگامی که تصمیم بر ازدواج می گیرد، قبل از این که دختر معینی را برای خواستگاری مدنظر قرار دهد، دو رکعت نماز بخواند و دعا کند و سپس به خواستگاری اقدام نماید.

ص: ۳۰۲

۱- (۱) ر. ک: توضیح المسائل، مراجع؛ تحریر الوسيله، امام خمینی رحمه الله.

جلسه خواستگاری در هر منطقه آدابی دارد که مطابق آن برگزار می شود، ولی وجوه مشترکی نیز وجود دارد؛ مانند گفتگوی خانواده ها در این جلسه، امروزه تقریباً همه جا پسر و دختر نیز جداگانه با یکدیگر به گفتگو نشسته و از نزدیک در باره شخصیت خود و اهداف و دیدگاه ها و برنامه هایشان برای زندگی آینده صحبت می کنند و در این دیدار اگر به تفاهم رسیدند، انس و الفت مضاعفی حاصل خواهد شد.

در این دیدار، به مرد اجازه داده شده است که به صورت و دست ها و مو و قسمت های زیبای (محاسن) دختر مورد نظر نگاه کند و احتیاطاً از روی لباس نازک و چون که برای شناخت و اطلاع یافتن بر حال و وضعیت دختر است، محدودیتی از نظر دفعات نگاه کردن نیست؛ البته توجه به این نکته ضروری است که جواز شرعی مسأله زمانی است که تصمیم مرد به ازدواج جدی باشد و احتمال حصول توافق بر ازدواج بدهد و امکان ازدواج با زن فراهم و با این نگاه در صدد انتخاب همسر باشد(۱). از دیگر ویژگی های این دیدار، این است که زیبایی های ظاهری را بر اساس گرایش طبیعی و فطری انسان به زیبایی و جمال، مورد توجه قرار می دهد و نقش آن را در انتخاب هایی که انسان در زندگی دارد، به ویژه ازدواج نمی توان نادیده گرفت و از این طریق، باعث ایجاد و استمرار محبت و صمیمیت می گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به جوانی که قصد ازدواج داشت، فرمودند:

«لو نظرت الیها فأنه اخی ان یو دم بینکما(۲)؛ نگاه به دختر مورد نظر برای دوام ازدواج شما بهتر است.»

ص: ۳۰۳

۱- (۱) تحریر الوسیله، امام خمینی رحمه الله، کتاب نکاح، مسئله ۲۸؛ وسایل الشیعه، کتاب نکاح، باب ۲۶.

۲- (۲) وسایل الشیعه، کتاب نکاح، باب ۳۶ حدیث ۱۳.

به ویژه این که مورد پسند بودن همسر تأثیر عمیقی در روابط سرشار از عاطفه و احساسات زن و شوهر دارد و حقیقت نگاه مرد که به قول شهید مطهری طبیعت و خلقت وی را مظهر طلب و عشق و تقاضا قرار داده، این است که کمک می کند مرد به بهترین شکل به وصالش برسد.

۷. روابط دوران نامزدی و لزوم خواندن صیغه محرمیت

دوران نامزدی پس از قبول پسر و دختر برای ازدواج شروع می شود و تا زمانی که صیغه عقد شرعی خوانده نشده، دختر و پسر با یکدیگر نامحرم و بیگانه اند، هرچند در آینده ازدواج کنند؛ بنابراین، باید روابط خودشان را با معیارهای شرعی بسنجند و از ملازمت با یکدیگر، گفتگوی طولانی، خلوت کردن با یکدیگر و ارتباط نزدیک به ویژه ارتباط جنسی نامشروع پرهیزند و در موارد ضروری از پدر یا سرپرست دختر رخصت بگیرند^(۱) و عقد موقت جاری کنند.

بنابراین، اگر فاصله بین خواستگاری و اجرای مراسم عقد شرعی طولانی می شود، برای این که موانع شرعی روابط در این دوران برداشته شود، مناسب است صیغه محرمیت شرعی خوانده شود. این عقد همان شرایط ازدواج موقت را دارد و خانواده ها می توانند آن را به صورت مشروط اجرا کنند و از بعضی جهات محدودیت هایی را در روابط دختر و پسر اعمال نمایند.

از شرایط اصلی صیغه محرمیت تعیین مهریه و تعیین مدت است. اگر طرفین بخواهند عقد دائم بخوانند، ولی هنوز مدتی که در عقد محرمیت ذکر کرده بودند، باقی است، مدت باقی مانده را می بخشند و سپس عقد جدید جاری می شود^(۲).

ص: ۳۰۴

۱- (۱) همان، باب ۱۰۵ و ۱۱۸.

۲- (۲) تحریر الوسیله، امام خمینی رحمه الله، القول فی النکاح المؤجل، ص ۲۷۴-۲۷۷؛ وسایل الشیعه، کتاب نکاح، باب المتعه، باب ۱۸.

برای اجرای این کار فوایدی مادی و معنوی مترتب می شود؛ از جمله این که اصل اجرای صیغه محرمیت خشنودی خداوند را به همراه دارد و بهترین راه حل برای مقابله با رفتارهای غیر شرعی و باورهای غلط در مقدمات ازدواج است و به جای این که نامزدها از این گونه روابط احساس تخلف و دلهره و دغدغه داشته باشند، با خواندن عقد محرمیت به این ارتباط رسمیت داده می شود و (عوارض) احساسات منفی جای خود را به احساس عاطفی - الهی در مسیر رشد و شکوفایی و آرامش روانی در راستای تقویت ایمان می دهد و از خوشگذرانی و دوستی های خطرناک جلوگیری می کند.

۸. زمان اجرای عقد

در برگزاری مراسم عقد و عروسی بهتر است از بعضی امور که پیامدهای منفی دارد و در روایات به آن ها اشاره شده است، اجتناب گردد، از جمله این که صیغه عقد در زمانی خوانده نشود که قمر در برج عقرب باشد و یا در روز چهارشنبه و یا در زمانی که ماه در محاق باشد (دو یا سه شب آخر ماه) (۱) و ایام وفات و سوگواری معصومین علیهم السلام به ویژه ایام محرم و صفر.

ص: ۳۰۵

۱- (۱) عروه الوثقی، باب نکاح، مساله ۶؛ وسایل الشیعه، کتاب نکاح، باب ۵۴.

نظر قرآن در باره ازدواج موقت چیست؟

* پاسخ

در مورد ازدواج موقت چند بحث اساسی وجود دارد:

الف - ازدواج موقت قبل از اسلام؛

ب - ازدواج موقت بعد از اسلام؛

- ازدواج موقت از منظر قرآن؛

- ازدواج موقت از منظر روایات؛

- ازدواج موقت در فتوای جدید برخی از علمای اهل سنت؛

- ازدواج موقت از منظر عقل؛

- ازدواج موقت از منظر حقوق؛

- راهکار اجرای ازدواج موقت؛

- شرایط و مقررات ازدواج موقت.

مقدمه

از شیرین ترین و پرخطرترین رخدادهای دوران حیات هر فردی ازدواج است که خداوند آن را از آیات خود معرفی کرده است:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ)؛ و از نشانه های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان ها آرامش یابید، و در بین شما دوستی و رحمت قرارداد؛ قطعاً در آن [ها] نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.» و در آیات دیگر به آن توصیه و سفارش نموده است و فقر را مانع آن نمی داند:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ وَلَيْسَ تَتَغَفَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتُغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتِغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و افراد بی همسر تان، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید؛ اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می سازد؛ و خدا گشایشگری داناست. و کسانی که (وسایل) ازدواج نمی یابند، باید خویشنداری کنند تا خدا از بخشش خود آنان را توانگر سازد. و از میان آنچه (از بردگان) مالک شده اید، کسانی که خواستار (قرارداد آزادی) = مُکاتبه هستند، پس با آنان (قرارداد) مُکاتبه ببندید، اگر در (آزادی) ایشان نیکی می دانید؛ و از مال خدا که به شما داده، به آنان بدهید. و کنیزان جوانسال خود را اگر پاکدامنی را می خواهند، بر تجاوزکاری (= زنا) به اکراه و امدارید، تا (کالای) ناپایدار زندگی پست (دنیا) را بجوید؛ و هر کس آنان را (بر این کار) به اکراه و امدار کند (و پشیمان شود)، پس بعد از اکراه آنان خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.»

افزون بر آیات قرآن، روایات اسلامی نیز ضمن پرهیز دادن انسان ها از رهبانیت، ازدواج را به عنوان سنت معرفی کرده و رویگردانی از آن را روی گردانی از سنت و دین رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی می کند:

«النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی (۱).»

بیش از اسلام و تشریح احکام نورانی آن، مردم در قالب های مختلفی ازدواج می کردند و هر کدام از این قالب ها برای ایشان از منزلگاه خاصی برخوردار بود (۲). در این نوشتار بر آنیم تا ضمن بررسی ازدواج موقت (متعّه) چهره واضح و روشن از این نوع ازدواج ارائه دهیم و آن را به عنوان

ص: ۳۰۷

۱- (۱) میزان الحکمه، محمدی ری شهری، مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۴، ص ۲۷۱، ح ۷۸۰۲.

۲- (۲) انواع ازدواج های مرسوم در زمان جاهلیت عبارت اند از: ۱. نکاح الاستبضاع؛ ۲. نکاح الرهط؛ ۳. نکاح البدل؛ ۴. نکاح المقت؛ ۵. نکاح الخدن؛ ۶. نکاح الشعار؛ ۷. نکاح السفاح؛ ۸. زواج المتعه. برای توضیح بیشتر ر. ک: تاریخ الجاهلیه، عمر فروخ، ص ۱۵۶؛ جاهلیت و اسلام، یحیی نوری، ص ۶۰۲ به بعد.

راهکاری در ترویج فرهنگ ناب اسلامی در مسیر کاهش آمار مفاسد اجتماعی آشکار و نهان معرفی نماییم، باشد تا با به کارگیری این شیوه صحیح گامی در راستای اصلاح روابط زن و مرد در جامعه اسلامی برداریم.

۱. سابقه تاریخی ازدواج موقت

این نوع از ازدواج به همراه انواع دیگر در میان امت های پیشین و قبل از اسلام وجود داشته است در کتاب دکتر عمر فروخ می نویسد:

این عقد که از عقود ازدواج زمان قبل از اسلام است بین مرد و زن غیرباکره بود که این عقد در زمان معینی براساس مهر مشخص بسته می شد، و این نوع از ازدواج با پایان یافتن مدت تمام می شد (۱).

۲. ازدواج موقت در اسلام

ازدواج موقت در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در دوران حکومت ابوبکر و بیشتر از نیمی از زمان حکومت عمر مرسوم بود، لیکن در اواخر حکومت عمر بن خطاب این مسأله با نهی و جلوگیری شدید عمر رو به رو شده وی اعلام کرد: اگر به من خبر دهند که مردی ازدواج موقت کرده، وی را سنگسار خواهم کرد.

او در خطبه ای دیگر گفت: «همانا قرآن همان قرآن است و رسول، همان رسول، اگرچه دو متعه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله حلال بود [متعه حج و متعه زنان] پس من از آن دو نهی و جلوگیری می کنم و بر مرتکب شونده آن حد زنا جاری می سازم.» (۲) این عمل خلیفه مورد اعتراض بزرگان صحابه قرار گرفت؛ از جمله مخالفان عبارت اند از:

۱. امیرالمومنین علی علیه السلام که فرمودند: اگر عمر از ازدواج موقت جلوگیری نمی کرد، به جز شخص شقی و بد سرشت کسی زنا نمی کرد (۳).

۲. عبدالله بن عمر؛ ۳. عبدالله بن عباس؛ ۴. جابر بن عبدالله انصاری.

ص: ۳۰۸

۱- (۱) نگرشی نو بر ازدواج موقت، سید محمد حسین سجاد.

۲- (۲) مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۲۸-۲۶.

۳- (۳) تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۱۰، ص ۵۱.

راغب در کتاب محاضرات خود می گوید: روزی یحیی بن اکثم به بزرگی از اهل بصره گفت: چرا ازدواج موقت را حلال می دانی و از چه کسی در این مورد پیروی می کنی؟ شیخ گفت: به عمر بن الخطاب. یحیی گفت: چگونه ممکن است و حال آن که عمر در این مورد اول کسی بود که جلوگیری کرد و خیلی در این مورد تعصب به خرج داد.

شیخ گفت: به خاطر آن که خبر صحیحی از جانب عمر به ما رسیده است و به آن عمل می کنیم و آن خبر این است که: روزی عمر بالای منبر رفت و گفت: به درستی که خدا و رسولش برای شما دو نوع متعه را حلال کرده اند؛ متعه حج و متعه زنان، ولی من آن دو را بر شما حرام می کنم و کسی که مرتکب شود، او را سنگسار می نمایم؛ پس ما شهادت عمر را بر حلال بودن متعه قبول می کنیم، لیکن حرام کردنش را خیر(۱).

به گواهی تاریخ و به اتفاق همه علمای شیعه و سنی، اولین کسی که متعه و ازدواج موقت را منع کرد و به خلاف خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این مورد دستور داد حتی برای مرتکب شونده حد قرار داد عمر بن الخطاب بود(۲). اما علمای شیعه به تبعیت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ازدواج موقت را جایز می دانند. شهید ثانی در این مورد می نویسد: آن قدر احادیث در مورد ازدواج موقت به ما رسیده که نزدیک است به حد تواتر برسد و البته این کثرت احادیث در حالی است که شیعه و امامان آن مراحل سخت سیاسی دوران بنی امیه و بنی عباس را طی کردند و این بسی جای تعجب است که با این همه موانع این قدر زیاد احادیث در این مورد به ما رسیده است.

ازدواج موقت در قرآن مجید

«وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصَنَاتٍ مِنْ غَيْرِ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ

ص: ۳۰۹

۱- ((۱)) الغدير، ج ۶، ص ۲۱۲.

۲- ((۲)) الغدير، ج ۳، ص ۳۳۳.

بِهِ مِنْهُنَّ فَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَ بَيْنُكُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا) ۱؛ و زنان شوهردار (نیز بر شما حرام است؛) مگر آنچه (از کنیزان) که مالک شده‌اید. (این احکامی است که) خدا بر شما مقرر داشته است. و غیر از این (زنان نامبرده)، برای شما حلال است، که با اموالتان آنان را طلب کنید؛ در حالی که پاکدامنان غیر زشتکار (= غیر زناکار) باشید. و کسانی از زنان را که (با متعه و ازدواج موقت) از او بهره می‌برید، پس مهرشان را، در حالی که واجب شده، به آنان بدهید. و هیچ گناهی بر شما نیست در آنچه، بعد از وجوب (مهر)، با یکدیگر در موردش توافق کردید؛ براستی که خدا، دانای فرزانه است.»

درباره چگونگی استدلال به آیه شریفه بر ازدواج موقت توجه به نکات زیر راهگشاست:

الف) شان نزول: این آیه از آیات مدنی است که در سال اول هجرت در شرایطی که مسلمانان در مقابل پرداخت اجرت، ازدواج موقت می‌کردند، نازل شد. لیکن؛ البته مسلمانان در پرداخت اجرت به زنان مسامحه می‌کردند؛ از این رو، آیه بر طبق عادت معمولی برای تاکید در پرداخت اجرت نازل شد که بیانگر تایید ازدواج موقت می‌باشد.

ب) کاربرد واژه «متعّه»: کاربرد این واژه در عرف مردم به معنای متداول «ازدواج موقت» بیانگر این مطلب است که این آیه در مورد ازدواج موقت است.

ج) سیاق آیه: این آیه در ادامه آیات مربوط به بیان شأن و جایگاه ارتباط زناشویی در قالب حلال و حرام است و نوعی دیگر ازدواج را بیان می‌کند که باید در باره آن توضیح داده شود در آیه می‌خوانیم: «و کسانی از زنان را که (با متعه و ازدواج موقت) از او بهره می‌برید، پس مهرشان را در حالی که واجب شده به آن‌ها بدهید.»

پرداخت اجرت نیز در بهره برداری در ازدواج موقت قابل تصور است. آیه بعد هم در مورد ارتباط صحیح زناشویی است.

د) نظرگاه مفسران: علامه امینی هجده منبع را از منابع اصلی معرفی می کند و این آیه را در مورد ازدواج موقت می داند (۱)؛ از جمله مجمع البیان، المیزان، و...

ه) گفته عمر: این گفته که متعه حج و متعه نساء در زمان پیامبر وجود داشت و من ممنوع کردم، دلالت بر وجود ازدواج موقت در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله دارد؛ همان طور که از این آیه به دست می آید.

ازدواج موقت در روایات شیعه

بیان شد که تعداد قابل توجهی از روایات شیعه در تفسیر آیه ازدواج موقت و پیرامون مسائل دیگر از جانب اهل بیت عصمت علیهم السلام مطرح شده است. در یک تقسیم بندی می توان روایات را به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

دسته اول: احادیث دلالت کننده بر جواز ازدواج موقت و علت آن.

محمد بن مسلم می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی نسبت به شما رأفت و مهربانی کرده و عوض از حرام کردن شراب، ازدواج موقت را حلال نموده است (۲).

امام رضا علیه السلام متعه و ازدواج موقت را از شرایط اسلام دانسته و می فرماید: محض اسلام، و اساس اسلام شهادت به وحدانیت خداوند است... و از اساس اسلام این است که متعین (ازدواج موقت، تمتع و لذت جویی در ایام حج بین عمره و اعمال حج) را حلال بدانی؛ آن دو متعه ای که خداوند در کتابش آیه ای در موردش نازل فرموده، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن دو را سنت و مستحب قرار داده است (۳).

ص: ۳۱۱

۱- (۱) الغدير، ج ۳، ص ۲۳۰-۲۳۱.

۲- (۲) وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۴۳۸ ح ۷، باب یک، ابواب المتعه کتاب النکاح.

۳- (۳) همان، ص ۴۳۹، ح ۱۵.

دسته دوم: احادیثی که بر مستحب بودن ازدواج موقت دلالت دارند.

صالح بن عقبه از پدرش نقل می کند که گفت:

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا برای کسی که ازدواج موقت بنماید، ثوابی (از طرف خدا) در نظر گرفته شده است؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر با این عمل (ازدواج موقت) قصد قربت کند و... کلمه ای با آن زن صحبت نمی نماید، مگر آن که خداوند به عدد هر کلمه حسنه ای برای او قرار می دهد و دستی به طرف زن دراز نمی نماید مگر این که خداوند برای او حسنه ای قرار می دهد و وقتی به او نزدیک شود، خداوند گناهی از او می آمرزد، و وقتی غسل می کند، خداوند به عدد هر مویی از بدن او که آب بر آن جریان پیدا می کند، از او گناه می بخشد.

عقبه می گوید: (با تعجب) پرسید: به عدد هر مو؟

حضرت فرمودند: (آری) به عدد هر مو (خداوند گناهی از او می بخشد) (۱).

هشام از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: همانا دوست دارم که مؤمن از دنیا نرود مگر آن که ازدواج موقت کرده باشد، هرچند یک مرتبه (۲).

دسته سوم: احادیثی که بر کراهت ازدواج موقت در مواردی دلالت می کند.

محمد بن فیض گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد متعه و ازدواج موقت سؤال کردم، حضرت فرمود: آری، اگر زن عارفه و آگاه باشد، اشکال ندارد (شما را از چند دسته زنان بر حذر می دارم): از «کواشف» بر حذر باشید، از «دواعی» بر حذر باشید از «بغایا» بر حذر باشید و از شوهرداران بر حذر باشید.

عرض کردم: کواشف چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: زنانی که کشف شده هستند (بی حجاب هستند) و خانه هایشان شخصی است و رفت و آمد (نامشروع) دارند.

ص: ۳۱۲

۱- (۱) من لایحضره الفقیه، کتاب النکاح باب المتعه، ج ۳، ص ۴۶۳، ج ۱۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۲، حدیث ۲.

۲- (۲) همان، ج ۱۴، ص ۴۴۳، حدیث ۷.

عرض کردم: دواعی چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: زنانی که مردان را به خود می خوانند و به فساد شناخته شده اند.

عرض کردم بغایا چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: زنانی هستند که به زنا معروف می باشند.

عرض کردم: شوهرداران چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: زنانی که به طور غیر شرعی طلاق داده شده اند (۱).

دسته چهارم: احادیثی که احکام متعه را بیان می کنند.

شیخ حر عاملی از محدثان قرن دوازدهم و نویسنده کتاب گران سنگ و سایل الشیعه در بخش نهم از کتاب النکاح، ۴۶ باب با عناوین گوناگون باز کرده است و تعداد ۲۲۳ روایت نقل می کند؛ از جمله:

۱. باب مباح بودن ازدواج موقت (۳۲ روایت)؛

۲. باب مستحب بودن ازدواج موقت (۱۵ روایت)؛

۳. باب مستحب بودن ازدواج موقت، اگرچه عهد بسته باشد که آن را ترک کند یا بر او نذر کرده باشد (۳ روایت)؛

۴. مکروه بودن متعه در صورت بی نیازی و منجر شدن به فساد زنان (۶ روایت)؛

۵. باب مستحب بودن ازدواج موقت با زنان امین و عفیف (۳ روایت)؛

و ابواب دیگر که در بیان احکام، شرایط و آداب ازدواج موقت است.

این تعداد روایت بیانگر اهمیت موضوع در پیشگاه ائمه معصومین علیهم السلام راویان و محدثان اخبار معصومین علیهم السلام است.

فتوای جدید برخی از علمای اهل سنت درباره ازدواج موقت

(۲)

مشکل بالا رفتن سن ازدواج دختران، تنها به کشورهای عربی خاور میانه محدود نمی شود، بلکه به یک شیخ تهدید آمیز برای همه کشورهای

ص: ۳۱۳

۱- (۱) وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب المتعه، باب ۸، حدیث ۳.

۲- (۲). ماهنامه معارف، صاحب امتیاز: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، معاونت امور اساتید، خرداد و تیر ۱۳۸۵، شماره

اسلامی تبدیل شده است. وب سایت «محیط» طی گزارشی، خاطر نشان کرد که ۳۴ دختران در کشورهای عربی از سن ۳۵ سال گذشته اند و این افراد را دختران ناامید می نامند، زیرا دیگرامیدی به ازدواج با فردی شایسته و دلخواه ندارند. تنها در مصر ۸ میلیون ناامید وجود دارد، در مراکش وضعیت بدتر است. ممکن است همین رقم و شاید هم بیشتر از آن وجود داشته باشند، البته کشورهای عربی خلیج فارس نیز همین مشکل را به نوع دیگری دارند. در این میان، وضع «یمن» از همه بدتر است. درصد ازدواج های زود هنگام، اشتغال دختران خردسال به عنوان خدمتکار و... ناهنجاری های بسیاری را ایجاد کرده است. بالا-رفتن آمار دختران ناامید به عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برمی گردد. در این میان، بالا رفتن سن ازدواج پسران نیز بر این پدیده تأثیر گذاشته است. از نظر فرهنگی، امروزه ازدواج پسران در سن بالا، امری ناپسند به حساب نمی آید، حال آنکه تا نیمه قرن گذشته، میانگین سن ازدواج پسران ۲۲ سال بود و مجرد بودن آنان، امری ناپسند تلقی می شد، در سال های اخیر در کشورهای عربی، کنفرانس های متعددی در خصوص راهکارهایی برای حل مشکل دیر ازدواجی و پیر دختری برگزار شده است. یکی از راه هایی که مورد بررسی قرار گرفت، ازدواج موقت است. در فقه شیعه، ازدواج موقت و زمان دار و به قصد طلاق برای زنان بدون شوهر با شرایط خاص، مجاز است، اما در فقه اهل سنت، ازدواج موقت و یا هر ازدواجی که مدت دار باشد، حرام است.

به تازگی، تعدادی از علمای اهل سنت اعلام کرده اند که خلیفه دوم، سنت خدا و پیامبر را حرام کرده است، در حالی که این حرمت، جایگاه شرعی و قانونی نداشته است. از جمله در کتابی به نام «ازدواج متعه حلال است»، صالح وردانی، فقیه سنی سلفی مصری، نوشته است که دلا-یلی بر تحریم ازدواج موقت و نیز دلا-یلی بر تأیید آن وجود دارد، اما دلا-یلی که در تأیید وجود دارند، محکم ترند، زیرا همه آنها به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

منسوبند، اما دلایل ابطال به خلیفه دوم و صحاح سته منسوب است. ولی در استدلال های خود، به فقه شیعه نزدیک شده و به طور ضمنی، احادیث شیعه را در مورد ازدواج موقت، صحیح دانسته و ادله فقهای که در نسخ آن، سخن گفته اند را با نقد و بررسی فقهی رد کرده است.

این نخستین بار است که یک مفتی سنی، وارد مباحث و مفاهیم بنیادین در رفتارشناسی جنسی مانند: آموزش و تربیت جنسی، جنسیت یا تمایل جنسی، هویت جنسی، نقش جنسی، حدود و ثغور آموزش و تربیت جنسی، آموزش جنسی قبل از ازدواج می شود و درباره آنها کند و کاو می کند.

به هر حال، مسأله ازدواج موقت، یکی از موضوعات قابل بحث در حوزه وضعیت زنان در کشورهای عربی است. بیهو زانی که در کشورهای مانند مغرب، مصر، الجزایر و یمن زیر فشارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، کمر خم کرده اند، «ازدواج موقت» را به عنوان وسیله ای برای آرامش و تأمین حداقل معیشت می یابند. آنان نه تنها این را عملی از روی اجبار و اجبار، بلکه با رضایت می پذیرند. امروزه، زنان از قشرهای مختلف، پذیرای این پیشنهاد هستند. زنان و دختران جوان گرفتار، برای گره گشایی از وضعیت نابسامان مالی خود، ازدواج زمان دار را می پذیرند و پس از ناامیدی، خوشبختی خود را یک بار دیگر آزمایش می کنند.

مشکل اساسی، قبلاً این بود که فرزندان ناشی از ازدواج های موقت، وضعیت حقوقی و شرعی مشخصی نداشتند و این ازدواج های عرفی توسط شاهدانی از فامیل و یا وعاظ درجه پایین انجام می شد، ولی اگر قانونی و شرعی بودن این نوع زناشویی رسماً پذیرفته شود، مشکل حضانت کودکان نیز قانونمند خواهد شد. روند فزاینده این گونه ازدواج ها در بین اقشار تحصیل کرده و شهرنشین، افراد جدا شده و کسانی که مسافرت های کاری طولانی مدت و یا سفر فصلی دارند به گونه ای است که قبح و زشتی حرمت این گونه ازدواج ها نزد عامه مردم از بین رفته است.

به طوری که شاید میزان ازدواج های عرفی سال های اخیر در کشورهای عربی سنی، از جمله در یمن به مراتب بیشتر از جوامع شیعی است.

بسیاری از دختران و یا بیوه زنان تحصیل کرده که صاحب شغل هستند نیز برای حفظ موقعیت خود در محل کار و تثبیت وضعیت اقتصادی شان، گاه مجبور به پذیرفتن ازدواج موقت از سوی کارفرمای خود می شوند. این امر چنان امروزه در کشورهای عربی پیدا است که هیچ کس نمی تواند، منکر آن شود.

عقل و ازدواج موقت

شهوت یک نوع غریزه در وجود انسانی است اگر در راه خود مصرف نشود، ناگزیر در غیر راه خود مصرف خواهد شد و انسان را به انحراف های جنسی پنهانی و یا علنی خواهد کشید. زنی که طلاق گرفته یا شوهر او از دنیا رفته و زمانی با شوهر زندگی کرده، چگونه می تواند بعد از چشیدن لذت از شوهر اکنون بدون آن زندگی کند؟ آیا این زن نمی تواند به انحراف های جنسی دیگر مانند، خودارضایی، زنا یا مخفیانه و یا ارضاع با همجنس کشیده شود؟ آیا اگر شرایط مساعدتر شود، این زن تن به زنا یا آشکار نمی دهد؟

جوانی که در بحران جوانی و شهوت قرار دارد و شهوت عقل او را می رباید و قدرتی نیز برای ازدواج دائم در خود سراغ ندارد، برای ارضای غریزه جنسی به طور مشروع راهی به جز ازدواج موقت ندارد.

عقل سالم و انسان منصف برای پیشگیری از گرفتاری های نامشروع جنسی برای ارضای غریزه قوی شهوت، راه صحیح و شرعی ازدواج موقت را توصیه می کند که با شرایط، آداب و احکام خاص خود و حفظ حریم های شرعی انجام می پذیرد.

ازدواج موقت در حقوق

قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ در کتاب هفتم از جلد دوم به پیروی از فقه امامیه بر ازدواج موقت صحه گذاشته است. ماده ۱۰۷۵ قانون یاد شده می گوید: نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی باشد.

ماده ۱۰۷۶: مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود.

ماده ۱۰۹۵: در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است.

ماده ۱۰۹۶: در نکاح منقطع موت زن در اثنای مدت موجب سقوط مهر نمی شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.

ماده ۱۰۹۷: در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد، باید نصف مهر را بدهد.

ماده ۱۰۹۸: در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده، زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر می تواند آن را استرداد نماید.

۱۱۱۳. در عقد منقطع، زن حق نفقه ندارد مگر این که شرط شده یا آن که عقد مبنی بر آن جاری شده باشد. (۱)

شرایط و احکام (۲) ازدواج موقت

۱. شرایط

اول: صیغه عقد ازدواج موقت (ایجاب و قبول)

در زناشویی، چه دائم و چه غیر دائم، باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست و صیغه عقد را یا خود زن و مرد می خوانند، یا دیگری را وکیل می کنند که از طرف آنان بخواند. (م ۲۳۶۳)

- وکیل لازم نیست مرد باشد، زن هم می تواند برای خواندن صیغه عقد از طرف دیگری وکیل شود. (م ۲۳۶۴)

- زن و مرد تا یقین نکنند که وکیل آن ها صیغه را خوانده است، نمی توانند به یکدیگر نگاه محرمانه نمایند و گمان به این که وکیل صیغه را خوانده کفایت نمی کند، ولی اگر وکیل بگوید صیغه را خوانده ام کافی

ص: ۳۱۷

۱- (۱) قانون مدنی، مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ به کوشش سید عباس حسینی نیک، انتشارات مجد، چاپ چهارم، ۱۳۸۲، تهران.

۲- (۲) کلیه احکام که بعد از آن ها عدد چهار رقمی در داخل پرانتز قرار دارد، از رساله مراجع (دوازده نفر) دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم می باشد.

است. (م ۲۳۶۵)

الف) ایجاب (آنچه زن موقع خواندن صیغه ازدواج موقت می گوید): اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیر دائم بخوانند، بعد از آن که مدت و مهر را تعیین کردند، زن بگوید:

«متعنتک نفسی فی المدّه المعلومه علی المهر المعلوم؛ خودم را مورد بهره برداری تو (مرد) قرار دادم در مدت معلوم بنا بر پاداش معلوم.»

ب) قبول (آنچه مرد در پاسخ زن می گوید): مرد بدون فاصله بگوید: «قَبِلْتُ» و اگر دیگری را وکیل کنند، اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: «متعنتک موکلتی موکلک فی المدّه المعلومه علی المهر المعلوم» پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: «قبلت لموکلک هکذا» (م ۲۳۶۹)

۲. احکام

۱. در صورتی که صیغه عقد ازدواج موقت صحیح خوانده نشود، عقد باطل است. اگر در عقد یک حرف غلط خوانده شود که معنی آن را عوض کند، عقد باطل است. (م ۲۳۷۱)

۲. در صورتی که زن و مرد نمی توانند صیغه را صحیح بخوانند، باید به شخص ثالثی که می تواند صیغه را صحیح بخواند، وکالت دهند تا از جانب آن ها اجرای صیغه نماید.

۳. در صورتی که زن به تنهایی قادر به تلفظ صحیح صیغه عقد ازدواج موقت از جانب خود نباشد، می تواند به شوهر موقت خود وکالت دهد تا از طرف او اجرای صیغه نماید.

۴. در صورتی که مهریه مشخص نباشد و اجرای صیغه عقد موقت شود، عقد باطل است.

۵. کسی که دستور زبان عربی را نمی داند، اگر قرائتش صحیح باشد و معنای هر کلمه از عقد را جداگانه بداند و از هر لفظی معنای آن را قصد نماید، می تواند عقد را بخواند. (م ۲۳۷۲)

ص: ۳۱۸

۶. عقد ازدواج باید به عربی صحیح خوانده شود و اگر خود زن و مرد نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند، به هر لفظی که صیغه را بخوانند، صحیح است و لازم نیست وکیل بگیرند، اما باید لفظی بگویند که معنی را بفهماند.

دوم: تعیین مهر در ازدواج موقت

باید طرفین بر مال توافق نمایند. مهر زن می تواند پول یا منفعت و انجام کاری حلال و یا مباح باشد. در صورت معلوم نبودن مهریه چه از نظر کیفیت یا کمیت، عقد ازدواج باطل است.

سوم: تعیین وقت در صیغه عقد ازدواج موقت

تعیین وقت در موقع اجرای صیغه از شرایط عقد ازدواج موقت است و در صورت تعیین نکردن وقت، عقد باطل می شود(۱).

چهارم: خالی بودن زن از موانع ازدواج

۱. زن نباید موقع خواندن صیغه ازدواج موقت در عده شوهر قبلی باشد.

تبصره: عده به ایامی می گویند که پس از جدا شدن، زن باید صبر کند و حق شوهر کردن ندارد تا زمانی که دوباره خون حیض ببیند و همین که حیض دوم را دیده، عده او تمام می شود و می تواند شوهر دیگر اختیار نماید.

اگر زن به طور طبیعی خون حیض نمی بیند و یا به این علت که رحمش را در آورده باشند، اگر در سن کسانی می باشد که حیض می بینند (از ۹ سال تا ۵۰ یا ۶۰ سالگی) باید ۴۵ روز عده نگهدارد و سپس ازدواج نماید.

زنانی که عده ندارند

یک - زنی که اگر سیده باشد، در شصت سالگی و اگر غیر سیده باشد، در پنجاه سالگی دیگر خون حیض نمی بیند (یائسه).

دو - زنی که ازدواج کرده، ولی با او همبستر نشده باشد.

سه - زنی که ۹ سالش تمام نشده باشد.

ص: ۳۱۹

زنانی که عده ندارند می توانند پس از تمام شدن وقت ازدواج موقت، بلافاصله با شخص دیگری ازدواج کنند.

- اگر شوهر موقت بخواهد در ایام عده ازدواج دو مرتبه به همان زن رجوع کند، لازم نیست زن ایام عده را به پایان برساند.

- زنی که در ایام عده (ممنوعیت از ازدواج) به سر می برد، اگر مسأله حرمت ازدواج در این ایام را نمی دانست و ازدواج مجدد نماید، در صورتی که به او دخول نشده باشد، زن به مرد حرام ابدی نخواهد شد، لیکن در صورتی که دخول انجام گرفته باشد، هر چند مسأله را نمی دانسته، زن بر مرد حرام ابدی خواهد شد.

- زن و مردی که می دانسته اند ازدواج در ایام عده حرام است، اگر ازدواج نمایند، زن بر مرد حرام ابدی خواهد شد.

- عده زنی که از ازدواج موقت حامله شده باشد، به وضع حمل او، یا دیدن دو حیض (در کسانی که حیض می بینند) و یا ۴۵ روز در کسانی که حیض نمی بینند، به هر کدام که زمانش بیشتر باشد، می باشد.

- عده زنی که شوهرش بمیرد، چه ازدواج موقت و یا دائم، چهار ماه و ده روز قمری می باشد. چه یائسه باشد یا زیر ۹ سال و چه دخول شده باشد یا نشده باشد.

- اگر زن بگوید من در ایام عده نیستم، در صورتی که متهم به دروغ گویی و یا فحشا نباشد، می شود سخن او را قبول و با او ازدواج کرد.

۲. زن نباید محرم مرد باشد.

- ازدواج با زن هایی مثل مادر، خواهر، (دختر، عمه، خاله، دختر برادر و دختر خواهر)، مادر زن (فعلی و قبلی)، مادر مادر زن و مادر پدر زن با مرد محرم هستند، حرام است. (م ۲۳۸۴)

- اگر کسی زنی را برای خود عقد نماید، اگرچه با او نزدیکی نکند، مادر و مادر مادر آن زن و مادر پدر او هرچه بالا رود، به آن مرد محرم می شوند. (۲۳۸۵)

ص: ۳۲۰

- اگر زنی را عقد کند و با او نزدیکی نماید، دختر و نوه دختری و پسری او، هرچه پایین روند، چه در وقت عقد باشند و یا بعداً به دنیا بیایند، به آن مرد محرم می شوند. (م ۲۳۸۷)

- ازدواج با زن هایی که از طریق شیر خوردن به انسان محرم می شوند (خواهر رضاعی) حرام می باشد.

- ازدواج با خواهر زن حرام و باطل است، مگر آن که زن خود را طلاق بدهد و یا اگر ازدواج با او موقت است، باقی وقت را به او ببخشد و بعد از خروج آن زن از عده، با خواهرش ازدواج نماید. (م ۲۳۹۷)

احکام و مسائل متفرقه

۱. کسی که صیغه را می خواند باید بالغ و عاقل باشد، چه برای خودش بخواند یا از طرف دیگری وکیل شده باشد. (م ۲۳۷۰)
۲. در ازدواج موقت هر کدام از طرفین می توانند به نفع خود شروطی را قرار دهند و پس از آن که به توافق برسند، صیغه عقد ازدواج را بخوانند.
۳. در موقع خواندن صیغه، زن و مرد باید قصد انشا کنند؛ به این معنا که با خواندن صیغه همین الان زن با این مرد و یا مرد با این زن محرم خواهند شد.
۴. مردم و یا زن و یا هر دو می توانند به صورت تلفنی شخص دیگری را وکیل خود نمایند تا در غیاب آن ها اجرای صیغه عقد نماید.
۵. در ازدواج موقت زن از مرد ارث نخواهد برد.
۶. زن مسلمان نمی تواند به عقد کافر در آید، مرد مسلمان هم نمی تواند با زن های کافره غیر کتایبه به طور دائم ازدواج کند و به احتیاط واجب ازدواج دائم با زن های کافره اهل کتاب نیز جایز نیست، ولی صیغه کردن زن های اهل کتاب مانند یهود و نصاری مانعی ندارد. (م ۲۳۹۷)
۷. اگر با زنی که در عده طلاق رجعی است، زنا کند، آن زن بر او حرام می شود و اگر با زنی که در عده متعه یا طلاق یا عده وفات است، زنا کند، بعداً می تواند او را عقد نماید (اگرچه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند) (م ۲۳۹۸)

۸. اگر با زن بی شوهری که در عده نیست، زنا کند، بعداً می تواند آن زن را برای خود عقد نماید، ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا آن زن حیض ببیند بعد او را عقد نماید، بلکه احتیاط مزبور حتی الامکان نباید ترک شود و همچنین است اگر دیگری بخواهد آن زن را عقد کند. (م ۲۳۹۹)

۹. اگر زنی را که در عده دیگری است برای خود عقد کند، چنانچه مرد و زن یا یکی از آنان بدانند که عده زن تمام نشده و بدانند عقد کردن زن در عده حرام است، آن زن بر او حرام می شود، اگرچه مرد بعد از عقد با آن زن نزدیکی نکرده باشد. (م ۲۴۰۰)

۱۰. اگر زنی را برای خود عقد کند و بعد معلوم شود که در عده بوده، چنانچه هیچ کدام نمی دانسته اند زن در عده است و نمی دانسته اند که عقد کردن زن در عده حرام است، در صورتی که مرد با او نزدیکی کرده باشد، آن زن بر او حرام می شود. (م ۲۴۰۱)

۱۱. اگر انسان بداند زنی شوهر دارد و با او ازدواج کند، باید از او جدا شود و بعداً هم نمی تواند او را برای خود عقد کند. (م ۲۴۰۲)

۱۲. شوهر بیش از چهار ماه نباید نزدیکی با متعه خود را ترک کند. (م ۲۴۲۲)

۱۳. زنی که صیغه می شود اگر در عقد شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند، عقد و شرط او صحیح است و شوهر فقط می تواند لذت های دیگر از او ببرد، ولی اگر بعداً به نزدیکی راضی شود، شوهر می تواند با او نزدیکی نماید. (م ۲۴۲۳)

۱۴. زنی که صیغه شده است اگر چه آبستن شود، حق خرجی ندارد. (م ۲۴۲۴)

زنی که صیغه شده است حق همخوانی ندارد و از شوهر ارث نمی برد و شوهر هم از او ارث نمی برد (م ۲۴۲۵)

۱۵. زنی که صیغه شده می تواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون برود، ولی اگر به واسطه بیرون رفتن حق شوهر از بین می رود، بیرون رفتن او حرام است. (م ۲۴۲۷)

از نظر قرآن و فقه چه تفاوتی بین زنا و عقد موقت وجود دارد؟

* پاسخ

این پرسش را می توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱. تفاوت بین زنا و ازدواج موقت از نظر قرآن چیست؟

۲. زنا و عقد موقت از نظر فقه چه تفاوتی دارند؟

پیش از بیان تفاوت بین زنا و ازدواج موقت، مناسب است آن دو را تعریف کنیم.

تعریف

در تعریف «زنا» گفته اند: «نزدیکی با زن، بدون عقد شرعی را زنا گویند»^(۱) و در تعریف ازدواج موقت می توان گفت: «نزدیکی با زن با عقد شرعی که مدت و مهر آن معلوم باشد».

گناه بزرگ

قرآن کریم «زنا» را در ردیف شرک به خدا و قتل نفس معرفی می کند^(۲). در این باره ابن عباس حدیثی نقل می کند از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله: سوال کردم، کدام گناه از همه گناهان بزرگ تر است؟ حضرت فرمود: این که برای خداوند شریکی قرار دهی، در حالی که او تو را خلق کرده است؛ بعد گفتم: بعد از آن کدام گناه؟ فرمود: این که به قتل برسانی فرزند خود را به خاطر ترس از این که با تو هم غذا شود. بعد پرسیدم: بعد از آن کدام گناه؟

ص: ۳۲۳

۱- (۱) المفردات، راغب اصفهانی، ص ۲۱۵.

۲- (۲) آن جا که در توصیف «عباد الرحمن» می فرماید: «(وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا)؛ و کسانی که معبود دیگری را با خدا (بعنوان پرستش) نمی خوانند؛ و شخصی را که خدا (کشتن او را) حرام کرده است، جز بحق نمی کشند؛ و زنا نمی کنند؛ و هر کس این (کارها) را انجام دهد، [کیفر] گناه را خواهد دید.» (فرقان / ۶۸)

فرمود: این که با زن همسایه ات زنا کنی (۱). قرآن کریم در مذمت و تقبیح عمل زنا می فرماید: «(وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا) ۲؛ و نزدیک زنا نشوید؛ [چرا] که آن، زشتکاری است، و بد راهی است.»

خداوند در این آیه، «زنا» را عملی بسیار زشت و ناپسند و راهی بسیار بد و خطرناک معرفی می کند و می فرماید: هیچ کس حق ندارد به آن نزدیک شود!

راهکار قرآنی برای سلامت جامعه

قرآن کریم برای حفظ جامعه، عقد موقت را به عنوان راهی بسیار مناسب و مطابق با حکمت برای انسان قرار داده است:

«(فَمَا يَأْتِي السِّتْمَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً... إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا)؛ (۲) و کسانی از زنان را که (با مُتعه و ازدواج موقت) از او بهره می برید، پس مهرشان را، در حالی که واجب شده، به آنان بدهید... براستی که خدا، دانای فرزانه است.»

از این بخش از آیه استفاده می شود که اصل ازدواج موقت و صیغه، قبل از نزول این آیه برای مسلمانان امری مسلم بوده که در این آیه نسبت به پرداخت مهر توصیه می کند (۳). در پایان آیه آمده است: و خداوند نسبت به مصالح بندگان آگاه و احکامش مطابق با حکمت است.

ازدواج موقت یک ضرورت اجتماعی

با توجه به این که غریزه شهوت یکی از غرایز نیرومند انسان است و نمی شود آن را از بین برد؛ زیرا خداوند آن را به خاطر حفظ بقای انسان در نهاد او گذاشته است، باید از طریق شرعی تعدیل کرد. اکنون در بسیاری از محیطها و شرایط، افرادی به خاطر مشکلات مادی و یا به خاطر تحصیلات

ص: ۳۲۴

۱- (۱) مجمع البیان، طبرسی، ص ۱۷۹.

۲- (۳) نساء / ۲۴.

۳- (۴) تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۲.

طولانی قادر به ازدواج دائم نیستند و یا برخی افراد متأهل در مسافرت های طولانی که با مشکل عدم ارضای غریزه جنسی مواجه می شوند، چکار باید بکنند؟ آیا باید این غریزه خدادادی را سرکوب کنند و راه راهبان را پیش بگیرند؟ - اسلام به این امر راضی نیست - و یا باید آزاد و بی بند و بار باشند؟ در این جا راه سومی نیز هست که نه مشکلات ازدواج دائم را به دنبال دارد و نه به سرکوب غریزه جنسی می انجامد و نه آن بی بند و باری را در پی دارد و آن ازدواج موقت (صیغه) است که اسلام آن را پیش روی ما گذاشته است؛ بنابراین، در صورت ضرورت و اضطرار می توان بدن عمل کرد(۱).

تفاوت های زنا و عقد موقت

۱. عمل «زنا» به تعبیر قرآن (إِنَّهٗ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلاً) ۲ عمل زشت و بد راهی است و ازدواج موقت از روی حکمت و علم خداوند به مصلحت بندگان است: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً حَكِيماً» .

۲. بر اثر این عمل زشت اگر فرزندان نامشروعی به وجود آیند، بین آنان هیچ گونه ارتباطی وجود نخواهد داشت و خودشان را نسبت به یکدیگر بیگانه قلمداد خواهند کرد؛ چرا که از اصالت خانوادگی، عاطفه و محبت که موجب ارتباط و اتصال است، برخوردار نمی باشند؛ اما در ازدواج موقت اگر صاحب فرزند شوند چون شرعی و قانونی است، با فرزندی که از ازدواج دائم به دنیا می آیند، هیچ تفاوتی ندارند.

۳. عمل زنا غالباً همراه با اضطراب و ترس است، به ویژه برای کسانی که اهل ایمان باشند، حال اگر فرزندی به وجود آید طبعاً اضطراب و دلهره در فرزند تأثیر می گذارد که این خود مشکلات جسمی و روحی - روانی برای وی به بار می آورد؛ اما نزدیکی بر اساس عقد موقت چون شرعی و قانونی است و قرآن آن را مباح دانسته، مفسد مذکور را به همراه نخواهد داشت.

ص: ۳۲۵

۱- (۱) همان، ج ۳، ص ۳۴۱، (با تلخیص و تصرف).

۴. فرزندان نامشروع خودشان را به کسی و جایی منتسب نمی‌دانند و خود را معلول شهوات و غرایز جنسی یک عده شهوت‌ران می‌دانند؛ در نتیجه روشن است که در جامعه بحران آفرینی می‌کنند، به طوری که امنیت و آسایش از جامعه سلب خواهد شد، ولی مقاربت مشروع آن عواقب سوء را به دنبال نخواهد داشت.

فرزند نامشروع سرنوشت خود را در آینده مبهم می‌داند، ولی فرزند قانونی و شرعی این گونه نیست؛ زیرا از اصالت خانوادگی بهره‌مند و نسب وی برای دیگران معلوم است. ممکن است گفته شود: با ایجاد کانون‌های تربیتی چه بسا بشود مشکلات مذکور را حل کرد؛ اما باید دانست که ممکن است در یک مقطع زمانی با محبت و عاطفه‌های مجازی از بروز مشکلات پیش‌گیری کرد، ولی از آن‌جا که آنان از نعمت محبت و عاطفه واقعی محروم‌اند مشکلات تربیتی و اخلاقی همچنان باقی می‌ماند.

۵. ارتباط زن و مرد در قالب ازدواج موقت خود به خود روابط زناشویی را مدیریت می‌کند و از ارتباط با افراد متعدد کاسته می‌شود و همین که این روابط در چهارچوبی نظام‌مند شد، به طور طبیعی از بسیاری از بیماری‌های مقاربتی و... کاسته می‌شود و بهداشت جسم و روان زن و مرد و جامعه را به ارمغان می‌آورد.

با توجه به تفاوت‌هایی که بین زنا و ازدواج موقت بیان شد، حکمت این مطلب روشن می‌شود که چرا قرآن از عمل زنا نهی کرده و عقد موقت را مباح و جایز دانسته است.

ویژگی‌های ازدواج موقت از منظر فقه

در کتب فقهی برای ازدواج موقت ویژگی‌هایی ذکر شده که از آن‌ها تفاوت ازدواج موقت با زنا روشن می‌شود. اکنون به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. ازدواج موقت که به آن «متعّه» نیز گفته می‌شود، مانند ازدواج دائمی است که احتیاج به عقد مشتمل بر ایجاب و قبول دارد و تنها رضایت قلبی دو طرف و نگارش و اشاره و داد و ستد کافی نیست. (۱)

ص: ۳۲۶

۱- (۱) تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۲۸۹-۲۹۱.

۲. زن باید در طول مدت ازدواج موقت (صیغه) در اختیار مرد باشد و حق ندارد خودش را در معرض مرد دیگری برای صیغه شدن قرار دهد؛ اما در زنا این حکم رعایت نمی شود.

۳. زن باید بعد از اتمام مدت صیغه عده نگه دارد؛ یعنی اگر زن «رگل» می شود، در صورت آمیزش باید به اندازه دو نوبت قاعدگی عده نگه دارد و اگر «رگل» نمی شود، باید ۴۵ روز عده نگه دارد^(۱) و در این مدت با مرد دیگری ازدواج نکند. در این حکم فرق نمی کند از وسایل جلوگیری کننده از باردار شدن استفاده کرده باشد یا نه، در حالی که در زنا این حکم رعایت نمی شود^(۲).

۴. اگر مردی از زنش صاحب فرزندی شد، باید مثل فرزند ازدواج دائم مورد حمایت مرد قرار گیرد و نفقه او را پرداخت نماید؛ اما در زنا چون فرزند شرعی و قانونی نیست، از حمایت مرد محروم است.

۵. در صورتی که مرد بعد از ازدواج موقت بمیرد، فرزندش از او ارث می برد، بر خلاف فرزند نامشروع.

یادآوری

این که شهوت رانی لجام گسیخته را بتوان به شکل قانونی و در چهارچوب خاصی مدیریت کرد، دغدغه ای بوده که فکر اندیشمندان را همواره به خود مشغول داشته است؛ چنان که برتراند راسل - دانشمند معروف انگلیسی - ازدواج موقت را به نام «زنا شویی دوستانه» راه حل مشکل جنسی جوانان در عصر حاضر می داند و آن را به دولت ها پیشنهاد می کند^(۳) و یکی از علمای اهل سنت، پس از نقل این پیشنهاد، افتخار می کند که این قانون جزو قوانین یکی از مذاهب اسلامی یعنی شیعه است^(۴).

ص: ۳۲۷

۱- (۱) همان.

۲- (۲) تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۸۱.

۳- (۳) ایشان می گوید: جوانان باید قادر باشند ازدواجی داشته باشند که با ازدواج دائم معمولی سه تفاوت داشته باشد: نخست این که طرفین قصد بچه دار شدن نداشته باشند؛ دیگر این که جدایی آن ها به آسانی صورت گیرد و سوم این که بعد از طلاق زن هیچ گونه حق نفقه نداشته باشد. (ج ۳، ص ۲۸۳)

۴- (۴) رساله نوین، ج ۳، ص ۶۸.

بدیهی است طرح فوق از جهات زیادی به «ازدواج موقت» در اسلام نزدیک است، ولی طرح اسلام از جهات زیادی روشن تر و کامل تر و جامع تر می باشد.

ص: ۳۲۸

فصل پنجم: مسائل گوناگون روابط دختر و پسر

اشاره

ص: ۳۲۹

اگر شخص به خاطر این که فرد مورد نظر از نظر ایمان کامل نیست و یا...، با او ازدواج نکند، نظر اسلام در این مورد چیست ؟

* پاسخ

اگر انسان با فردی که مورد علاقه او نیست و یا شرایط همسر خوب را ندارد، ازدواج نکند، این گونه نیست که تا آخر عمر بدون همسر بماند؛ زیرا اگر خانم ها در محیط خانه و اجتماع به وظایف دینی و شخصی خود عمل کنند، با امید به رحمت و فضل الهی، ان شاءالله در کار آن ها گشایش حاصل خواهد می شود و نباید با ناامیدی، در حال درباره آینده نامعلوم قضاوت کرد.

ازدواج که بنیان گذار کانون پر مهر خانواده است، آن قدر مهم و با ارزش است که حتی در جوامع غیراسلامی و غیردینی نیز اهتمام ویژه ای نسبت به آن دارند. در قرآن کریم نیز از آن به عنوان آیه و نشانه خدا که باعث آرامش و سکونت انسان می گردد، یاد شده است و این نیاز طبیعی همه انسان هاست. ازدواج امری فطری، خدادادی و طبیعی است که سلامت «جسم و روح» انسان را تأمین می کند و نقش فراوانی در پرورش استعدادهای روحی و فکری و جسمی انسان برعهده دارد و باعث تکامل انسان می گردد. شهید مطهری در این راستا می گوید: انسان بدون ازدواج به مرحله تکامل نمی رسد، اگر چه مراحل علمی و معنوی بالایی را گذرانده باشد.

هر شخصی که بخواهد ازدواج موفق داشته باشد، باید ویژگی های همسر مناسب را بداند و طبق آن ویژگی ها «انتخاب» کند.

ویژگی های همسر مناسب

با توجه به روایات و سخن بزرگان، ویژگی هایی گوناگون برای همسر شایسته بیان شده که برای رعایت اختصار برخی از آن ها را بر می شماریم:

برخی برای انتخاب همسر شایسته چهار ویژگی اساسی و چهار ویژگی که شرط کمال است را نامبرده اند که «ویژگی های اساسی» عبارت اند از:

در روایت می خوانیم: «علیک بذوات الدین»^(۱) با انسان متدین ازدواج کنید. اعتقاد به خدا و دین باوری نگاه انسان را به هستی و خوشبختی تغییر می دهد، و ارزش های واقعی را می فهماند و در فراوانی نعمت روحیه شکر و انفاق به دیگران، در سختی و مشکلات زندگی، به جای کج خلقی و بدبینی، امید و تلاش را سرلوحه زندگی قرار می دهد.

«دین» انسان را مسئولیت پذیر می کند و استقلال شخصیت و روی پای خود ایستادن را به انسان هدیه می دهد؛ همان چیزی که زن ها از مردشان انتظار دارند، و رهایی از تنبلی و انجام ندادن کارهای لغو و دوری از گناه که بنیان خانواده را سست می کند، از دیگر نتایج ایمان می باشد. خلاصه در «سایه دین» است که انسان «طعم خوشبختی» را می چشد.

ب) اخلاق نیک

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

«اذا جاءکم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه»^(۲)، اگر کسی که برای خواستگاری شما آمد از اخلاق و دین داری او راضی هستید، پس با او ازدواج کنید.»

ج) شرافت خانوادگی و اصالت داشتن

این ویژگی به این معنا نیست که شهرت یا ثروت و یا موقعیت اجتماعی بالا داشته باشند، بلکه با نجابت بزرگوار باشند و به کارهای باطل و حرام شهرت نداشته باشند.

د) عاقل باشد و احمق و نادان نباشد

فرق است بین «عاقل» و «عالم و با سواد»، زیرا چه بسا افرادی که سواد زیادی ندارند، ولی تدبیر و عقل معاش و عقل معاد خوبی دارند.

ص: ۳۳۲

۱- (۱) وسایل الشیعه، جلد ۱۴، ص ۱۲۰.

۲- (۲). کافی، ج ۵، ص ۲۴۷.

الف) سلامت جسمی و روحی

اگر شخص بیماری خاصی دارد، از چگونگی آن پیش از عقد با خبر شود و با آگاهی کافی ازدواج کند.

ب) زیبایی

از نظر ظاهری حداقل زیبایی را داشته باشد؛ البته کمال زیبایی یک «امتیاز» است و «شرطی» که مانع ازدواج باشد نیست. برخی افراد به هنگام انتخاب همسر فقط زیبایی های معنوی همسر خود را مد نظر دارند و نسبت به زیبایی های ظاهری بی توجهی می کنند و مهم نمی دانند و از سوی دیگر، برخی افراد نیز به خاطر انتخاب همسر زیبا بقیه ویژگی های همسر مناسب را فدا می کنند و به صرف داشتن زیبایی ظاهر بسنده می نمایند. این دو گروه «افراط» و «تفریط» می کنند، و بدیهی است که در طول زندگی با مشکل روبه رو می شوند؛ از این رو، پیشنهاد می شود در این زمینه معتدل و میانه رو باشند.

ج) علم

«آگاهی»، درک انسان را نسبت به زندگی بالا-می برد، البته ضرورت آن تا حد معمول است و اصرار بر مدارج بالا برای تشکیل زندگی نیاز نیست.

د) هم شأنی

کفو بودن و هم شأنی در مسائل مختلف مثل ایمان، توانایی های فکری و فرهنگی، مسائل جسمی، زیبایی و در امور مالی، اقتصادی و سیاسی و... مطلوب است.

نکات

در پایان بیان چند نکته ضروری به نظر می رسد:

اول این که پیدا شدن شخصی؛ با همه این اوصاف امری است دور از دسترس. بلکه گاهی افراد ممکن است مثلاً اعتقاد به نماز و روزه داشته باشند،

ولی برای مثال اهل گوش دادن به نوار ترانه نیز باشند، و این کار از روی اعتقاد آن‌ها نباشد، بلکه از روی تقلید از دوستان و جمع باشد و در خلوت همراه با ترس انجام می‌دهند. این گونه افراد با افرادی که به مسائل دینی پایبند نیستند، فرق دارند؛ از این رو، در برخورد با هر گروه باید برخورد مناسب داشت.

دوم این که این سوال مطرح می‌شود که خود خانم تا چه حد مقید است؟ و از طرفی آیا آن توانایی را دارد که در همسر خود تحول و تغییر ایجاد کند؟

سوم اینکه شاید هم اکنون ازدواج نکردن قابل تحمل باشد، ولی در آینده که شرایط تغییر می‌کند و سن شخص بالا می‌رود، تحمل او نیز کم می‌شود و یا مثلاً با فقدان پدر رو به رو می‌شود که در آن وقت تحمل آن شرایط غیرممکن است.

یادآوری:

انسان در باره مسأله مهم ازدواج نیازمند مطالعه و مشاوره حضوری یا غیرحضوری با کارشناسان و روان‌شناسان متخصص و متعهد است.

معرفی چند کتاب پیرامون ازدواج در اسلام:

۱. جوانان و انتخاب همسر، آیت‌الله حسین مظاهری

۲. ازدواج مکتب انسان‌سازی، شهید پاک نژاد

۳. انتخاب همسر، آیت‌الله ابراهیم امینی

۴. اسلام و ازدواج، آیت‌الله مشکینی

ص: ۳۳۴

* پرسش

آیا می توان با ارتباط تلفنی دختر یا پسری را ارشاد کرد؟

* پاسخ

چنانچه خوف مفسده نباشد با رعایت کامل موازین شرعی مانعی ندارد.

استفتاء از آیت الله العظمی فاضل لنکرانی قدس سره.

* پرسش

اگر دختری برای انسان مزاحمت ایجاد کند، می تواند برای دور کردن آن از خویش با او صحبت کند؟

* پاسخ

چنانچه موجب تهییج و مفسده نباشد، به مقدار ضرورت برای رفع مزاحمت مانعی ندارد و در غیر این صورت جایز نیست.

استفتاء از: آیت الله العظمی فاضل لنکرانی - حفظه الله.

* پرسش

آیا آرایش زنانه برای مردان اشکال دارد؟ توضیح این که برخی از جوانان مبادرت به برداشتن زیر ابرو، بند انداختن و... می نمایند، لطفاً حکم و فلسفه آن را مرقوم بفرمایید.

* پاسخ

اگر موجب ترویج فرهنگ دشمنان اسلام و یا مستلزم مفسده و یا تشبه به زن باشد، جایز نیست.

استفتاء از دفتر آیت الله العظمی خامنه ای - دامت برکاته.

ص: ۳۳۵

* پرسش

حکم نامه نگاری بین دختر و پسر نامحرم چیست و آیا ارتباط تلفنی جایز است؟

* پاسخ

جایز نیست. (استفتاء از: آیت الله العظمی فاضل لنکرانی قدس سره).

* پرسش

شیوه اجرای عقد ازدواج و شرایط آن چگونه است؟

* پاسخ

الف) شیوه اجرای عقد ازدواج موقت و شرایط آن:

این مطلب در مبحث ازدواج موقت توضیح داده شد.

ب) شیوه اجرای عقد ازدواج دائم و شرایط آن:

در این مورد دستور و شرایط و مسائل عیناً از رساله مراجع تقلید (۱) نقل می شود:

احکام ازدواج در رساله مراجع چیست؟

پاسخ

احکام نکاح یا ازدواج و زناشویی (۲)

به - واسطه عقد ازدواج (۳)، زن به مرد ۴ حلال می شود و آن بر دو قسم

ص: ۳۳۶

۱- (۱) رساله مراجع، چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸. تذکر: متن رساله فتوای حضرت امام خمینی رحمه الله و حواشی از مراجع تقلید عصر حاضر است.

۲- (۲) تمام این پاسخ از کتاب توضیح المسائل مراجع (مطابق با فتوای دوازده نفر از مراجع معظم تقلید) از صفحه ۳۷۹-۳۸۷ می باشد.

۳- (۳) مکارم: ازدواج از مستحبات است و اگر کسی بترسد که با ترک ازدواج در حرام بیفتد ازدواج

است: دائم و غیردائم(۱). عقد دائم آن است که مدت زناشویی در آن معین نشود(۲) و زنی را که به این قسم عقد می کنند «دائمه» گویند و عقد غیردائم آن است که مدت زناشویی در آن معین شود، مثلاً زن را به مدت یک ساعت یا یک روز یا یکماه یا یکسال یا بیشتر عقد نمایند(۳) و زنی را که به این قسم عقد کنند «متعّه و صیغه» می نامند. * (۴)

احکام عقد

مسأله ۲۳۶۳ - در زناشویی - چه دائم و چه غیردائم - باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد(۵) کافی نیست و صیغه عقد را یا خود زن و مرد می خوانند، یا دیگری را وکیل می کنند که از طرف آنان بخواند.

مسأله ۲۳۶۴ - وکیل لازم نیست مرد باشد، زن هم می تواند برای خواندن صیغه عقد از طرف دیگری وکیل شود. * (۶)

ص: ۳۳۷

۱- (۱) خوئی، تبریزی، سیستانی: دائم و غیردائم (ازدواج موقت)...

۲- (۲) خوئی، سیستانی، تبریزی: و همیشگی باشد...

۳- (۳) خوئی: ولی باید مدت ازدواج از مقدار عمر زن و شوهر زیادتر نباشد که در این صورت عقد دائمی خواهد بود... سیستانی: ولی باید مدت ازدواج از مقدار عمر زن و شوهر یا یکی از آنها زیادتر نباشد که در این صورت عقد باطل خواهد بود... تبریزی: ولی بنا بر احتیاط باید مدت ازدواج از مقدار عمر زن و شوهر زیادتر نباشد...

۴- (۴) * بهجت: مسأله - عقد نکاح یا ازدواج، عقدی است که بوسیله آن زن به مرد حلال می شود و آن بر دو قسم است: ۱. عقد دائم: و آن عبارت است از ازدواجی که مدت در آن معین نشود و زنی را که به این صورت عقد می کنند «دائمه» گویند. ۲. عقد غیردائم: و آن عبارت است از ازدواجی که مدت در آن معین شود و زنی را که به این صورت عقد کنند «متعّه» یا «صیغه» می نامند، مثل آن که به مدت یک ساعت یا یک روز یا یک ماه یا بیشتر عقد نمایند.

۵- (۵) . سیستانی: و همچنین نوشتن...

۶- (۶) * مکارم: مسأله - وکالت مرد از طرف زن، یا زن از طرف مرد، برای خواندن صیغه مانعی ندارد.

مسأله ۲۳۶۵ - زن و مرد تا یقین (۱) نکنند که وکیل آنها صیغه را خوانده است، نمی توانند به یکدیگر نگاه محرمانه نمایند (۲) و گمان به این که وکیل صیغه را خوانده است کفایت نمی کند (۳) ولی اگر وکیل بگوید صیغه را خوانده ام کافی است.

این مسأله، در رساله آیت الله بهجت نیست

مسأله ۲۳۶۷ - یک نفر می تواند برای خواندن صیغه عقد دائم یا غیردائم از طرف دو نفر (۴) وکیل شود و نیز انسان (۵) می تواند از طرف زن وکیل شود و او را برای خود به طور دائم یا غیردائم عقد کند (۶)، ولی احتیاط مستحب آن است که عقد را دو نفر بخوانند. * (۷)

این مسأله، در رساله آیت الله بهجت نیست

دستور خواندن عقد دائم

مسأله ۲۳۶۸ - اگر صیغه عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند و (۸) اول زن بگوید: «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ» یعنی خود را زن تو نمودم به

ص: ۳۳۸

۱- (۱) سیستانی: تا اطمینان...

۲- (۲) مکارم: ولی اگر وکیلی مورد اعتماد باشد و بگوید خوانده ام کافی است. فاضل: نمی توانند با یکدیگر رفتار محرمانه نمایند...

۳- (۳) سیستانی: بلکه اگر وکیل بگوید صیغه را خوانده ام ولی اطمینان به گفته او نباشد، احتیاط واجب آن است که بر آن ترتیب اثر ندهند.

۴- (۴) گلپایگانی، صافی: از طرف زن و مرد...

۵- (۵) گلپایگانی، صافی: نیز مرد...

۶- (۶) گلپایگانی، صافی: و همچنین زن می تواند از طرف مرد وکیل شود که خود را به عقد او درآورد...

۷- (۷) * مکارم: مسأله - احتیاط مستحب آن است که یک نفر از سوی دو همسر صیغه عقد نخواند، یعنی دو طرف عقد دو نفر باشند و نیز احتیاط مستحب این است که انسان نمی تواند از طرف زن وکیل شود تا او را برای خود به طور دائم و یا موقت عقد کند.

۸- (۸) . سیستانی: و پس از تعیین مقدار مهر...

مهری که معین شده، پس از آن بدون فاصله (۱) مرد بگوید: «قَبِلْتُ التَّزْوِیَجَ» یعنی قبول کردم ازدواج را، عقد صحیح است (۲) و اگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنها صیغه عقد را بخواند چنانچه مثلاً اسم مرد «احمد» و اسم زن «فاطمه» باشد و وکیل زن بگوید: «زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ مُوَكَّلَكَ اِحْمَدَ عَلَي الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ» (۳)، پس بدون فاصله (۴) وکیل مرد بگوید: «قَبِلْتُ لِمُوَكَّلِي اِحْمَدَ عَلَي الصَّدَاقِ» (۵) صحیح می باشد (۶).

دستور خواندن عقد غیردائم

مسأله ۲۳۶۹ - اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیردائم را بخوانند، بعد از آن که مدت و مهر را معین کردند، چنانچه زن بگوید:

«زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَي الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» (۷) بعد بدون فاصله (۸) مرد بگوید: «قَبِلْتُ»، صحیح است. و اگر دیگری را وکیل کنند و اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: «مَتَّعْتُ» (۹) مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلَكَ (۱۰) فِي الْمُدَّةِ

ص: ۳۳۹

۱- (۱) سیستانی: بدون فاصله قابل توجهی...

۲- (۲) سیستانی: و همچنین اگر فقط «قَبِلْتُ» بگوید عقد صحیح است...

۳- (۳) خویی، تبریزی، سیستانی: وکیل زن بگوید: زَوَّجْتُ مُوَكَّلَكَ اِحْمَدَ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ عَلَي الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ...

۴- (۴) سیستانی: بدون فاصله قابل توجهی....

۵- (۵) خوئی، صافی، تبریزی، سیستانی: قَبِلْتُ التَّزْوِیَجَ لِمُوَكَّلِي اِحْمَدَ عَلَي الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ...

۶- (۶) اراکی، خوئی، تبریزی: و بنا بر احتیاط واجب باید (گلیایگانی، صافی: و بهتر آن است) لفظی که مرد می گوید با لفظی که زن می گوید مطابق باشد، مثلاً- اگر زن «زَوَّجْتُ» می گوید مرد هم «قَبِلْتُ التَّزْوِیَجَ» بگوید. سیستانی: و احتیاط مستحب آن است که لفظی که مرد می گوید با لفظی که زن می گوید مطابق باشد، مثلاً اگر زن «زَوَّجْتُ» می گوید مرد هم «قَبِلْتُ التَّزْوِیَجَ» بگوید نه «قَبِلْتُ النِّكَاحَ».

۷- (۷). مکارم: (من خودم را به همسری تو در مدت معین با مهر معین در آوردم) مرد نیز بگوید: «قَبِلْتُ» (قبول کردم) یا اینکه وکیل زن بگوید: «مَتَّعْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلَكَ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَي الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» (موکله خودم را به ازدواج موکل تو در مدت معین با مهر معین در آوردم)، وکیل مرد نیز بگوید: «قَبِلْتُ لِمُوَكَّلِي هَكَذَا» (قبول کردم برای موکل خودم همینطور).

۸- (۸) سیستانی: بدون فاصله قابل توجهی...

۹- (۹) خویی، سیستانی: زَوَّجْتُ...

۱۰- (۱۰) [کلمه «مُوَكَّلَكَ» در رساله آیت الله تبریزی نیست]

الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» پس بدون فاصله (۱) وکیل مرد بگوید: «قَبِلْتُ (۲) لِمَوْكَلِي هَكَذَا» صحیح می باشد.

شرایط عقد

مسأله ۲۳۷۰ - عقد ازدواج چند شرط دارد:

اول: آن که به عربی صحیح خوانده شود به احتیاط واجب (۳)، و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند، به هر لفظی که صیغه را بخوانند صحیح است و لازم هم نیست که وکیل بگیرند (۴)، اما باید لفظی بگویند که معنی «زَوَّجْتُ» و «قَبِلْتُ» را بفهماند.

دوم: مرد و زن یا وکیل آنها که صیغه را می خوانند قصد انشاء داشته باشند یعنی اگر خود مرد و زن صیغه را می خوانند، زن به گفتن «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي» قصدش این باشد که خود را زن او قرار دهد و مرد به گفتن «قَبِلْتُ التَّرْوِیْحَ» زن بودن او را برای خود قبول نماید و اگر وکیل مرد و زن صیغه را می خوانند، به گفتن «زَوَّجْتُ وَقَبِلْتُ» (۵) قصدشان این باشد که مرد و زنی که آنان را وکیل کرده اند، زن و شوهر شوند.

سوم: کسی که صیغه (۶) را می خواند بالغ و عاقل باشد (۷)، چه برای خودش

ص: ۳۴۰

۱- (۱) . سیستانی: بدون فاصله قابل توجهی...

۲- (۲) خویی، سیستانی: قَبِلْتُ التَّرْوِیْحَ...

۳- (۳) [عبارت «به احتیاط واجب» در رساله آیت الله اراکی نیست]

۴- (۴) گلپایگانی، صافی: اول: آن که به عربی صحیح خوانده شود و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند بهتر بلکه أحوط آن است که کسی را که می تواند به عربی صحیح بخواند وکیل کنند لکن لازم نیست و خودشان هم می توانند به غیرعربی بخوانند... خوئی، تبریزی، فاضل: اول: آن که (خوئی، تبریزی: بنابر احتیاط) به عربی صحیح خوانده شود و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند چنانچه ممکن باشد بنابر احتیاط واجب (فاضل، تبریزی: احتیاط واجب آن است) کسی را که می تواند به عربی صحیح بخواند وکیل کنند و اگر ممکن نباشد خودشان می توانند به غیرعربی بخوانند... سیستانی: اول: آن که بنابر احتیاط واجب به عربی خوانده شود و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی بخوانند می توانند به غیرعربی بخوانند و لازم نیست وکیل بگیرند...

۵- (۵) گلپایگانی، صافی: اگر وکیل مرد و وکیل زن صیغه را می خوانند به گفتن «زَوَّجْتُ الخ وَقَبِلْتُ»...

۶- (۶) فاضل: صیغه عقد...

۷- (۷) اراکی: کسی که صیغه را می خواند عاقل باشد... گلپایگانی، صافی: کسی که صیغه را می خواند عاقل و بنابر احتیاط لازم بالغ باشد...

بخواند یا از طرف دیگری وکیل شده باشد(۱).

چهارم: اگر وکیل زن و شوهر یا ولی آنها صیغه را می خوانند،

در عقد، زن و شوهر را معین کنند مثلاً اسم آنها را ببرند یا به آنها اشاره نمایند. پس کسی که چند دختر دارد، اگر به مردی بگوید «زَوْجَتُكَ إِخْرَدِي بِنَاتِي» (یعنی زن تو نمودم یکی از دخترانم را) و او بگوید «قَبِلْتُ» یعنی قبول کردم، چون در موقع عقد، دختر را معین نکرده اند عقد باطل است.

پنجم: زن و مرد به ازدواج راضی باشند(۲)، ولی اگر زن ظاهراً به کراهت اذن دهد و معلوم باشد قلباً راضی است عقد صحیح است.* (۳)

ص: ۳۴۱

۱- (۱) سیستانی: سوم: کسی که صیغه را می خواند باید عاقل باشد، و اگر برای خود می خواند باید بالغ نیز باشد، بلکه بنابر احتیاط عقد کودک نابالغ ممیز برای دیگری کافی نیست، و اگر خواند باید طلاق دهند یا دوباره عقد بخوانند...
۲- (۲) سیستانی: ولی اگر ظاهراً کراهت داشته باشند و معلوم باشد قلباً راضی هستند، عقد صحیح است.
۳- (۳) * بهجت: مسأله - بنابر أظهر، ترجمه صیغه عقد به فارسی یا زبان دیگر با وجود قدرت بر عربی کافی است، و احتیاط مستحب عربی بودن صیغه است، و برای کسی که آشنا به معنای عربی صیغه نیست و فقط می داند که صیغه عقد، به این لفظ جاری می شود، احتیاط مستحب این است که هم صیغه عربی و هم ترجمه اش را بخواند، و اکتفا کردن او به عربی خالی از تأمل نیست، و اگر نمی توانند صیغه عربی را بخوانند و یا وکیل بگیرند، قطعاً ترجمه کافی است. کسی که صیغه عقد را می خواند، چه برای خود و چه به عنوان وکیل، بنابر احتیاط واجب، باید بالغ و عاقل باشد و در هنگام خواندن صیغه قصد ایجاد عقد نکاح داشته باشد، و اگر در حال مستی صیغه را بخواند، عقد صحیح نیست. ولی یا وکیل زن یا مرد، که صیغه عقد را می خوانند باید زن و شوهر را به قصد و لفظ معین کنند و در صورتی که زن یا شوهر به لفظ یا قصد معین نشود، چه از روی غفلت باشد یا با قصد خلاف، عقد باطل است. مکارم: مسأله - عقد ازدواج شرایطی دارد از جمله: ۱. احتیاط آن است که صیغه آن به عربی صحیح خوانده شود، ولی در صورتی که مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی بخوانند می توانند به زبان خود بخوانند و گرفتن وکیل برای خواندن صیغه به زبان عربی واجب نیست، ولی باید لفظی بگویند که معنی همان صیغه عربی را بفهماند. ۲. کسی که صیغه را می خواند باید قصد انشاء داشته باشد یعنی قصدشان این باشد که با گفتن این الفاظ همسری در میان آن دو برقرار گردد، زن خود را همسر مرد قرار دهد و مرد این معنی را قبول کند، وکیل نیز باید چنین قصدی را داشته باشد.

مسأله ۲۳۷۶ - دختری که به حد بلوغ رسیده و رشیده است، یعنی مصلحت خود را تشخیص می دهد، اگر بخواهد شوهر کند، چنانچه باکره باشد (۱)، باید (۲) از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد (۳) و اجازه مادر و برادر لازم نیست (۴).

ص: ۳۴۲

۱- (۱) سیستانی: و متصدی امور زندگانی خویش نباشد...

۲- (۲) خوئی، اراکی، فاضل، صافی: بنا بر احتیاط واجب باید... گلپایگانی: بنا بر احتیاط باید... بهجت: بنا بر احتیاط تکلیفاً...

۳- (۳) بهجت: ولی در غیر باکره در صورتی که بکارتش به سبب شوهر کردن از بین رفته باشد، اجازه پدر و جد پدری لازم نیست. [پایان مسأله] سیستانی: بلکه بنا بر احتیاط واجب اگر خود متصدی امور زندگانی خویش باشد نیز باید اجازه بگیرد...

۴- (۴). تبریزی: و پدر نیز می تواند با رعایت مصلحت دختر او را شوهر دهد. مکارم: احتیاط آن است که با اجازه پدر یا جد پدری ازدواج نماید ولی اگر همسر مناسبی برای دختر پیدا شود و پدر مخالفت کند اجازه او شرط نیست. [پایان مسأله]

قرآن کریم.

۱. اخلاق جنسی، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ شانزدهم، تیر ۱۳۸۱.
۲. اذن و آثار حقوقی آن، علیرضا فحیم زاده، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۷۷.
۳. استفتاء، دفتر آیت الله تبریزی. دفتر. « tabrizi.org ».
۴. استفتاء، دفتر آیت الله خامنه ای.
۵. استفتاء، دفتر آیت الله سیستانی. « sistani.org ».
۶. استفتاء، دفتر آیت الله فاضل لنکرانی.
۷. استفتائات، امام خمینی و رساله نوین امام خمینی.
۸. الاشارات والتنبیها، ابوعلی سینا، مع شرح خواجه نصیرالدین طوسی، التحقیق: سلیمان دنیا، موسسه النعمان بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۹. امالی، شیخ صدوق، المكتبه الاسلامیه، قم، الطبعة الرابعه المصححه، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. انتخاب همسر و ازدواج، سید مهدی شمس الدین، شفق، چاپ اول، قم، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. آنچه یک جوان باید بداند، رضا فرهادیان.
۱۲. انس التائین، امام محمد غزالی.
۱۳. اوصاف الاشراف، خواجه نصیرالدین طوسی،
۱۴. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، شهید دکتر سید رضا پاک نژاد، ۱۳۵۰ ش، انتشارات کتابفروشی اسلامی.
۱۵. آیه های زندگی، حسین اسکندری، انتشارات سروش صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۶. بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی، موسسه الوفاء، بیروت، الطبعة الرابعه، ۱۴۰۴ ق.
۱۷. بررسی فقهی حقوق خانواده، سید مصطفی محقق داماد

۱۸. البرهان فی تفسیر القرآن، البحرانی، سید هاشم الحسینی، دار الکتب العلمیه، قم، ۱۳۳۴ ش، پنج جلدی.

۱۹. پرسش ها و پاسخ ها، رساله دانشجویی مطابق با نظریه تن از مراجع عظام، سید مجتبی حسینی، انتشارات دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۴

۲۰. تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی الزبیدی، مکتبه الحیاه، بیروت، بی تا.

ص: ۳۴۳

۲۱. تحریر الوسيله، روح الله الموسوی خمینی، دارالکتب الاسلامیه، قم، دو جلد، ۱۳۹۰ ق.
۲۲. تحف العقول، الحسن بن شبعه الحرانی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران، الطبعة الاولى، ۱۳۷۱ ش.
۲۴. تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، دکتر علی اصغر احمدی.
۲۵. ترجمه نهج البلاغه، ناصر مکارم شیرازی، مطبوعاتی هدف، قم، چاپ نهم، ۱۳۷۲.
۲۶. تعلیقات علی العروه، آیت الله مکارم شیرازی
۲۷. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم بن هاشم القمی، موسسه دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲۸. تفسیر بیضاوی، قاضی بیضاوی
۲۹. تفسیر روح المعانی، فی تفسیر القرآن العظیم والسبع، ابوالفضل شهاب الدین انسیه محمود الالوسی، ۳۰ جلد.
۳۰. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق، ۳۲ جلدی.
۳۱. تفسیر نمونه، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ ش، دارالکتب الاسلامیه، تهران چاپ بیست و ششم (۲۷ ج).
۳۲. تفسیر نور، محسن قرآنتی، انتشارات در راه حق، قم، ۱۳۷۴ ش.
۳۳. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، حقه و علق علیه، سید حسن موسوی الخراسانی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ق.
۳۴. توضیح المسائل، آیت الله بهجت.
۳۵. توضیح المسائل، آیت الله نوری همدانی.
۳۶. توضیح المسائل، آیت الله وحید خراسانی.
۳۷. توضیح المسائل مراجع، جامعه مدرسین.
۳۸. توضیح المسائل، آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
۳۹. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، مکتبه الحیدریه، نجف، ۱۳۸۵ ق.

۴۰. جاذبه و دافعه امام علی علیه السلام، شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران، چاپ سی و سوم، ۱۳۷۹ ش.

۴۱. جامع المسایل، فاضل لنکرانی

۴۲. جامعه شناسی خانواده و ازدواج، اندره میشل، ترجمه فرنگیس اردلان

ص: ۳۴۴

۴۳. جامعه شناسی، آنتونی گیدنز
۴۴. جاهلیت و اسلام، یحیی نوری
۴۵. جمعیت و تنظیم خانواده، حلم سرشت، پرپوش و دل پیشه، اسماعیل
۴۶. جمعیت و تنظیم خانواده، صمد کلانتری
۴۷. جواهر الکلام، الشیخ محمدحسن النجفی، التحقيق: عباس القوجانی، دارالکتب الاسلامیه، آخوندی، الطبعة الثالثة، ۱۳۶۷ ش.
۴۸. الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، صدرالدین محمد شیرازی (ملاصدرا)، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، الرابعه، ۱۴۱۰ ق.
۴۹. حکمت الهی عام و خاص، مهدی الهی قمشه ای، چ ۳.
۵۰. خانواده در گذشته و حال، اندره میشل
۵۱. الخلاف، شیخ طوسی، التحقيق: سیدعلی الخراسانی، سید جواد شهرستانی، محمد مهدی نجف، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، الاولى، ۱۴۱۷ ق.
۵۲. درآمدی بر اندیشه ها و نظریه های جمعیت شناسی، احمد کتابی
۵۳. دعائم الاسلام، نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حیون التمیمی المغزی، التحقيق: آصف بن علی اصغر فیضی، دارالمعارف، ۱۳۸۳ ش.
۵۴. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۵۵. رفتارهای جنسی انسان، علی اسلامی نسب
۵۶. روان شناسی عشق ورزیدن، اینیاس لپ، ترجمه کاظم سامی و محمود ریاحی، انتشارات چاپ پخش.
۵۷. روزنامه کیهان، ش ۱۳۸۹۵، ۱۰ آذر ۸۴.
۵۸. زن در آینه جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی، نشر دارالهدی، چاپ ششم، تابستان ۱۳۸۰، بی جا.
۵۹. سیری در مسائل خانواده، حبیب الله طاهری، چاپ و نشر سازمان تبلیغات، چاپ اول، بهمن ۱۳۷۰، بی جا.

۶۰. شخصیت زن از دیدگاه قرآن، هادی دوست محمدی، چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰، بی جا.

۶۱. شرح لمعه، (الروضه البهیه فی اللمعه الدمشقیه)، شهید ثانی (زین الدین الجبعلی

ص: ۳۴۵

العالمی)، انتشارات داوری، قم، الاولى، ۱۴۱۰ ق.

۶۲. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبه الله، ابن ابی الحدید، تهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش.

۶۳. الصافی، محمد محسن فیض کاشانی، ۱۴۰۲ ق، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعة الثانية، ۵ جلدی.

۶۴. صحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، اسماعیل بن حماد الجوهری، التحقيق: احمد بن عبدالغفار عطار، دارالعلم الملايين بیروت، الرابعه، ۱۴۰۷ ق.

۶۵. صحیفه سجادیه، امام سیدالساجدین و بن العابدین علی بن الحسین علیهما السلام، نشر الهادی، قم، ۱۳۷۶ ش.

۶۶. طب در قرآن، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ترجمه علی چراغی، تهران، انتشارات حفظی، بی تا.

۶۷. العروه الوثقی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، التحقيق والنشر مؤسسه النشر الاسلامی، التابعه لجماعه المدرسین، قم، الاولى، ۱۴۲۰ ق.

۶۸. علل الشرايع، شیخ صدوق ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مکتبه الداوری قم، ۱۳۸۶ ق.

۶۹. علل گرایش به مادی گری، مطهری، شهید مرتضی، انتشارات صدرا، تهران، قم، ۱۳۷۲ ش (جلد اول مجموعه آثار).

۷۰. عوالم العلوم، بحرانی، الشیخ عبدالله، التحقيق والنشر: مدرسه الامام المهدي (عج)، الطبعة الاولى، ۱۴۰۷ ق.

۷۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، الشیخ الصدوق، دارالعالم للنشر (جهان)، ۱۳۷۸ ق.

۷۲. الغدير فی الكتاب والسنة والادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ ق، ۱۱ جلدی.

۷۳. غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد بن محمد التیمی آمدی (گردآورنده)، مکتبه الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۶۶ ش.

۷۴. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ترجمه: علی مؤیدی، نشر معروف، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.

۷۵. فرهنگ سخن (بزرگ)، حسن انوری، انتشارات سخن، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

۷۶. فرهنگ علوم عقلی، سید جعفر سجادی

۷۷. فرهنگ فارسی، محمد معین، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۱ ش.

۷۸. فرهنگ مهرورزی، حسین انصاریان

۷۹. فقه الرضا علیه السلام، علی بن بابویه، التحقيق: موسسه آل البيت: الناشر: المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام، الطبعه الاولى، ۱۴۰۶ ق.

۸۰. فمینیسم جهانی و چالش های پیش رو، عبدالرسول هاجری

۸۱. فهرست موضوعی تفسیر نمونه، احمد علی بابائی و رضا محمدی، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، مدرسه الامام امیرالمومنین علیه السلام، قم، پنجم، ۱۳۷۰ ش.

۸۲. قرآن در آئینه اندیشه ها، جمعی از نویسندگان سازمان تبلیغات اسلامی، نشر سازمان تبلیغات، تهران، آذر ۱۳۶۴.

۸۳. قواعد، الاحکام علامه حلی، التحقيق والنشر: موسسه النشر الاسلامی، قم، الاولى، ۱۴۱۳ ق.

۸۴. کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، بی جا، چ سوم، ۱۳۸۸ ق.

۸۵. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفه، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق.

۸۶. کشف الاسرار و عده الابرار، رشید الدین المیبدی، (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری).

۸۷. کیمیای محبت، لاله ای از ملکوت.

۸۸. لسان العرب، ابن منظور، نشر ادب الحوزه، الاولى، ۱۴۰۵ ق.

۸۹. اللمعه الدمشقیه، محمد بن جمال الدین مکی العاملی (شهید اول)، التحقيق: علی کورانی، دارالفکر، الاولى، ۱۴۱۱ ش.

۹۰. ماهنامه اصلاح و تربیت، ش ۲۹.

۹۱. ماهنامه معارف، شماره ۳۶، خرداد و تیر ۱۳۸۵ ش.

۹۲. مبانی فلسفه عشق از منظر ابن سینا و ملاصدرا، مؤسسه بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۹۳. مبسوط فی فقه الامامیه، شیخ طوسی، صححه وعلق علیه: سید محمدتقی الکشفی، المكتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ق.

۹۴. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانی ۱۳۷۵.

ص: ۳۴۷

۹۵. مجله زن روز، ش ۹۸۵.
۹۶. مجله کتاب زن، ش ۲۶، زمستان ۸۳.
۹۷. مجله کتاب زنان، ش ۲۴، سال ۱۳۸۳.
۹۸. مجله معرفت، ش ۸۷.
۹۹. مجله معرفت، ش ۹۷، سال چهارم.
۱۰۰. مجمع البحرين، فخرالدین طریحی، التحقيق: السيد احمد الحسينی، مكتب نشر الثقافه الاسلاميه، الثانيه، ۱۴۰۸ ق.
۱۰۱. مجمع البيان، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵ ق.
۱۰۲. مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام، دکتر ولی الله نقی پور، مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۰۳. مساله حجاب، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، چاپ پنجاه و دوم، ۱۳۷۹ ش.
۱۰۴. مستدرک وسایل الشیعه و مستنبط المسائل، محدث نوری طبرسی، التحقيق و النشر: موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث الاولى، ۱۴۰۸ ق.
۱۰۵. مسند احمد، احمد بن حنبل، دار صادر، بیروت، بی تا.
۱۰۶. مصباح المنیر، فیومی، دارالهجره، قم، ۱۴۰۵ ق.
۱۰۷. معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، حسن صادقی، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۰۸. مفاتیح الجنان، محدث قمی (شیخ عباس قمی)، انتشارات قدیانی، تهران.
۱۰۹. المفردات فی غریب القرآن، الراغب الاصفهانی، تهران، المكتبة المرتضویه، ۱۳۳۲ ش.
۱۱۰. مقائیس اللغه، ابوالحسنین احمد بن فارس بن زکریا، تحقیق و ضبط: عبدالسلام محمد هارون، مرکز النشر مكتب الاعلام الاسلامی، ۴۰۴ ق.
۱۱۱. المقنعه، شیخ مفید، التحقيق والنشر: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، قم، الثانيه، ۱۴۱۰ ق.
۱۱۲. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، التحقيق: علی اکبر غفاری، جامعه المدرسین، الثانيه، ۱۴۰۴ ق.

۱۱۳. منزلت زن در اندیشه اسلامی، محمد فنائی اشکوری، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، بهار ۱۳۷۷، قم.
۱۱۴. منهاج الصالحین، آیت الله تبریزی
۱۱۵. منهاج الصالحین، آیت الله وحید خراسانی
۱۱۶. منهاج الصالحین، آیت الله سید علی سیستانی، النشر: مکتب آیت الله العظمی سید علی الحسینی السیستانی، قم، الاولی، ۱۴۱۶ ق.
۱۱۷. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ق، ۲۰ جلدی.
۱۱۸. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ش.
۱۱۹. نظام بین الملل حقوق بشر، حسین مهرپور
۱۲۰. نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، صدرا، چاپ سیزدهم، زمستان ۱۳۶۸، قم.
۱۲۱. نقد کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، خانم علاسوند
۱۲۲. نگرشی نو بر ازدواج موقت، سید محمد حسین سجادی، چاپ اول، قم، ۱۳۷۵.
۱۲۳. النهایه فی غریب الحدیث، ابن اثیر، التحقیق: طاهر احمد الزاوی، محمود محمد الطناحی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، الرابعه، ۱۳۶۴ ش.
۱۲۴. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، نوبت چهاردهم، ۱۳۷۸ ش.
۱۲۵. نورالثقلین، عبدعلی بن جمعه حویزی عروسی، قم، المطبعه العلمیه، الطبعة الثانیه، ۱۳۸۳ ق، پنج جلدی.
۱۲۶. هنر عشق ورزیدن، اریک فروم
۱۲۷. ورزش و تربیت بدنی در جمهوری اسلامی، اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۰.
۱۲۸. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن حرّ عاملی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۱ ق.
۱۲۹. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم.

لیست آثار انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

۱۷-۱. پرسش های قرآنی جوانان ج ۱-۱۷، محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۱۸. فلسفه احکام (۲) حکمت ها و اسرار نماز، احمد اهتمام

۱۹. آموزه های عاشورا، محمدعلی رضایی اصفهانی

۲۰. تفسیر قرآن مهر، سوره یوسف علیه السلام، محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۲۱. تفسیر قرآن مهر، سوره توبه، محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۲۲-۴۳. تفسیر قرآن مهر (ج ۱-۲۲)، محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۴۴. مراحل انس با قرآن - دکتر محمد فاکر میدی

۴۵-۴۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (جلد ۱ و ۲)، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

۴۷. مستشرقان و تاریخگذاری قرآن، دکتر محمدجواد اسکندرلو

۴۸. قرآن و هنر، دکتر علی نصیری

۴۹. قرآن و بهداشت روان، دکتر احمد صادقیان

۵۰. اعجازها و شگفتی های علمی قرآن - محمدعلی رضایی اصفهانی و محسن ملاکاظمی

۵۱. قرآن و ریاضیات، سید مرتضی علوی

۵۲. پژوهشی در روایات تفسیری امام باقر و امام صادق (علیه السلام)، دکتر لاله افتخاری.

۵۳. قرآن و کیهان شناسی، سید عیسی مسترحمی.

۵۴. پژوهشی تطبیقی در بطون قرآن، سید حیدر طباطبایی.

۵۵. شگفتی های پزشکی در قرآن، حسن رضا رضایی.

۵۶. انس با قرآن، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.

۵۷. مدیریت علوی (حکمت ها و آموزه های مدیریتی عهدنامه مالک اشتر)، حسن علی اکبری.

۵۸-۶۶. مجله تخصصی قرآن و علم (۱-۹).

۶۷-۷۷. مجله تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان (۱-۱۱).

۷۸. شگفتی های پزشکی در نهج البلاغه، حسن رضا رضایی.

۷۹. تعارضات عقاید وهابیت با قرآن، ابوالمصطفی.

۸۰. سیمای سوره های قرآن، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.

۸۱. فلسفه احکام (۱) حکمت ها و اسرار احکام بهداشتی اسلام - احمد اهتمام

۸۲. ترجمه آموزشی قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه.

۸۳. تفسیر قرآن مجید، (خلاصه تفسیر مهر تک جلدی) دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.

ب. کتاب های در دست انتشار:

۱. پرسش های قرآنی جوانان (۲۱) «شبهات (۲): قرآن شناسی، خداشناسی و معادشناسی» - دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۲. پرسش های قرآنی جوانان (۲۲) «شبهات (۳): تربیت و تاریخ» - دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۳. پرسش های قرآنی جوانان (۲۳) «شبهات (۴): کیهان شناسی و پزشکی» - دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۴. پرسش های قرآنی جوانان (۲۴) «تعارضات وهابیت، یهود و مسیحیت» - دکتر محمد علی

ص: ۳۵۰

رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۵. فلسفه احکام (۳)، خداشناسی از راه کیهان شناسی - احمد اهتمام.

۶. ترجمه تفسیری قرآن - دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه.

۷. قرآن و مدیریت، محسن ملاکاظمی.

۸. تفسیر آیات حج، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

۹. تفسیر آیات الحسین علیه السلام، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

۱۰. دانشنامه میان رشته ای قرآن و علوم، (ج ۱-۶) جمعی از پژوهشگران

راه های تهیه کتاب های انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

الف. خرید حضوری:

به مراکز پخش که در ذیل به آن ها اشاره می شود:

۱. پخش مرکزی: قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن: قم، خیابان سمیه، خیابان شهید رجایی، کوچه ۴، پلاک ۷۷،

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۴۰۹۴

۲. آذربایجان شرقی، کتاب فروشی اهل بیت علیهم السلام: تبریز، شهرستان مرند، خیابان پروین اعتصامی روبه روی بانک

صادرات، پلاک ۳۴، کتابفروشی اهل بیت علیهم السلام ۲۲۵۷۴۴۷-۰۴۹۱.

۳. آذربایجان شرقی، کتاب فروشی شهید شفیع زاده: تبریز، خیابان امام خمینی قدس سره نرسیده به میدان ساعت، روبه روی

خیابان تربیت، ۰۴۱۱-۵۵۶۳۴۶۷۰.

۴. آذربایجان غربی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام صادق ۷: آذربایجان غربی، ارومیه، جاده سلماس، پشت ماکارونی چی

چست، کوچه نانوايي، ۰۹۱۴۳۸۸۷۶۶۹.

۵. اردبیل، نمایشگاه دائمی ولایت: اردبیل، مابین عالی قاپو و باغیشه، روبروی دبیرستان بهار، ۰۴۵۱-۲۲۵۳۸۰۰.

۶. اصفهان، انتشارات انصار الامام المنتظر: اصفهان، نجف آباد، خیابان منتظری شمالی، جنب حوزه علمیه امام المنتظر،

نمایشگاه و فروشگاه، انتشارات انصار الامام المنتظر، ۰۳۳۱-۲۵۱۲۶۰۰.

۷. اصفهان، انتشارات قانون مدار: کاشان، میدان امام خمینی، ابتدای خیابان ابوذر ۲، جنب بیمه البرز مرکزی، پلاک ۳۲،

۸. اصفهان، فروشگاه کتاب شهر ایران: اصفهان، شهر رضا، خیابان شهید بهشتی، مجتمع علی ابن ابیطالب، فروشگاه کتاب شهر ایران، ۲۲۳۹۶۹۳-۰۳۲۱.

۹. اصفهان، کتابسرای حکمت: اصفهان، چهارباغ پایین، روبه روی اداره کل تربیت بدنی، جنب بانک صادرات، ۲۲۴۰۶۰۸-۰۳۱۱.

۱۰. اصفهان، کتاب فروشی اندیشه: اصفهان، خیابان شهرداری، اول خیابان ابوذر، روبه روی بازار حمام قدیم، کتاب فروشی اندیشه اصفهان، ۰۹۱۳۹۹۹۲۵۹۰.

۱۱. افغانستان، کتاب فروشی مدرسه رسالت: افغانستان، کابل، پل سرخ، قلعه وزیر، مدرسه رسالت، ۰۰۹۳۷۷۷۵۵۶۵۵۷-۰۹۱۲۵۵۱۸۵۸۰-۰۰۹۳۷۹۹۵۵۶۵۵۷

۱۲. ایلام، مؤسسه فرهنگی غدیرخم ایلام: ایلام، خیابان فردوسی، بالاتر از تعاونی ۱۵، ۰۸۴۱-۳۳۳۲۸۸۸.

۱۳. تهران، پکتا: تهران، خیابان حافظ، نرسیده به چهار راه کالج، نبش کوچه بامشاد، پلاک ۵۲۵، تلفن: ۵-۸۸۹۴۰۳۰۳-۰۲۱.
۱۴. تهران، فروشگاه آستان قدس رضوی - به نشر: تهران، خیابان انقلاب، مقابل درب اصلی دانشگاه تهران، فروشگاه آستان قدس رضوی به نشر، ۸۸۹۶۰۴۶۶-۶۶۴۶۵۷۳۵-۰۲۱.
۱۵. تهران، کتاب و محصولات فرهنگی صوت العظیم: تهران، شهر ری، میدان شهید مدرس، جنب حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم، ۵۱۲۲۳۳۸۱-۰۲۱.
۱۶. خراسان جنوبی، نمایشگاه دائمی کتاب: خراسان جنوبی، بیرجند، میدان شهداء، نبش حکیم نزاری ۱، ۲۲۲۴۴۹۵-۰۵۶۱.
۱۷. خراسان رضوی، انتشارات به نشر: مشهد، میدان بیمارستان امام رضا (علیه السلام)، ابتدای خیابان رازی، انتشارات آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، تلفن: ۳۷-۸۵۱۱۱۳۶-۰۵۱۱.
۱۸. خراسان رضوی، انتشارات دیانت: خراسان رضوی، مشهد، چهار راه شهداء، کوچه آیت الله بهجت رحمه الله، مجتمع گنجینه کتاب، طبقه منهای یک، پلاک ۶۰۴، ۲۲۲۶۸۹۷-۰۵۱۱.
۱۹. خوزستان، مؤسسه قرآنی بصیرت: خوزستان، شهرستان آبادان، ایستگاه ذوالفقاری، ۴۰ متری، روبه روی جایگاه گاز، ۴۴۵۶۰۶ و ۴۴۵۱۴۵۰-۰۶۳۱.
۲۰. شیراز، کتابفروشی موعود: استان فارس، شیراز، خیابان زند، جنب هلال احمر، ساختمان مرکزی علوم پزشکی شیراز، کتابفروشی موعود، ۲۱۲۲۰۵۸-۰۷۱۱.
۲۱. فارس، کتاب سرای قائم شیراز: شیراز، میدان دانشجو، جنب خوابگاه قدس، کتابسرای قائم، ۶۲۹۴۱۱۱-۰۷۱۱.
۲۲. قزوین، کتاب شهر ایران: قزوین، خیابان فلسطین، چهار راه عمران، فروشگاه کتاب شهر ایران، ۳۳۵۷۵۳۴-۰۲۸۱.
۲۳. قم، انتشارات المصطفی: قم، خیابان حجتیه، روبروی درب مدرسه حجتیه، جنب بنیاد نهج البلاغه، تلفن: ۷۷۳۰۵۱۷-۰۲۵۱.
۲۴. قم، انتشارات زمزم هدایت: قم، میدان دورشهر (جانبازان)، خیابان شهید فاطمی، نبش کوچه ۳، تلفن: ۷۷۳۰۷۳۵-۰۲۵۱.
۲۵. قم، انتشارات نسیم حیات: قم، بلوار سمیه، میدان معلم، خیابان شهیدین، جنب مدرسه علمیه شهیدین، ۷۷۴۹۷۵۰-۰۲۵۱.
۲۶. قم، کتاب فروشی مجتمع آموزش عالی امام خمینی: قم، خیابان ۱۹ دی (باجک) میدان جهاد، کتابفروشی مجتمع آموزش عالی امام خمینی، ۷۱۱۰۵۹۹-۰۲۵۱.
۲۷. لرستان، کتاب شهر ایران: لرستان، خرم آباد، خیابان آیت الله کمال وند، جنب سینما استقلال، ۲۲۳۲۷۸۰-۰۶۶۱.
۲۸. مازندران، کتاب فروشی نوشت افزار دانش: شهرستان جویبار، خیابان امام، روبروی کفش ملی، ۳۲۲۵۶۲۴-۰۱۲۴.

۲۹. مازندران، محصولات فرهنگی حاج بصیر: مازندران، شهرستان بابل، جنب مسجد جامع، سازمان تبلیغات اسلامی شهرستان بابل، مرکز فرهنگی شهید حاج بصیر، ۲۲۹۸۱۵۵-۰۱۱۱.

۳۰. مرکزی، کتابفروشی سادات: استان مرکزی، اراک، خیابان پاسداران، بعد از چهارسو، روبروی کامپیوتر مرکزی، کتابفروشی سادات، ۲۲۲۷۳۹۱-۰۸۶۱.

۳۱. همدان، کتابفروشی منتظران نور: همدان، خیابان شهدا، کوچه آخوند، کتابفروشی منتظران نور، ۲۵۱۷۴۰۵-۰۸۱۱.

۳۲. یزد، کتاب فروشی نیکو روش: یزد، خیابان امام خمینی قدس سره، کتابفروشی نیکو روش، ۶۲۶۴۶۹۹-۰۳۵۱.

ص: ۳۵۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

